





فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌دهنده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی

شهر ایرانی اسلام

فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌دهنده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده هنر و معماری

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه حرم‌مکان

زمینه انتشار: معماری و شهرسازی

دوره: سال نهم، شماره سی و پنجم، بهار ۱۳۹۸

صاحب امتیاز و ناشر: پژوهش‌دهنده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی

مدیر مسئول: دکتر ایرج فیضی

سرمدیر: دکتر احمد پوراحمد

معاون سردبیر: دکتر حسین کلانتری خلیل آباد

مدیر داخلی: مهندس مسعود دادگر

امور اجرایی: مهندس منصور ندری

ویراستار علمی - ادبی: سپیده سیدفرجی

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

● دکتر مجتبی انصاری

● دکتر مصطفی بهزادفر

● دکتر جهان‌شاه پاکزاد

● دکتر بهنام جلالی

● دکتر کرامت‌اله زیاری

● دکتر محسن سرتیپی پور

● دکتر حسین کلانتری خلیل آباد

● دکتر یعقوب محمدی فر

● دکتر محمد مسعود

● دکتر احمد نوحه گر

دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت

استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

استادیار دانشکده هنر، دانشگاه علم و فرهنگ

استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

استاد جهاد دانشگاهی، گروه معماری و منظر

استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

استاد دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

چاپ: مؤسسه دیجیتال پایتخت



نشانی دفتر نشریه: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین چهارراه ولی عصر (عج) و خیابان فلسطین، ابتدای خیابان شهید برادران مظفر جنوبی،

پژوهش‌دهنده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی شماره تماس: ۲-۶۶۹۷۰۹۰۱-۶۶۹۷۰۹۰۳ نمابر: ۶۶۹۷۰۹۰۳

نشانی اینترنتی: iic@icas.ir

پایگاه اینترنتی: <http://iic.icas.ir>



فهرست مطالب

- ۵ ارزیابی مسکن معاصر در ایران با معیارهای اسلامی ایرانی مهرناز رمضانپور، علی شرقی، جمال‌الدین مهدی‌نژاد
- ۱۹ تحلیل شاخص‌های ارزیابی پیاده‌راه‌های مذهبی حرم حضرت معصومه (س) محمد کمیلی
- ۳۳ تدقیق نماگرهای مسکن شایسته از دیدگاه مکتب اسلام مسلم ضرغام فرد، ابوالفضل مشکینی، احمد پوراحمد، بنیامینو مورگانتی
- ۴۷ امکان سنجی ارتقاء پیاده‌مداری با رویکرد سرزندگی در فضاهای شهری (مطالعه موردی: طراحی خیابان امام خمینی (ره) سنندج) صبا جهانگیر، حمیدرضا صارمی، حسین کلانتری خلیل‌آباد
- ۶۵ بررسی و تحلیل مولفه‌های موثر بر ادراک مفهوم محله به مثابه مکان سکونت (بر پایه دیدگاه آرمان‌گرایان مدینه فاضله اسلامی) غلامرضا حقیقت‌نابینی، محمد شیخی، مرتضی محمودی مهماندوست
- ۷۹ نقش عوامل موثر گردشگری فرهنگی در توسعه کارآفرینی شهر میراث جهانی یزد مهدی باصولی، سید سعید هاشمی، محمدحسین ایمانی خوشخو، سید حبیب‌الله میرغفوری



داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

- | | |
|---|-------------------------------|
| عضو هیأت علمی دانشگاه کردستان | • دکتر کیومرث ایران‌دوست |
| عضو هیأت علمی جهاددانشگاهی | • دکتر حمیدرضا بابایی |
| عضو هیأت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران | • دکتر مهدی حمزه‌نژاد |
| عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب | • دکتر فریبرز دولت‌آبادی |
| عضو هیأت علمی دانشگاه یزد | • دکتر محمدرضا رضایی |
| عضو هیأت علمی دانشگاه حکیم سبزواری | • دکتر هادی سلطانی‌فرد |
| عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس | • دکتر سیدعلی صفوی |
| عضو هیأت علمی جهاددانشگاهی | • دکتر حسین کلانتری خلیل‌آباد |
| عضو هیأت علمی دانشگاه تهران | • دکتر امین فرجی |
| عضو هیأت علمی دانشگاه ارومیه | • دکتر میرنجم موسوی |
| عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس | • دکتر محمدجواد مهدوی‌نژاد |
| عضو هیأت علمی دانشگاه یزد | • دکتر محمدرضا رضایی |
| عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران | • دکتر محمد نقی زاده |

- درجه علمی پژوهشی فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی طی نامه شماره ۸۹/۳/۱۱/۵۱۶۶۷ مورخ ۸۹/۸/۳۰ دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) ابلاغ گردیده است.

- پروانه انتشار این مجله به شماره ۱۲۶۲۹/۸۹ مورخ ۸۹/۶/۱۳ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

- فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی <http://www.srlst.com> و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) به نشانی www.sid.ir نمایه می‌شود.

ارزیابی مسکن معاصر در ایران با معیارهای اسلامی ایرانی

مهرناز رمضانپور^۱، علی شرقی^{۲*} (نویسنده مسئول)، جمال الدین مهدی نژاد^۳

^۱ پژوهشگر دکتری معماری دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

^۲ استادیار دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

^۳ دانشیار دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۱۳

چکیده

هر جامعه‌ای فرهنگ و جهان بینی ویژه‌ای دارد که تبیین کننده آرمان‌هایش است. در ساخت مسکن گذشته ایران، جهان بینی اسلامی به عنوان منبعی غنی، نقش اساسی ایفا می‌کرده، اما امروزه مورد بی توجهی واقع شده است. با وجود پیدایش معماری مدرن و از بین رفتن هویت، اصول‌شناسی یکی از موضوعات مهمی است که سعی در شناخت روش‌های کاربردی برای دستیابی به اصول گذشته و استفاده از آنها در معماری امروز به شکل نوین دارد. پژوهش حاضر با شناخت حساسیت موضوع مسکن و تنزل کیفی مسکن معاصر، ضرورت پرداخت در این زمینه را با تکیه بر ارزش‌های اصیل میسر دانسته و در این راه از اصول مطرح در معماری مسکن ایرانی-اسلامی بهره می‌گیرد. در این پژوهش کاربردی، روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با استفاده از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای به کار گرفته شده است. در مرحله اول از طریق تحلیل محتوای کیفی و کمی پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با اصول مسکن سنتی ایران، این اصول استخراج و اولویت بندی شد. در مرحله بعد، معیارهای مسکن از دیدگاه اسلام از طریق آیات و احادیث به دست آمد و به منظور قیاس و تطبیق با اصول مرحله اول و اولویت بندی نهایی آنها، به کار گرفته شد. در مرحله پایانی، اصول معماری مسکن مبتنی بر ارزش‌های ایرانی-اسلامی، با استفاده از استدلال منطقی، تدوین و معاصر سازی شد تا در برنامه ریزی‌های مسکن کنونی مورد استناد و استفاده قرار گیرد. در نتیجه این پژوهش، اصول معماری مسکن ایرانی-اسلامی معاصر عبارت‌اند از: (۱) بعد محیطی: طبیعت گرایی، همسویی با بستر، تنظیم شرایط محیطی با توجه به اقلیم و بوم، اعتدال (۲) بعد انسانی: آسایش روحی، آسایش زیستی (۳) بعد کالبدی و عملکردی: بهره‌گیری از هندسه و مدول، بهره‌گیری از عناصر آشنا و مطلوبیت ظاهری، آسایش بصری، تعاون.

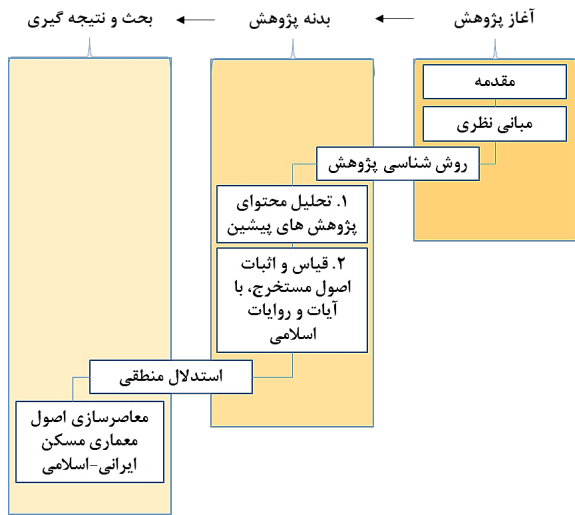
واژگان کلیدی: مسکن ایرانی، مسکن اسلامی، اصول معماری ایرانی-اسلامی، معاصر سازی.

مقدمه

معماری گذشته ایران که همواره با تکیه بر خلاقیت و خصایص پایدار از جایگاهی ویژه برخوردار بود، در عصر حاضر در اثر مواجهه با پدیده‌های گوناگون نظیر سیاست‌های موجود و نیز دل‌باختگی به مظاهر تمدن غربی از حقیقت فاصله گرفته و صورتی تصنعی و تنزلی پیدا نموده است. یکی از دلایل سردرگم بودن معماری امروز ایران دریافتن هویت خود، روشن نبودن اندیشه پشت این معماری است (دریای لعل و حوصله دار، ۱۳۸۹). اگر اندیشه روشنی برای امروز ما وجود داشته باشد، شاید معماری راحت تر بتواند هویت خود را بازیابد. در معماری سنتی ایران، «خانه» یکی از مباحث مهم است که از آغاز تولد تا پایان زندگی، تمام خاطرات آدمی در آن شکل می‌گیرد (پالاسما، ۱۳۸۹) و به گونه‌ای است که نیازهای مادی و معنوی انسان را برطرف سازد. با گذشت زمان، گسست فرهنگی و بحران هویت، در کالبد خانه‌ها و سیمای شهرهای ایرانی پدیدار گشت، به طوری که دیگر نمی‌توان رابطه‌ای منطقی بین معماری معاصر و معماری غنی و پر محتوای گذشته این سرزمین یافت. هر ناحیه مسکونی باید با توجه به ساختارهای گوناگون خانوادگی و نیازهای مکانی و اجتماعی مختلف ساخته شده و با داشتن ویژگی‌های فضایی و اجتماعی خاص خود، محیطی منحصر به فرد را ارائه نماید (آصفی و ایمانی، ۱۳۹۱). از این رو برای کسب مطلوبیت در حوزه مسکن، باید اصول کیفی برگرفته از ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، بومی و ... یک منطقه مورد توجه قرار گیرند تا با اعتقادات و روش زندگی مردمان آن سازگار باشد. از طرفی هنگامی که مسکن مطلوب به عنوان موضوعی در پاسخگویی به ایجاد محیط مناسب زندگی یک جامعه مدنظر قرار می‌گیرد، در جهت ارزیابی اثرات و پیامدهای مثبت و منفی آن و در ارزیابی نقش آن در هدایت انسان به سمت آرمان‌های حیاتش، تبیین اصولی ضرورت دارد که از یک سرچشمه اصیل منبعث شده باشند که در جامعه ایرانی، اصل و منشأ همان دین جامع و الهی اسلام و فرهنگ غنی ایرانی است.

تقریباً هیچ هنرمند مسلمانی از میراث پیشینیان بی بهره نمانده است و اگر او الگوهایی را که سنت در اختیارش قرار می‌دهد نادیده بگیرد، خودبه‌خود بی‌خبری و جهل خویش را نسبت به معنای باطنی و ارزش معنوی آنها به اثبات رسانده است و با این بی‌خبری، نمی‌تواند روحش را در آن فرم‌ها و قالب‌ها متجلی سازد (نقی‌زاده، ۱۳۸۷). در گذشته معماران، مسکن را فضایی برای آرامش ساکنان و پاسخگویی به نیازهای فیزیولوژیک و روحی آنها تلقی کرده و برای تحقق آن از اصول الهی بهره می‌گرفتند. در قرآن مناسب‌ترین سکونتگاه برای انسان مکانی است که با نیازهای وجودی انسان سازگاری داشته و زمینه را برای دستیابی به رشد و تعالی فرد فراهم آورد. خداوند می‌فرماید شریط فراهم آمدن آرامش در این سکونتگاه، قرارگرفتن در مسیر فیض الهی

است (بقره، آیه ۳۵ به نقل از وثیق و پشتونی زاده، ۱۳۸۹). یوسف القرضاوی، اندیشمند اسلامی، خانه را این گونه تعریف می‌کند: «مکانی که در آن فرد ضمن حفاظت از خود در برابر عوامل آب و هوایی می‌تواند از فشارها و محدودیت‌های جامعه به دور باشد. خانه مکانی است برای استراحت آدمی و آرامش ذهن» (مرتضی، ۱۳۸۷). این تعریف پایه و اساس قرآنی نیز دارد: «خداوند برای شما خانه‌هایتان را جایگاه آرامش و سکونت قرار داده است» (آیه ۸۰ سوره نحل). این در حالی است که عوامل یاد شده در مسکن معاصر به فراموشی سپرده شده و نیاز به کشف راه حلی برای کیفیت بخشی به خانه امروز احساس می‌شود تا روح زندگی در این مسکن احیا شود. به منظور شناخت اصول معماری مسکن اسلامی، منابع ارزشمندی چون قرآن کریم و احادیث ذکر شده در نهج البلاغه، بحارالانوار و اصول کافی و تفاسیر مرتبط با آنها وجود دارد؛ برای آشنایی با اصول مسکن سنتی ایران نیز تاکنون منابع متعدد پژوهشی منتشر شده‌اند. از جمله می‌توان به کتاب شاخص‌های معماری و شهرسازی اسلامی اشاره کرد (قربانی، ۱۳۹۱). هشام مرتضی این اصول را در چهار بخش «جامعه، محله، خانواده و فرد» بیان و بر کیفیت اجتماعی این اصول تأکید می‌کند (مرتضی، ۱۳۸۷). پژوهش‌های محمد نقی زاده در حوزه مبانی مسکن اسلامی ایران و شهر و معماری اسلامی قابل توجه است (نقی‌زاده، ۱۳۹۱؛ نقی‌زاده، ۱۳۸۷). بسیم سلیم حکیم، الگوی مسکن اسلامی را خانه پیامبر دانسته و اصول اسلامی رعایت شده در آن را حریم، وابستگی متقابل با طبیعت و باطن در مقابل ظاهر معرفی کرده است (بسیم سلیم حکیم، ۱۳۸۱). در اکثر پژوهش‌های از این دست، اصول معماری مسکن سنتی ایران و اصول مستخرج از آیات و احادیث دین اسلام به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته و در برخی پژوهش‌ها، توجه به هر دو بعد تاریخی و دینی مسکن سنتی بدون دسته‌بندی و اولویت‌بندی فاکتورها صورت گرفته است. از طرف دیگر تجمیع اصول مستخرج از این دو منبع ارزشمند، با توجه به نیازهای روز مسکن، به صورت نظری و استدلالی، معاصرسازی نشده‌اند. اهمیت و ضرورت این پژوهش آن است که با وجود پیدایش معماری مدرن و از بین رفتن هویت در ساخت و سازهای جدید و تنزل کیفی معماری مسکن ایرانی در مقابل فزونی کمی آن، لازم است تا برای خانه معاصر ایرانی که اکثریت ساکنان آن مسلمان هستند، اصولی تدوین شود که بتواند در آن بیاسایند. شکلی که مسکن معاصر به خود گرفته به نظر می‌رسد که از نظر جامعه‌شناسی تاریخی، ماهیتی ضدتاریخی-ضد ارزشی دارد (کارشناس، ۱۳۷۶). در این راستا بهره‌گیری از منبعی والا و الهی ضرورت دارد که دو منبع تاریخی و اسلامی است که به بهترین صورت توجیه‌کننده علل جاودانگی و مطلوبیت مسکن گذشته ایران است. بنابراین این پژوهش ابتدا با نگاهی توصیفی-تحلیلی مروری



شکل شماره ۲: چارچوب نظری پژوهش

مراحل انجام پژوهش

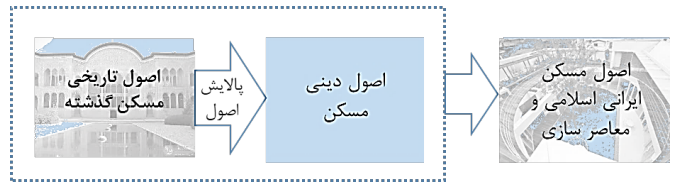
در این بخش، ابتدا اصول اسلامی مسکن با استفاده از مثال هایی در معماری گذشته مورد بررسی قرار می گیرد؛ چراکه این اصول مربوط به جهان بینی بوده و در هر شرایط و زمانی می توانند با تفسیر مناسبی مورد استناد قرار گیرند. سپس به کشف اصول مسکن ایرانی از طریق تحلیل محتوای پژوهش ها پرداخته می شود.

اصول مسکن از دیدگاه الهی مبتنی بر رهنمودهای قرآن کریم و احادیث

دین و شریعت اسلامی از طریق منابع خود، اصول ویژه ای را در حوزه مسکن به منظور حفظ ارزش های انسانی و تعالی او تدوین کرده است (اخوت، ۱۳۹۴؛ نقی زاده، ۱۳۹۱). با مطالعه و بررسی دقیق آیات قرآن و احادیث می توان این اصول را به منظور طراحی مسکن اسلامی استخراج کرد که همواره در طول تاریخ به عنوان راهنمای معماران مسلمان و یک شیوه زندگی اسلامی مطرح می گردد. اسلام خواستار توجه به انسان، طهارت و تعامل با طبیعت، پرهیز از تشخص کالبدی، هندسه و تناسبات، آراستگی و زیبایی، حفظ حریم و محرمیت، مهمان پذیری و میانه روی است (جدول ۱)، که هر یک با مراجعه به آیات و احادیث شرح داده شده است.

توجه به انسان: آیات ۳۴ و ۳۰ بقره که به مقام خلیفه الهی انسان و مسجود ملائک بودن اشاره دارند؛ آیه ۳۰ و زمانی که خداوند به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت. آیه ۳۴ و هنگامی که به فرشتگان گفتیم بر آدم سجده کنید، پس بجز ابلیس - که سر باز زد و تکبر ورزید و از کافران بود- [همه] سجده کردند. آیه ۷۰ اسراء: همانا فرزندان آدم را گرمای داشتیم و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکب ها) حمل کردیم و از چیزهای پاکیزه روزیشان دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریده های خود برتری کامل دادیم. آیه ۷۲ احزاب: همانا ما امانت (الهی) را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم، پس، از حمل آن سر باز زدند و از آن ترسیدند، ولی انسان

خواهد داشت بر مباحث کلیدی مطرح و مرتبط با زمینه اصول شناسی در معماری ایرانی-اسلامی که شامل دو بخش است: بخش اول مربوط به تحلیل محتوای کیفی اصول معماری مسکن تاریخی ایران از دیدگاه پژوهشگران در چهار بعد و علاوه بر آن اولویت بندی این ابعاد و معیارها از طریق تحلیل محتوای کمی است که در پژوهش های پیشین بدان پرداخته نشده بود. در بخش دوم این ابعاد و معیارها از طریق مقایسه با اصول مسکن مستخرج از آیات و احادیث، مورد بازبینی و پالایش قرار گرفته و به ترتیب اهمیت، طبقه بندی جدید می یابند. این روند تطبیق سازی، بخشی از دستاوردهای این پژوهش است. در نهایت این اصول، معاصر سازی شده و راهکارهای مربوط به هر یک به منظور کاربرد در طراحی مسکن کنونی ارائه می شود (شکل ۱). لذا هدف کلی این پژوهش شناسایی جنبه های مختلف مسکن ایرانی-اسلامی به منظور ارائه راهکارهایی برای ساماندهی و ارتقاء کیفی مسکن معاصر و محیط آن است. در راستای این هدف سوالات این گونه مطرح می شوند: اصول معماری مسکن سنتی ایران کدام است؟ اصول معماری مسکن از دیدگاه دین اسلام کدام است؟ با توجه به این اصول، مسکن مطلوب معاصر چگونه باید باشد؟



شکل شماره ۱: عوامل مؤثر بر شکل گیری خانه ارزشمند ایرانی-اسلامی

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی و روش انجام آن کیفی-کمی است. چارچوب نظری با استفاده از روش مطالعه اسنادی و مرور نوشتارهای تخصصی مربوط به مسکن و مبحث کیفیت و مطلوبیت آن از منظر ایرانی و اسلامی تعیین شد. ابتدا از طریق تحلیل محتوای کیفی و کمی پژوهش های صورت گرفته (نظر کارشناسان) در ارتباط با معیارهای مسکن سنتی ایران، این اصول استخراج و اولویت بندی شد. جامعه آماری این بخش، مقالات مرتبط، طی ۱۰ سال گذشته (از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶) است که در نشریات علمی پژوهشی و علمی تخصصی داخلی ارائه گردیده اند. در مرحله بعد، معیارهای مسکن از دیدگاه اسلام، که از آیات و احادیث به دست آمده، برای قیاس با اصول مرحله اول و اولویت بندی نهایی آنها، بررسی شد. در تحلیل های قرآنی و احادیث به فراوانی عبارات مرتبط با اصول خانه توجه شد. در نهایت با جمع بندی این دو بخش، با استفاده از روش استدلال منطقی، اصول معماری مسکن معاصر مبتنی بر ارزش های ایرانی-اسلامی به شکلی نوین، برای دستیابی به مسکن مطلوب و ارزشمند تبیین و دسته بندی شد (شکل ۲).

آن را بر دوش گرفت. این یک اصل اساسی است که در تمرکز بر جنبه مادی، حیات و انسان را در وادی مادیت متوقف خواهند نمود (جوادی آملی، ۱۳۶۶، ج ۵). پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «هیچ چیز نزد خدا گرامی تر از فرزند آدم نیست و هیچ چیز برتر از هزار تا مثل خود نیست، مگر انسان». (شکل ۳)

طهارت و تعامل با طبیعت: توجه به عناصر طبیعی و ایجاد ارتباط مناسب انسان با آنها از اصولی است که دین اسلام بسیار بدان اشاره کرده است. آیه ۶۳ حج: آیا ندیده‌ای که خدا از آسمان، آبی فرو فرستاد و زمین سرسبز گردید؟ آری خداست که دقیق و آگاه است. حضرت علی می فرمایند: «خدایی که ابرهای سنگین را ایجاد و باران های پی در پی را فرستاد، و سهم باران هر جایی را معین فرمود، زمین های خشک را آبیاری کرد، و گیاهان را پس از خشکسالی رویاند» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ۳۵۶). آیه ۱۵ سبأ اشاره دارد که: قطعاً برای [مردم] سبأ در محل سکونتشان نشانه [رحمتی] بود، دو باغستان از راست و چپ. امام صادق (ع) می فرمایند: «شادابی در ده چیز است: پیاده روی، (اسب) سواری، آب تنی (شنا)، و نگاه کردن به سبزه و ...» (شیخ صدوق، ۱۴۰۳ق: ۴۴۳). پیامبر (ص) درباره اهمیت توجه به طبیعت فرموده است: «هر کسی که درختی بنشانند خداوند او را به اندازه میوه‌های آن پاداش می دهد» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳: ۴۶۰). در ارتباط با پاکي و نظافت نیز در قرآن بسیار تاکید شده است، آیه ۱۰۸ توبه: «و خدا پاکیزگان را دوست دارد». (شکل ۴)

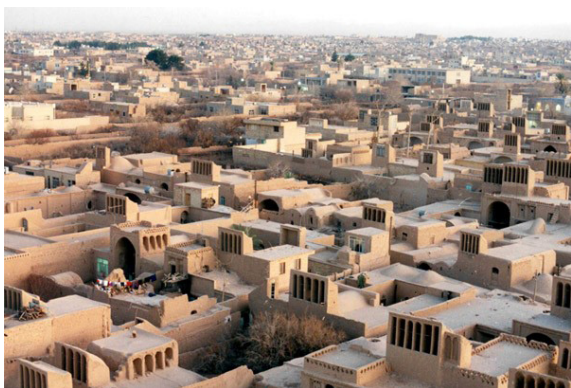


شکل شماره ۳: وجود اندرونی و بیرونی برای آسایش جسمی خانواده خانه بهنام در تبریز؛ مأخذ: ولی زاده اوغانی و موحدی، ۱۳۹۶



شکل شماره ۴: حضور طبیعت در حیاط خانه بهنام در تبریز؛ مأخذ: ولی زاده اوغانی و موحدی، ۱۳۹۶

پرهیز از تشخیص کالبدی: آیه ۲۰ حدید: «آگاه باشید که زندگانی دنیا به حقیقت بازیچه‌ای است طفلانه و لهو و زب و آرایش و تفاخر و خودستایی با یکدیگر و حرص افزون مال و فرزندان است». پیامبر (ص) می فرمایند: «کسی که برای خودنمایی و شهرت ساختمانی بسازد؛ در روز قیامت آن را بر پشت خود تا هفت زمین حمل می کند و سپس به صورت طوقی از آتش در گردن او در می آید» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۲۰۳). آیه ۱۲۸ شعرا: «آیا شما بر هر مکان مرتفعی نشان‌هایی از روی هوا و هوس می سازید؟» امیرالمومنین (ع) تفاخر در ساختمان را نهی کرده و فرموده اند: «کسی که برای رقابت در تفاخر چیزی بسازد؛ خداوند او را رو سیاه محشور می نماید» (شیخ صدوق، ۱۳۷۷: ۶۴۸) (شکل ۵).



شکل شماره ۵: عکس هوایی میبد، معماری یکپارچه خانه‌ها و عدم خودنمایی آنها؛ مأخذ: حمزه‌زاد و صدریان، ۱۳۹۳

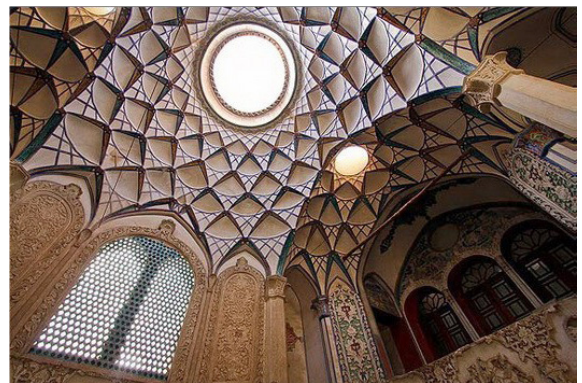
هندسه و تناسبات: هر اثر موجود در این عالم، اگر از اندازه‌های طبیعی بیرون باشد، ناخوشایند و نادلپذیر گشته و نمی تواند راهی به سوی کمال داشته باشد. سوره الرحمن، آیه ۷: «و آسمان را بلند و میزان را در عالم وضع نمود». سوره فرقان، آیه ۲: «و همه چیز را او آفریده و آن را به اندازه کرده، اندازه‌های دقیق. آیه ۷ شمس: و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را آفریده و (منظم ساخته)». امام رضا (ع) در حدیثی در اصول کافی خطاب به یونس بن عبدالرحمن می فرمایند: «... قدر همان هندسه و مرزبندی است، مانند مقدار بقا و زمان فنا» (بلخاری، ۱۳۸۵: ۱۶۷). آیه ۷ انفطار: «خدایی که تو را آفرید و اندام‌هایت را درست و منظم ساخت و (با ایجاد توازن و تعاون میان اعضا در ایفاء اهداف مربوطه) تعدیل کرد و سامان داد». امام صادق می فرمایند: «جهان هستی با اندازه‌گیری دقیق و حکیمانه و نظم و تناسب و هماهنگی آفریده شده. آفریننده آن یکی و او همان شکل ده، نظم آفرین و هماهنگ کننده اجزای آن است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳: ۶۱).

آراستگی و زیبایی: امام حسن (ع) می فرمایند: «خدا زیباست و زیبایی‌ها را دوست دارد» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۴). امام صادق (ع): «خدا زیبایی و آرایش را دوست دارد و تیره‌روزی و بیچارگی را نمی پسندد، خداوند عزوجل دوست دارد هرگاه به بنده خود نعمتی داد؛ اثر آن را بر او ببیند» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۲۷۵). آیه ۳۳ سوره اعراف: بگو ای پیامبر، چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و از رزق حلال منع نموده است؟ بگو این

نعمت‌ها در دنیا برای اهل ایمان است و خالص و نیکوتر از اینها در آخرت برای آنها خواهد بود. امام علی (ع) می‌فرماید: چیزی را بطلب که زیباییش برای تو برقرار و ذاتی و ویش از تو برکنار باشد (سیدرضی، ۱۳۹۰: ۴۲۳). (شکل‌های ۶ و ۷)



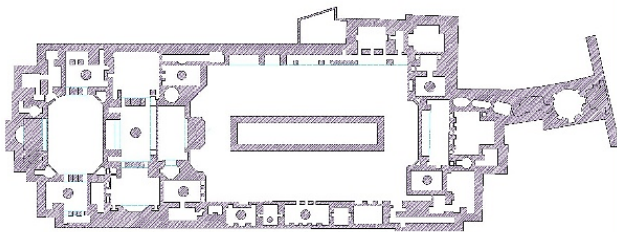
شکل شماره ۶: هندسه، تناسبات و آراستگی ظاهری با استفاده از قرارگیری حیاط در مرکز و چیدمان فضاها در اطراف آن، خانه طباطبایی‌ها کاشان؛ مأخذ: حمزه‌نژاد و دشتی، ۱۳۹۵



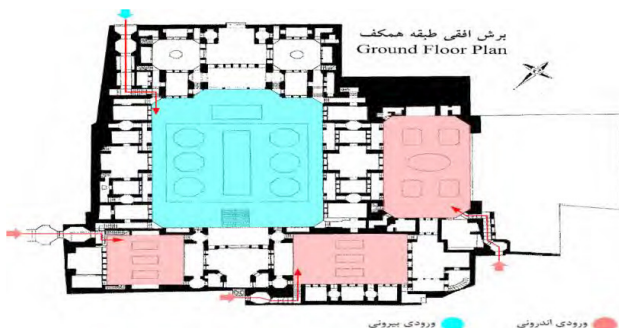
شکل شماره ۷: استفاده از هندسه و تزئینات زیبا در آسمانه خانه عامری‌ها در کاشان؛ مأخذ: حمزه‌نژاد و دشتی، ۱۳۹۵

حجاب را به کمک ساختن فضاها در خانه به گونه‌ای که از بیرون به آنها اشرافیتی وجود نداشته باشد، تبیین نموده‌اند (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، جلد ۲، حدیث ۱۰۸۹). (شکل ۸)

مهمان‌پذیری: تعاون و تعامل از اصولی است که در دین اسلام بسیار مورد توجه قرار گرفته است. یکی از تبلورهای تعاون، حضور مهمان در خانه مسلمان است. آیه ۲۹ مومنون: «و بگو پروردگارا مرا در جایی پر برکت فرود آور [که] تو نیک‌ترین مهمان نوازی» آیه ۲ مائده: «باید با یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید». از پیامبر اکرم (ص)، سه حدیث در این رابطه نقل شده است: «هر خانه‌ای که مهمان بر آن وارد نشود، فرشتگان واردش نمی‌شوند». «مهمان، روزی خود را می‌آورد و گناهان اهل خانه را می‌برد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲: ۴۶۱). «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید مهمانش را گرمی دارد» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۲۸۵). (شکل ۹)



شکل شماره ۸: درونگرایی با استفاده از حیاط مرکزی در خانه بروجردی‌ها، کاشان؛ مأخذ: نقره کار و همکاران، ۱۳۹۳



شکل شماره ۹: وجود فضایی برای مهمان (بیرونی) و تفکیک آن از فضای اهل خانه (اندرونی)، خانه طباطبایی‌ها در کاشان؛ مأخذ: امین پور و همکاران، ۱۳۹۶

میان‌رو: آیات ۳-۱ مومنون: «همانا اهل ایمان به فیروزی و رستگاری رسیدند؛ آنان که در نماز خاضع و خاشع هستند و آنان که از لغو و سخن باطل اعتراض و اعراض می‌کنند». آیه ۱۲۹ شعر: «آیا شما عمارت‌های محکم بنا می‌کنید به امید آنکه در آن عمارت عمر ابد کنید؟». طبق احادیث، میان‌روی در سه چیز نفی شده است: (۱) نکوهش ارتفاع زیاد خانه: امام باقر (ع) فرموده‌اند: «اتاق را تا هفت زراع بساز. آنچه بالاتر از آن است شیاطین در آن جاگیرند، شیاطین نه در آسمانند و نه در زمین، همانا در هوا مسکن دارند». امام صادق (ع): «چون بلندای اتاق بیش از هشت زراع باشد آیه الکرسی بر آن بنویس» (عاملی، ۱۴۰۹ق: ۶۶۴۰). رعایت وسعت به اندازه: امام صادق (ع) می‌فرماید: «وسعت خانه، از خوش بختی

حفظ حریم و محرمیت: ارتباط فضاهای داخلی باید به گونه‌ای باشد که علاوه بر عدم تسلط غریبه‌ها بر فضاهای داخلی، قلمرو اعضاء خانواده نیز از یکدیگر تفکیک شود. آیات ۵۸ و ۵۹ نوز: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر شماست که بندگان ملکی شما و اطفالی که هنوز به بلوغ و احتلام نرسیده‌اند سه مرتبه در شبانه روز از شما اجازه ورود بخواهند». آیه ۲۷ سوره نوز: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام کنید. این برای شما بهتر است؛ شاید متذکر شوید». آیه ۱۸۹ بقره: «نیکو نیست که از پشت خانه‌ها بدانها وارد شوید، بلکه نیکوکار کسی است که پرهیزکاری کند و از درهای خانه به آن درآید». با توجه به این آیه‌ها پیرامون حریم خصوصی خانه، ورود ناگهانی و بدون آشنایی دادن و انس قبلی به محل مسکونی و خانه دیگران ممنوع است. پیامبر (ص) به حضرت علی (ع) می‌فرماید: «ای علی سه چیز نجات‌بخش است: نگهداری از زیانت، گریه و زاری بر لغزش‌هایت و خانه‌ات را پناهگاه خود ساختن» (حرانی، ۱۳۸۲: ۱۵). امیرالمؤمنین نیز در نهج-البلاغه بر لزوم داشتن حجاب در خانه تأکید کرده‌اند و این

اصول استخراج شده مسکن مطلوب از دیدگاه آیات و روایات در جدول ۱ قرار گرفته که با اصول به دست آمده از تفسیر هر آیه و حدیث می‌توان آنها را با توجه به ابعاد مندرج در شکل ۱۱، دسته‌بندی کرد.

طبق نتایج حاصل از آیات ۲۳ گانه اشاره شده (جدول ۱)، بعد محیطی مسکن در دین اسلام بسیار مورد توجه بوده است؛ زیرا مسکن از دل یک بافت و بستر جغرافیایی مشخص و با یک روح جمعی معین که نشان از مقبولیت عام دارد، شکل می‌گیرد. بعد انسانی در درجه دوم اهمیت است، انسان خلیفه الهی و هدف نهایی دین، کمال اوست. همچنین ابعاد کالبدی و عملکردی به طور یکسان، در درجه سوم اهمیت قرار دارند.

پیمایش اکتشافی (اصول مسکن ایرانی از طریق تحلیل محتوای کیفی و کمی پژوهش‌های انجام شده)

پژوهشگران بسیاری در زمینه مسکن سنتی ایران، به تحقیق و بررسی پرداخته‌اند. با مطالعه این پژوهش‌ها علاوه بر تعیین جایگاه و ضرورت پژوهش حاضر، می‌توان به شناخت و اولویت‌بندی اصول معماری مسکن در گذشته پی برد. در این بخش به منظور تحلیل محتوا، از تحقیقات کمی و کیفی ده سال اخیر که در زمینه معیارهای معماری سنتی ایران صورت گرفته، استفاده شده است. حمزه‌نژاد و صدریان اصول معماری خانه سنتی ایران را به دو بخش تقسیم کرده‌اند: اصول سلبی و اصول ایجابی. اصول سلبی شامل: نهی اشراف، پرهیز از تشخیص کالبدی، نکوهش ارتفاع زیاد خانه و اعتدال در تزئینات. اصول ایجابی شامل: رعایت

مرد است» (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱۲۵) و ساختمان بیش از نیاز افراد در قیامت مسئولیت ایجاد می‌کند (عاملی، ۱۴۰۹: ۳۳۸). پیامبر اکرم می‌فرمایند: «سه چیز در این جهان مایه سعادت مرد مسلمان است؛ همسایه خوب، خانه وسیع و مرکب خوش رفتار» (عاملی، ۱۴۰۹: ۲۶۰-۲۶۱). وسعت در اینجا به معنی داشتن خانه‌ای به اندازه نیاز و کفایت است. (۳) اعتدال در تزئینات: از نظر اسلام، زیاده‌روی در زندگی تجملاتی و ولخرجی در این رابطه به معنی تمرکز و توجه فرد به شکل ظاهری و جاذبه‌های مادی به جای محتوا و عرفان است (مرتضی، ۱۳۸۷). آیات ۳۳-۳۵ سوره زخرف: «اگر تمکن کفار از مواهب مادی سبب نمی‌شد که همه مردم امت گمراه شوند؛ برای کسانی که کافر می‌شدند خانه‌هایی قرار می‌دادیم با سقف‌هایی از نقره و نردبان‌هایی که از آن بالا روند». (شکل ۱۰).



شکل شماره ۱۰: سادگی و اعتدال در نمای خانه‌های طبایعی‌ها، بنی‌طبا و گرامی؛ مأخذ: امین پور و همکاران، ۱۳۹۶

جدول شماره ۱: اصول معماری مسکن از دیدگاه آیات و احادیث و دسته‌بندی بر اساس ابعاد کالبدی، عملکردی، محیطی و انسانی

آیات	احادیث مرتبط	تفسیر	اصل	بعد
آیات ۳۴ و ۳۰ بقره، آیه ۱۷۰ اسراء، آیه ۷۲ احزاب	پیامبر (ص)	انسان به عنوان والاترین مخلوق پروردگار، شایسته زندگی در مکانی است که پاسخگوی همه نیازهای او باشد	توجه به انسان	انسانی
آیه ۶۳ حج، آیه ۱۵ سبأ، آیه ۱۰۸ توبه	پیامبر (ص)، امام علی (ع)، امام صادق (ع)	ارتباط با طبیعت روح انسانی را کمال می‌بخشد. به کارگیری عناصر طبیعی در خانه و ایجاد تعادل اقلیمی	طهارت و تعامل با طبیعت	محیطی - انسانی
آیه ۲۰ حدید، آیه ۱۲۸ شعرا	پیامبر (ص)، امام علی (ع)	رعایت تواضع و دوری از تفاخر از طریق ایجاد خانه‌ای متناسب با بافت منطقه	پرهیز از تشخیص کالبدی	محیطی
آیه ۷ الرحمن، آیه ۲ فرقان، آیه ۷ شمس، آیه ۷ انفطار	امام رضا (ع)، امام صادق (ع)	بازآفرینی تقدیر و هندسه الهی موجود در جهان آفرینش در خانه‌های سنتی و بهره‌گیری از ابعاد و اندازه	هندسه و تناسبات	کالبدی
آیه ۳۳ اعراف	امام حسن (ع)، امام علی (ع)	بهره‌گیری از زیبایی در ایجاد خانه‌ای روحانی و معنوی	آراستگی و زیبایی	کالبدی
آیات ۲۷ و ۵۸ و ۵۹ نور، آیه ۱۸۹ بقره	پیامبر (ص)، امام علی (ع)	ایجاد خانه برای حفظ حریم خصوصی انسان و دوری از هرگونه مزاحمت	حفظ حریم و محرمیت	
آیه ۲۹ مومنون، آیه ۲ مائده	پیامبر (ص)	ارج نهادن به حضور مهمان در خانه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین اصول اخلاقی اسلامی	مهمان‌پذیری	عملکردی
آیات ۱-۳ مومنون، آیات ۳۳-۳۵ زخرف، آیات ۱۲۹ شعراء	امام باقر (ع)، امام صادق (ع)، پیامبر (ص)	وابستگی به اصول اخلاقی مانند پرهیز از هر نوع خودنمایی و تظاهر و اسراف در خانه‌سازی	میان‌روزی	محیطی

تاریخی اهمیت داشته است (سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶). امینی و نوروزیان پور نیز به مفاهیم محرمیت و خلوت پرداخته و آنها را در خانه ایرانی مهم قلمداد می‌کنند (امینی و نوروزیان-پور، ۱۳۹۳). در ارتباط با اصول معماری سنتی، نظرات پیرنیا همواره قابل استناد است. پیوسته گر و همکاران، پنج اصل پیرنیا را با منابع اعتقادی اسلامی مقایسه کرده و معیارهای تامین هر یک را نام برده‌اند که شامل: پرهیز از بهبودگی (اعتدال در تزئینات، استفاده از تزئینات کاربردی، میانه‌روی در وسعت بنا، ایجاد فضاهای چندعملکردی)؛ درونگرایی (ایجاد سلسله مراتب فضایی، ایجاد محرمیت، ایجاد مرکزیت، ایجاد خلوت)؛ مردم‌واری (رعایت مقیاس فضایی، پرهیز از ارتفاع بلند بنا، پرهیز از تشخیص، تامین نیازهای مختلف افراد ساکن)؛ نیارش (تقارن، تعادل)، خودپسندگی (مکان‌یابی مناسب، تامین آسایش حرارتی و برودتی) (پیوسته گر و همکاران، ۱۳۹۶). در نظر رئیسی و ثمره شاه‌پسند ویژگی‌های مسکن ایرانی-اسلامی دارای دو بعد خرد و کلان است: اصول کلان: توجه به فرهنگ اسلامی جامعه، توجه به مراتب مختلف نفوس و حیات انسانی. اصول خرد: حفظ و ارتقاء کیفیت روابط خانوادگی، آسایش و آرامش مسکن، پرهیز از تشخیص کالبدی مسکن، وسعت مسکن، آراستگی منزل (رئسی و ثمره شاه‌پسند، ۱۳۹۶). وثیق و همکاران، مکان و مسکن در منظر اسلام را دارای ویژگی‌هایی شامل وحدت (مرکزیت)، عدالت، سلسله مراتب، هندسه (جهت)، عوالم معرفتی، انسان (تجربه معنوی)، آرامش، حق‌جویی و اعتدال (ساخت)، شرافت جغرافیایی، فضای قدسی، همسازی با طبیعت و کالبد (سودمندی) توصیف کرده‌اند (وثیق و همکاران، ۱۳۸۸). از دیدگاه عبدالله زاده و ارژمند، خانه ایرانی دارای ویژگی‌هایی از جمله ارتباط با طبیعت-تامین خلوت و فضای خصوصی، تعامل بین خانه و خانواده، کیفیت زندگی در خانه (زیبایی، آرامش، تزئینات، بوی خاص)، اهمیت زندگی جمعی (فضاهای چندمنظوره، انعطاف‌پذیری)، اهمیت مهمان، هماهنگی با ویژگی‌های اقلیمی و جغرافیایی و هویت جمعی (وجود فضاهای جمعی، عدم تاکید بر تمایزهای غیرانسانی) است (عبدالله زاده و ارژمند، ۱۳۹۱). نقشه پنهان مسکن سنتی کویری نیز توسط مسائلی بررسی شد که اصولی شامل مرکزیت، نظم، محرمیت، جهت‌گیری بنا، قدر و ظرفیت، هندسه و تناسب، نور و رنگ، عشق فطری و پرستش (مثلا ترکیب آب و گیاه در حیاط خانه) را در بر دارد (مسائلی، ۱۳۸۸). با توجه به تحلیل محتوای پژوهش‌های انجام شده می‌توان اصول معماری مسکن سنتی ایران را در ابعادی کلی دسته‌بندی کرد (شکل ۱۱).

با توجه به شکل ۱۱ از طریق تحلیل محتوای کیفی پژوهش‌های صورت گرفته، ابعاد کالبدی، محیطی، انسانی و عملکردی مسکن سنتی ایران و معیارهای مربوط به هر بعد کشف و دسته‌بندی شد. پژوهش‌ها با توجه به ابعادی که بیشتر بدان پرداخته‌اند به صورت کمی بررسی شده و در جدول ۲ و نمودار ۱ قرار می‌گیرند.

حریم و محرمیت، توصیه به مهمان‌پذیری، رعایت وسعت به اندازه (حمزه‌نژاد و صدریان، ۱۳۹۳). دسته‌بندی دیگر توسط پورمند و طباطبایی ملاذی شامل ابعاد مختلف روانی، اجتماعی، تعابی مسکن، امنیت، جهت و استقرار مناسب، سلسله مراتب، امنیت و ... و همچنین برخی ویژگی‌های سلبی از جمله خروج از حد اعتدال، اسراف، سبک شمردن آسایش و ... است (پورمند و طباطبایی ملاذی، ۱۳۹۴). اخوت و همکاران، چهار اصل کلی برای مسکن ایرانی-اسلامی بیان می‌کنند: پیروی انسان از خدا و خلق هنر جاودانه- به کمال رساندن هنر به وسیله بهره‌گیری از تعالیم الهی، بهره‌گیری از هندسه و تناسب، بهره‌گیری از زیبایی ذاتی، بهره‌گیری از رمز و تمثیل؛ و نمودهای هر یک را نیز نام می‌برند (اخوت و همکاران، ۱۳۹۰). اخوت در پژوهشی مفصل، بر نقش آیات و احادیث در کالبد مسکن سنتی تاکید کرده، اصول آن را برمی‌شمرد که شامل: هنر، اخلاق، طبیعت، نور، رنگ، شفافیت، هندسه و تناسب، سلسله مراتب، حریم، فضای تهی و انعطاف‌پذیری است (اخوت، ۱۳۹۴). لیب زاده و همکاران بر روی روابط فضایی خانه تمرکز کرده و روابط درونی خانواده و بیرونی (با مهمان و همسایگان) را از اصول خانه سنتی می‌داند (لیب زاده و همکاران، ۱۳۹۴). از دیدگاه ضرغامی و سادات، حرمت و محرمیت، آرامش، ایمنی و امنیت و تواضع نیز از ویژگی‌های مسکن ایرانی-اسلامی است (ضرغامی و سادات، ۱۳۹۵). حیاتی و صفرپور بهیچانی با بررسی خانه تاریخی تیزنو دزفول، اصول اصلی خانه سنتی را این گونه بیان می‌کنند: سلسله مراتب فضایی، محرمیت فضایی، تقارن، محور، آسایش اقلیمی، الگوهای فضایی (باز، بسته، نیمه باز-نیمه بسته) (حیاتی و صفرپور بهیچانی، ۱۳۹۵). یاران و بهرو تأثیر فرهنگ و اخلاق اسلامی بر مسکن را بررسی کرده و به عواملی از جمله حجاب، تعاون، طهارت، قناعت، خدامحوری و اطاعت، و تواضع دست یافتند (یاران و بهرو، ۱۳۹۶). نقی زاده نیز از ویژگی‌های اثباتی و سلبی سخن به میان می‌آورد. از جمله ویژگی‌های اثباتی می‌توان به توجه به فرهنگ جامعه، فراهم آوردن امکان زندگی اسلامی ایرانی، جامع‌نگری و وحدت‌گرایی، حفظ و تقویت روابط همسایگی، حفظ و ارتقاء توجه به خانواده و روابط خانوادگی، امنیت، هویت، ارتباط با طبیعت و همزیستی با آن، رعایت عدل و توجه به عدالت اجتماعی، زیبایی و ... اشاره کرد و ویژگی‌های سلبی نیز شامل احتراز از کبر (خودستایی)، اجتناب از فساد و اسراف است (نقی زاده، ۱۳۹۱). مومنی و ناصری عوامل ایجاد محرمیت در خانه‌های سنتی را مکان‌یابی، درونگرایی، سلسله مراتب و تناسبات بیان کرده و آنها را از اصول معماری ایرانی-اسلامی می‌دانند. پژوهش‌های دیگری نیز در ارتباط با محرمیت خانه‌های سنتی ارائه شده است (مومنی و ناصری، ۱۳۹۴). در نظر سیفیان و محمودی، اصولی از جمله محرمیت، سلسله مراتب، درونگرایی و پیوند معماری با طبیعت، در خانه‌های



شکل شماره ۱۱: اصول معماری خانه سنتی ایرانی از منظر پژوهشگران

جدول شماره ۲: ابعاد معماری سنتی ایران مستخرج از تحلیل محتوای پژوهش‌ها

ابعاد				روش	سال	پژوهشگر	
عملکردی	انسانی	محیطی	کالبدی				
*	*	*	*	نمونه موردی	۱۳۹۶	یاران، بهرو	۱
*	*	*	*	توصیفی-تحلیلی، تحلیل محتوا	۱۳۹۶	پیوسته گر و همکاران	۲
*	*	*	*	تحلیل محتوای کیفی	۱۳۹۶	رئبسی، ثمره شاه‌پسند	۳
*	*	*	*	تحلیل محتوای کیفی	۱۳۹۵	حمزه‌نژاد، دشتی	۴
*	*	*	*	توصیفی پیمایشی	۱۳۹۵	ضرغامی، سادات	۵
*	*	*	*	نمونه موردی	۱۳۹۵	حیاتی، صفرپور بهبهانی	۶
*	*	*	*	نظریه زمینه‌ای، پژوهش موردی	۱۳۹۴	پورمند، طباطبایی ملاذی	۷
*	*	*	*	تاریخی و توصیفی-تحلیلی	۱۳۹۴	اخوت	۸
*	*	*	*	توصیفی-تحلیلی، استدلالی و تطبیقی	۱۳۹۴	لیب‌زاده و همکاران	۹
*	*	*	*	توصیفی-تحلیلی، نمونه موردی	۱۳۹۴	مومنی، ناصری	۱۰
*	*	*	*	استدلالی، تطبیقی-تاریخی	۱۳۹۳	حمزه‌نژاد، صدریان	۱۱
*	*	*	*	تطبیقی-توصیفی	۱۳۹۳	امینی، نوروزیان پور	۱۲
*	*	*	*	تحلیل محتوای کیفی	۱۳۹۱	نقی‌زاده	۱۳
*	*	*	*	توصیفی-تحلیلی، استدلال منطقی	۱۳۹۱	عبدالله‌زاده، ارژمند	۱۴
*	*	*	*	توصیفی-تحلیلی	۱۳۹۰	اخوت و همکاران	۱۵
*	*	*	*	تحلیلی-توصیفی	۱۳۸۸	وثیقی و همکاران	۱۶
*	*	*	*	تحلیلی-توصیفی	۱۳۸۸	مسائلی	۱۷
*	*	*	*	تحلیلی-توصیفی	۱۳۸۶	سیفیان، محمودی	۱۸
۱۴	۹	۱۴	۱۶	فراوانی هر یک از ابعاد در کل مقالات مورد بررسی			
٪۷۷	٪۵۰	٪۷۷	٪۸۸	درصد فراوانی هر یک از ابعاد در کل مقالات مورد بررسی			

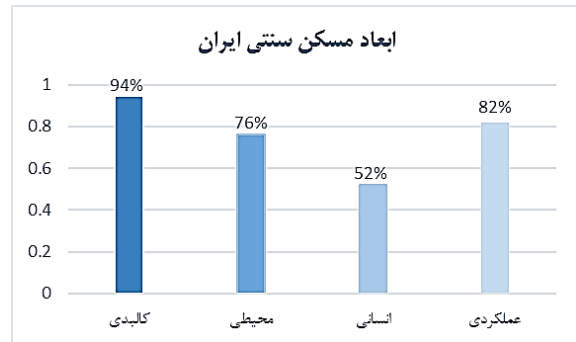
ابعاد	معیارها و زیرمعیارها	فراوانی	درصد		
انسانی	روانی	آرامش	۶	۳۵٪	
		هویت فردی	۳	۱۷٪	
		امنیت روانی	۴	۲۳٪	
	جسمانی	توجه به مراتب مختلف نفوس و حیات معنوی انسان	۷	۳۵٪	
		تامین خلوت / مرز	۵	۲۳٪	
		توجه به ابعاد انسانی	۴	۲۳٪	
عملکردی	امکان زندگی انسانی	رعایت مقیاس فضایی	۳	۱۷٪	
		تامین نیازهای فیزیکی افراد ساکن	۳	۱۷٪	
	آسایش اقلیمی	مهمان پذیری	۶	۳۵٪	
		تعاملات اجتماعی بیرونی	۵	۲۹٪	
	عملکردی	تعاملات اجتماعی درونی	تعاملات اجتماعی بیرونی	۵	۲۹٪
			تعاملات اجتماعی درونی	۶	۳۵٪
		آسایش اقلیمی	استقرار و جهت گیری بنا	۷	۴۱٪
			چیدمان فضاها	۶	۲۹٪
	فضاهای بسته، باز و نیمه باز	۳	۱۷٪		

نتایج جدول ۳ و نمودار ۲ مبین این است که از ۳۳ معیار مسکن سنتی ایران که در پژوهش های ده سال اخیر به کار گرفته شده اند، معیارهای سلسله مراتب و درونگرایی از بعد کالبدی و هماهنگی با بافت منطقه و طبیعت از بعد محیطی بیشترین اهمیت و معیارهای رنگ و نور از بعد کالبدی کمترین اهمیت را دارند. از آنجا که مسکن ایرانی برای یک مسلمان (به عنوان ساکن) فراهم می شود لازم است تا رهنمودهای دینی نیز برای دستیابی به اصول مسکن مطلوب ایرانی-اسلامی به کار برده شود. بدین ترتیب به منظور تطبیق و تایید ابعاد به دست آمده در این مرحله و ارائه اولویت بندی نهایی آنها، به آیات و روایات دین اسلام مراجعه شده است.

بحث و تحلیل یافته ها

(تدوین اصول مسکن معاصر مبتنی بر ارزش های ایرانی اسلامی) از طریق قیاس و پالایش معیارهای معماری مسکن سنتی مستخرج از تحلیل محتوای پژوهش ها و مندرج در جداول ۲ و ۳، با اصول به دست آمده از رهنمودهای اسلام طبق جدول ۱، می توان ابعاد و شاخصه های معماری مسکن ایرانی-اسلامی را با اولویت بندی جدید منطبق بر دستورات دینی، ارائه کرد. طبق شکل ۱۲، مهم ترین بعدی که باید مورد توجه قرار گیرد بعد محیطی بوده و پس از آن ابعاد انسانی قرار می گیرد. ابعاد کالبدی و عملکردی هم که در آیات و روایات جداسازی نشده اند در دسته سوم قرار دارند.

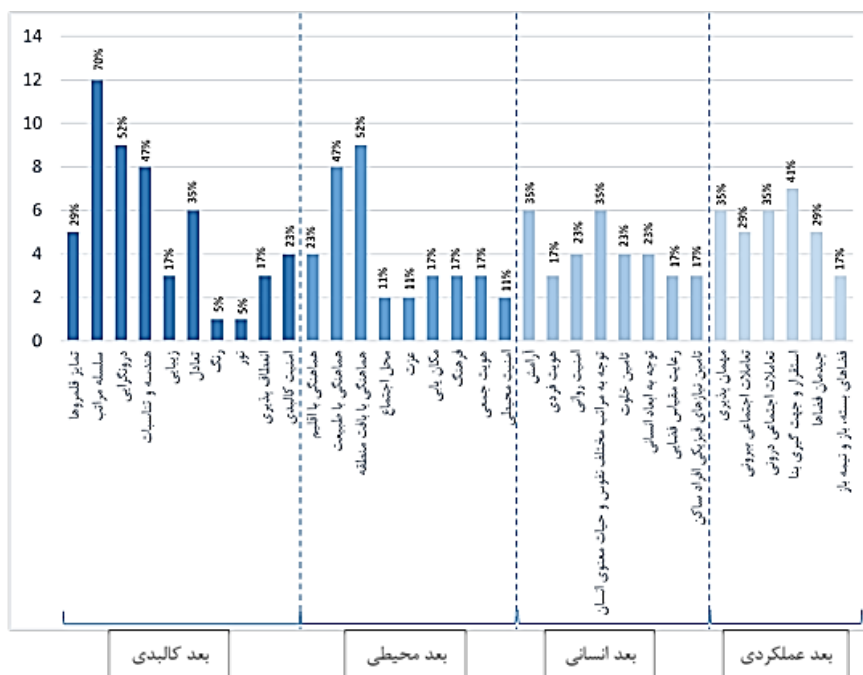
با توجه به نمودار ۱ می توان دریافت که بعد کالبدی نسبت به ابعاد دیگر طی ده سال اخیر، بیشتر مورد توجه پژوهشگران بوده و به بعد انسانی (که شامل پاسخ مسکن به نیازهای روانی و جسمانی ساکن است)، کمتر پرداخته شده است. در نتیجه اهمیت ابعاد مسکن سنتی ایران، طبق پژوهش های صورت گرفته به ترتیب اولویت عبارت است از: کالبدی، عملکردی، محیطی و انسانی. حال برای اولویت بندی معیارهای مربوط به هر یک از این ابعاد در مسکن سنتی ایران، می توان به تعدد آنها در پژوهش های مختلف تکیه نموده و جدول ۳ و نمودار ۲ را ارائه کرد.



نمودار شماره ۱: نمودار درصد فراوانی هر یک از ابعاد مسکن سنتی ایران طبق تحلیل محتوای پژوهش ها

جدول شماره ۳: فراوانی معیارهای معماری سنتی ایران طبق تحلیل محتوای پژوهش ها

ابعاد	معیارها و زیرمعیارها	فراوانی	درصد	
کالبدی	حفظ حریم	تمایز قلمروها	۵	۲۹٪
		سلسله مراتب	۱۲	۷۰٪
		درونگرایی	۱۰	۵۲٪
	حفظ حریم	هندسه و تناسب	۹	۴۷٪
		زیبایی	۳	۱۷٪
		تعادل	۶	۳۵٪
	رنگ	۱	۵٪	
	نور	۱	۵٪	
	انعطاف پذیری	۳	۱۷٪	
	امنیت کالبدی	۴	۲۳٪	
محیطی	هماهنگی	با اقلیم	۴	۲۳٪
		با طبیعت	۹	۴۷٪
		با بافت منطقه (تواضع)	۹	۵۲٪
	محیطی	محل اجتماع	۲	۱۱٪
		عزت	۲	۱۱٪
		مکان یابی	۳	۱۷٪
		فرهنگ	۳	۱۷٪
		هویت جمعی	۳	۱۷٪
		امنیت محیطی	۲	۱۱٪
			نظارت و کنترل	۲



نمودار شماره ۲: نمودار فراوانی و درصد فراوانی هر یک از معیارهای مسکن سنتی ایران طبق تحلیل محتوای پژوهش‌ها

۱	بعد محیطی: ارتباط و هماهنگی با طبیعت، هماهنگی با بافت (برهیز از تشخیص کالبدی)، هماهنگی با اقلیم، میانه روی	اصول مسکن ایرانی - اسلامی با توجه به برآیند پژوهش‌ها و رهنمودهای دینی
۲	بعد انسانی: پاسخگویی به نیازهای روحانی و جسمانی انسان	
۳	ابعاد کالبدی و عملکردی: رعایت هندسه و تناسب، آراستگی و زیبایی، حفظ حریم و محرمیت (در داخل و خارج خانه)، مهمان پذیری و تعامل	

شکل شماره ۱۲: اولویت بندی اصول مسکن ایرانی-اسلامی با توجه به برآیند پژوهش‌ها و رهنمودهای دینی

دوم جدول، معاصر سازی صورت گرفت. طبق جدول ۴، اصول هر بعد و شکل نوین آن اصل به عنوان راهکار قرار دارد. این اصول که با استدلال منطقی حاصل گشته اند می توانند با توجه به فرصت و تهدید و نقاط قوت و ضعف اجرایشان به عنوان یک اندیشه جامع برای برنامه ریزی و طراحی مسکن معاصر مورد استفاده قرار گیرند.

نتیجه گیری

با توجه به جدول ۴ می توان نتیجه گرفت که تمرکز بر بعد محیطی و هماهنگی با بافت و اقلیم منطقه در برنامه ریزی و طراحی مسکن معاصر در اولویت قرار دارد. در این حالت است که شکل شهرها منحصر به فرد شده و پاسخگویی روح جمعی می شود. شکل معاصر سازی شده معیارهای محیطی شامل: طبیعت گرایی از طریق مکان یابی مناسب، همسویی با بستر از طریق رعایت عدالت کالبدی و فضایی و حفظ هویت شهری، تنظیم شرایط محیطی با توجه به اقلیم بومی از طریق معماری همگام با راهبردهای اقلیمی منطقه و اعتدال در ابعاد داخلی و خارجی مسکن به دلیل بالا رفتن ارزش و قیمت آن است. نظر به اینکه در گذشته که مشکلات زمین و جمعیت وجود نداشت؛ اصل «وسعت به اندازه» رعایت می شد؛ اما امروزه افزایش جمعیت

با آغاز هزاره سوم و رشد روزافزون علم و فناوری و گسترش ارتباطات، تحولات گوناگونی در سطح زندگی روزمره رخ داده و شیوه زندگی مردم، نیازها و متعاقب آن کالبد و محیط زیست آنها تغییر کرده است (اهری و دیگران، ۱۳۶۷). در ایران نیز تحول در زمینه های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، افزایش ناگهانی جمعیت، مهاجرت به شهرها، عدم مدیریت صحیح، کمبود امکانات ساخت، عدم آشنایی با تکنولوژی ساخت و مهم تر از همه فقدان مبانی نظری جامع، تأثیرات نامطلوبی بر معماری به ویژه در حوزه کیفی مسکن داشته است (شابیرچیمبا، ۱۳۷۹). هدف پژوهش حاضر دستیابی به اصولی ارزشمند و پایدار برای کیفیت بخشی به مسکن معاصر بود. برای نیل به این هدف از اصولی که در اغلب مسکن گذشته به کار می رفت، بهره گرفته شد. در این پژوهش، از تجمیع و اولویت بندی اصول معماری سنتی ایران از طریق تحلیل محتوای پژوهش‌ها و همچنین قیاس و برآیند این اصول با رهنمودهای دین اسلام، به عنوان سرچشمه ای اصیل و ارزشمند، سعی بر آن شد تا اصولی برای ارتقاء کیفی مسکن ایرانی-اسلامی معاصر تدوین شود. این اصول نهایی با توجه به اهمیت شان در جدول ۴ دسته بندی شدند. با توجه به این نکته که هر یک از این اصول می توانند بسته به شرایط زمانی و مکانی و فن آوری روز تجلی خاص خود را داشته باشند، در بخش

جدول شماره ۴: اصول و راهکارهای معاصر سازی مسکن با توجه به ضعف ها و امکانات امروز

ابعاد	اصول مسکن ایرانی-اسلامی در گذشته	اصول مسکن معاصر	راهکارها	فرصت	تهدید	قوت	ضعف
	ارتباط و هماهنگی با طبیعت	طبیعت گرایی	- احترام به طبیعت در احداث بنا. - مکان یابی مناسب مسکن با توجه به دسترسی به عناصر طبیعی (پارک ها و دیگر فضاهای سبز)	هماهنگی بیشتر توده و فضا- دسترسی مناسب به پارک ها جهت گذران اوقات فراغت و تعامل با همسایگان	حفظ یا ایجاد پوشش گیاهی بیشتر با توجه به افزایش جمعیت، موجب کمبود زمین برای ساخت مسکن می شود	کاهش آلودگی- های محیط شهری (صوتی، هوایی، بصری)	حفظ عناصر گیاهی نزدیک به خانه هزینه های نگهداری را افزایش می دهد
	هماهنگی با بافت (پرهیز از تشخیص کالبدی)	همسویی با بستر	- رعایت عدالت کالبدی و فضایی در جداری خارجی ساختمان - حفظ سیما و هویت یک شهر از طریق هماهنگی پوسته مسکن با بافت منطقه و تدوین قوانین همه شمول برای آن	هماهنگی بافت موجب خوانش- پذیری یک منطقه و جلوگیری از بی-هویتی سیمای شهری می شود- در این راستا می توان از مصالح و جزئیات بومی استفاده کرد	یکسان سازی بیش از حد نمای ساختمان ها (نه بافت منطقه) وجود سلسله مراتب اجتماعی شهر را با مشکل مواجه می سازد	ایجاد قوانین مشابه برای سیمای مسکن و ایجاد حس امکان شخصی سازی و تاثیر سبک زندگی طبقات مختلف بر نما را مشکل می سازد	هماهنگی زیاد بین سیمای ظاهری مسکن و ایجاد قوانین یکسان، امکان شخصی سازی و تاثیر سبک زندگی طبقات مختلف بر نما را مشکل می سازد
محیطی	هماهنگی با اقلیم	تنظیم شرایط محیطی با توجه به اقلیم و بوم	- احیاء راهکارهای اقلیمی منطقه با تکنولوژی جدید - استفاده از مصالح هماهنگ با اقلیم. - استفاده از انرژی های موجود در سایت و منطقه	ارتقاء اکولوژی شهری و کاهش مشکلات زیست محیطی- داشتن بافتی هماهنگ با اقلیم منطقه	استفاده از راهکارهای اقلیمی و تکنولوژی جدید اگر در مقیاس بافت نباشد ممکن است آسایش محیطی مطلوب را برای همه ساکنان فراهم نکند	طراحی خانه در راستای استفاده از انرژی های تجدید پذیر، در دوران بهره- برداری صرفه اقتصادی دارد	نیاز به تخصص و افزایش هزینه های طراحی و ساخت بنا در جهت همسوسازی آن با اقلیم و کاربرد تکنولوژی جدید
	میان روی	اعتدال و بهینه سازی	- اعتدال در فضای داخلی مسکن از طریق در نظر گرفتن ابعاد فضا متناسب با نیازهای اعضای خانواده - اعتدال در طراحی و ساخت نمای ساختمان از طریق کاربرد مصالح و طرح مقرون به صرفه و با دوام	ابعاد کوچک تر فضاهای امروز نسبت به خانه های سنتی، با توجه به جمعیت رو به رشد شهر و ارزش املاک، صرفه اقتصادی دارد- عدالت کالبدی نیز میسر می شود	رعایت ابعاد حداقل برای فضاهای خانه، تراکم ساختمانی و جمعیتی منطقه را افزایش می دهد که مسائل زیستی، اقتصادی و اجتماعی به همراه دارد	ابعاد مناسب فضاها با توجه به نیاز خانواده موجب آسایش زیستی آنها شده و نگهداری از بنا آسان و مقرون به صرفه خواهد بود	ابعاد بهینه و حداقلی فضاهای خانه ممکن است از نظر روانی و ادراکی، محیطی سازگار را برای اعضای خانواده ایجاد نکند
	پاسخگویی به نیازهای روحی انسان	آسایش روحی	- فراهم شدن فضایی به دور از دغدغه-های روزمره برای آسودن مانند ایجاد چشم انداز و فضای سبز مناسب از طریق ایجاد حیاط خصوصی و پنجره - احترام به خلوت تک تک اعضای خانواده از طریق عرصه بندی و چیدمان مناسب فضاها - تناسب مسکن با ویژگی های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی ساکنان.	طراحی خانه های یک بافت با توجه به ویژگی های فرهنگی ساکنان، ایجاد سیمای کالبدی هماهنگ را نیز به همراه دارد که موجب تشخیص آن از سایر بافت ها می شود	وجود چشم اندازهای سبز و حیاط های خصوصی، با توجه به رشد جمعیت و کمبود زمین، توجه اقتصادی ندارد	رعایت خلوت خانواده در عرصه بندی فضاهای یک خانه، موجب تعامل بیشتر بین آنها می شود	با توجه به افزایش تراکم شهر، ایجاد چشم اندازهای مناسب و وسیع؛ حریم خصوصی همسایگان را دچار مشکل کرده و مخالف قوانین شهری است.
انسانی	پاسخگویی به نیازهای جسمی انسان	آسایش زیستی	- متراژ فضاهای داخلی خانه متناسب با سرانه و بعد خانوار - طراحی فضای داخلی و خارجی مسکن منطبق با توانایی و محدودیت-های جسمانی اعضای خانواده - امکان تهویه و نور طبیعی در داخل بنا - امنیت مسکن و محیط مسکونی از طریق طراحی و تکنولوژی	طراحی همه شمول، موجب کاربردی شدن مسکن امروزی برای افراد با توانایی های مختلف می شود	توجه صرف به ابعاد زیستی آسایش، موجب نادیده گرفته شدن ابعاد روانی آن شده و ممکن است متراژ سرانه ها با آسایش روانی مغایر باشد	آسایش زیستی موجب سلامتی جسمی ساکنان می شود	استفاده از تکنولوژی های جدید در راستای ایجاد آسایش زیستی ساکنان، افزایش هزینه دوران ساخت و بهره برداری را به همراه دارد

ابعاد	اصول مسکن ایرانی - گذشته	اصول مسکن معاصر	راهکارها	فرصت	تهدید	قوت	ضعف
کالبدی و عملکردی	هندسه و تناسب	مطلوبیت و تناسب ساختاری	بهره گیری از هندسه و مدول مناسب برای عناصر در طراحی حجم، پلان و نمای ساختمان	استفاده از عناصر آشنا با فرهنگ منطقه، باعث هماهنگی بافت و مطلوبیت بصری می شود- استفاده از مدول در انبوه-سازی ها مفید است	کاربرد زیاد مدول و هندسه در طراحی، یکنواختی بصری را به همراه دارد و موجب صنعتی-سازی بدون توجه به نیاز خانواده می شود	طراحی بنا به صورت مدولار، صرفه اقتصادی داشته و موجب تناسب ظاهری می شود	کاربرد هندسه و عناصر تکراری در خانه ها و بافت شهری، ممکن است از خلاقیت طراحان و ارائه ایده های جدید جلوگیری کند
	آراستگی و زیبایی		بهره گیری از عناصر آشنا و هماهنگ با منطقه	رعایت سلسله مراتب فضاهای بیرون از خانه، با تعیین قلمروها، موجب سازگاری و تمایل به برقراری روابط اجتماعی بیشتر با همسایگان می شود	با افزایش جمعیت و اجتناب ناپذیر بودن ساخت و سازهای مترکم و مرتفع، نیازمند طراحی و تمهیدات هزینه بر است آنها را نیز به همراه دارد	عرصه بندی فضاهای داخلی خانه، خلوت ساکنان را تأمین کرده و تعامل بیشتر بصری و حفظ حریم، با مشکل مواجه است	
مهمان پذیری و تعامل	مهمان پذیری و تعامل	تعاون	- درون مسکن: در نظر گرفتن فضایی برای پذیرایی از مهمانان با توجه به سطح اجتماعی-اقتصادی خانوار - برون مسکن: تعریف فضاهایی برای تعامل بین همسایگان در محله با رعایت مسائل امنیتی	ایجاد فضاهایی برای ملاقات و تعامل همسایگان، به سازگاری و ارتقاء محله و افراد کمک خواهد کرد	با توجه به کاهش امنیت نسبت به گذشته، روابط بیرونی کنترل نشده موجب بروز ناامنی و جرم می شود	ایجاد فضای مهمان در خانه با توجه به وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده موجب تعامل می شود	با توجه به کمبود زمین، در نظر گرفتن فضاهایی مختص به مهمان در خانه، توجه اقتصادی ندارد و با توجه به کاهش روابط اجتماعی، این فضاها بلااستفاده و به دور از نیاز باقی می ماند

شود. با رعایت این اصول می توان به شکل گیری مسکن ایرانی- اسلامی و در نهایت شهر با هویت اصیل و پایدار امیدوار بود. بین اصول معرفی شده با توجه به بحران جمعیتی و افزایش نسبت ساخت و سازها به فضای باز، به نظر می رسد دستیابی به اصول طبیعت گرایی، آسایش روحی، آسایش بصری و تعاون با موانع بیشتری همراه است و از طرف دیگر به کارگیری اصول اعتدال و هندسه و تناسب می تواند به صنعتی-سازی ساختمان ها و انبوه-سازی کمک کند. بنابراین باید در راستای ارائه راه حل های چاره ساز که این معیارهای کهن را عملی می کنند همت گمارد. پیشنهاد می شود که در پژوهش های آینده تأثیرپذیری این عوامل بر یکدیگر به صورت یک مدل بررسی گردد تا برنامه ریزی ها و راهکارهای طراحی بهینه بتواند ارائه شود.

پی نوشت

۱. وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً
۲. وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ.
۳. وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا
۴. إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ
۵. أَلَمْ تَرَ أَنَّا أُنزِلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتَصَبَّحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَلطَّيِّفُ الْخَبِيرُ
۶. لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ
۷. وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ.

و تراکم بالا، منجر به عدم رعایت این اصل شده و سرانه مسکونی شدیداً کاهش یافته است. نکته ای که در اینجا اهمیت دارد توجه به بهینه سازی فضا با در نظر گرفتن بعد خانوار است. بعد انسانی نیز نسبت به بعد محیطی در دومین مرتبه اهمیت قرار دارد. معیارهای این بعد، شامل آسایش روحی و زیستی ساکنان است. آسایش روحی از طریق ایجاد فضایی برای آسودن با چشم انداز مناسب و رعایت خلوت اعضای خانواده حاصل می گردد. آسایش زیستی نیز با طراحی مناسب فضاهای داخلی و خارجی با توجه به نیازها و محدودیت های انسانی، بهره گیری از تهویه و نور طبیعی، و همچنین امنیت کالبدی به دست می آید. در اولویت بعدی، ابعاد کالبدی و عملکردی قرار دارند. به طوری که لازم است کالبد مسکن معاصر، از نظر حجم، پلان و نما دارای آراستگی، هندسه و زیبایی باشد که مختص این مرز و بوم بوده و چشم هر بیننده ای را بنوازد و در شأن ساکنانش باشد. آسایش بصری یکی دیگر از معیارهای معاصر سازی شده ابعاد کالبدی و عملکردی است که به طور غیرمستقیم به چیدمان فضایی و تمایز عرصه های مختلف عملکردی در داخل مسکن اشاره دارد. همچنین طبق این معیار، عناصر و ارتفاع ساختمان ها و جانمایی آنها در کنار هم باید با اصل اشراف و دید کنترل شود. معیار بعدی اصل تعاون و ارتباط ساکنان با مهمانان و همسایگان است که باید با توجه به ویژگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خانوار، فضایی برای تعامل داخلی (با مهمان) و تعامل خارجی (با همسایگان) در نظر گرفته

۸. اِعْمَلُوا اِنَّمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِى الْاَمْوَالِ وَ الْاَوْلَادِ.
۹. مَنْ بَنَى بُنْيَانًا رِیًّا وَ سَمِعَهُ حَمَلَةً یَوْمَ الْقِیَامَةِ اِلَى سَبْعِ اَرْضِیْنَ، ثُمَّ یَطُوْقُهُ نَارًا تُوقَدُ فِی عَنَقِهِ، ثُمَّ یُرْمَى بِه فِى النَّارِ.
۱۰. اَتْبِنُوْنَ بِكُلِّ رِیْعٍ اٰیةٌ یَعْبَثُوْنَ.
۱۱. وَالسَّمَاءُ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِیزَانَ.
۱۲. وَخَلَقَ كُلَّ شَیْءٍ فِقْدَرُهُ تَقْدِیْرًا.
۱۳. وَنَفْسٌ وَمَا سَوَّاهَا.
۱۴. الَّذِیْ خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ.
۱۵. قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِیْنَةَ اللّٰهِ الَّتِیْ اُخْرِجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّیِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِیَ لِلَّذِیْنَ اٰمَنُوْا فِى الْحَیٰةِ الدُّنْیَا خَالِصَةٌ یَوْمَ الْقِیَامَةِ .
۱۶. یَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَیْسَتْ اَذُنُكُمْ اِلَّا مَلَكٌ اٰیْمَانُكُمْ وَالَّذِیْنَ لَمْ یَبْلُغُوْا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثٌ مَّرَاتٍ مِّنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِیْنَ تَضَعُوْنَ ثِیَابِكُمْ مِنَ الظُّهْرِیَّةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ.
۱۷. یَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَا تَدْخُلُوْا بُیُوْتًا غَیْرِ بُیُوْتِكُمْ حَتّٰی تَسْتَأْذِنُوْا وَتَسَلِّمُوْا عَلٰی اَهْلِهَا ذٰلِكُمْ خَیْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ
۱۸. وَلَیْسَ الْبِرُّ اَنْ تَاْتُوْا الْبُیُوْتِیْنَ مِنْ ظُهُورِهَا وَّلَٰ كِنْ الْبِرُّ مِنَ اَتَقٰی وَاْتُوْا الْبُیُوْتِیْنَ مِنْ اَبْوَابِهَا.
۱۹. وَقُلْ رَبِّ اَنْزِلْنِیْ مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَاَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلِیْنَ.
۲۰. وَتَعَاوَنُوْا عَلٰی الْبِرِّ وَالتَّقْوٰی.
۲۱. قَدْ اَفْلَحَ الْمُؤْمِنُوْنَ الَّذِیْنَ هُمْ فِی صَلٰوةِهِمْ خٰشِعُوْنَ وَ الَّذِیْنَ هُمْ عَنِ الْغَوْرِ مُعْرِضُوْنَ.
۲۲. تَتَّخِذُوْنَ مَصَٰنِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُوْنَ.
۲۳. وَ لَوْ لَا اَنْ یَّكُوْنَ النَّاسُ اُمَّةً وَّاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَنْ یَكْفُرُ بِالرَّحْمٰنِ لِبُیُوْتِهِمْ سَفًّٰیًا مِّنْ فَضٍّ وَ مَعَارِجَ عَلَیْهَا یُظْهَرُوْنَ وَ لِبُیُوْتِهِمْ اَبْوَابًا وَ سُرُرًا عَلَیْهَا یَتَّكِفُوْنَ وَ زُخْرُفًا وَاِنْ كُلِّ ذٰلِكُمْ لَمَّا مَتَاعٌ الْحَیٰةِ الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِیْنَ .

فهرست منابع و مراجع

۱. قرآن کریم.
۲. احمدی، بابک (۱۳۸۱)، **هایدگر و تاریخ هستی**، نشر مرکز، تهران.
۳. اخوت، هانیه (۱۳۹۴)، «بررسی نقش آیات قرآن و احادیث شیعه در شکل گیری کالبد مسکن سنتی»، **شبهه‌شناسی**، شماره ۵۲، زمستان.
۴. اخوت، هانیه؛ بمانیان، محمدرضا و انصاری، مجتبی (۱۳۹۰)، «بازشناسی مفاهیم معنوی سکونت در مسکن سنتی اقلیم کویری»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۵، پاییز.
۵. امین پور، احمد؛ مدنی، رامین؛ حیاتی، حامد؛ زارع، علیرضا (۱۳۹۶)، «تأثیر آموزه های اسلامی بر کالبد معماری خانه های ایرانی نمونه موردی: خانه سنتی در اقلیم گرم و خشک ایران»، **فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، شماره ۲۹، بهار.
۶. امینی، ندا و نوروزیان پور، هیرید (۱۳۹۳)، «خلوت و محرمیت شناخت تفاوت ها و شباهت های این دو مفهوم در معماری و شهرسازی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۱۵، بهار.
۷. اهری، زهرا؛ ارجمندنیای، اصغر؛ حبیبی، سید محسن و خسروخاور، فرهاد (۱۳۶۷)، **مسکن حداقل**، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.
۸. آصفی، مازیار و ایمانی، الناز (۱۳۹۱)، «چالش های فناوری های نوین در معماری و تعامل آن با ارزش های معماری اسلامی ایران»، **باغ نظر**، شماره ۲۱، تابستان.
۹. بلخاری، حسن (۱۳۸۵)، «بنیان های نظری زیبایی شناسی اسلام در قرآن کریم»، **فصلنامه هنر**، شماره ۷۰، زمستان.
۱۰. پالاسما، یوهانی (۱۳۸۹)، «هویت، حریم خصوصی و ماوا»، ترجمه امیر امجد، **صنعت سینما**، شماره ۹۷، تابستان.
۱۱. پورمند، حسنعلی و طباطبایی ملاذی، فاطمه (۱۳۹۴)، «الگوی پنهان حاکم بر نظام استقرار فضایی در مسکن ایرانی- اسلامی (بررسی موردی: خانه رسولیان یزد)»، **فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی**، شماره ۴، زمستان.
۱۲. پیوسته گر، یعقوب؛ حیدری، علی اکبر و اسلامی، مطهره (۱۳۹۶)، «بازشناسی اصول پنجگانه استاد پیرنیا در معماری خانه های سنتی ایران و تحلیل آن با استناد به منابع اعتقادی اسلامی (مطالعه موردی: خانه های شهر یزد)»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۲۷، بهار.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۶)، **کرامت در قرآن**، نشر فرهنگی رجا، تهران.
۱۴. حرانی، ابن شعبه (۱۳۸۲)، **تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله**، ترجمه صادق حسن زاده، آل علی (ع)، قم.
۱۵. حکیم، بسیم سلیم (۱۳۸۱)، **شهرهای عربی اسلامی- اصول ساختمانی و شهرسازی**، ترجمه محمدحسین ملک احمدی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۱۶. حمزه‌نژاد، مهدی و دشتی، مینا (۱۳۹۵)، «بررسی خانه‌های سنتی ایرانی از منظر پدیدارشناسان و سنت گرایان معنوی»، **نقش جهان**، شماره ۲، تابستان.
۱۷. حمزه‌نژاد، مهدی و صدریان، زهرا (۱۳۹۳)، «اصول طراحی خانه از منظر اسلامی و الگوهای کاربردی معاصر»، **پژوهش های معماری اسلامی**، شماره ۴، پاییز.
۱۸. حیاتی، حامد و صفرپور بهبهانی، وفا (۱۳۹۵)، «بررسی و تبیین سازماندهی انتظام فضایی در معماری خانه‌های سنتی (نمونه موردی: خانه تیزنو دزفول)»، **مطالعات جغرافیا، عمران و مدیریت شهری**، شماره ۱، بهار.
۱۹. دریای لعل، بهرنگ و حوصله‌دار صابر، ریحانه (۱۳۸۹)، «بازنگری یک مفهوم در معماری معاصر ایران، هویت»، **فصلنامه فن و هنر**، شماره ۲۸، پاییز.
۲۰. رئیس‌ی، محمدمتین و ثمره شاه پسند، سینا (۱۳۹۶)، «تبیین رنگ های متناسب با ریزفضاهای مسکونی بر پایه آموزه های اسلامی»، **نقش جهان**، شماره ۱، بهار.
۲۱. سیدرضی (۱۳۹۰)، **نهج البلاغه**، ترجمه سید جمال‌الدین دین پرویز، بنیاد نهج البلاغه، تهران.
۲۲. سیفیان، محمدکاظم و محمودی، محمدرضا (۱۳۸۶)، «محرمیت در معماری سنتی ایران»، **هویت شهر**، شماره ۱، پاییز و زمستان.
۲۳. شایبرجیما، جی (۱۹۹۳)، **مدیریت شهر**، ترجمه پرویز زاهدی (۱۳۷۹)، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.
۲۴. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶)، **الأمالی**، چاپ ششم، کتابچی، تهران.
۲۵. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۷)، **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال**، ترجمه ابراهیم محدث بندر ریگی، اخلاق، قم.
۲۶. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، **الخصال**، تصحیح علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، قم.
۲۷. ضرغامی، اسماعیل و سادات، سیده اشرف (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی شاخصه های مسکن ایرانی- اسلامی با مسکن آپارتمانی امروز»، **نقش جهان**، شماره ۲، تابستان.
۲۸. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۷)، **مکارم الاخلاق**، شریف رضی، قم.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، **الامالی**، دارالثقافت، قم.
۳۰. عاملی، شیخ حر (۱۴۰۹ ق)، **وسائل الشیعة**، چاپ اول، مؤسسه آل البیت (ع)، قم.
۳۱. عبدالله‌زاده، سیده مهسا و ارژمند، محمود (۱۳۹۱)، «در جست‌وجوی ویژگی های خانه ایرانی (بر مبنای بررسی شیوه زندگی در خانه های سنتی شیراز)»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۱۰، زمستان.

۳۲. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰)، **تفسیر عیاشی**، المكتبة العلمیة الاسلامیة، تهران.
۳۳. قربانی، رحیم (۱۳۹۱)، **شاخص های معماری و شهرسازی اسلامی**، پژوهشگاه بین المللی المصطفی، مرکز پژوهشی اقتصادی اجتماعی قدر، قم.
۳۴. کارشناس، مجید، (۱۳۷۶)، «مسکن معماری شهرسازی معاصر و تهاجم فرهنگی»، **مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی**، شماره ۵۳، زمستان.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، **اصول الکافی**، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ سوم، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۳۶. لیبیب زاده، راضیه؛ نقره کار، عبدالحمید؛ حمزه نژاد، مهدی و خان محمدی، محمدعلی، (۱۳۹۴)، «بازخوانی سازمان فضایی خانه بر اساس متون اسلامی به روش EBS و تطبیق آن با اولویت های روابط فضایی از دیدگاه الکساندر و لنگ»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۲۲، زمستان.
۳۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، **بحار الانوار**، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت.
۳۸. مرتضی، هشام (۱۳۸۷)، **اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام**، ترجمه ابوالفضل مشکینی، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، تهران.
۳۹. مسائلی، صدیقه، (۱۳۸۸)، «نقشه پنهان به مثابه دستاورد باورهای دینی در مسکن سنتی کویری ایران»، **هنرهای زیبا**، شماره ۳۷، بهار.
۴۰. مومنی، کوروش و ناصری، ندا، (۱۳۹۴)، «بررسی ابزارها و روش های ایجاد محرمیت در خانه زینت الملک شیراز منطبق بر آیات و روایات اسلامی»، **پژوهش های معماری اسلامی**، شماره ۴، زمستان.
۴۱. نقره کار، عبدالحمید؛ مظفر، فرهنگ و تقدیر، سمانه، (۱۳۹۳)، «بررسی قابلیت های فضای معماری برای ایجاد بستر پاسخگویی به نیازهای انسان از منظر اسلام (مطالعه موردی: خانه های زینت الملک شیراز و بروجردی های کاشان)»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۱۵، بهار.
۴۲. نقی زاده، محمد (۱۳۸۷)، **شهر و معماری اسلامی**، چاپ اول، اصفهان: انتشارات مانی .
۴۳. نقی زاده، محمد، (۱۳۹۱)، «تاملی در شناخت مبانی مسکن اسلامی ایرانی»، **کتاب ماه هنر**، شماره ۱۷۰، پاییز.
۴۴. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، **مستدرک الوسائل**، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت.
۴۵. نهج البلاغه (۱۳۷۹)، **ترجمه محمد دشتی**، انتشارات دفتر نشر مصطفی، قم.
۴۶. وثیق، بهزاد و پشوتنی زاده، آزاده، (۱۳۸۹)، «مفهوم سکونت در آیات و روایات اسلامی»، **مسکن و محیط روستا**، شماره ۱۲۹، بهار.
۴۷. وثیق، بهزاد؛ پشوتنی زاده، آزاده و بمانیان، محمدرضا (۱۳۸۸)، «مکان و مسکن در منظر اسلام»، **پژوهش های میان-رشته ای قرآن کریم**، شماره ۳، تابستان.
۴۸. ولی زاده اوغانی، محمدباقر و موحدی، ناصر (۱۳۹۶)، «آسایش در خانه (مطالعه موردی: خانه تاریخی بهنام تبریز)»، **معماری سبز**، شماره ۹، زمستان.
۴۹. یاران، علی و بهرو، حسین، (۱۳۹۶)، «تأثیر فرهنگ و اخلاق اسلامی بر مسکن و کالبد فضایی خانه ها (نمونه موردی: خانه های عصر قاجار در شهر اردبیل)»، **پژوهش های معماری اسلامی**، شماره ۲، تابستان.

تحلیل شاخص‌های ارزیابی پیاده‌راه‌های مذهبی حرم حضرت معصومه (س)*

محمد کمیلی^{۱*} (نویسنده مسئول)

^۱ استادیار گروه منظر شهری پژوهشکده فرهنگ و هنر و معماری

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۹

چکیده

پیاده‌راه‌های مذهبی یکی از بارزترین عناصر خطی اغلب شهرهای زیارتی جهان هستند که در آن زائران و گردشگران از بدو ورود به شهر تا زمان رسیدن به بارگاه اصلی، با فعالیت‌های متنوع مذهبی و فرهنگی، تجاری، خدماتی و ... در طول این محورها مواجه‌اند. این پیاده‌راه‌ها زائران را به تدریج برای ورود به فضای زیارتی بارگاه آماده می‌نمایند؛ لذا از آنجا که گاه ممکن است مسیرهای مختلفی برای تشریف به مکان‌های مقدس در شهرهای مذهبی وجود داشته باشد، شاید بتوان آنها را بر اساس شاخص‌های کمی و کیفی موجود در شهرهای مذهبی طبقه‌بندی و ارزیابی کرد. این مقاله با هدف شناسایی بهترین مسیر شرفیابی زوار حرم حضرت معصومه (س) بر اساس شاخص‌های جذابیت بصری و عناصر کالبدی مذهبی هر مسیر، به این مهم می‌پردازد که چگونه می‌توان محورهای منتهی به حرم را بر اساس این معیارها ارزیابی و اولویت‌بندی کرد تا زائران با ورود به این محور و عزیمت به صحن حرم با چشم‌اندازها و فعالیت‌های در شأن و منزلت یک شهر ایرانی-اسلامی مواجه گردند. روش این تحقیق توصیفی با استفاده از اطلاعات کمی مبتنی بر مطالعات اسنادی و میدانی است. برای شناسایی و تحلیل مسیرهای منتهی به حرم حضرت معصومه (س) ابتدا متغیرهای سنجش محورها بر اساس چارچوب نظری مشخص و اطلاعات مورد نیاز به جداول نرم‌افزار GIS وارد و لایه‌های مختلف استخراج شد، سپس با روی هم‌گذاری لایه‌ها امتیاز هر مسیر متناسب با نوع فعالیت و کاربری‌های محور مشخص گردید. داده‌های مورد نیاز برای این جداول از نقشه‌های پایه و وضع موجود جمع‌آوری گردید و برای داده‌های میدانی از نظرسنجی با روش تحلیل سلسله مراتبی AHP از زائران، بهره‌برداران و مسئولان و همچنین توزیع پرسشنامه‌های کتبی و مصاحبه‌ای و همچنین بیان تصویری آنچه زائران در طول مسیر زیارت خود می‌بینند و به تصویر می‌کشند، استفاده شد. دستاورد این تحقیق نیز توصیف و طبقه‌بندی شاخص‌های موجود در پیاده‌راه‌های منتهی به حرم حضرت معصومه (س)، امتیازدهی و اولویت‌بندی هر محور بر اساس شاخص‌های ارزیابی و نهایتاً در اولویت قرار گرفتن خیابان ارم به عنوان مناسب‌ترین پیاده‌راه تشریف زائران به حرم حضرت معصومه (س) بوده است.

واژگان کلیدی: پیاده راه مذهبی، حرم حضرت معصومه (س)، شهر اسلامی، شهر ایرانی، قم، خیابان ارم.

* تحقیق حاضر یافته‌های حاصل یک از طرح پژوهشی با عنوان تهیه طرح اصول و ضوابط طراحی محدوده اطراف حرم حضرت معصومه (س) است که طی قراردادی بین مرکز مطالعات شهرداری قم با جهاد دانشگاهی واحد استان قم، توسط اعضای هیئت علمی جهاد دانشگاهی تهیه شده است. کلیه نقشه‌ها در همین مرکز و زیر نظر نویسنده این مقاله تهیه شده است.

** E-Mail: komeili@acecr.ac.ir

مقدمه

قم شهری با هویت مذهبی واقع در مرکز فلات ایران و نزدیک به تهران است. این شهر با جمعیت ۱۲۲۹۹۶۴ نفر در سال ۱۳۹۵ هشتمین کلانشهر ایران به شمار می آید (سازمان مدیریت و برنامه ریزی قم، ۱۳۹۵). شهر قم دارای القابی همچون پایتخت مذهبی ایران و قطب فرهنگی، حرم اهل بیت، آشیانه آل محمد (ص)، مدینه المومنین، دارالموحدین و شهر کریمه اهل بیت است و این در حالی است که به عنوان پایتخت فرش ابریشمی ایران، پایتخت اینترنتی جهان شیعه، قطب تولید نرم افزارهای علوم و کتب اسلامی و بزرگ ترین قطب انتشار کتاب های دینی خاورمیانه به شمار می آید و گاه از قم به عنوان مادر جمهوری اسلامی ایران یاد می شود (فقیه و جلالی، ۱۳۹۲: ۲۶). با این توصیف، طرح های ملی متعددی در این شهر برنامه ریزی و اجرا شده اند که از جمله آنها می توان به طرح حرم تا حرم، طرح جنات، طرح مونوریل و دیگر طرح های مربوط به ضوابط و مقررات شهرسازی و نمای شهری برای قم اشاره کرد که در تمامی این طرح ها، حرم حضرت معصومه (س) به عنوان محور اصلی مد نظر قرار گرفته است. بر اساس آمار سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور که به تفکیک استانی به صورت سالانه ارائه می شود، میزان گردشگران استان قم طی سال های ۱۳۹۵-۱۳۹۳ از ۳٫۳ میلیون نفر به ۵٫۲ میلیون نفر رسیده و پیش بینی ها حاکی از رسیدن این تعداد به حدود ۸ میلیون نفر تا سال ۱۴۰۴ خواهد بود (سالنامه آماری میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۶). بنابراین لازم است تا تمهیدات مورد نیاز گردشگران متناسب با شهری با این درجه اهمیت پیش بینی شود که از جمله در نظر گرفتن تمهیدات لازم برای جابه جایی در شهر و مسیرهای منتهی به حرم، مسیرهای پیاده زائران به سمت حرم و چگونگی استفاده از فضاها و فعالیت های فرهنگی، مذهبی، تجاری و تفریحی و غیره خصوصاً در اعیاد و سوگواری ها با استفاده از تجربیات داخلی و خارجی برای ارائه مناسب ترین گزینه هاست. به نظر می رسد در ابتدا سلسله مراتب پیاده راه های مذهبی منتهی به حرم مطهر بر اساس چارچوب نظری این مقاله باید مشخص شوند.

در ادبیات نظری این تحقیق چنین آمده که محور مقدس جایی است که فرد از نقطه سکونت خود عزیمت می کند و به یک مکان مقدس رهسپار می شود و نهایتاً به محل زندگی خود باز می گردد و این بازگشت او را تحت تاثیر هویت مکان مقدس قرار می دهد (سربری، ۱۳۹۱). در جای دیگری گفته شده که در مکان های مقدس ایجاد حس انتظار نه یک باره و آنی، که در چند مرحله انجام می پذیرد و حس تقدس فضا در هر مرحله ای پس از مرحله قبلی با فزونی نشانه های تزئینی و ظرافت های فضایی جلوه می یابد (بدیعی، ۱۳۸۲). مجموعه رفتارهای قدم به قدم که به تدریج رنگ و بوی زیارت به خود می گیرد همچون

سروصداهای نوحه خوانی، مداحی و اذان و...، تغییر کاربری ها به واحدهای فروش تسبیح، جانماز و کتب مذهبی، مزین شدن مسیرها و استقرار کاربری های عبادت، تدریس، قرائت قرآن و طلب اجابت دعا و... به این نکته مهم دلالت دارند که هر عنصر از فضای حرم قدسی، سلسله مراتب تقدس خود را از همجواری قبر آن امام می گیرد (فرهانی، ۱۳۸۶: ۷۹). منظرهای مقدس توسط آداب و رسوم شکل می گیرند و معمولاً از زمینه های غیرمذهبی آغاز شده و در تداوم فرهنگ انسانی به زمینه های مذهبی می رسند. از خارج شهر به طرف مکان مقدس نیز فضا به تدریج مقدس می شود. آستانه ها و دروازه ها نشان عبور تدریجی اند و مرحله ای که سرانجام به صحن داخلی منتهی می شود (اسپیرن، ۱۳۸۴: ۲۰۹). چشم انداز، رفتار زائر را تحت تاثیر قرار می دهد جایی که بقعه مقدس برای نخستین بار به دیده زائر می آید، اهمیت فراوان دارد و در داخل شهر به هنگام عبور از خیابان هایی که راه به صحن مبارک می برد، شایسته است که زائر تعظیم کند. یک سری از شاخص های فعالیتی تشکیل شده که روابط شکلی و فضایی آن فعالیت را ممکن می سازد و موجب برانگیختن احساسات می شود (الکساندر، ۱۳۸۱: ۵۶).

در مبانی اسلامی پرداختن به اصولی همچون تفکیک به معنی جدا کردن بین مستحبات با آنچه کراهت دارد، اصل رعایت حریم مسجد، قبرستان، راه و شهر، اصل اندازه و مقیاس و تناسب، و اصل زیبایی و زینت در معماری و شهرسازی مورد تاکید قرار گرفته است (شورای عتف، ۱۳۹۲: ۶۳).

در خطبه ۱۹۲ امیر المومنین (ع)، به باغ و فضای سبز در شهر به عنوان سیمای مطلوب اشاره و بیان شده که رنگ شهر نباید تیره، خاکستری، کدر و در عین حال زنده باشد. از طرفی تاکید بر انهار به عنوان توصیفی از بهشت و نبود تضاد طبقاتی در خانه های کنار هم، جاده های آباد و امن با خدمات رفاهی به معنی دسترسی همه مردم به امکانات شهر از جمله رئوس شهر در بلاد اسلام است (مشاور رازاندیشان عمران، ۱۳۹۱: ۶۹). در جای دیگری گفته شده فضای زیارتی و شهر هر دو مبین شهر اسلامی اند و این شهر در واقع نمایش فضایی شکل و ساختار اجتماعی است که بر اساس ایده آل های اسلامی فرم های ارتباطی و عناصر تزئینی شکل می گیرد (بلخاری و توسلی، ۱۳۹۲: ۸۸).

شهر مجموعه ای از فضاهای شهری، با درجه های متفاوتی از تقدس یا عدم تقدس را به وجود می آورد. تقدس، عدم تقدس یا شیطانی شدن فضاهای شهری در ابعاد تاریخی و حافظه جمعی جای گرفته و بُعدی از ابعاد منظر شهر را می سازد (فکوهی، ۱۳۸۳: ۵۳).

این در حالی است که نظریه پردازان غربی همچون سامبک و هرمان کاتلر^۱ در پرداختن به محورهای فرهنگی در مطالعه ای، مهم ترین موارد سیاست گذاری تعیین کیفیت محورهای فرهنگی را در شناسایی نیازهای کیفی و الزامات، ارزیابی نیازها، سطح کنونی

خدمات، ارزیابی انطباق و رضایت‌مندی، شناسایی مکانیزم ایجاد رضایت و مداخله‌های امیدوارکننده می‌دانند (PQN, 2010: 25).

از طرف دیگر تحقیقات منتشر شده در سه کشور ژاپن، فرانسه و سوئیس حاکی از آن بود که واکنش‌های عابران در طول یک پیاده‌راه می‌تواند تحت تاثیر فرهنگ متأثر از کشور قرار گیرد؛ این بدان معنی است که می‌توان واکنش‌های شهروندان در طول محورها را توسط علائم و نشانه‌ها، فعالیت‌های موجود، کاربری‌ها و ... کنترل و مدیریت کرد. ضمن آنکه حضور افراد دارای فرهنگ-ها، نژادها و قومیت‌های مختلف، زنان و مردان، کودکان، بزرگسالان و سالمندان و اینکه هر فرد با چه هدفی وارد یک پیاده‌راه می‌شود، می‌تواند نیازهای متنوعی را برای عابران ایجاد کند که پاسخگویی به آن مستلزم مطالعه وسیع و همه‌جانبه اجتماعی و کالبدی است (Pelé, et all, 2017: 16).

در پیشینه موجود در این خصوص، اولین مسیر مقدس پس از نازل شدن جبرئیل و آموزش قوانین احرام به حضرت ابراهیم و اسماعیل از میقات برای رسیدن به حج به وجود آمد (کلینی، ۱۴۰۱: ۲۰۲) و هنوز هم مهم‌ترین مراسم زیارت مسلمانان برای شرفیابی به بیت‌الله الحرام از زمان احرام بستن در میقات تا خانه کعبه است. این در حالی است که مسیرهای مقدس متعددی برای تشریف به اماکن متبرکه در جهان اسلام وجود دارد که از آن جمله مهم‌ترین آنها برای شیعیان مسیر تشریف به کربلاست که زائران در ایام سوگواری شهادت و اربعین امام حسین (ع) از شهرهای اطراف اقدام به پیاده‌روی به مقصد بین‌الحرمین نموده و در مراحل مختلف دسترسی به این مکان مقدس با فعالیت‌های متناسب با شأن و منزلت زیارت امام سوم شیعیان مواجه می‌گردند. مسیرهای بلافصل مکان‌های مذهبی شاخص در ایران که به صورت ارگانیک بوده‌اند تحت تاثیر توسعه‌های خطی و شعاعی که با تملک بخش بزرگی از بافت پیرامونی آنها مقدور شده امکان حرکت مرتبه‌ای توأم با حس تامل را از بین برده است و ادراک و خط بصری تسلسل در یک نقطه ایستگاهی خاتمه می‌یابد (عاشوری، ۱۳۸۸: ۱۰۷). در کشور نیز مسیرهای منتهی به حرم مبارک حضرت امام رضا (ع) و نیز بین‌الحرمین شیراز، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (س)، قدمگاه نیشابور و ... از جمله دیگر مسیرهای مشابه زیارت بقاع متبرکه هستند. اندیشه شکل‌گیری مسیرهای مقدس از زمان صفویه با احیای کالبدی بقاع متبرکه و توسعه بازار در اطراف آن پدیدار شد. این مسیرها غالباً بازارهایی سرپوشیده از محل ورود تا صحن حرم را شکل می‌دادند که غالب فعالیت‌های فرهنگی و تجاری متناسب با حرم مقدس همچون فروش مهر و تسبیح و کتاب و غیره و برگزاری مراسم اعیاد و سوگواری‌ها و تشییع پیکر در طول این محور و به مرکزیت حرم شکل می‌گرفت. همچون محور حرم عبدالعظیم (س) به طول ۳۴۰ متر از میدان شهرری تا ورودی صحن حرم

که در اطراف آن کاربری‌های تجاری و بازار قدیمی سرپوشیده ساخته شده از خشت و گل که غالب فعالیت‌های تجاری آن را ادویه فروشی‌ها، عطر فروشی و داروهای سنتی و کالاهای تجاری تشکیل داده و متعلق به دوران صفویه با قدمتی حدود پانصد سال است (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲: ۵۰).

با توجه به آنچه در ادبیات تحقیق، مبانی نظری و پیشینه داخلی و خارجی این تحقیق ذکر شد، پژوهش مذکور درصدد است تا ملاک‌های ارزیابی وضع موجود در پیاده‌راه‌های منتهی به حرم حضرت معصومه را بر اساس مبانی نظری اسلامی مشخص کرده، آنها را دسته‌بندی نموده و بهترین مسیر تشریف به حرم را برای دسترسی زائران معرفی نماید که پس از آن اقدامات لازم برای ساماندهی مسیر صورت پذیرد.



تصویر شماره ۱: مسیر بین‌الحرمین مسیر شاه چراغ و مقبره میرعلاءالدین به طول ۷۰۰ متر و عرض ۱۰۰ متر با استقرار کاربری‌های فرهنگی و مذهبی و فعالیت‌های مرتبط
ماخذ: اکبرزاده، ۱۳۹۴: ۱۲



تصویر شماره ۲: مسیر قدمگاه نیشابور به طول ۲۰۰ متر متعلق به دوران صفوی بر اساس طرح چهار باغ اصفهان با دو عنصر اصلی آب و درخت و مسیر صعود به سمت آسمان
ماخذ: اکبرزاده، ۱۳۹۴: ۱۲

روش تحقیق

اولین هسته تشکیل‌دهنده شهر قم به دوران ساسانیان یعنی قبل از اسلام برای اداره منطقه دشت قم در نزدیکی رودخانه قمرود برمی‌گردد (فجر و توسعه، ۲۰۱۳۹۱). عمده‌ترین تحولات کالبدی قم از دوران صفویه و توجه به بقاع متبرکه شیعه با توسعه حرم

حضرت معصومه (س) آغاز شد. این در حالی است که در دوران قاجار محور بازار توسعه یافت و سپس اقدامات تجددگرایانه اواخر پهلوی اول برای مرمت و بازسازی حرم و محورهای اطراف آن صورت پذیرفت؛ اما عمده‌ترین تحولات قم به بعد از جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷ با پیاده‌سازی طرح‌های توسعه حرم و احداث شهرک‌های مهاجرنشین اطراف آن بازمی‌گردد (پیشین: ۲۵). جدول شماره ۱ روند تکامل محورهای منتهی به حرم از ابتدا تا کنون را نشان می‌دهد.

از آنجا که این تحقیق از لحاظ نوع پژوهش، در زمره مطالعات تجربی و از نظر هدف، کاربردی و بر حسب اقدام محقق، توصیفی است، در مرحله اول بایستی مطالعات اسنادی برای جمع‌آوری اطلاعات نمونه موردی «محدوده حرم مطهر حضرت معصومه (س)» صورت پذیرد. سپس با استفاده از نقشه‌های پایه شهر قم اطلاعات لازم برای ایجاد لایه‌های مورد نیاز برای تحلیل شاخص‌های مسیرهای منتهی به حرم، همچون میزان سازگاری کاربری‌ها، نحوه پراکندگی عناصر واجد ارزش تاریخی و فرهنگی و فعالیت‌های شاخص و دیگر معیارهای مستخرج از چارچوب نظری در جداول توصیفی^۲ نرم‌افزار GIS وارد گردیده و لایه‌های^۳ لازم برای روی هم گذاری و تحلیل اطلاعات تولید گردند. این در حالی است که بیش از ۳۰۰۰ فریم عکس از مسیرهای منتهی به حرم برداشته شده و در کنار هم قرار گرفته و تا ضعف‌های ناشی از آلودگی‌ها و کمبودهای بصری نمای بدنه محور مشخص شوند. محدوده این مطالعه واقع در قسمت‌های مرکزی شهر قم و اطراف حرم حضرت معصومه (س) از شمال محدود به خیابان‌های هفت تیر، مویدی قمی و امامزاده ابراهیم، از جنوب خیابان‌های یاسر، از شرق خیابان ۱۵ خرداد و کیوان‌فر و از غرب خیابان رسالت با مساحتی بالغ بر ۴۵۵ هکتار، یعنی چیزی حدود ۵ درصد از کل مساحت شهر قم است. در بررسی‌های اولیه مشخص شد که در این محدوده ۱۵۴۷۷ کاربری وجود دارد و جمعیتی حدود ۴۵۸۹۳ نفر را در خود جای داده است (فجر توسعه، ۱۳۹۱: ۶۲). پرسشنامه طراحی شده برای این تحقیق متناسب با متغیرهای تحقیق بایستی توسط ۳ گروه هدف جامعه آماری یعنی گردشگران یا زوار، بهره‌برداران (شامل ساکنان، کسبه، طلاب و دانشجویان و کلیه افرادی که به نوعی به طور روزمره با این محدوده سروکار دارند) محدوده معصومیه و مدیران شهری آشنا به این حوزه پاسخ داده شود. با توجه جمعیت محدوده (زائران، ساکنان و بهره‌برداران و مدیران) و بر اساس جدول مورگان تعداد ۳۸۴ پرسشنامه مورد نیاز است که می‌تواند متناسب با تعداد زائران و بهره‌برداران به طور اتفاقی و نیز مدیران به صورت گزینشی توزیع گردد. تحلیل پرسشنامه‌ها با ابزار spss صورت پذیرفته و نتایج آن روی نقشه‌های GIS اعمال گردیده‌اند. طیف سنی پاسخ‌دهندگان زائر بیست سال به بالا، ساکنان و بهره‌بردارانی که حداقل پنج سال در محل حضور

داشته‌اند و مدیران مرتبط با مسائل شهری همچون شهرداری، میراث فرهنگی و غیره است. این در حالی است که برای به تصویر کشیدن آنچه از دیدگاه زائران در مسیر رسیدن به حرم رخ می‌دهد چند ایستگاه در مسیرهای مختلف مستقر و از کودکان و نوجوانان خواسته شد تا آنچه را از مسیر زیارت دیده‌اند روی کاغذ به تصویر بکشند. روایی و پایایی یافته‌ها با آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت. شاخص‌های اندازه‌گیری شده در این تحقیق که از مبانی نظری استخراج شدند عبارت‌اند از: فضای سبزی، وضعیت نما، رنگ‌ها، عناصر تضعیف و تقویت‌کننده نما، فضاهای خدماتی، فضاهای عمومی، کاربری‌های ناسازگار، فضاهای اقامتی، فضاهای فرهنگی، مصالح به کار رفته در بدنه، نورپردازی، شاخص‌های هویت‌بخش، ساختمان‌های جدید الاحداث، میزان خوانایی، میزان تغییرات مثبت و منفی اقدامات سال‌های اخیر و ... این اطلاعات در فرایند واکاوی سلسله مراتبی (AHP) ارزیابی می‌شوند.

اولین نظرسنجی از زائران حاکی از آن بود که ایشان برای انتخاب مناسب‌ترین محور دسترسی به حرم محورهایی را انتخاب می‌کنند که اول از همه دید مستقیم به حرم داشته باشد و زائر بتواند به سمت حرم حرکت کند؛ در مرحله دوم کمترین ترافیک را از زمان ورود به شهر قم تا محل شروع پیاده‌روی برای رسیدن به حرم داشته باشد؛ سوم اینکه کوتاه‌ترین فاصله و کمترین ازدحام را از محل پیاده شدن از خودرو یا محل اقامت تا حرم داشته باشد و چهارم دارای تنوع کاربری جذاب متناسب با فعالیت زیارت باشد (همچون فعالیت‌های فرهنگی مذهبی، فروش نرم‌افزارها و سی‌دی‌ها و کتاب‌های مذهبی، معرفی آداب زیارت، برگزاری مراسمی همچون هیئت‌ها و نذورات و غیره). در یک تقسیم‌بندی مهم‌ترین محورهای محدوده حرم قدسی قم به چهار دسته (الف: محورهای دارای دید مستقیم به حرم، ب: محورهای ترافیکی منتهی به حرم، ج: محورهای پیرامونی حرم که به حرم منتهی نمی‌شوند و د: محورهای دارای ارزش تاریخی و فرهنگی که به حرم منتهی نمی‌شوند) تقسیم شده‌اند که تا حدی با بررسی‌های میدانی این تحقیق مطابقت دارد (ادیب‌زاده، ۱۳۹۳: ۶۸).

ارزیابی سلسله مراتب محورهای منتهی به حرم حضرت معصومه (س)

الف) محورهای دارای دید مستقیم به حرم: شامل سه محور که هم از نظر بصری و هم از نظر حرکتی واجد اهمیت‌اند، لیکن کارکرد بصری این محورها حائز اهمیت بیشتری است. این محورها عبارت‌اند از:

۱. خیابان امام خمینی
۲. خیابان ۱۹ دی (آستانه)
۳. خیابان پیامبر اعظم (حرم - جمکران)

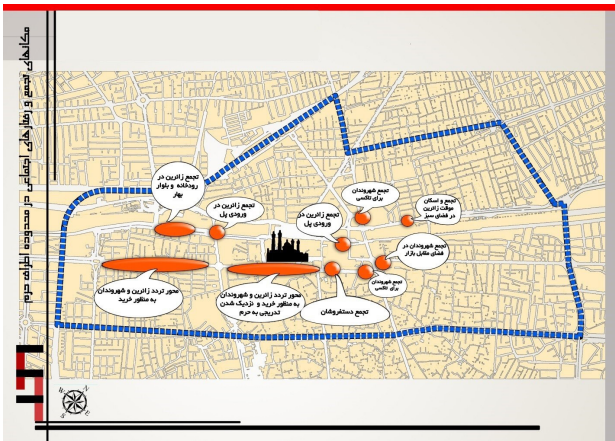
جدول شماره ۱: سیر تحول شهر قم و موقعیت حرم حضرت معصومه در مراحل مختلف

دوره تاریخی	تغییرات شهر در ارتباط با مجموعه حرم حضرت معصومه (س)	نقشه شهر
ساسانیان	شهر متشکل از شارستان و ریض بوده که در فاصله قابل توجهی از رودخانه قمرود در سمت جنوب شرقی آن قرار گرفته بود	
دوران اسلامی (قبل از صفوی)	به رغم حضور و تشیع پیکر مطهر حضرت معصومه (س) در شهر قم در سال ۲۰۱ ه. ق (حکومت عباسیان)، شهر در این دوره تحت تاثیر مسجد جامع و راسته بازار بوده و آستان مقدس در منتهی علیه جنوب شرقی بارو قرار گرفته بود. لذا از ابتدای قرن سوم تا اوائل قرن دهم قمری مصادف با ظهور سلسله صفوی، تحولات کالبدی حرم به صورت محدود بوده و توجه خاصی به آن صورت نپذیرفت و ساختار و توسعه قم تحت تاثیر حرم نبود.	
صفویان	با رسمیت یافتن مذهب شیعه حرم حضرت معصومه دفعتاً با رونق و گسترش وسیعی روبرو می شود. تغییرات و نوسازی های مهمی که در آستانه مقدسه روی داد سبب شد که این شهر از نظر بافت فرهنگی و اجتماعی تا حد بسیار زیادی تحت تاثیر مراکز آموزشی دینی و مجموعه زیارتی آن قرار بگیرد.	
قاجاریه	به رغم قرار گیری حرم در داخل محدوده اصلی شهر و تغییرات کالبدی قابل توجه در درون مجموعه حرم، اما همچنان استخوان بندی شهر با تکیه بر محور اصلی راسته بازار در بخش مرکزی شهر به صورت خطی شکل گرفته است	
پهلوی	احداث خیابان ارم، آذر و چهار مردان و استقرار یافتن مراکز تجاری و اداری در جداره آنها هسته اصلی شهر را به سمت حرم حضرت معصومه (س) سوق داد و سبب گردید مراکز مذهبی حرم نقش بسیار مهمی در استخوان بندی شهر داشته باشند. محورهای ارتباطی در سطح فراشهری (خیابان ارم) به سمت حرم حضرت معصومه (س) جهت گرفتند	

ماخذ: نقش جهان پارس، ۱۳۸۵

عملکردی غالباً تجاری و خدماتی هستند، همچون: خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)، خیابان آیت الله طالقانی، خیابان حجت، خیابان حضرتی، خیابان رودخانه (شهید منتظری)، امام موسی صدر. (د) مسیرهای واجد ارزش تاریخی که به حرم منتهی نمی شوند: بخش اعظمی از مسیرهایی که از دیرباز به واسطه شکل گیری اولیه شهر در امتداد بازار و ارتباط با حرم مطهر به صورت ارگانیک شکل گرفته اند هنوز در بافت اولیه قم دارای نقش و عملکرد هستند؛ از جمله می توان به گذر خان و گذر عشقلی اشاره کرد که در سمت

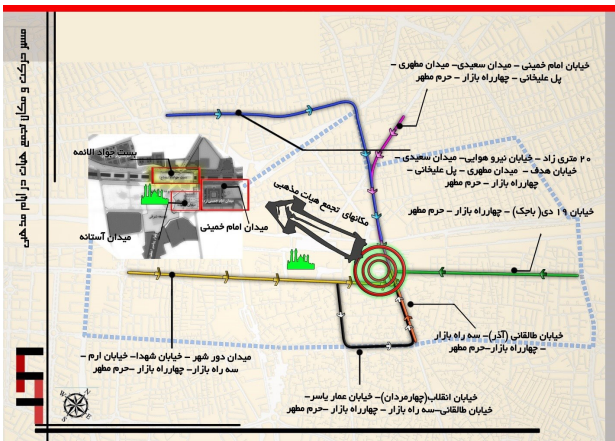
ب) محورهای ترافیکی منتهی به حرم: محورهایی که در راستای دید مستقیم به حرم نیستند یا به دلیل احداث ساختمان ها، پل ها و زیرگذرها ارتباط بصری با حرم را از دست داده اند و فقط نقش انتقال ترافیک مسیرهای ورودی شهر به محل های دسترسی به حرم را دارند شامل: ۱- خیابان انقلاب ۲- خیابان شهدا ۳- خیابان رودخانه (رودخانه، شهید منتظری)، امام موسی صدر) ۴- خیابان معلّم. (ج) محورهای پیرامونی حرم: این محورها را می توان مرز حوزه حرم دانست که شامل جداره متصل به حریم حرم و از نظر



شکل شماره ۷: محل‌های تجمع زائران و بهره‌برداران
 مأخذ: جهاد دانشگاهی واحد قم، ۱۳۹۴: ۸۴



شکل شماره ۶: شدت فعالیت‌های مذهبی در محدوده
 مأخذ: جهاد دانشگاهی واحد قم، ۱۳۹۴: ۵۹



شکل شماره ۸: مسیرهای حرکتی در ایام مذهبی
 مأخذ: جهاد دانشگاهی واحد قم، ۱۳۹۴: ۸۴

تقسیم‌بندی محورهای منتهی به حرم بر اساس شاخص‌های ارزیابی: در مرحله بعدی تحلیل مسیرهای منتهی به حرم داده‌های ۹ شاخص حاصل از نظر سنجی‌ها به جداول توصیفی GIS وارد می‌شوند که عبارت‌اند از:

- ۱- فعالیت‌های مذهبی: پراکنندگی مراکز مذهبی در اطراف حرم، نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب و گزینش مسیر زائران دارد.
- ۲- فعالیت‌های فرهنگی: به دلیل سازگاری این فعالیت با زیارت حرم، جاذب گردشگر مذهبی است.
- ۳- فعالیت‌های تاریخی: به دلیل وجود عناصر تاریخی محدوده شرقی حرم، محورهای آن اطراف دارای اهمیت بیشتری از دید گردشگران است.
- ۴- فعالیت‌های اقامتی و گردشگری: منجر به انتخاب مسیر از محل اقامت به حرم می‌شود.
- ۵- گره‌های ترافیکی و فعالیتی: موجب انسداد محور و تغییر مسیر می‌گردد.
- ۶- فعالیت‌های تجاری: جذابیت کاربری‌های تجاری نزدیک به حرم به مراتب بیشتر از آنهایی است که از حرم فاصله دارند.

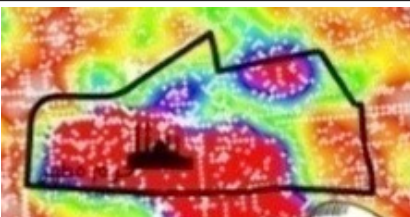
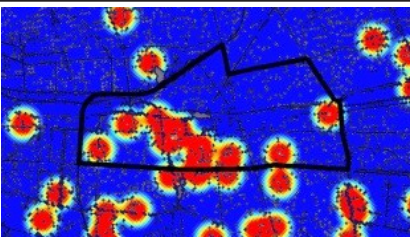
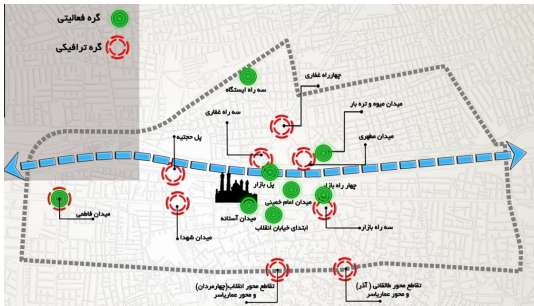
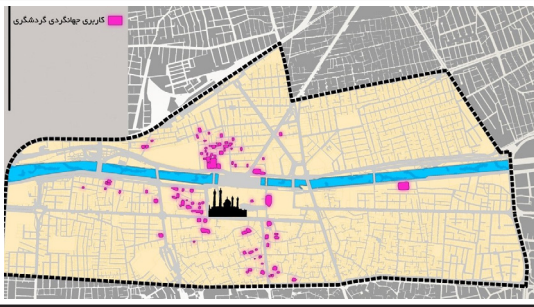

محورهای حرکتی و تجمعی رفتارهای مذهبی: در محدوده پیرامونی حرم مطهر دو دسته رفتارهای اجتماعی قابل تشخیص است: دسته اول رفتارهای عادی است که در آن زائران و شهروندان (شامل کسبه و ساکنان به عنوان بهره‌بردار) حضور دارند و به فعالیت‌هایی مشغول‌اند (مثلاً خرید و بازدید مراکز مختلف تجاری- فرهنگی) و دسته دوم که به تبع الگوهای رفتاری خاصی همچون برگزاری اعیاد و سوگواری‌ها (اربعین، عاشورا و تاسوعا مراسم احیاء و نیمه شعبان، دهه فاطمیّه و غیره) شکل می‌گیرد. لذا در دسته اول تعدد کاربری‌های واقع در طول محور (مثلاً تعداد پاساژها و مراکز خرید و حتی دستفروشان)، نحوه ارتباط بهره‌بردار و زائر با مسیر از لحاظ موقعیت مکانی (اینکه در چه نقاطی زائران بتوانند بهره‌برداری بهتری از این مراکز بنمایند و چقدر برایشان تنوع و جذابیت دارد)، سطح اشغال و مقیاس (بزرگی و کوچکی و نوع خدمات هر یک از این مراکز) از موارد تأثیرگذار بر حس زیارت است. عمده‌ترین مکان‌های تجمع زائران در این خصوص عبارت‌اند از: پیرامون حرم شامل بستر قمرود در بلوار بهار، ورودی پل آهنچی، پل بازار و خیابان ارم و بازار برای خرید است. نقاطی نیز در خیابان ارم مشخص شده‌اند که محل تجمع دستفروشان است.



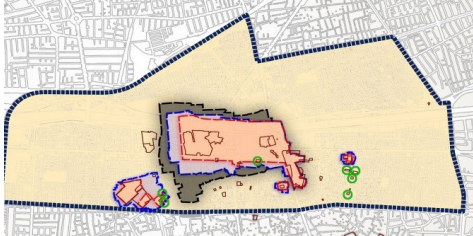
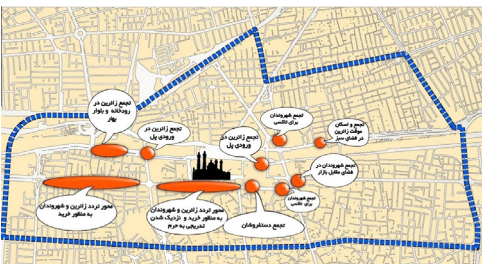
اما در دسته دوم مسیرهای حرکت هیئت‌های مذهبی و نقاط تجمع آنهاست. به طوری که طی برگزاری این مراسم نقش و عملکرد محورها تا حد زیادی متمایز از سایر ایام است؛ به عنوان مثال در روزهایی که مراسم آئینی برگزار می‌شود (به خصوص در دهه محرم) کسبه با بستن در مغازه‌ها و شرکت در مراسم و یا برقراری ایستگاه‌های صلواتی در مقابل مغازه‌ها، نقش مهمی در شکل دادن به این رفتار مذهبی در طول محور ایفاء می‌کنند. در واقع برگزاری چنین مراسم آئینی نقش اصلی محورهای محدوده حرم به عنوان یک مکان مذهبی را به محور مقدّس ارتقاء خواهد داد.

۷- نوع بافت: گرایش به انتخاب مسیرهایی که از بافت های ارگانیک می گذرد، برای رسیدن به حرم بیشتر است.
 ۸- محورهای دارای دید مستقیم به حرم: در انتخاب مسیر خصوصاً برای زائران دارای اهمیت بسیاری است.
 ۹- قرارگاه رفتاری: فعالیت های پراکنده با نزدیک شدن به حرم مطابقت بیشتری با فعالیت های زیارتی پیدا می کند.
 جدول شماره ۲ لایه های خروجی از جداول توصیفی GIS نحوه

پراکندگی فعالیت ها در محدوده حرم قدسی را نشان می دهد. با روی هم اندازی لایه های جدول ۲ با وزن مساوی همان گونه که در شکل شماره ۹ مشاهده می شود، بیشترین و کمترین همپوشانی فعالیت ها و فضاهای اطراف حرم به گونه ای در محدوده معصومیه پراکنده شده اند که شعاعی حدودی را برای تعیین پیاده راه مذهبی مشخص می کنند. در این لایه محور ارم بیشترین همپوشانی را از لحاظ میزان فعالیت و استقبال زائران و بهره برداران نشان می دهد.

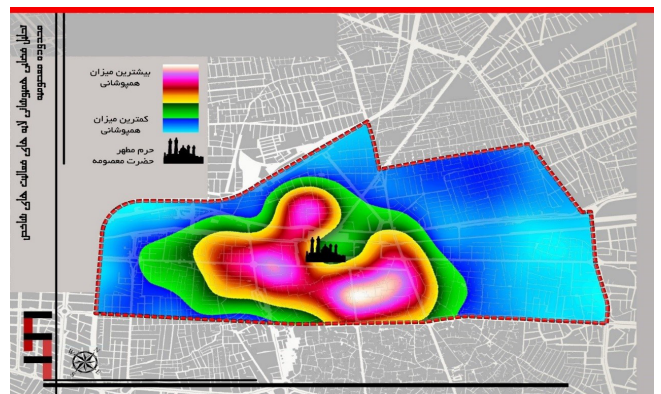
جدول شماره ۲: شاخص های ثابت شناسایی پیاده راه مذهبی در بهینه مورد مطالعه

توضیحات	نحوه قرار گیری فضایی	شاخص های شناسایی بهینه
مجاورت و نزدیکی به فعالیت های مذهبی، انطباق و سازگاری کامل با حرم دارد		فعالیت های مذهبی
وجود عناصر فرهنگی یکی از مهم ترین و سازگار ترین فعالیت ها در محدوده اطراف حرم به شمار می رود		فعالیت های فرهنگی
گره های فعالیتی و ترافیکی در اطراف حرم عموماً به واسطه حضور مستقیم یا غیر مستقیم حرم مطهر شکل گرفته اند		گره های فعالیتی و ترافیکی
به واسطه حضور حرم غالب کاربری های اقامتی در شعاع اطراف حرم شکل گرفته اند		فعالیت های اقامتی و گردشگری
کاربری های تجاری به خصوص کاربری هایی که در مجاورت حرم قرار دارند سازگاری بیشتری نسبت به کاربری های تجاری محورهای دورتر از حرم دارند		فعالیت های تجاری

شاخص‌های شناسایی پهنه	نحوه قرار گیری فضایی	توضیحات
نوع بافت		نوع بافت سنتی و ارگانیک کمک مهمی جهت ارتقای حس کنجکاو برای رسیدن به حرم مطهر ایفا می‌کند
محورهای بادبید بصری مستقیم به حرم		محورهای بادید بصری مستقیم به حرم نقش مهمی جهت ایجاد حس معنویت در محدوده اطراف حرم ایفا می‌کند
اماکن واجد ارزش تاریخی		به واسطه حضور بسیار زیاد عناصر واجد ارزش تاریخی به خصوص در ضلع شرقی محدوده اطراف حرم این محدوده دارای اهمیت خاصی می‌باشد
قرارگاه‌های رفتاری		عمده الگوی فعالیت‌ها و رفتارهای اطراف حرم با نزدیک شدن به حرم انطباق بیشتری با خود حرم می‌یابند

نوعی به‌طور روزانه در آنجا رفت و آمد دارند) و مدیران (کلیه مسئولانی که در جرح و تعدیل کالبد و فعالیت در محدوده مطالعه تاثیرگذارند مثل مسئولان شهرداری قم، میراث فرهنگی و گردشگری، اوقاف و امور خیریه، فرهنگ و ارشاد اسلامی، تولید آستان مقدس حضرت معصومه (س)، مدیریت حوزه علمیه و آیات عظام و غیره) است. بر اساس شاخص‌های استخراج شده از چارچوب نظری که عمدتاً از اصول فقه اسلامی برگرفته شده، ۱۷ متغیر برای ارزیابی توسط زائران، ۱۲ متغیر برای بهره‌برداران و ۱۰ متغیر برای مسئولان استخراج شد که ذیلاً به جمع‌بندی نتایج آن اشاره می‌کنیم.

در بررسی‌های اولیه زائران می‌توان دریافت که درصد قابل توجهی از زائران قم، شب را در آنجا سپری نمی‌کنند و غالباً گردشگر یک‌روزه هستند، مگر کسانی که به ترتیب در خانه اقوام، مسافرخانه‌ها، اطراف حرم و چادر مستقر شوند. این در



شکل شماره ۹: بیشترین و کمترین همپوشانی شاخص‌های محدوده قدسی و پیاده‌راه مذهبی
ماخذ: جهاد دانشگاهی واحد قم، ۱۳۹۴: ۱۲۳

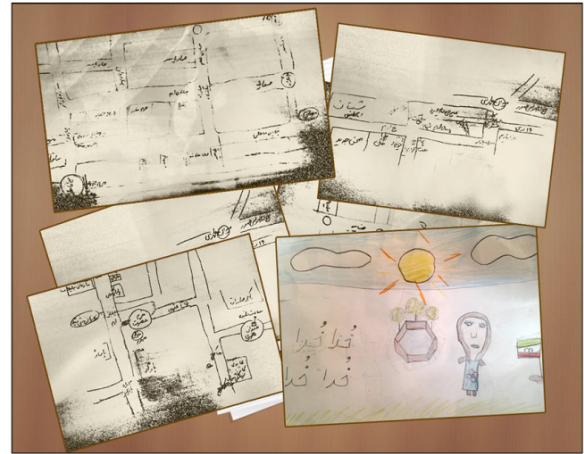
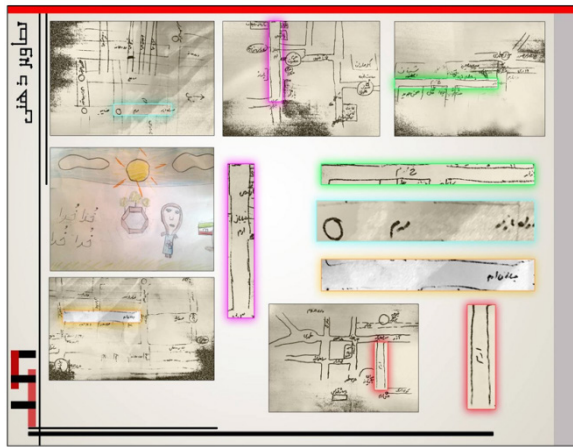
یافته‌های تحقیق

جامعه هدف در این تحقیق شامل سه دسته زائران، بهره‌برداران (ساکنان، کسبه، طلاب و دانشجویان، رانندگان و افرادی که به

حالی است که بالغ بر ۶۵ درصد زائران بیش از ۱۰ بار به قم سفر کرده‌اند و با شهر آشنا هستند. اکثر زائران ورودی شهر را محور مقدس می‌دانند و در اولویت‌های بعدی محل‌های گنبد نما، حرم، و محدوده صحن حرم برشمردند شده است. مهم‌ترین عناصر شهری که از دیدگاه زائران جلب توجه کرده در اولویت اول هیچ و پس از آن صحن حرم و نورپردازی شبانه حرم و نمای برخی ساختمان‌ها بوده و نزدیک به نیمی از زائران، قدیمی بودن بافت و عرض کم معابر و وجود وسایل نقلیه همچون موتور و ماشین در مسیرهای پیاده‌روی به حرم و سپس ناخوانایی مسیرها و گم شدن، کمبود خدمات مناسب برای افراد آسیب‌پذیر و کم‌توان مثل سالمندان، کودکان و زنان را دلایل نارضایتی از برخی مسیرهای منتهی به حرم می‌دانند. بیش از نیمی از زائران ترافیک قم را نامناسب می‌دانند و شاخص‌ترین بناهای اطراف، هیچ، بیشترین پاسخ را به خود اختصاص داده و بعد از آن بنای حرم، پاساژ الغدیر، مونو ریل و صحن حرم، هتل خورشید، مسجد امام حسن، مجتمع تجاری زمزم و عنوان گردید. در استفاده از رنگ، نظر زائران به ترتیب اولویت: فرسوده و کهنه بودن رنگ‌های بافت اطراف حرم، تناسب نداشتن رنگ‌ها با هم و کثیف بودن ساختمان‌ها ابراز شده که به نظر ایشان بایستی از رنگ‌های سفید، فیروزه‌ای، رنگ‌های شاد و زرد و آجری برای نماها استفاده شود. فضای سبز ناکافی، نظافت نسبتاً مناسب، امنیت بالا، از جمله دیگر نظرات زائران بود؛ ولی در کل گردشگران وضعیت موجود را در شأن حرم قدسی نمی‌دانستند و اصلی‌ترین پیشنهادشان رفع موانع دید مستقیم به حرم، و فرهنگ‌سازی و تملک اراضی توسط دولت برای یکپارچه‌سازی اطراف حرم بود. برای بهبود کیفیت نماها بهسازی اطراف حرم و نوسازی ساختمان‌های قدیمی و اتمام هرچه سریع‌تر ساختمان‌های نیمه‌کاره، استفاده از ذکر و دعا در جداره‌ها، تمیز کردن نماها و رفع آلودگی معابر، همخوانی نماها با نمای حرم، توسعه فضای سبز، استفاده از رنگ‌های متناسب با شأن حرم، و پیاده کردن معماری اسلامی از جمله پیشنهاد زائران بود؛ ولی در یک نگاه زائرانی که به صورت تصویری مسیرهای منتهی به حرم را تجسم کرده بودند، قم را شهری خاکستری و تیره و تاریک و قهوه‌ای (خوفناک و ترسناک) ترسیم نموده بودند.

در مرحله دوم نظر سنجی از بهره‌برداران (یعنی کسانی که زائر نیستند، ولی دارای منافع در محدوده اطراف حرم و یا ساکن آنجا هستند) ابراز شد که به نظر ایشان، محدوده حرم قدسی از تقاطع‌ها و خیابان‌های مختلفی شروع می‌شود که از جمله آنها بر حسب اولویت شامل: خیابان ارم، تقاطع سه‌راه بازار و چهارراه بیمارستان، میدان مطهری و خیابان چهارم مردان است. برخی نیز محدوده‌های حرم و شبستان را معرفی کرده‌اند. شاخص‌ترین بنای اطراف حرم از دید بهره‌برداران عبارت از مسجد امام حسن عسکری است، ضمن آنکه بعد از آن به ترتیب مسجد اعظم، حرم حضرت معصومه

(س)، حوزه علمیه، گنبد حرم، و شبستان حرم معرفی شده‌اند. مهم‌ترین خیابان اطراف حرم از دید بهره‌برداران خیابان ارم (آیت‌الله مرعشی نجفی) است که از جمله دلایل آن فعالیت‌های گسترده موجود در این خیابان، نزدیکی به حرم، مشاغل مذهبی موجود، شاهراه اصلی حرم، تردد بالا و شلوغی است و بعد از خیابان ارم، خیابان اراک به دلیل شلوغی و تردد، خیابان چهارم مردان و صفائیه به دلیل وجود پاساژها و استقرار بیوت علما، اولویت‌های بعدی بود. مهم‌ترین فعالیت‌هایی که بیشترین سازگاری را از دید بهره‌برداران با حرم داشتند، فعالیت‌های تجاری، فرهنگی، مذهبی، هتلداری و اسکان مسافران نام برده شد و دلیل علاقه‌مندی به زندگی و کسب و کار در اطراف حرم دلایل معنوی و وجود حرم، دلایل اقتصادی و تأمین مالی و نیز دسترسی مناسب عنوان گردید. در خصوص سیمای شهری هم غالب ساکنان وضعیت را مطلوب نمی‌دانند و ابراز می‌کنند که وضعیت فعلی نمای شهری محدوده قدسی در شأن حرم مطهر نیست، لکن وضعیت منظر صحن و شبستان حرم خوب است. عمده‌ترین مشکلات محدوده حرم از دید ایشان کمبود خدمات و سرویس‌های بهداشتی، کمبود فضای سبز، لزوم استفاده از رنگ‌های مناسب (سفید، آبی و فیروزه‌ای) نورپردازی محورها، استفاده از مصالح مناسب و تمیز کردن نماها بود. در پاسخ به اینکه کدام ساختمان در اطراف حرم به نظرشان مناسب است در درجه اول هیچ، و سپس شبستان امام خمینی، مسجد امام حسن عسکری، هتل خورشید، پاساژ الغدیر، مسجد اعظم و دارالشفاء، جزو مهم‌ترین‌ها به شمار می‌آیند که نشان‌دهنده این نکته است که دو دسته ساختمان مورد توجه بهره‌برداران قرار گرفته: اول ساختمان‌هایی که کالبد مناسبی دارند و دوم ساختمان‌هایی که با هویت مذهبی در تناسب با محیط حرم‌اند؛ این در حالی است که نامناسب‌ترین ساختمان‌ها طیف گسترده‌تری دارند و عمده‌ترین مسائل آنها عدم سازگاری با کاربری حرم و وضعیت نامناسب کالبدی است؛ مثل قبرستان شیخ، گاراژهای خیابان ارم، ساختمان‌های خیابان ارم، بازارچه شیخان، مسافرخانه‌های قدیمی، ساختمان‌های موجود در بافت قدیم، پارکینگ شرقی و مهم‌ترین نواقص شهری اطراف حرم هم از دید ایشان به ترتیب اولویت شامل: نبود فضای سبز، مشکلات ترافیکی، کمبود فضاهای تفریحی و خدمات رفاهی، ضعف مدیریت شهری، کمبود سرویس‌های بهداشتی، استاندارد نبودن خیابان‌ها و مسیرها، معابر ارگانیک و کم‌عرض و با روکش آسفالت نامناسب، نبود فضاهای اقامتی برای استقرار زائران، وجود بافت و ساختمان‌های نامناسب در اطراف حرم، کمبود فضاهای فرهنگی و غیره عنوان گردید. در پایان نیز احساس ساکنان از لحاظ زندگی در اطراف حرم، امنیت محدوده، همکاری و همدلی و میزان تحقیر ناشی از زندگی در آنجا در حد متوسط و ابراز انزجار از آنجا خیلی کم برآورد شد و در کل ساکنان نمره ۱۳ از ۲۰ را به شهر می‌دادند.

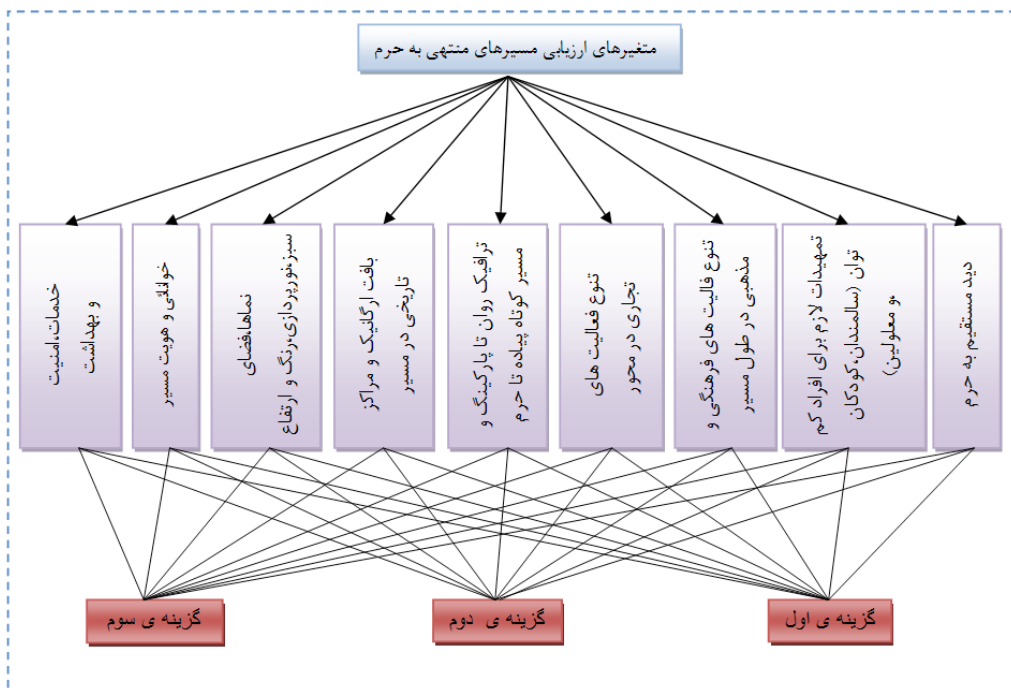


شکل شماره ۱۰: نمونه‌هایی از پرسشنامه‌های مصور زائران
مأخذ: ادیب زاده، ۱۳۹۳: ۱۳۷۰

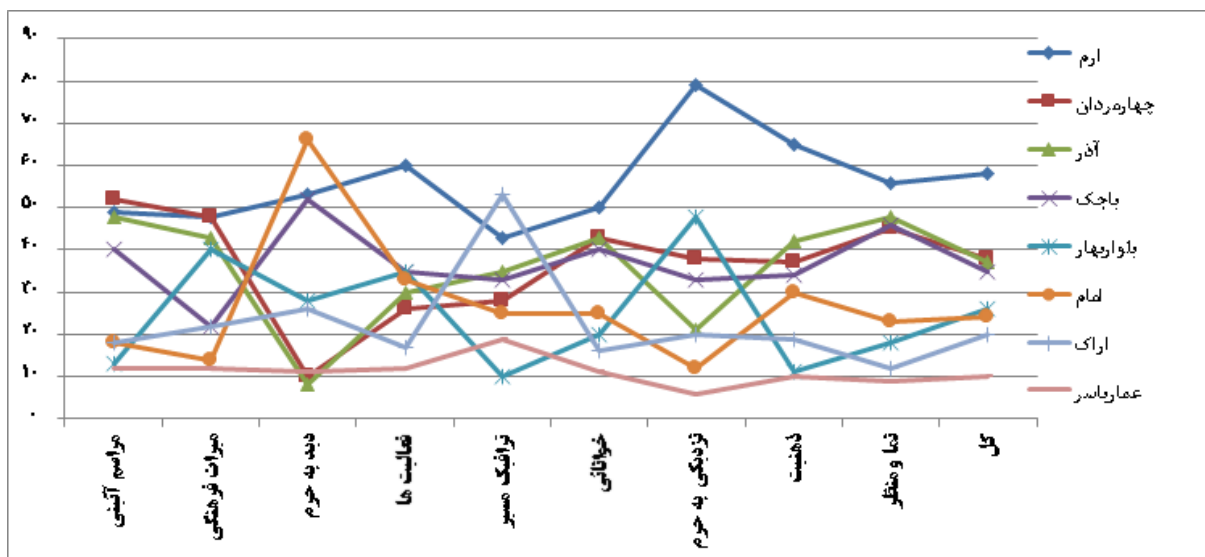
نتیجه‌گیری

در این مقاله به این مهم دست یافتیم که ساختار اصلی شهر قم به گونه‌ای است که کلیه عناصر سازنده شهر را تحت تاثیر محدوده حرم حضرت معصومه (س) قرار می‌دهد. در این میان شاخص‌های سازنده هویت شهر، کاربری‌های پراکنده در سطح شهر و مسیرهای اصلی و فرعی که استخوان‌بندی بافت شهر را تشکیل می‌دهند همگی منبعت از محوریت قرار گرفتن حرم هستند. در این تحقیق همان گونه که اشاره شد برای ارزیابی امتیازهای زائران، بهره‌برداران و مدیران به پیاده‌راه مذهبی متغیرهای متعددی دخالت داده شده‌اند که جمع‌بندی آن در نمودار شماره ۱ ارائه می‌گردد. این شاخص‌ها طی بررسی‌های میدانی انجام شده از پرسش‌شوندگان ارزش‌گذاری شده و وزن «هردسته» با توجه به اینکه تعداد پرسشنامه هر دسته متفاوت بوده در نهایت به نسبت مساوی اثرگذاری شده است.

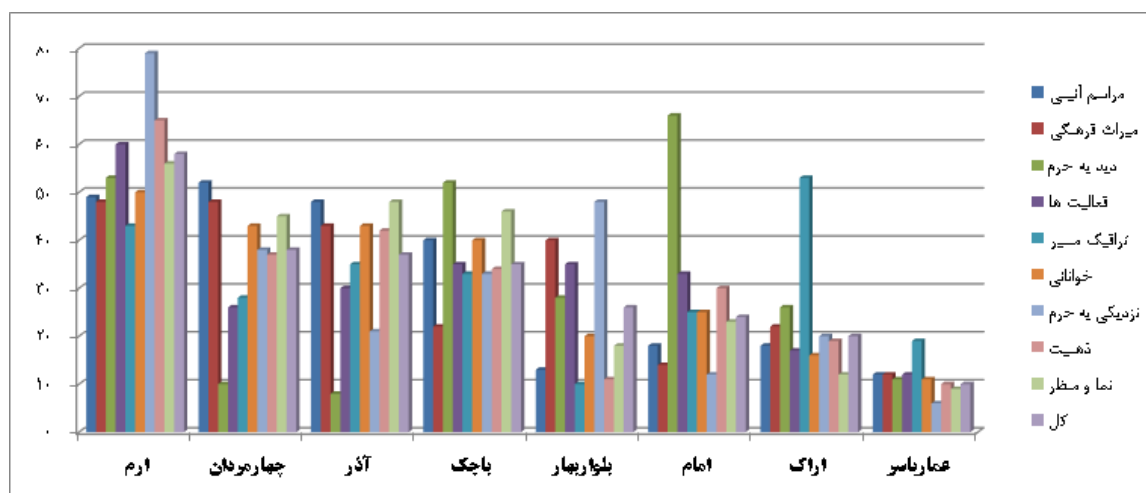
در این تحقیق غیر از اطلاعات مستخرج از پرسشنامه‌ها، در طول مسیرهای منتهی به حرم برای مشخص کردن مرز محدوده و ذهنیت زوار، از بین داوطلبان ۶۸-۷ ساله خواسته شد تا تصویر ذهنی خود را از بهترین مسیر منتهی به حرم روی کاغذ ترسیم کنند. تحلیل عینی پرسشنامه‌های مصور حاکی از نظر مردم برای انتخاب دلایل بهترین مسیر (اغلب محور ارم را به تصویر کشیده‌اند) است. در این تصاویر نوع رنگ‌های به کار رفته برای تصور از هر مسیر (آبی، سبز، زرد، صورتی و قرمز) حاکی از آن بود که محور ارم دارای بیشترین مطلوبیت از دید زائران است و در نظر سنجی‌های بعدی استفاده از نقوش و خطوط اسلامی، فضای سبز، محور قرار گرفتن حرم، دیده شدن حرم در افق، آبنماهای مسیر و غیره در اولویت‌های تصویری زائران بود.



نمودار شماره ۱: شاخص‌های امتیازدهی برای انتخاب پیاده‌راه مذهبی



نمودار شماره ۲: جمع بندی امتیازهای محورهای منتهی به حرم حضرت معصومه (س)



نمودار شماره ۳: جمع بندی امتیاز شاخص های محورهای منتهی به حرم

- وجود فعالیت های ناسازگار در محورهای منتهی به حرم که لزوم تهیه طرح یکسان سازی و تهیه ضوابط و مقررات مربوطه در نحوه ساخت و نوع مصالح به کار رفته در آنها را لازم می نماید.

- ضرورت تقویت عوامل ماندگار (همچون فعالیت های اقتصادی و فرهنگی) در اطراف حرم.

- با توجه به فعالیت شبانه حرم مطهر خصوصاً در ایام و اعیاد، لزوم نورپردازی محورهای منتهی به حرم بیش از پیش نمایان می شود.

- نمونه های موفق توسعه صحن های حرم با توجه به نظر سنجی از زائران حاکی از آنست که می توان با خلق فضاهای جدید در بافت فرسوده اطراف حرم سازگاری این فضاها را با حرم شکل داد.

- احیای بافت های فرسوده اطراف حرم با نوسازی، بازسازی، مرمت و احیای ساختمان ها و ارائه ضوابط و مقرراتی برای جلوگیری از هرگونه ساخت و سازهای ناسازگار در این بافت ها.

- حفظ، احیاء و تقویت بناهای تاریخی ارزشمند محدوده حرم و تهیه طرحی برای تدوین مقررات لازم برای حفظ، نگهداری و احیای عناصر ارزشمند.

همان گونه که مشاهده می شود محوری که دارای سطح اهمیت بالاتری به نسبت سایر محورهاست محور ارم است. در میان معیارهای بررسی شده در انتخاب این محور تصویر ذهنی برداشت شده از پرسشنامه، مجاورت با بافت ارزشمند تاریخی و همچنین عملکرد و فعالیت های این محور دارای امتیاز بیشتری به نسبت سایر معیارهای دیگر است.

دو محور دیگر نیز به ترتیب اولویت عبارت اند از: محور طالقانی (آذر) و همچنین محور انقلاب (چهار مردان) که در سطح پایین تری به نسبت محور ارم قرار دارند. در مجموع، این دو محور تا حدود زیادی با امتیاز نزدیک به هم در رتبه دوم و سوم محور شاخص قرار گرفته اند.

جمع بندی نتایج این مطالعه حاکی از این است که:

- فعالیت و پویایی، عامل اصلی توجه زائران به مسیرهای منتهی به حرم است، لذا تقویت و توسعه فعالیت ها تأثیر بسزایی در احیاء مسیرها دارد.

- پراکندگی وضعیت فعلی نمای شهری ضرورت یکپارچه سازی ضوابط و مقررات در این موضوع را ایجاب می نماید.

- ساماندهی معابر و ترافیک محورهای اطراف حرم، رفع انسداد مسیرها و تدوین مقررات لازم برای روان بخشی ترافیک، مکان یابی پارکینگ ها و تعریض مسیرهای تنگ و باریک بافت های قدیمی. - تامین خدمات رفاهی، بهداشتی و امکانات توانمندسازی برای افراد نیازمند در طول مسیرهای منتهی به حرم. - توسعه فضاهای سبز محدوده حرم و مسیرهای منتهی به آن و ساخت آبنما به منظور ایجاد نشاط در فضاهای شهری اطراف حرم. - نصب علائم و نشانه های لازم برای خوانایی محورهای منتهی به حرم و خوانایی شهری برای زائران به منظور جلوگیری از هرگونه سردرگمی.

پی نوشت ها

1. Evelien Sombekke and Herman Katteler
2. Attribute table
3. Shape file

فهرست منابع و مراجع

1. ادیب زاده، بهمن (۱۳۹۳)، طرح تهیه اصول و ضوابط طراحی در محدوده حرم قدسی، جهاد دانشگاهی قم، شهرداری قم.
2. اسپیرن، آن ویستن (۱۳۸۴)، معماری دورنما، ترجمه حسین بحرینی و بهناز امین زاده، انتشارات دانشگاه تهران.
3. اکبرزاده، محسن (۱۳۹۴)، بین الحرمین شیراز علیه شیراز، بهمن ۱۳۹۴، خبرگزاری شیرازنا.
4. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱)، معماری و راز جاودانگی (راه بی زمان ساختن)، ترجمه مهرداد قیومی بید هندی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران.
5. بدیعی، ناهید (۱۳۸۲)، جداره حریم وصل، رساله دکتری معماری، دانشگاه تهران.
6. بلخاری، حسن و توسلی، مهدی (۱۳۹۲)، واکاوی مولفه های فرهنگی سرمایه اجتماعی در شهر اسلامی، همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری.
7. جهاد دانشگاهی واحد قم (۱۳۹۴)، طرح اصول و ضوابط طراحی محدوده اطراف حرم حضرت معصومه (س)، مرکز مطالعات معماری و شهرسازی اسلامی.
8. راز اندیشان عمران، مهندسان مشاور (۱۳۹۱)، ضوابط و مقررات نماهای شهری، معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران.
9. سازمان مدیریت و برنامه ریزی قم (۱۳۹۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
10. سالنامه آماری ۱۳۹۶ سازمان میراث فرهنگی (۱۳۹۷)، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران.
11. سریری، عاطفه (۱۳۹۱)، طراحی منظر فضاهای واسط در مجموعه ورودی حرم حضرت امام رضا (س)، پایان نامه

کارشناسی ارشد، پردیس هنرهای زیبا. ۱۲. شورای عتف (۱۳۹۲)، طرح ملی برنامه ریزی و طراحی شهر اسلامی ایرانی، وزارت علوم و تحقیقات، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه علم و صنعت، دانشگاه تهران.

۱۳. عاشوری، علی (۱۳۸۸)، پیاده راه حرم، طراحی منظر خیابان شمالی حرم حضرت عبدالعظیم، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه تهران.

۱۴. فجر و توسعه، مهندسین مشاور (۱۳۹۱)، طرح توسعه حرم حضرت معصومه (س).

۱۵. فرهانی، شهلا (۱۳۸۶)، «پنج زیارتگاه برای جذب یک میلیارد مسلمان»، ماهنامه صاعقه، شماره ۶.

۱۶. فقیه، محمد مهدی؛ جلالی، محمدی (۱۳۹۶)، علت نام گذاری قم به این نام و القاب منسوب به این شهر، تبیان. <https://library.tebyan.net/fa/Viewer/Text/60663/4>

۱۷. فکوهی، ناصر (۱۳۸۳)، انسان شناسی شهری، نشر نی، تهران. ۱۸. کاشی، حسین و بنیادی، ناصر (۱۳۹۲)، «تبیین مدل هویت مکان - حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن در شهر ری»، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱۸، شماره ۳، پاییز.

۱۹. کلینی (۱۴۰۱ق)، الکافی، ج ۴، ص ۲۰۲. ۲۰. نقش جهان پارس، مهندسین مشاور (۱۳۸۵)، طرح توسعه مجموعه حرم حضرت معصومه (س).

21. Marie Pelé, Caroline Bellut, Elise Debergue, Charlotte Gauvin, Anne Jeanneret, Thibault Leclere, Lucie Nicolas, Florence Pontier, Diorne Zausa and Cédric Sueur (2017), **Cultural influence of social information use in pedestrian road-crossing behaviours**, Research article, Published:01 February, <https://doi.org/10.1098/rsos.160739>.
22. Pedestrians' Quality Needs (PQN) (2010), COST 358, PQN Final Report, November 2010, Publisher: WALK21 www.walk21.com - Cheltenham (United Kingdom)

تدقیق نماگرهای مسکن شایسته از دیدگاه مکتب اسلام*

مسلم ضرغام فرد^۱، ابوالفضل مشکینی^۲ ** (نویسنده مسئول)، احمد پورا احمد^۳، بنیامینو مورگانتی^۴

^۱ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، ایران
^۲ دانشیار دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، ایران
^۳ استاد دانشکده جغرافیا، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران، ایران
^۴ استاد دانشکده مهندسی، گروه برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشگاه باسلیکاتا، ایتالیا

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۲۵

(تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۳۱)

چکیده

شهر اسلامی یکی از قدیمترین مفاهیم در مطالعات تاریخ و فرهنگ است. شهر اسلامی دارای عناصر متعددی بوده که یکی از مهمترین آنها خانه/مسکن است. دین اسلام حد اعلائی پدیده‌های مرتبط با انسان را مد نظر دارد، لذا در ساخت و ساز مسکن نیز شایسته و مناسب بودن آن همواره مورد تأکید بوده است. در این پژوهش مفهوم «مسکن شایسته اسلامی» برای نخستین بار در متون پژوهشی به کار گرفته می‌شود. مسکن شایسته، موضوعی است که در محافل علمی خارج از ایران مورد توجه قرار گرفته، اما در ایران هنوز اصولی برای آن تعریف نشده است. هر چند در مکتب اسلام اصول کلی برای ساخت یک مسکن شایسته وجود داشته لیکن در دوره مدرن این مهم مورد غفلت واقع گردیده است. از این منظر، پژوهش حاضر با به کارگیری یک روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از تحلیل محتوای کیفی متون اسلامی و تطبیق آنها با یکدیگر درصد استخراج و دسته‌بندی نماگرهای زمینه‌ساز مسکن شایسته اسلامی است. نتیجه این پژوهش دستیابی به ۲۷ نماگر است که می‌تواند در ساخت و سازهای آینده مد نظر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: نماگرهای مسکن شایسته، مسکن شایسته اسلامی، مکتب اسلام.

مقدمه

یکی از قدیمی ترین مفاهیم متضاد در مطالعه تاریخ و فرهنگ اسلامی، «شهر اسلامی»^۱ است؛ به طوری که گاهی از آن تحت عنوان «افسانه»^۲ یاد می شود (Hameed, 1991) که در ماهیت خود «غیر سرمایه داری» و «غیر غربی» است (Correia and Taher, 2015). گسترش اسلام به سرزمین های مختلف در آسیا، آفریقا و اروپا تأثیرات غیر قابل برگشت و انکارناپذیری در توسعه شهری داشت. بدین ترتیب اسلام یک دین شهری است (Fischel, 1956; Saoud, 2002; Marçais, 1945; Hassan, 1972; ملکشاهی، ۱۳۸۰؛ نظریان، ۱۳۹۲؛ حبیبی، ۱۳۹۵). از این رو شهرهای اسلامی در ابتدا جنبه دینی داشتند، اما در ابتدای قرن نهم میلادی به یک پایگاه سیاسی قوی نیز تبدیل شدند. مبدأ مفهوم شهر اسلامی به شهرهای شمال آفریقا بازمی گردد که اولین بار در مقاله «اسلام گرایی و زندگی شهری»^۳ شرق شناس فرانسوی ویلیام مارشای^۴ مطرح گردید (Neglia, 2008). سپس برادر او جورج مارشای^۵ نیز گفته های اولیه وی را پیگیری نمودند (Al-sayyad, 1996) لیکن نظریه مند کردن (تئوریزه سازی) آن توسط رابرت برانشویک^۶ انجام شد (Moser, 2018). اوج مطالعات مربوط به شهر اسلامی به دهه ۱۹۸۰ بازمی گردد. در این دهه دانشمندان و متفکران مختلفی در پرورش و جهانی سازی این مفهوم تلاش نمودند (Sergeant, 1980; Serageldin and el-Sadek, 1982; Germen, 1983; Brown and detal, 1986; Saqqaf, 1987; Yukawa, 1989). به طور کلی، سه عامل انسان، رفتار و شالوده در شکل گیری فضای کالبدی شهر دخیل هستند؛ اما در شهر اسلامی، سه عامل: جهان بینی توحیدی، اخلاق و رفتار اسلامی، و ارتباط عمل و اسلام با جهان در شکل گیری مهم هستند (Fakhimzade and et al., 2016; Omer, 2009; Mohamad, 1995; Khilat and Tariq, 2017). بدین ترتیب پژوهشگران مختلفی ریخت شناسی شهرهای اسلامی را مورد بررسی قرار داده اند (Eickelman, 1981; Al-Sayyed, 1991; Lapidus, 1973; Hamdan, 1962; Hakim 1976; Williams, 2012; Gharipour, 2007) و همگی آنها بر هفت عنصر اصلی در شهرهای اسلامی اجماع نظر دارند که این عناصر عبارت اند از: مسجد اصلی، سوق ها، ارگ، بازار، شبکه خیابانی، خانه ها و بخش خارجی شهر (شامل گورستان ها و بازارهای هفتگی). البته لازم به ذکر است که به طور کلی در اسلام سلسله مراتب سکونتگاهی عبارت است از: (۱) خانه حیاط دار (۲) خانه مرکب (۳) برزن (۴) شهر (Ennahid, 2002). با استناد به ادبیات پژوهش، مسکن یکی از مهم ترین عناصر و ویژگی های شهر اسلامی است (Greenshields, 1980; Eickelman, 1981; Gilsenan, 1982; Abd-El-Aziz Nour, 1981; Omer, 2009) که در این پژوهش ما فقط روی این عنصر متمرکز خواهیم شد و آن را از دیدگاه مکتب اسلام بررسی خواهیم نمود. مسکن اسلامی هم بعد معنوی و هم بعد مادی را در نظر می گیرد و مفهوم مسکن به مراتب فراتر از بعد کالبدی بوده و

خاستگاه آن به ماهیت معنوی انسان ارتباط دارد. در حقیقت بنا به گفته عمر مسکن محل ارتباط انسان با خالق، محل زیست، بازی، یادگیری و عبادت است (Omer, 2007). در مکتب اسلام مسکن صرفاً به معنای یک چهاردیواری نبوده و بسیاری از جوانب زندگی انسان با مسکن گره خورد است؛ به طوری که در آیات و احادیث متعدد از خانه به عنوان مکان تعالی انسان یاد می شود. بنابراین بعد معنوی مسکن در مکتب اسلام بسیار مورد توجه بوده و بر آن تأکید می شده است. از آنجا که چارچوب ساخت و ساز مسکن از روح ماهیت اسلام تغذیه می شود و با قوانین اسلامی هم راستاست (Hakim, 1986)، می توانیم مسکن اسلامی را ذیل عنوان «مسکن شایسته» یا «مسکن شایسته اسلامی» یاد کنیم. با تمامی این اوصاف اما با تسلط حکومت های استعمارگر در دهه ۱۹۰۰ و باز شدن دروازه های واردات فرهنگ غربی به روی خاورمیانه (Al-Kodmany, 2007) این پیوندها دچار تغییر و شهر اسلامی سنتی با چالش های متعددی مواجه شد (Bonine, 2007). یکی از این چالش ها، اتخاذ مدل های کاربری اراضی غربی است که فرم شهر را متحول ساخته و به جای توجه به اکولوژی، اخلاق و عدالت به اقتصاد اولویت می دهد و ساخت و ساز مسکن را تحت تأثیر قرار می دهد (Barau, 2010). با ورود فناوری ها و همچنین طراحی شهری جدید، اکثر شهرهای اسلامی بمباران فرهنگی شد و ساخت و ساز مسکن که تا قبل این تاریخ بر مبنای سنت اسلامی استوار بود تحول عمیقی به خود دید. در حقیقت در گذر زمان مفهوم مسکن اسلامی دستخوش تغییراتی شده و همراه با مدرنیزاسیون و صنعتی شدن تحولاتی در ماهیت آن ایجاد شده است. با ظهور تکنولوژی های جدید در صنعت ساخت و ساز، مسکن اسلامی نیز جای خود را به مسکن مدرن داده است. این موضوع در کشورهای مسلمان بسیار قابل پیگیری است. در عصر کنونی بسیاری از ارزش های اسلامی در ساخت و ساز مسکن در کشورهای اسلامی به ویژه ایران مد نظر قرار نمی گیرد، این در حالی است که این ارزش ها بر ارزش مادی و معنوی مسکن می افزاید. حال با مقدمه فوق در این پژوهش بر آنیم تا با بهره گیری از یک روش تحلیلی نماگرها و شاخص هایی را که در آیات، احادیث و روایات برای یک مسکن شایسته اسلامی بیان شده است، استخراج و دسته بندی کنیم. از آنجا که در عصر حاضر بسیاری از شاخص های یک مسکن شایسته اسلامی در فرایند ساخت و ساز مسکن مد نظر قرار نمی گیرد، هدف این پژوهش گوشزد کردن و جلب توجه برنامه ریزان و طراحان شهری است تا در فرایند برنامه ریزی و ساخت مسکن توجه بیشتری به این مقوله مبذول دارند. از این رو پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به سؤال زیر است: در مکتب اسلام برای شایسته بودن یک مسکن چه شاخص ها و نماگرهایی مد نظر بوده است؟ و هدف پژوهش نیز شناسایی و احصاء نماگرها و شاخص های مسکن شایسته در مکتب اسلام است.

مبانی نظری

مکانی که ما در آن زندگی می‌کنیم از جوانب مختلف بر زندگی ما تأثیر می‌گذارد. زندگی در شرایط مناسب یکی از مهم‌ترین جنبه‌های زندگی انسان است. نقش مسکن در تأمین سایر نیازها غیر قابل انکار است، لیکن مسکن فقط به معنای چهاردیواری و مکان مسقف نیست. مسکن باید مکانی برای خواب و استراحت فراهم آورد که در آن مردم احساس امنیت و آرامش کنند و از حریم خصوصی خود مطمئن باشند. بسیاری از این ویژگی‌ها در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و چهاردیواری را به منزل و خانه (مکان آرامش و امنیت) تبدیل می‌کنند (ضرغام‌فرد، ۱۳۹۶). اهمیت مسکن از دیرباز مد نظر بوده و همواره در همه ادیان و سنت‌ها بر آن تأکید می‌شده است. قرآن کریم (۶۱۰ یا ۶۱۱ میلادی)، قانون حمورابی (۱۷۹۲-۱۷۵۰ قبل از میلاد) (ضرغام‌فرد، ۱۳۹۶)، دستور کار جدید شهری کیوتو (۲۰۱۶) (مشکینی و ضرغام‌فرد، ۱۳۹۸)، ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر (United Nations, 1948)، در بیانیه ۱۹۷۶ ونکوور (United Nations, 1976)، دستور کار هیئت‌ات مصوب ۱۹۹۶ استانبول (United Nations, 1996; United Nations and UN-Habitat, 2008) و گزارش اتحادیه «حق به شهر» (Right to the City Alliance, 2010) از جمله مهم‌ترین اسنادی است که در آنها به مسکن پرداخته شده است. البته در همه این اسناد مراد از مسکن، همانا «مسکن شایسته»^۷ بوده است. در قرآن هم اصطلاح مسکن شایسته دو بار در سوره‌های قمر آیه ۵۵ و یونس آیه ۹۳ به کار رفته است و به مأوای اهل بهشت و مسکن در دنیا اشاره دارد. در اصول ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به صراحت، حق داشتن مسکن مناسب (شایسته)، مورد توجه قرار گرفته است. از این رو بنا بر رسالت بخش مبانی نظری در پژوهش، ابتدا مفهوم مسکن و دیدگاه‌های مختلف پیرامون آن را مرور خواهیم نمود. بدین ترتیب یک خانه، فضای حسی است که با خاطرات شخصی و تاریخ‌های مختلف عجین شده و مکانی است که می‌تواند احساس تعلق را تقویت کند؛ لذا رازالیا و طالب نقش عوامل فرهنگ و محیط را در نوع مسکن مهم می‌دانند (Razalia and Talibb, 2013). به اعتقاد هایدگر ساختمان و مسکن یک پدیده واحد هستند که ریشه در فرهنگ، زمان و مکان دارند و با استدلال‌های زبان‌شناختی بیان می‌دارد که مسکن صرفاً ساختن یک بنا نیست بلکه مفهومی فراتر از آن دارد (Heidegger, 1951). باشلارد مسکن را به مثابه یک «فضای مأنوس» می‌نگرد و آن را فضایی می‌نامد که به روی همه کس باز نیست (Bachelard, 1994). مری داگلاس^۸ خانه را شکل اولیه سازمان اجتماعی می‌داند که نتیجه آن در جامعه نمود پیدا می‌کند. همچنین یوسف القرضاوی^۹، محقق اسلامی، خانه را به‌عنوان محلی که فرد را از عناصر اقلیمی محافظت می‌کند و از محدودیت‌ها و فشارهای جامعه مصون‌نگه می‌دارد، تعریف می‌کند (Shabani and et al., 2011).

از نظر رنای شورت مسکن عامل اصلی جامعه‌پذیری افراد بوده و در سازمان اجتماعی فضا نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند (Short, 2000). ویتوای مسکن را مهم‌ترین عامل رضایتمندی افراد نسبت به محل سکونتشان معرفی می‌کند (Weataway, 2006). از نظر مشکینی و ضرغام‌فرد مسکن گنجینه خاطرات و اسرار است که در آن عشق و احساسات جاری است. همچنین کالبدی است که انسان را از دنیای بیرون می‌رهاند و در یک فضای پر از عاطفه، روان و روح او را نوازش می‌کند (مشکینی و ضرغام‌فرد، ۱۳۹۸). اسمیت مسکن را به‌عنوان یک کالا تعریف می‌کند (Smith, 1776)؛ ریکاردو از مسکن به عنوان دارایی ملموس با بازگشت بالقوه (Ricardo, 1817) و مارشال از آن تحت عنوان سرمایه یاد می‌کند (Marshall, 1890). تورگرسن، معتقد است که مسکن «رکن پنهان برای بهزیستی یک جامعه» است (Torgersen, 1987). به باور ملنیکاز مسکن مکانی است که در آن مردم می‌توانند به زندگی اجتماعی خود بپردازند (Melnikas, 1998). اسکان بشر سازمان ملل نیز مفهوم مسکن را در قالب ارتقای کیفیت زندگی مطرح می‌سازد (UN-Habitat, 2002; 2006). از نظر هنیلان مسکن شامل یک ساختمان یا بخشی از یک ساختمان و مکانی است که یک خانواده می‌توانند تمام عمر خود را در آن بگذرانند (Henilane, 2016). از نظر گاستن ریچارد «خانه ما گوشه‌ای از جهان ما» را تشکیل می‌دهد (King, 2004).

جدول شماره ۱: دیدگاه‌های اندیشمندان پیرامون مسکن

اندیشمند	نگرش به مسکن
رنای شورت	مسکن عامل جامعه‌پذیری افراد است
ریکاردو	مسکن یک دارایی ملموس است
مارشال	مسکن سرمایه است
ملنیکاز	مسکن مکان زندگی اجتماعی است
اسکان بشر	مسکن به معنای ارتقای کیفیت زندگی است
گاستن ریچارد	مسکن گوشه‌ای از جهان ما را تشکیل می‌دهد
تورگرسن	مسکن رکن پنهان بهزیستی افراد است
مشکینی و ضرغام‌فرد	مسکن گنجینه خاطرات و اسرار است
اسمیت	مسکن یک کالا است
ویتوای	مسکن عامل رضایتمندی اجتماعی است
یوسف القرضاوی	مسکن نقش محافظ و حراست کننده دارد
باشلارد	مسکن به مثابه یک فضای مأنوس است
مری داگلاس	مسکن شکل اولیه سازمان اجتماعی است

از دیدگاه اسلام، مسکن به‌عنوان پناهگاه امن و حیاط خصوصی، محل آرامش، رهایی از دنیای بیرون، استراحت، خوشبختی و تقویت روابط خانوادگی تعریف شده است (Omer, 2010). همچنین مسکن به مثابه مکانی برای رشد و تعالی در نظر گرفته شده و نقش آن، بسترسازی برای حفظ حریم خصوصی و ترویج

آرامش و آسایش ساکنان آن است (Omer, 2011). لیکن مسکن اسلامی هر چند ملهم از ایده‌ها و پیام الهی است اما تحت تأثیر زمان و فضا، تحولاتی در آن رخ داده است (Bianca, 2003). بدین ترتیب مسکن اسلامی، پیچیدگی ساختاری را در سازمان بنا نشان می‌دهد که این پیچیدگی از فرهنگ منطقه نشئت می‌گیرد (Petruccioli, 2008). اسلام در ساخت مسکن برای تفکیک فضا اهمیت قائل بوده و آن را به دو گونه فضای خصوصی و عمومی تقسیم می‌کند (Rapoport, 1969; Mortada, 2011; Rahim, 2008). حریم خصوصی، حجب و حیا و مهمان‌نوازی در ساخت مسکن مسلمانان همواره از گذشته‌های دور تا به امروز مورد تأکید بوده است (Othman and et al., 2015; Othman and et al., 2014; Omer, 2010; Mortada, 2011; Azizah and Putri, 2013; Sobh and et al., 2013). اما در دنیای مدرن حریم خصوصی خانه آن‌چنان مد نظر نیست (Alitajer and Nojumi, 2016). بدین ترتیب شهر اسلامی با جدایی صریح حوزه‌های عمومی و خصوصی عجین است (Abu-Lughod, 1987). این تفکیک‌پذیری، معماری و ساختارهای اجتماعی جامعه شهری اسلامی را شامل می‌شود (Ennahid, 2002) که به نوعی با مفهوم معاصر «فضای قابل دفاع»^{۱۱} اسکار نیومن (Newman, 1973) در ارتباط است. آراستگی داخلی و پاکیزگی مسکن از موضوعات مهم دیگری است که در خانه‌های اسلامی بر آن تأکید می‌شده است (Malik and Mujahid, 2016). به طور کلی در دین اسلام مسکن اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد؛ به طوری که پیامبر مکرم اسلام (ص)، خانه را بهترین مکان در جهان می‌پندارد و مالکیت و تصاحب آن را مایه مسرت و شادکامی می‌داند. با تمامی تعاریف و دیدگاه‌هایی که نسبت به مسکن وجود دارد، اسلام مسکن (خانه) را بستری برای تقویت روابط خانوادگی می‌داند.

در خصوص مسکن اسلامی پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. با این حال پژوهش ویژه و خاصی که تمرکز تام بر مسکن شایسته اسلامی داشته باشد به ندرت وجود دارد. غالباً این موضوع در بطن مقالات و پژوهش‌های مرتبط با شهر اسلامی مد نظر بوده است. با تمامی این اوصاف در بخش ذیل تلاش خواهیم نمود تا نگرش پژوهش‌ها به جایگاه مسکن (شایسته) اسلامی را بازایی نماییم. الگومانی در یک بررسی تطبیقی که در دو محله در دمشق انجام داد به این نتیجه رسید که با وجود ورود فرهنگ غربی، همچنان زنان به فرهنگ سنتی خود پایبند بوده و سعی در حفظ حریم خصوصی خانه‌ها دارند. مسئله حفظ حریم خصوصی یکی از مهم‌ترین الزامات مسکن در فرهنگ اسلامی قلمداد می‌شود (Al-Kodmany, 2007). در پژوهش‌های ابتدایی که در خصوص مسکن اسلامی انجام شده، از مواردی نظیر حریم خصوصی خانه، نیاز خانواده و الگوی استفاده فضایی به عنوان مبنای فرم‌های مختلف ساخت خانه یاد شده است

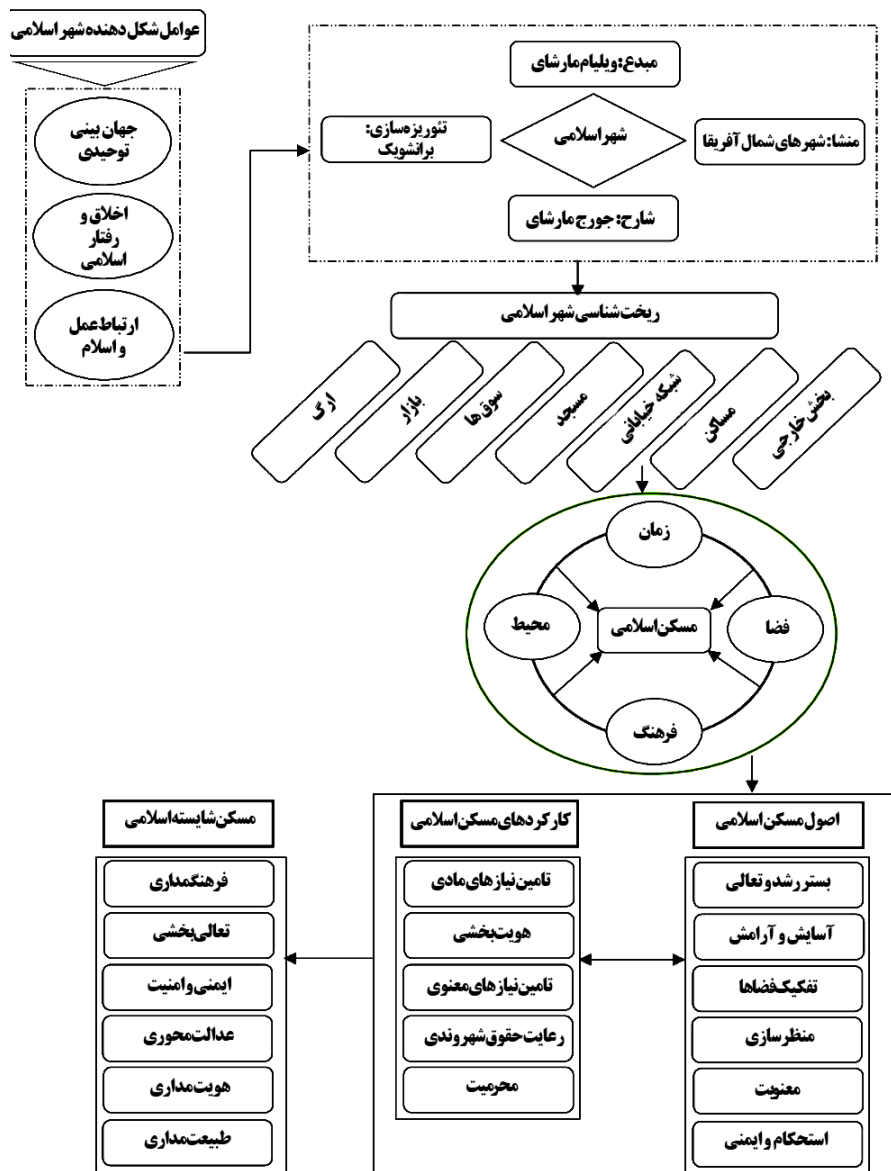
(Babangida and Sani-Katsina, 2017). محققانی درصدد کشف رابطه بین رفتار (مانند حریم خصوصی) و محیط‌زیست در مسکن مسلمانان بوده‌اند (Tawfik, 1996; Wapner and et al., 2000). مسئله دیگری که در مسکن اسلامی بسیار بدان تأکید شده است، مسئله معنویت و عبادت است. عقیف باهاناسی از سخنان ابن کووتیبا، محقق مشهور مسلمان قرن نوزدهم، نقل کرده است که تناسب مسکن به مثابه تناسب لباس (پیراهن) برای پوشش است (Bahnessi, 2003). از این رو می‌توان دریافت که مسئله تناسب و جایگیری عناصر مسکن در مکتب اسلام مورد تأکید بوده است. مالیک و مجاهد به چیدمان فضا در مسکن اسلامی توجه داشته و ترتیب قرارگیری عناصر در مسکن اسلامی را بدین شرح بیان می‌دارند: ورودی منزل، بخش عمومی، بخش نیمه خصوصی و بخش خصوصی. سپس مقایسه‌ای بین مسکن اسلامی عربستان و پاکستان داشته‌اند که در همه این مسکن این نوع چیدمان رعایت شده بود (Malik and Mujahid, 2016). طبق یافته‌های هاشیم و همکاران ارزش‌های فرهنگی در مکتب اسلامی بر ساخت‌وساز مسکن تأثیرگذارند (Hashim and et al., 2006). وی مذهب را عامل مؤثر در چیدمان فضای مسکن اسلامی می‌داند؛ اما در دیدگاه دیگری هتین و شالابی معتقدند برنامه‌ریزان و معماران در جهان اسلام پایبندی خود به فرهنگ اسلامی در ساخت‌وساز را از دست داده‌اند و ایده‌های بیگانه را در ساخت‌وساز مسکن به کار می‌گیرند (Htin and Shalaby, 1984). در ایران نیز پژوهش‌های مختلفی پیرامون ساخت‌وساز مسکن اسلامی صورت گرفته است. ملکوی و آریان کیا (۱۳۹۶) ورود فرهنگ و الگو غربی را عامل بی‌هویتی و از خودبیگانگی در مسکن و فضای شهری می‌دانند. نصر (۱۳۹۴) توجه به پارادایم مسکن را در سیمای شهرهای امروز ایران برای تبیین جایگاه هويت شهر ایرانی اسلامی مؤثر می‌داند. نقی زاده (۱۳۹۱) اصول و معیارهای بنیادین مسکن اسلامی را توجه به فرهنگ جامعه، بسترسازی برای امکان زندگی ایرانی اسلامی، جامع‌نگری و وحدت‌گرایی، حفظ و تقویت روابط همسایگی، حفظ و ارتقای توجه خانواده و روابط خانوادگی، امنیت، هويت، ارتباط با طبیعت و همزیستی با آن، رعایت عدل و توجه به عدالت اجتماعی، زیبایی، سلسله مراتب، توجه به معنویت، کمال‌گرایی، عزت، اصلاح، تذکردهی، حیا، تواضع، پاکسی و طهارت و تقوی می‌داند. ملکوی و سجادیان (۱۳۹۵) معتقدند که اسلام از مسکن چهار کارکرد تأمین نیازهای معنوی، تأمین نیازهای فیزیکی، هويت بخشی و آرام‌بخشی طلب می‌نماید. حمزه‌نژاد و صدریان (۱۳۹۳) معتقدند که مسلمانان باید در ساخت‌وساز مسکن مطلوب خود، دین را منعکس کنند؛ بدین معنا که در طراحی مسکن از اصول اسلام و تجسم کالبدی آن بهره‌جویند. ضرغامی (۱۳۸۹) عدالت، زیباشناسی، راحتی، آسایش، امنیت و رشد کودکان، و هويت اجتماعی را از اصول پایداری مجتمع‌های مسکونی در

و جهان بینی اسلامی از منظر کالبدی و معنایی، به عنوان یکی از معیارهای اصلی ساخت و ساز قلمداد می شده است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵؛ هاشمی زرج آباد و همکاران، ۱۳۹۳؛ ارغان و همکاران، ۱۳۹۷؛ نقی زاده، ۱۳۹۱).

با مطالعه پژوهش های بنیادی که در حوزه شهر اسلامی و متعاقب آن مسکن اسلامی (به طور محدود) انجام شده است، می توان ویژگی ها و معیارهای اصلی ساخت و ساز مسکن را استخراج کرد. بدین ترتیب مهم ترین معیارهای مسکن شایسته اسلامی عبارت اند از: مکانی برای اقامت خانواده های گسترده و محل آرامش خانواده (Al-Hussayen, 1999؛ نقی زاده، ۱۳۹۱؛ ضرغامی، ۱۳۸۹؛ ضرغامی و سادات، ۱۳۹۵) حریم خصوصی و محرمیت (Othman and et al., 2015; Al-Kodmany, 2007; Babangida and Sani-Katsina, 2015; Tawfik, 1996; Wapner and et al., 2000; Mohd and et al., 2013; Yarwood, 2011؛ سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶؛ اردلان و بختیار، ۱۳۸۰)، مکان معنویت و عبادت (Bahnassi, 2003)

شهرهای ایرانی اسلامی می داند و بر آنها تأکید می ورزد. بمانیان و همکاران (۱۳۹۲) معتقدند در ساخت و ساز مسکن در دوره اسلامی مهم ترین اصل حقوق شهروندی یعنی اصل «لا ضرر و لا ضرار» بر پایه عدل تجلی یافته است. یاران و بهرو (۱۳۹۶) در پژوهشی، ارزش های حاصل از فرهنگ و اخلاق اسلامی تأثیرگذار بر مسکن را حجاب، تعاون، طهارت، قناعت، خدامحوری و اطاعت، و تواضع می داند و تجلی این ارزش ها را در کالبد فضایی خانه مورد بررسی قرار داده اند.

ضرغامی و سادات (۱۳۹۵) داشتن حریم خصوصی، امنیت و آسایش، تواضع در خانه و استفاده از عناصر طبیعی را عواملی می دانند که امروزه برای بازگشت به الگوی مسکن اسلامی و البته ایرانی باید به آنها توجه شود. سیفیان و محمودی (۱۳۸۶) محرمیت، سلسله مراتب، درون گرایی و پیوند با طبیعت را اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام قلمداد می کنند؛ به طوری که درون گرایی و محرمیت در دوره اسلامی، بر پایه مبانی و ارزش های اعتقادی



Hashim and et al., 2006؛ یاران و بهرو، ۱۳۹۶)، همساز با حجب و حیا و متناسب با آداب مهمان‌نوازی (Othman and et al., 2015؛ منصور، ۱۳۸۹؛ نقی زاده، ۱۳۹۱)، تناسب و چیدمان فضایی مناسب عناصر (Bahnessi, 2003; Malik and Mujahid, 2016؛ Hashim and et al., 2006)، توجه به فرهنگ (حمزه نژاد و صدریان، ۱۳۹۳؛ مرتضی، ۲۰۱۱؛ ملکی و آریان کیا، ۱۳۹۶؛ نقی زاده، ۱۳۹۱؛ یاران و بهرو، ۱۳۹۶؛ Htin and Shalaby, 2007; Al-Kodmany, 2007؛ Bianca, 2000؛ Gharipour, 2017b؛ Gharipour, 2015؛ Stewart, 2001؛ Gharipour, 2017a؛ Shuaib, 2014؛ Yarwood, 2011؛ نصر، ۱۳۹۴؛ نقی زاده، ۱۳۹۱؛ ملکی و سجادیان، ۱۳۹۵؛ ضرغامی، ۱۳۸۹)، پاک و طهارت (نقی زاده، ۱۳۹۱؛ ملکی و سجادیان، ۱۳۹۵)، جامع‌نگری و وحدت‌گرایی، حفظ و تقویت روابط همسایگی، سلسله مراتب، کمال‌گرایی (نقی زاده، ۱۳۹۱)، عدالت (نقی زاده، ۱۳۹۱؛ بمانیان و همکاران، ۱۳۹۲؛ ضرغامی، ۱۳۸۹)، امنیت (نقی زاده، ۱۳۹۱؛ ضرغامی، ۱۳۸۹؛ ضرغامی و سادات، ۱۳۹۵)، بستر تعالی خانواده (ضرغامی، ۱۳۸۹؛ نقی زاده، ۱۳۹۱)، طبیعت‌محوری (سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶؛ نقی زاده، ۱۳۹۱؛ بمانیان و همکاران، ۱۳۹۲؛ ضرغامی و سادات، ۱۳۹۵)، زیبایی‌شناسی (نقی زاده، ۱۳۹۱؛ بمانیان و همکاران، ۱۳۹۲)، سلسله مراتب (وثیق و همکاران، ۱۳۸۸؛ علی‌الحسابی و گنجی زاده، ۱۳۹۴؛ سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶؛ طبیبیان و همکاران، ۱۳۹۰؛ بمانیان و همکاران، ۱۳۹۲)، درون‌گرایی (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۷؛ ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵؛ هاشمی زرج آباد و همکاران، ۱۳۹۳؛ ارغان و همکاران، ۱۳۹۷؛ نقی زاده، ۱۳۹۱). بدین ترتیب با استعانت از ادبیات پژوهش می‌توان یک مدل نظری برای مسکن شایسته اسلامی ارائه نمود.

همان‌طور که ملاحظه نمودید در بخش فوق، مهم‌ترین معیارها و اصول ساخت مسکن با یک مطالعه نسبتاً جامع جمع شدند؛ اما در این پژوهش هدف ما اصول و معیارهای ساخت‌وساز مسکن نیست و تمرکز خود را بیشتر به نماگرهای مسکن شایسته معطوف می‌نماییم که مجموعه این نماگرها، شاخص‌های مسکن شایسته اسلامی را تشکیل می‌دهند. همچنین شایان ذکر است که اصول و معیارها از متون پژوهشی استخراج شده‌اند؛ لیکن نماگرهایی که در بخش‌های ذیل بیان خواهیم کرد مستخرج از آیات و روایات دینی هستند که سندیت آنها محرز است.

روش‌شناسی

این پژوهش، ماهیت بنیادی دارد، زیرا در آن تلاش نموده‌ایم تا دانش و نظریه‌های موجود در این زمینه را بسط و توسعه دهیم. روش جمع‌آوری اطلاعات اسنادی (کتابخانه‌ای) بوده است؛ به طوری که اسناد و مدارک موجود (تمامی متون اسلامی که در آنها از مسکن سخن به میان آمده است)، با استعانت

از یک روش تحلیل محتوای کیفی (روش تحلیل محتوا دو نوع است: کمی و کیفی (Downe-Wamboldt RN, 1992؛ Mayring, 2000؛ Krippendorff, 2004)، گردآوری، طبقه‌بندی و کدگذاری گردید. تحلیل محتوا یک روش تحقیق سیستماتیک است که تجزیه و تحلیل کیفی و کمی مجموعه‌ای از اسناد و متون را میسر می‌سازد (Ward, 2012؛ Mayring, 2014؛ Kim and Kuljis, 2010) و از شش مرحله: ۱) فرمول‌بندی سؤال یا اهداف تحقیق ۲) انتخاب محتوای ارتباطی و نمونه ۳) بسط اسناد مرتبط با محتوا ۴) نهایی‌سازی واحدهای تجزیه و تحلیل ۵) آماده‌سازی جداول کدگذاری و ۶) تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده (Prasad, 2008؛ Hsieh and Shannon, 2005؛ White and Marsh, 2006) تشکیل می‌شود که در فرایند انجام پژوهش حاضر هر کدام از مراحل یاد شده رعایت شده است. در حقیقت با استفاده از روش تحلیل محتوا به توصیف عینی و منظم محتوای اسناد مربوط به مسکن شایسته در مکتب اسلامی پرداخته شده است. در مجموع این پژوهش با هدف شناسایی نماگرها و شاخص‌های مسکن شایسته اسلامی، انجام گرفته است.

یافته‌ها و بحث

اسلام، ویژگی‌های منحصر به فردی از خانه خوب و در شأن انسان تبیین می‌کند که توجه به هر یک تأمین‌کننده سعادت دنیوی و اخروی انسان است. اینالیشیک^۱ (۱۹۹۰) در ساخت فضایی شهرهای اسلامی، بر شاخص‌های سازمان اجتماعی و کالبدی در ساخت‌وساز اصرار می‌ورزد و معتقد است که سایر شاخص‌ها کمتر مد نظر بوده‌اند؛ اما باید بگوییم که در ساخت شهر اسلامی و متعاقب آن مسکن اسلامی نماگرهای (مجموعه‌ای از نماگرها یک شاخص را شکل می‌دهند) زیست‌محیطی، کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر یک به فراخور دارای نقش بوده‌اند. با بررسی متون منتخب می‌توانیم مجموعه‌ای از نماگرها را استخراج کنیم که به چگونگی شایسته بودن یک مسکن در مکتب اسلام اشاره دارند. از این رو در این پژوهش مهم‌ترین نماگرهای زمینه‌ساز یک مسکن شایسته اسلامی را در قالب شاخص‌های کالبدی-زیست‌محیطی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی، دسته‌بندی خواهیم نمود. بحث کالبد و فیزیک مسکن از مهم‌ترین موضوعاتی است که در آیات و احادیث و روایات متعدد به آن اشاره شده است. مسکن شایسته از دیدگاه اسلام دارای ویژگی‌های مختلفی از ابعاد کالبدی-زیست‌محیطی است که در ادامه به شرح آنها خواهیم پرداخت. «امنیت» یکی از اولین و مهم‌ترین جنبه‌های ساخت یک مسکن شایسته است که خداوند در آیه ۱۲۶ سوره بقره به آن اشاره داشته و چنین می‌فرماید: «رب اجعل هذا بلداً آمناً» (بقره ۱۲۶). امنیت یک مسکن علاوه بر اینکه جنبه بیرونی دارد، جنبه درونی نیز دارد که از آن تحت عنوان «تخصص محوری» یاد می‌شود. بنابراین تخصص محوری در ساخت مسکن امر قطعی و مسلم است

که در کتب معتبر به آن اشاره شده است (کافی، ج ۵: ۱۱۳؛ بحار، ج ۱: ۱۱۰). در مکتب اسلام علاوه بر معماری بیرونی مسکن به معماری درونی مسکن نیز توجه شده است. از این رو «وسعت» مسکن یکی از مهم ترین شاخص‌هایی است که در ساخت مسکن اسلامی شایسته همواره در کانون توجه قرار داشته است. به فرمایش حضرت علی (ع) برکت مسکن به سه چیز بستگی دارد: جایگاه، وسعت و همسایگان خوب (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۲۶؛ مشکینی و ضرغام فرد، ۱۳۹۸). همچنین پیامبر اکرم نیز حیات بزرگ و وسعت منزل را عاملی برای سعادت انسان و ارزش مسکن می‌داند (المحاسن، ج ۲: ۶۱۱؛ بحار، ج ۷۳: ۱۵۴؛ نهج الفصاحه ص ۲۴۸؛ خصال ۱۸۳). ایشان در سندی دیگر می‌فرمایند کسی که در خانه مخروبه زندگی کند خداوند پاسخش را نمی‌دهد (نهج الفصاحه، حدیث ۱۲۲۵). علاوه بر وسعت، امنیت و تخصص محوری، «محکم کاری» از معیارهای مهم مسکن شایسته از منظر مکتب اسلام است؛ به طوری که پیامبر در یکی از احادیث می‌فرمایند: «هر کس ساختمانی بنا کند و در آن کم بگذارد، پاداشی نخواهد داشت» (المحاسن، ج ۲: ۶۰۸). مسئله دیگری که در ساخت مسکن مد نظر بوده است به «انطباق با طبیعت» بازمی‌گردد. بر اساس آیه ۶۸ سوره نحل، خداوند انسان را برای ساخت‌وساز مسکن به طبیعت ارجاع می‌دهد و الهام از طبیعت در ساخت‌وساز مورد تأکید است. در گذشته رابطه انسان، محیط طبیعی و ساخت‌وساز به صورتی بوده که هم انسان در ارتباط مستقیم با طبیعت بوده و هم ساخت‌وساز مسکن در بستر طبیعت شکل می‌گرفته است (زارع و همکاران، ۱۳۹۱). این موضوع امروزه تحت عنوان نظریه «بیوفیلیک»^{۱۱} (زیاری و همکاران، ۱۳۹۴) مطرح است که در حقیقت از دین اسلام منشأ می‌گیرد. «ارتفاع مسکن» معیار دیگری است که در مکتب اسلام بدان تأکید شده و آن را در راستای اصل محرمیت و عدم اشراف مورد توجه قرار داده است. در متون مختلف در خصوص ارتفاع مسکن سخن رانده شده و از جوانب مختلف نظیر نورگیری، اشراف، امنیت و... مورد بررسی قرار گرفته است. بحث مهم دیگری که در خصوص مسکن شایسته می‌توان از متون اسلامی استخراج کرد، مسئله «محیط‌زیست» است که حفظ آن به شدت توصیه می‌شود. حضرت علی (ع) در خطبه ۱۶۷ نهج البلاغه بر حفظ محیط‌زیست تأکید دارد و این مطلب را به ساکنان شهرها گوشزد می‌نماید. طبق آیات ۲۱۱ بقره، ۸۱ طه، ۱۱۹ نسا، ۲ فرقان، ۷ کهف و ۲۷ انفال، تخریب محیط‌زیست و زمین برای ساخت‌وساز امری ناپسند است. بدین ترتیب تخریبی که برای ساخت‌وساز مسکن در شهرها صورت می‌گیرد مصداق بارز ظلم بوده و نمی‌تواند پسندیده باشد. برای تأکید بر این موضوع مهم می‌توان به پژوهش لاپیدوس^{۱۲} استناد کرد. وی در اولین پژوهش خود «شهرهای مسلمان در قرون متأخر وسطی»^{۱۴} زمین را منشأ معیشت شهری می‌داند و معتقد است که شهروندان زمین‌های اطراف شهر را برای ساخت مسکن انتخاب نمی‌کنند؛ این در حالی است که «کنترل سیاسی مستقیم» آن را بر عهده دارند (Lapidus, 1967; Sato, 2014). همچنین بحث (به‌روز

بودن» در ساخت‌وساز مسکن در مکتب اسلام قابل پیگیری است؛ به طوری که خداوند در آیه ۱۱ سوره انعام می‌فرماید: سیرو فی الارض. البته مراد از به‌روز بودن با توجه به فراخور زمانی و مکان مد نظر بوده است. بنابراین می‌توان این چنین استنباط کرد که خداوند، سفر به نقاط مختلف و یادگیری تجربه از دیگران در زمینه ساخت‌وساز مسکن شایسته را امری منطقی می‌داند. بحث «حلال بودن» از جمله مهم ترین مسائل در ساخت مسکن شایسته اسلامی است؛ به طوری که پیامبر اکرم (ص) در نهج الفصاحه حدیث ۲۸ و مستدرک الوسائل (جلد سوم) پرهیز از به کارگیری مصالح حرام در بنای مسکن را گوشزد می‌کنند. از این رو مسکنی که از مصالح حرام ساخته شود نمی‌تواند صفت شایسته بودن را برای خود به عاریت بگیرد. مکتب اسلام در باب مسائل کالبدی مسکن بسیار حساس بوده است. امنیت و حفاظت خانه، پرهیز از تجمل و ناماسازی، توجه به تزئینات داخلی و... از مهم ترین مسائلی است که نشان‌دهنده یک مسکن شایسته است. از منظر قرآن مالک مجاز به تجمل‌گرایی در نمای ساختمان نیست و ظاهر مسکن باید حالت معمولی داشته باشد و اطراف آن نیز می‌بایست با حصار محصور شده باشد. از این نظر حضرت علی (ع) زندگی در خانه فاقد حصار و باب را نمی‌پسندد. همان‌طور که متذکر شدیم در مکتب اسلام توجه به تزئینات داخلی امری پسندیده و نیک برای یک مسکن شایسته تلقی می‌شود؛ به طوری که در آیه ۶۹ سوره بقره استفاده از رنگ و رنگ کاری داخل خانه مورد تأکید است. گچ کردن خانه، زیباسازی و آرایش منزل (بحار، ج ۷۶)، نظافت خانه (محاسن، ج ۲: ۶۲۴)، لزوم پنهان بودن سرویس بهداشتی (بحار، ج ۳)، پرهیز از نصب مجسمه (کنز العمال، ج ۱۵: ۳۹۵)، داشتن تهویه و بادگیر بودن مسکن (بحار، ج ۱۰) و هوای مطبوع و کیفیت آب (تحف العقول) از مهم ترین دستوراتی است که برای شایسته بودن یک مسکن باید به آنها توجه ویژه مبذول گردد.

در مکتب اسلام مباحث اقتصادی نیز در ساخت‌وساز یک مسکن شایسته مهم بوده است. یکی از آیاتی که صراحتاً به این موضوع می‌پردازد، آیه ۱۲۶ سوره بقره است.^{۱۵} اهمیت اقتصادی مسکن به اندازه‌ای مهم است که حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «اولین چیزی که خریداری می‌شود و آخرین چیزی که به فروش می‌رسد باید خانه باشد» (شرح نهج البلاغه، ج ۲۰: ۳۱۲). همچنین پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «اگر کسی خانه بفروشد و پولش را در تهیه خانه دیگر صرف نکند، برای او برکت نخواهد داشت» (نهج الفصاحه، ج ۱: ۲۹۳). بحث دیگری که در رابطه با ساخت مسکن شایسته مطرح است به «هزینه» بازمی‌گردد. امروزه به خصوص در جوامع پلاریزه، هزینه‌های هنگفتی به ساخت مسکن تخصیص می‌یابد که با نگاهی به اصول و دستورالعمل‌های مندرج در متون اسلامی چندان مناسب به نظر نمی‌رسد. از این رو هزینه مسکن یکی از مهم ترین نماگرهایی است که قرآن در سوره نحل آیه ۲۸ به آن اشاره دارد. طبق این آیه صرف هزینه کمتر برای مسکن شایسته‌تر است. در حقیقت قرآن به

ساخت مسکن «کم هزینه» اشاره دارد؛ اما مسئله دیگری که امروزه در جوامع اسلامی از آن غفلت شده، مسئله «سوداگری و احتکار» مسکن است. از نظر اسلام ساخت خانه و احتکار و خالی نگه داشتن آن امر ناشایستی بوده و همواره آن را مورد نکوهش و سرزنش قرار داده است. پس از بررسی و تشریح نماگرهای مربوط به شاخص های کالبدی-زیست محیطی و اقتصادی اکنون به شاخص های اجتماعی-فرهنگی خواهیم پرداخت و نماگرهای وابسته به این شاخص را از متون اسلامی استخراج خواهیم نمود. مسکن یکی از بزرگ ترین نعمت هایی است که انسان همواره برای دستیابی به آن در تلاش است. مسکن نوازشگر روح و روان انسان است و مکانی است که وی را از دنیای بیرون می راند و او را در خود هضم می نماید (مشکینی و ضرغام فرد، ۱۳۹۸). از این رو در آیه ۸۰ سوره نحل از مسکن، به عنوان «نعمت» یاد شده است و خداوند آن را مایه آرامش و آسایش انسان قرار داده است. حضرت علی (ع) نقش حکومت ها را در خلق آسایش و رفاه انسان ها مهم دانسته بر آن تأکید می نماید (مناقب شهرآشوب، ج ۱: ۳۰۶). همچنین در سوره نحل آیه ۸۰ از خانه به عنوان مکان آسایش و آرامش انسان یاد می شود. بدین ترتیب آرامش و آسایش یکی از مهم ترین نماگرهای یک مسکن شایسته اسلامی است که همواره در متون دینی متعددی بر آن تأکید شده، اما با گذشت زمان رنگ باخته است. از احکام بسیار مهم در ساخت یک مسکن شایسته در مکتب اسلام، به «حفظ محرمت» خانواده و عدم ورود به خانه بدون اجازه مربوط می شود. طبق آیه ۵۸ سوره نور، فرزندان حق ورود بدون اجازه به اتاق والدین را ندارند. شاخص محرمت، علاوه بر فضای درونی به فضای بیرون خانه نیز مربوط می شود. در این راستا پیامبر اکرم می فرماید: «از جمله حقوق همسایه آن است که از بام به خانه او ننگری و اگر چوبی بر دیوار تو نهد، منع نکنی» (غزالی، ۱۳۵۵). وثیق و همکاران (۱۳۸۸) از این اصل مهم تحت عنوان «سلسله مراتب» یاد کرده اند که این مهم در پژوهش علی الحسابی و گنجی زاده (۱۳۹۴) نیز مورد تأکید بوده و آن را عاملی مهم در سبک زندگی اسلامی می دانند؛ از این رو در دین اسلام برای اینکه به یک مسکن، صفت «شایسته» را نسبت دهیم، می بایست سلسله مراتب نیز رعایت گردد. «محرمت» یکی از اصول اساسی حاکم بر هستی و پدیده های آن است که تأثیرات آن در ساختار کالبدی-فضایی معماری سنتی غیرقابل کتمان است (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰). پیرامون مسئله «محرمت و حفظ حریم» می توان به آیات ۲۷ و ۳۱ و ۶۱ سوره مبارکه نور و همچنین آیه ۲۳ سوره مبارکه نساء و آیه ۸۰ سوره مبارکه نحل اشاره نمود. در این آیات به نماگر محرمت در ساخت مسکن اشاره شده است. بحث دیگری که در حیطه مسائل اجتماعی مسکن باید مد نظر قرار گیرد مسئله «اشراف» است؛ به طوری که در برخی احادیث اشراف به خانه همسایه مذمت شده است (بحار، ج ۷۳: ۳۶۱). همان طور که در فوق متذکر شدیم مسئله اشراف از جنبه های مختلف مورد تأکید است. خداوند در سوره نساء آیه ۳۶، نیکی به همسایه را محترم شمرده و بر آن تأکید می ورزد.

در بسیاری از آیات و احادیث به همسایه مداری اشاره شده است (بحار، ج ۶۴: ۳۴۰؛ من لایحضر الفقیه، ج ۲: ۶۲۳؛ ماعون، آیه ۴ و ۷؛ کافی، ج ۸: ۲۴؛ نهج البلاغه: ۳۰۶) و وظایف متقابل آنها مورد تأکید بوده است. بدین ترتیب از ویژگی های یک مسکن شایسته، توجه ساکنان آن به اصل «همسایه مداری» است. مکتب اسلام به مباحث فرهنگی که صفت شایسته را برای یک مسکن به ارمغان می آورد نیز توجه دارد. در سوره ابراهیم آیه ۳۷ به موضوع «محببتی» که در یک خانه جاری می شود، اشاره گردیده است. از این منظر می توان گفت شایستگی یک مسکن به نوع جریانات و روابط احساسی که در درون خانه جاری است نیز مرتبط می شود. پس شایسته بودن یک خانه بعد ذهنی نیز دارد.^{۱۶} از دیدگاه قرآن علاوه بر محبت، موضوع «معنویت»^{۱۷} (روم ۴۱) نیز در شایسته بودن خانه دخیل است. معنویت مسکن به مناسب بودن آن برای عبادات و ادای واجبات دینی بازمی گردد؛^{۱۸} لذا توجه به کالبد و جسم انسان مهم است. علاوه بر این باید در ساخت و ساز مسکن روح و روان انسان نیز مد نظر باشد (معنویت).

«مکان گزینی» مسکن نیز در دین اسلام مورد توجه است، یعنی قرارگیری مسکن در مکان حلال و غیرغصبی نکته مهمی است که با شایستگی و مناسب بودن مسکن ارتباط دارد. در مکان گزینی مسکن، نقش زمین بسیار چشمگیر است؛ به طوری که در بحار جلد ۷۵، به زمینی که مسکن روی آن احداث می شود توجه شده است. بدین ترتیب یکی از ویژگی های مسکن شایسته جانمایی آن در زمین حلال است (زمر، ۷۴). «عدالت و انصاف» در ساخت و ساز مسکن نیز در سوره بقره، آیه ۲۸۶^{۱۹} و الکافی، جلد ۵، صفحه ۲۸۹ مورد تأکید است؛ به طوری که امام صادق (ع) در تکریم کارگران می فرماید: «قبل از اینکه عرقشان خشک شود، مزدشان را بدهید». موضوع بسیار مهم دیگری که همواره در مکتب اسلام به آن اشاره شده، «فخرفروشی» است. طبق آیه شماره ۸۳ سوره قصص، رستگاری در زمین مختص کسانی است که فخرفروشی نکنند و از آنجا که عمده فخرفروشی ها به مسکن مربوط می شود، مسکن نباید عامل فخرفروشی باشد. در این باب می توان به آیه ۵۱ سوره زخرف استناد کرد. در این آیه یکی از دلایل تکبر فرعون مسکن او قلمداد شده است. از سوی دیگر پیامبر اسلام (ص) در الحیاء، جلد دوم، ساختن مسکن مازاد بر آنچه نیاز است را جایز نمی شمرد. بدین ترتیب «سادگی و دوری از زرق و برق» در ساخت مسکن مد نظر مکتب اسلام بوده است. برای اثبات گفته های خود می توانیم به فرموده حضرت علی (ع) اتکا کنیم. ایشان به یکی از اطرافیان خود که خانه مجللی ساخته بود، فرمود: «سکه های طلا و نقره سر و کله خود را نشان داده اند؛ این ساختمان می گوید تو مرد ثروتمندی هستی» (نهج البلاغه، حکمت ۳۵۵). امام باقر (ع) نیز پیرامون سادگی مسکن سخن رانده و از خانه حضرت علی به عنوان نمونه یاد کرده است (المناقب، ج ۲: ۹۵).^{۲۰} در مجموع تمامی آنچه در این بخش بیان گردید حاصل تلاشی چند ماهه و جست و جو در آیات، احادیث و اسناد معتبر دینی بوده است که نهایتاً به صورت جدول زیر ارائه می گردد:

شاخص	نماگر	منابع
کالبدی-محیط زیستی	ترتیب داخلی	(بقره، ۶۹)؛ (بهار، ج ۷۶)؛ (محاسن، ج ۲: ۶۲۴)؛ (بهار، ج ۳)؛ (کنز العمال، ج ۱۵: ۳۹۵)؛ (زخرف، ۳۴).
	نمای ساختمان	(عاملی، ۱۴۰۹ ق)؛ (شیخ صدوق، ۱۳۷۷ ق)
	حفاظت	(کھف، ۹۴)؛ (حشر، ۱۴)
	وسعت	(خصال، ۱۸۳)؛ (المحاسن، ج ۲: ۶۱۱)؛ (بهار، ج ۷۳: ۱۵۴)؛ (نهج الفصاحه: ۲۴۸)؛ (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۲۶)
	ارتفاع	(مجلسی، ج ۷۶: ۱۵۰)؛ (عاملی، ۱۴۰۹ ق)؛ (شعرا، ۱۲۸)
	زمین حلال و مناسب	(نهج الفصاحه، حدیث ۳۸)؛ (مستدرک الوسائل، ج ۳)؛ (بهار، ج ۷۵)؛ (اعراف، ۷۴)؛ (حرانی، ۱۴۰۴ ق)؛ (کلینی، ج ۶: ۵۲۶)
	دوری از تخریب محیط زیست و زمین	(بقره، ۲۱۱)؛ (طه، ۸۱)؛ (نساء، ۱۱۹)؛ (فرقان، ۲ و ۷)؛ (کھف، ۲۷)
	استحکام	(المحاسن، ج ۲: ۶۰۸)؛ (بقره، ۱۲۷)؛ (حجر، ۸۲)؛ (اعراف، ۷۸)
	به روز بودن	(انعام، ۱۱)
	همسازی با طبیعت	(نحل، ۶۸)
اجتماعی-فرهنگی	همسایه‌مداری	(نساء، ۳۶)؛ (ماعون، ۴ و ۷)؛ (بهار، ج ۶۴: ۳۴۰)؛ (من لایحضر الفقیه، ج ۲: ۶۲۳)؛ (کافی، ج ۸: ۲۴)؛ (نهج البلاغه: ۳۰۶)؛ (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۲۶)؛ (بقره، ۸۹)؛ (نور، ۶۱)
	حریم خصوصی و محرمیت	(نور، ۵۸، ۲۷، ۲۸، ۲۹)؛ (بهار، ج ۷۳: ۳۶۱)؛ (نور، ۵۸، ۵۹)؛ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۴۱)؛ (غزالی، ۱۳۵۵)؛ (نور، ۶۱، ۳۱، ۲۷، ۲۸، ۵۸، ۵۹)؛ (نساء، ۲۳)؛ (نحل، ۸۰)
	آسایش و آرامش	(نحل، ۸۰، ۱۱۲)؛ (مناقب، ج ۱: ۳۰۶)؛ (احزاب، ۳۳)؛ (بقره، ۱۸۹)
	بهره‌گیری از نور طبیعی	(سبا، ۱۳)
	دوری از فخرفروشی در ساخت مسکن	(قصص، ۸۳)؛ (الحیاه، ج ۲)؛ (زخرف، ۴۳، ۳۵، ۵۱)؛ (غافر، ۳۳)
	دلپذیری و جایگاه مناسب	(تحف العقول)؛ (بهار، ج ۱۰)؛ (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۲۶)
	امنیت	(بقره، ۱۲۵، ۱۲۶)؛ (نحل، ۸۰، ۱۱۲)؛ (بقره، ۱۲۵)؛ (حجر، ۸۲)؛ (تین، ۳)
	معنویت و عبادت	(روم، ۴۱)؛ (ابراهیم، ۳۷)؛ (نور، ۳۶)؛ (مائده، ۱۱)؛ (توبه، ۲۴)؛ (قصص، ۵۸)
	محبت	(ابراهیم، ۳۷)
	آزادی	(زمر، ۷۴)
اقتصادی	قداست	(نحل، ۸۰)؛ (مائده، ۲۶)
	هویت	(حج، ۲۶)؛ (قریش، ۳)
	هزینه	(نحل، ۳۸)
	سادگی	(نهج البلاغه، حکمت ۳۵۵)؛ (المناقب، ج ۲: ۹۵)
	انصاف در ساخت و ساز	(بقره، ۲۸۶)؛ (الکافی، ج ۵: ۲۸۹)
	خرید و فروش	(شرح نهج البلاغه، ج ۲۰: ۳۱۲)؛ (نهج الفصاحه، ج ۱: ۲۹۳)
	معیشت	(بقره، ۱۲۶)

نتیجه‌گیری

شهر اسلامی از لحاظ ساختار کالبدی، چیدمان و کاربری‌ها دارای منطق فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بوده که می‌تواند آموزه‌هایی برای برنامه‌ریزی و طراحی مدرن داشته باشد. به کارگیری مفهوم ساخت‌وساز اسلامی به‌طور عام و مسکن اسلامی به‌طور خاص حاکی از ماهیت ایدئولوژیک آن است. بدین معنا که مسکن شایسته اسلامی یک ایدئولوژی است که از جهان‌بینی اسلامی نشئت می‌گیرد. در اصول ساخت شهر اسلامی به تمامی اجزا توجه گردیده که مسکن هم از این قاعده مستثنا نیست؛ اما اسلام به‌طور مستقیم چگونگی برنامه‌ریزی و ساخت مسکن را آموزش نمی‌دهد، لیکن دستورها و رهنمودهایی به مسلمانان ارائه داده که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با مسکن مرتبط‌اند. حفاظت از حریم شخصی در برابر دنیای خارج، احترام به حقوق مهمانان، احترام به حقوق همسایگان، رعایت حریم درون مسکن (رابطه بین مردان و زنان)، انجام وظایف مذهبی، بهداشت، همزیستی مسالمت‌آمیز با محیط طبیعی، ایمنی، امنیت، تفریح، عفت و ... از جمله مواردی هستند که در ساخت‌وساز مسکن بر آنها تأکید می‌شود و دستور به رعایت آنها می‌دهد. به عنوان یکی از نتایج اصلی این پژوهش باید بگوییم که در جای‌جای جهان اسلام از خاورمیانه گرفته تا شبه‌قاره هند، ترکیه، ایران، غرب اسلامی، آسیای جنوب شرقی و ... روح و ماهیت اساسی همه انواع مسکن اسلامی، همواره یکسان و مشابه بوده است، لیکن با ورود فرهنگ غرب و استعمار به برخی از این نقاط، شکل و تیپولوژی مسکن دچار دگرگونی شده است؛ اما در تمامی نقاط یاد شده همواره مسکنی که در دوره حکومت اسلامی احداث شده‌اند - که در این پژوهش از آن ذیل عنوان «مسکن شایسته اسلامی» یاد کردیم - داری شکل، فرم و عناصر یکسان بوده‌اند. مسکن شایسته اسلامی، حاوی عناصری است که داری معنا و روح هستند و هر کدام از این عناصر، کارکرد ویژه و تعریف شده‌ای برای خود دارند. به‌طور کلی مسلمانان در وهله اول خانه‌های خود را شکل می‌دادند و سپس از خانه متأثر می‌شدند و به عبارتی جهان‌بینی آنان از محل اقامت آنان تغذیه می‌شد. این موضوع مهم را می‌توانیم در بیانیه وینستون چرچیل نیز ببینیم که معتقد است: «ما ابتدا ساختمان‌ها را بنا می‌کنیم و به آنها فرم می‌دهیم و سپس این ساختمان‌ها هستند که روی ما اثر گذاشته و دنیای ما را شکل می‌دهند». بدین ترتیب، اصطلاح «مسکن شایسته اسلامی» را می‌توان با بسط و ملموس‌سازی معیارهای آن به‌صورت «پارادایم مسکن شایسته اسلامی» درآورد و آن را جهان‌شمول نمود. البته در این مسیر مشکلات و موانع متعددی وجود خواهد داشت؛ لیکن به‌طور قطع این مهم را حداقل در جهان اسلام می‌توان به یک پارادایم مسلط در برنامه‌ریزی و مطالعات مسکن تبدیل کرد.

پی نوشت‌ها:

1. Islamic city
 2. Myth
 3. L'islamisme et la vie urbaine
 4. William Marçais
 5. Georges Marçais
 6. Robert Brunschvig
 7. مفهوم مسکن شایسته با مفهوم «حق به مسکن شایسته» ارتباط دارد که در بیانیه‌های مختلف به آن تأکید شده است (هویتات، ۲۰۱۱).
 8. Mery Douglas
 9. Yousef Alqarzavi
 10. Defensible Space
 11. Inalcik
 12. بیوفیلیک (Biophilic) به معنای استفاده از طبیعت در داخل مسکن است که امروزه به‌شدت مورد تأکید بوده و پژوهش‌های متعددی حول محور آن انجام پذیرفته است.
 13. Lapidus
 14. Muslim Cities in the Later Middle Ages
 15. و ارزق اهله من الثمرات
 16. فاجعل افئده من الناس تحوی الهیم (ابراهیم ۳۷).
 17. فساد در خشکی و دریا ظاهر شد به واسطه اعمال مردم (روم ۴۱).
 18. اسکنت من ذریتی بواد غیر ذی ذرع عند بیتک المحرم رینا لقیمو الصلاة (ابراهیم ۳۷).
 19. پروردگار هیچ بار گرانی را بر اِدوش ما مگذار
 20. امام باقر(ع) می‌فرماید: «حضرت علی پنج سال حکومت کرد، اما نه آجری روی آجر گذاشت و نه خشتی روی خشت». این امر حکایت از «سادگی» مسکن مسئولان دارد.
- ### فهرست منابع و مراجع
1. ابراهیمی، غزاله؛ والا، بهنام و محمودی نژاد، هادی (۱۳۹۵)، «بررسی محرمیت در معماری سنتی ایران». چهارمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، تهران.
 2. اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۸۰)، **حس وحدت، سنت عرفانی در معماری ایرانی**. ترجمه حمید شاهرخ، نشر خاک، اصفهان.
 3. ارغان، عباس؛ صمیمیان، مهدی و جوادیان، رحیمه (۱۳۹۷)، «درون‌گرایی و بازتاب اصل محرمیت در معماری ایرانی (مطالعه موردی: شهر سمنان)»، **کنفرانس عمران، معماری و شهرسازی کشورهای جهان اسلام**، دانشگاه تبریز (دانشگاه شهید مدنی آذربایجان) دانشگاه علمی کاربردی شهرداری تبریز، تبریز.
 4. بمانیان، محمدرضا؛ ارجمندی، سحر و علی محمدی، فرزانه (۱۳۹۲)، «تأثیر اصول فقهی مرتبط با حقوق شهروندی بر پایه عدل در طراحی مسکن (نمونه موردی: سه مورد از خانه‌های ایرانی-اسلامی)»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۱۲، صفحه ۸۹-۱۰۰.
 5. حبیبی، سید محسن (۱۳۹۵)، **از شار تا شهر**، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
 6. حرّانی، ابن شعبه (قرن ۴ ه.ق). **تَحْفُ الْعُقُولِ فِيمَا جَاءَ مِنَ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظِ مِنْ آلِ الرَّسُولِ**. ترجمه صادق حسن زاده. قم (۱۳۸۲).
 7. حرّانی، حسن (۱۴۰۴)، **تحف العقول**، جامعه مدرسین، قم.
 8. حمزه نژاد، مهدی و صدریان، زهرا (۱۳۹۳)، «اصول طراحی خانه از منظر اسلامی و الگوهای کاربردی معاصر»، **پژوهش‌های معماری اسلامی**، شمار چهارم، سال اول، صفحه ۵۸-۷۶.

9. زارع، لیلا؛ نقی زاده، محمد و حریری، شراره (۱۳۹۱). «رابطه طبیعت و حیاط مرکزی (با نگاه به معماری مسکن ایرانی- کاشان)»، **هویت شهر**، دوره ۶، شماره ۱۲، صفحه ۴۹-۶۰.
10. زیاری، کرامت‌اله؛ ضرغام فرد، مسلم و خادمی، امیرحسین (۱۳۹۴)، **برنامه‌ریزی شهری با رویکرد بیوفیلیک**، انتشارات آراد کتاب، چاپ دوم.
11. سازمان ملل (۲۰۰۶)، **مسکن اجتماعی: اصول و نمونه‌ها**، ترجمه عباس رجایی، مسلم ضرغام فرد و ببرز کریمی. انتشارات طحان.
12. سیفیان، محمدکاظم و محمودی، محمدرضا (۱۳۸۶)، «محرمیت در معماری سنتی ایران»، **هویت شهر**، دوره ۱، شماره ۱، صفحه ۳-۱۴.
13. شیخ صدوق (۱۳۷۷)، **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال**، ترجمه ابراهیم محدث بندر ریگی، انتشارات اخلاق، قم.
14. ضرغام فرد، مسلم (۱۳۹۶)، **ارزیابی سیاست‌های مسکن از منظر تأمین نیاز گروه‌های هدف**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی کرامت‌اله زیاری، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا.
15. ضرغامی، اسماعیل و سادات، سیده اشرف (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی شاخصه‌های مسکن ایرانی- اسلامی با مسکن آپارتمانی امروز»، **فصلنامه نقش جهان**، شماره ۲-۶، صفحه ۶-۷۲.
16. ضرغامی، اسماعیل (۱۳۸۹)، «اصول پایداری اجتماعی مجتمع‌های مسکونی در شهرهای ایرانی- اسلامی»، **فصلنامه مطالعات شهرهای ایرانی اسلامی**، دوره ۱، شماره ۲، صفحه ۱۰۳-۱۱۵.
17. طبرسی، شیخ حسن (۱۳۷۰)، **مکارم الاخلاق**، ترجمه سید ابراهیم میرابقری، انتشارات فراهانی، قم.
18. طبرسی، شیخ حسن (۱۳۷۲)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. ترجمه هشام رسولی، انتشارات ناصر خسرو، تهران.
19. طبیبیان، منوچهر؛ چریگو، نصیبه و عبدالهی مهر، انسیه (۱۳۹۰)، «بازتاب اصل سلسله مراتب در شهرهای ایرانی- اسلامی»، **معماری و شهرسازی آرمان شهر**، دوره ۴، شماره ۷، صفحه ۶۳-۷۶.
20. علاءالدین علی بن حسام (م ۹۷۵ یا ۹۷۷ هـ)، **کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال**.
21. علی الحسّابی، مهران و گنجی زاده، نازنین (۱۳۹۴)، «تجلی سبک زندگی اسلامی در معماری مسکونی ایرانی با تأکید بر نقش سلسله مراتب فضایی و عرصه‌بندی در معماری خانه ایرانی»، **دومین کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار**.
22. غزاله، محمد (۱۳۵۵)، **کیمیای سعادت**، به کوشش احمد آرام، کتاب‌فروشی مرکزی، تهران.
23. قرآن کریم (۱۳۷۴)، **ترجمه ناصر مکارم شیرازی**، دارالقرآن کریم، قم.
24. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، مقدمه.
25. کلینی، محمد بن علی (۱۳۰۷)، **الکافی**، تصحیح محمد آخوندی و علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
26. مشکینی، ابوالفضل و ضرغام فرد، مسلم (۱۳۹۸)، **برنامه‌ریزی مسکن شهری با نگاهی به ایران**، انتشارات سمت، تهران.
27. مشکینی، ابوالفضل؛ خیرخواه، مرضیه و شعیان زاده نمینی، رضا (۱۳۹۷)، «تبیین معیارهای درون‌گرایی در شهرهای اسلامی»، **جغرافیا و روابط انسانی**، دوره ۱، شماره ۲، صفحه ۴۹۶-۵۱۴.
28. ملک‌شاهی، غلامرضا (۱۳۸۰)، «تغییرات ساختاری در اماکن مذهبی شهر اسلامی»، **پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی**، شماره ۳.
29. ملکی، سعید و آریان کیا، مصطفی (۱۳۹۶)، «سنجش تطابق کالبدی - فضایی سکونتگاه‌های شهر گرگان مبتنی بر شاخص‌های مسکن ایرانی- اسلامی»، **فصلنامه مطالعات عمران شهری**، دوره ۴، صفحه ۱۳۹-۱۵۳.

- sign", *Journal of Urban Design*, 4(3): 283-311 <https://doi.org/10.1080/13574809908724452>.
48. Al-Sayyad, N. (1991). *Cities and Caliphs: On the Genesis of Arab Muslim Urbanism*. Greenwood Press, Westport, USA.
 49. Al-sayyad, N. (1996). "The Study of Islamic Urbanism: An Historiographic Essay", *Built Environment*, 22(2): 91-97. <https://www.jstor.org/stable/i23287645>.
 50. Azizah, R and Putri, R.H. (2013). "Implementation of hijab concept in Arab house Pasar Kliwon Surakarta", *J. Islam. Archit.*, 2 (3):106-113.
 51. Babangida, H., and Sani-Katsina, H. (2017). "Integrating Islamic design principles for achieving family privacy in residential architecture", *Journal of Islamic architecture*, 5(1). <http://dx.doi.org/10.18860/jia.v5i1.4407>.
 52. Bachelard, G. (1994). *The Poetics of Space*. Boston: Beacon Press.
 53. Bahnassi, A. (2003). *The Islamic Architecture and Its Specificities in Teaching Curricula*. ISESCO,
 54. Barau, A.S. (2010). Sharia land use sustainability model. In *Book of Proceedings of Conference on Technology and Sustainability in the Built Environment (Volume 4)*. College of Architecture and Planning, King Saud University, Riyadh.
 55. Bianca, S. (2000). *Urban form in the Arab world: past and present*. London: Thames & Hudson.
 56. Bianca, S. (2003). *Urban Form in the Arab World*. London; New York: Thames and Hudson.
 57. Bonine, M.E. (2007). *Islamic Urbanism, Urbanites, and the Middle Eastern City*. Cited in *A Companion to the History of the Middle East (Choueiri, Y.M)*, <https://doi.org/10.1002/9780470996423.ch21>.
 58. Brown, K. L., Jolé, M., Sluglett, P., and Zubaida, S. (Eds). (1986). *Middle Eastern Cities in Comparative Perspective*. (London and Ithaca, 1986).
 59. Correia, J and Taher, M. (2015). "Traditional Islamic cities unveiled: the quest for urban design regularity". *Gremium: Revista de Restauración Arquitectónica*. <http://hdl.handle.net/1822/44223>.
 60. Downe-Wamboldt RN, B. (1992). "Content analysis: Method, applications, and issues", *Health Care for Women International*, 13(3), 313-321, DOI: 10.1080/07399339209516006.
 61. Eickelman, D. F. (1981). *The Middle City: An Anthropological Approach*. Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice Hall Inc.
 62. Ennahid, S. (2002). "Access regulation in Islamic urbanism: the case of medieval Fès", *The Journal of North African Studies*, 7:3, 119-134, <https://doi.org/10.1080/13629380208718477>.
 63. Fakhimzade, H., Beyki, S., Darban Rezaee, E.M., and Shabani, M. (2016). "The Comparative Study of the Intellectual, Behavioral, and Objective Scopes in the "Muslims' City" with the Principles of the "Islamic City"". *International journal of humanities and cultural studies*, Issue: 523-5.
 64. Fischel, I. W. (1956.). "The City in Islam", *Middle Eastern Affairs*, vol.7, pp. 227-232.
 30. ملکی، سعید و سجادیان، مهیار (۱۳۹۵)، «تدقیقی بر ساختارها و کارکردهای مسکن مبتنی بر آموزه‌های اسلام»، *چشم‌انداز زاگرس*، دوره ۸، شماره ۲۷، صفحه ۸۳-۱۱۲.
 31. منصور، علی (۱۳۸۹)، «حجاب و پوشیدگی در شهرسازی ایرانی-اسلامی (نمونه پژوهش میدانی: بافت قدیم شهر شیراز)»، *مسکن و محیط روستا*، دوره ۲۹، شماره ۱۳۰، صفحه ۳۸-۴۹.
 32. نصر، طاهره (۱۳۹۴)، «جایگاه پارادایم معماری مسکن در سیمای امروز شهر ایرانی-اسلامی»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی*، شماره ۲۲، صفحه ۶۷-۷۸.
 33. نظریان، اصغر (۱۳۹۲)، *پویایی نظام شهری ایران*، انتشارات مبتکران.
 34. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۱)، «تأملی در شناخت میانی مسکن اسلامی ایرانی»، *نشریه هنر*، شماره ۱۷۰.
 35. سیدرضی (۱۳۸۸)، *نهج البلاغه*، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم، قم.
 36. محمد بن عبدالله (۱۳۲۴)، *نهج الفصاحه*، به کوشش انتشارات جاویدان.
 37. هاشمی زرج آباد، حسن؛ تقوی، عابد و مسعودی، ذبیح‌الله (۱۳۹۳)، «رون‌گرایی و بازتاب اصل محرمیت در معماری ایرانی-اسلامی (نمونه پژوهش میدانی: خانه‌های تاریخی بیرجند)»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، دوره ۹، شماره ۲، شماره پیاپی ۳۴، صفحه ۱۲۳-۱۴۶.
 38. هبیتات (۲۰۱۱)، *حق به مسکن شایسته: به عنوان مؤلفه‌ای از حق به شهرو*، ترجمه و اضافات ابوالفضل مشکینی و مسلم ضرغام‌فرد، انتشارات طحان.
 39. مرتضی، هشام (۲۰۱۱)، *اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام*، ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، نشر مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
 40. وثیق، بهزاد؛ پشتون‌زاده، آزاده و بمانیان، محمدرضا (۱۳۸۸)، «مکان و مسکن از منظر اسلام». *علوم قرآن و حدیث، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم*، سال اول، شماره ۳، صفحه ۹۳-۱۰۲.
 41. یاران، علی و بهرو، حسین (۱۳۹۶)، «تأثیر فرهنگ و اخلاق اسلامی بر مسکن و کالبد فضایی خانه‌ها (نمونه موردی: خانه‌های عصر قاجار در شهر اردبیل)»، *فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی*، سال ۵، شماره ۱۵، صفحه ۹۱-۱۰۷.
 - 42.
 43. A. Al-Hussayen, M. (1999). "Spatial Characteristics of Traditional Houses of Al-Medinah, Saudi Arabia", *Architectural Science Review*, 42(4). <https://doi.org/10.1080/00038628.1999.9697429>.
 44. Abd-El-Aziz Nour, M. M. (1981). "Factors underlying traditional Islamic urban design", *Planning Outlook*, 24:1, 29-32, DOI: 10.1080/00320718108711633.
 45. Abu-Lughod, J.L. (1987). "The Islamic City-Historic Myth, Islamic Essence, and Contemporary Relevance", *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 19, No. 2, pp. 155-176. <https://www.jstor.org/stable/163352>. Cambridge University Press.
 46. Alitajer, S., and Nojumi, Gh. (2016). "Privacy at home: Analysis of behavioral patterns in the spatial configuration of traditional and modern houses in the city of Hamedan based on the notion of space syntax", *Frontiers of Architectural Research*, 5(3): PP341-352. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2016.02.003>.
 47. Al-Kodmany, Kh. (2007). "Residential visual privacy: Traditional and modern architecture and urban de-



84. King, P. (2004). *Private Dwelling: Contemplating the use of housing*. Routledge.
85. Krippendorff, K. (2004). *Content Analysis: An Introduction to Its Methodology*. SAGE.
86. Lapidus, I.M. (1967). *Muslim Cities in the Late Middle Ages*. Cambridge University Press.
87. Malik, S., and Mujahid, B. (2016). "Perception of house design in Islam: experiences from Saudi Arabia and Pakistan", *Journal of Islamic thought and civilization*, 6(2): 53-76. <https://doi.org/10.32350/jitc.62.04>.
88. Marçais, G. (1945). *La conception des villes dans l'Islam*. *Revue d'Alger*, 2: 517-533.
89. Marçais, W. (1928). *L'Islamisme et la vie urbaine*. *L'Academie des Inscriptions et Belles Lettres. Comptes Rendus*, January-March: 86-100.
90. Marshall, A. (1890). *Principles of Economics*. London: Macmillan and Co.
91. Mayring, P. (2000). "Qualitative Content Analysis Forum Qualitative Sozialforschung", *Forum: Qualitative Social Research*, 1(2), Art. 20, <http://nbn-resolving.de/urn:nbn:de:0114-fqs0002204>.
92. Mayring, P. (2014). *Qualitative Content Analysis. Theoretical Foundation, Basic Procedures and Software Solution*. Klagenfurt, Austria.
93. Melnikas, B. (1998). "Management and modernization of housing facilities: specific features of central and eastern European countries", *Facilities*, 16(11), 326-333. <http://dx.doi.org/10.1108/02632779810233601>.
94. Mohamad, J.B. (1995). *Building Heaven on Earth: Islamic Values in Urban Development*. This article is revised version of paper presented at the Fifth Malaysia-Singapore Forum held in Singapore from 11- 13th December 1995.
95. Mohd, R., Noorul, H and Talib, A. (2013). "The Concept of Privacy and the Malay Dwelling Interior Space Planning", *Social and Behavioral Sciences* 101, p 404 - 414.
96. Mortada, H. (2011). *Traditional Islamic Principles of Built Environment*. New York: Routledge Curzon.
97. Moser, S. (2018). *Islamic Cities*. The Wiley-Blackwell Encyclopedia of Urban and Regional Studies.
98. Neglia, G.A. (2008). Some historiographical notes on the Islamic city with particular reference to the visual representation of the built city. Cited in "The City in the Islamic World", Volume 1, Salma K. Jayyusi Renata Holod, Attilio Petruccioli and André Raymond (editors). LEIDEN. BOSTON.
99. Newman, O. (1973). *Defensible Space; Crime Prevention through Urban Design*. Macmillan Publishing.
100. Omer, S. (2007). "Integrating the Islamic Worldview into the Planning of Neighbourhoods", *Journal of Construction in Developing Countries*, Vol, 12, No. 2.
101. Omer, S. (2009). *Islam, Architecture and Urban Planning*. Arah Pendidikan, Kuala Lumpur. <http://www.amazon.com/Islam-Architecture-Urban-Planning-Spahic/dp/9673231095>.
102. Omer, S. (2010). *Islam and Housing*. Gombak, Kuala Lumpur: A. S. Noordeen.
103. Omer, S. (2011). *Housing Lessons from the Life of Prophet Muhammad (pbuh): The Subject of Privacy*. Retrieved April 23, 2012, from medina.net:
65. Germei, A. (Ed). (1983). *Islamic Architecture and Urbanism*. Dammam, 1983.
66. Gharipour, M (Ed). (2012). *The Bazaar in the Islamic City: Design, Culture, and History*. The American University in Cairo Press.
67. Gharipour, M. (2015). *The Historiography of Persian Architecture (Iranian Studies)*. Routledge
68. Gharipour, M. (2017a). *Gardens of Renaissance Europe and the Islamic Empires: Encounters and Confluences*. Penn State University Press.
69. Gharipour, M. (2017b). *Synagogues in the Islamic World: Architecture, Design and Identity*. Edinburgh University Press.
70. Gilsean, M. (1982). *Recognizing Islam: An Anthropologist's Introduction*. London: Croom Helm.
71. Greenshields, T.H. (1980). *Quarters and Ethnicity*. In *The Changing Middle Eastern City*. Eds. G.H. Blake and R.L. Lawless, 120-140. London: Croom Helm.
72. Hakim, B.S. (1986). *Arabic-Islamic Cities: Building and Planning Principles*. New York.
73. Hamdan, G. (1962). "The Pattern of Medieval Urbanism in the Arab world". *Geography*, vol. 47, pp. 121-134.
74. Hameed, Sh. (1991). *Evolution in the design of Islamic cities. Retrospective Theses and Dissertations*. 17585. <https://lib.dr.iastate.edu/rtd/17585>.
75. Hashim, A.H. and et al. (2006). "Visual Privacy and Family Intimacy: A Case Study of Malay Inhabitants Living in Two-Storey Low-Cost Terrace Housing", *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science*, 33(2): 301-318. <https://doi.org/10.1068%2Fb31053>.
76. Hassan, R. (1972). "Islam and Urbanisation in the Medieval Middle East", *Ekistics*, vol. 33, pp. 108-109.
77. Heidegger, M. (1951). *Building, Dwelling, Thinking*. London: Routledge
78. Henilane, I. (2016). "Housing concept and analysis of housing classification", *Baltic Journal of Real Estate Economics and Construction Management*, 4, 168-179, <https://doi:10.1515/bjreecm-2016-0013>.
79. Hsieh, H.F and Shannon, S.E. (2005). "Three Approaches to Qualitative Content Analysis", *Qualitative Health Research*, V15 (9), pp 1277-1288. <https://doi.org/10.1177%2F1049732305276687>.
80. Htin, K.M., and Shalaby, T. (1984). *New Approach to Housing Design in Muslim Cities*, (pp. 211-236); *Inside: Housing in the Islamic City*, Proceedings of a Symposium held in Ankara, Turkey, on 21-25.7.1984. Proceedings prepared by: Center of Planning and Architectural Studies, Cairo.
81. Inalcik, H. (1990). "Istanbul: An Islamic city", *Journal of Islamic Studies*, pp. 1-23
82. Khilat, F and Tariq, F. (2017). "Conceptual Framework of an Ideal Muslim Capital: Comparison between Early Muslim Capital of Baghdad and Islamabad", *Journal of Islamic thought and civilization*, V7 (1), 71-88.
83. Kim, I and Kuljis, J. (2010). "Applying Content Analysis to Web-based Content", *Journal of Computing and Information Technology - CIT* 18, 2010, 4, 369-375 [doi:10.2498/cit.1001924](https://doi.org/10.2498/cit.1001924).

121. Sobh, R., Belk, R.W. and Wilson, J.A.J. (2013). "Islamic Arab hospitality and multiculturalism Mark", *Theory*, 13 (4): 443-463, <https://doi.org/10.1177/1470593113499695>.
122. Smith, A. (1776). *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*. London: Methuen and Co., Ltd.
123. Stewart, D.J. (2001). "Middle East Urban Studies: Identity and Meaning", *Urban Geography*, 22:2,175-181, <https://doi.org/10.2747/0272-3638.22.2.175>.
124. Tawfik, A. (1996). Privacy as the basis of Architectural planning in Saudi Arabia. In S. Ozkan (Eds), *Faith and the Built Environment*, Comportments.
125. Torgersen, U. (1987). Housing: the wobbly pillar under the welfare state. In B. Turner, J. Kemeny & L. Lundqvist (Eds.), *Between State and Market: Housing in the Post-industrial Era*, Stockholm: Almqvist and Wiksell, pp. 116-126.
126. UN-HABITAT. (2002). *The Global Campaign on Urban Governance*. <http://www.unhabitat.org/governance>.
127. United Nations and UN-Habitat. (2008). *Housing the poor in Asian cities. Urbanization: The role poor play in urban development. Quick Guide for Policy Makers*.
128. United Nations. (1948). Article 25 of the Universal Declaration of Human Rights.
129. United Nations. (1976). *The 1976 Vancouver Declaration on Human Settlements*.
130. United Nations. (1996). *The Habitat Agenda*, adopted in Istanbul in 1996.
131. Wapner, S., Demick, J., Yamamoto, T., and Minami, H. (Eds). (2000). *Theoretical Perspectives in Environment-Behavior Research: Underlying Assumptions, Research Problems, and Methodology*. New York: Kluwer Academic/Plenum Publishers, 2000.
132. Ward, J.H. (2012). *Managing Data: Content Analysis Methodology*. Unpublished manuscript, University of North Carolina at Chapel Hill.
133. Westaway, M.S. (2006). "A longitudinal investigation of satisfaction with personal and environmental quality of life in an informal South African housing settlement, Doornkop, Soweto", *Habitat International*, 30: 175-189.
134. White, M.D and Marsh, E. E. (2006). *Content Analysis: A Flexible Methodology*. Graduate School of Library and Information Science. University of Illinois at Urbana-Champaign. <http://hdl.handle.net/2142/3670>.
135. Williams, T. (2007). *The city of sultan kala, merv, Turkmenistan Communities, neighborhoods and urban planning from the eighth to the thirteenth century*. Cited in "cities in the pre-modern Islamic world: The urban impact of religion, state and society" by Amira K. Bennison and Alison L. Gascoigne (Eds). Routledge.
136. Yarwood, J. (2011). *Urban Planning in the Middle East: Case Studies*. Cambridge Scholars Publishing.
137. Yukawa, T. (Ed). (1989). *Urbanism in Islam. The Proceedings of the International Conference on Urbanism in Islam (ICUIT)*, Oct. 22-28, 1989 (Tokyo, 1989). <http://www.medinanet.org/home/10-housing/178-housing-lessons-from-the-life-of-prophet-muham-mad-pbuh-the-subject-of-p>.
104. Othman, Z., Aird, R., and Buys, L. (2015). "Privacy, modesty, hospitality, and the design of Muslim homes: A literature review", *Frontiers of Architectural Research*, 4(1):12-23. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2014.12.001>.
105. Othman, Z., Buys, L., and Aird, R. (2014). "Observing privacy, modesty and hospitality in the home domain: three case studies of Muslim homes in Brisbane", *Australia Int. J. of Archit. Res.*, 8 (3): 266-283.
106. Petruccioli, A. (2008). *House and Fabric in the Islamic Mediterranean City*. Cited in "The City in the Islamic World", Volume 1, Salma K. Jayyusi Renata Holod, Attilio Petruccioli and André Raymond (editors). LEIDEN. BOSTON.
107. Prasad, B.D. (2008). *Content Analysis: A method in Social Science Research*. Cited in *Research methods for Social Work* edited by Lal Das, D.K and Bhaskaran, V. New Delhi: Rawat, pp.173-193.
108. Rahim, A.A. (2008). *Housing from the Islamic Perspective*. Selangor: IJUM Press.
109. Rapoport, A. (1969). *House Form and Culture*. Eaglewood Cliffs, N.J, U.S.A: Prentice-Hall, Inc.
110. Razalia, N.H.M, and Talibb, A. (2013). "Aspects of Privacy in Muslim Malay Traditional Dwelling Interiors in Melaka", *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 105. 644-654. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2013.11.067>.
111. Ricardo, D. (1817). *On the Principles of Political Economy and Taxation*. London: John Murray, Albemarle Street.
112. Right to the City Alliance. (2010). *We Call These Projects Home Solving the Housing Crisis from the Ground Up. A Right to the City Alliance Report On public housing*.
113. Saoud, R. (2002). *Introduction to Islamic city. Foundation for science technology and civilization*.
114. Saqqaf, Y.A. (Ed). (1987). *The Middle East City: Ancient Traditions Confront a Modern World*. New York.
115. Sato, T. (2014). *Islamic Urbanism: Political Power and Social Networks*. Routledge.
116. Serageldin, I., and el-Sadek, S. (Eds). (1982). *The Arab City: Its Character and Islamic Cultural Heritage*. Riyadh, 1982.
117. Serjeant, R. B.)Ed). (1980). *The Islamic City. Studies on Arabia and Yemen*. Paris, 1980.
118. Shabani, M.M., and et al., (2011). "Relation of cultural and social attributes in dwelling, responding to privacy in Iranian traditional house", *J. Soc. Sci. Humanit*, 6 (2):pp. 273-287.
119. Short, J.R (2006). *Urban theory; A Critical assessment*. Routledge, New York.
120. Shuaib, N. (2014). *Integrating Islamic Cultural Identity Preservation in the Urban Fabric of the United States*. A Thesis Submitted to the Faculty of Miami University In partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Architecture Department of Architecture and Interior Design.

امکان سنجی ارتقاء پیاده‌مداری با رویکرد سرزندگی در فضاهای شهری مطالعه موردی: طراحی خیابان امام خمینی (ره) سنندج*

صبا جهانگیر^۱، حمیدرضا صارمی^۲ (نویسنده مسئول)، حسین کلانتری خلیل آباد^۳

^۱ گروه معماری، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران
^۲ استادیار، گروه شهرسازی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
^۳ استاد، گروه معماری و منظر شهری، تهران، جهاد دانشگاهی، تهران، ایران
تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۳۰

چکیده

گسترش روزافزون شهر و ورود اتومبیل به عرصه فعالیت‌های شهری و دگرگونی ارتباطات اجتماعی، جذابیت خیابان‌ها و فضاهای پیاده را متأثر نمود و موجب تاکید بیش از حد بر حرکت سواره و حل مسائل مختلف آن، به عنوان اصلی‌ترین شرط رونق اقتصادی-اجتماعی شهر، توسط برنامه‌ریزان و مدیران شهری شد. شکل‌گیری بافت یک شهر ارتباط مستقیمی با شبکه معابر آن دارد؛ به طوری که نوع هر یک از این بافت‌ها متأثر از شکل‌گیری خیابان‌ها در داخل شهر است. جریان زندگی اجتماعی در پیاده‌راه از ویژگی‌های سرزندگی است. همان‌طور که حرکت عابر پیاده باعث افزایش سطح تعاملات اجتماعی می‌شود، افزایش کیفیت شاخص‌های سرزندگی در این هدف‌گذاری باعث ارتقاء پیاده‌مداری می‌شود. محور امام خمینی (ره) سنندج در بافت قدیمی شهر دارای پتانسیل پیاده‌راه است که در این پژوهش با هدف افزایش قابلیت پیاده‌مداری مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش توصیفی-تحلیلی و از نوع کاربردی است. مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی در آن صورت گرفته و ارزیابی حاصله به کمک پرسشنامه تکمیل شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد محور امام خمینی (ره) دارای بالاترین سطح منظر و عملکردی است و قابلیت پیاده‌مداری در این خیابان با رعایت اصولی چون تکمیل ساختاری فعالیت‌های اجتماعی، توجه به عناصر کالبدی، عمومی نمودن فضای خانه کرد به عنوان پارک شهری، ساماندهی و بهسازی منطقی پیاده‌روها و جداره خیابان، ایجاد فضاهای جمعی مانند کافه و رستوران باعث اثبات فرضیه‌های افزایش سرزندگی در این خیابان می‌شود که تا حال حاضر با توجه به تجزیه و تحلیل صورت گرفته نتوانسته نقش کیفیت و سرزندگی را ایفا کند.

واژگان کلیدی: پیاده‌مداری، فضاهای شهری، سنندج، هویت، خیابان امام خمینی (ره).

* این مقاله از پایان‌نامه دکتری نگارنده اول با عنوان «تبیین اصول و معیارهای طراحی فضای شهری با رویکرد ارتقاء پیاده‌مداری، مورد پژوهی: خیابان امام خمینی (ره) سنندج» استخراج شده است.

** E-Mail: saremi@modares.ac.ir

بر اساس مطالعات انجمن برنامه‌ریزان شهری، جمعیت شهری در دنیا به طور پیش‌بینی نشده‌ای در حال افزایش است. طبق بررسی‌های این انجمن امروزه بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند (قربان‌پور، ۱۳۹۷: ۹). با شروع انقلاب صنعتی، اختراع اتومبیل و گسترش شهرها، به تدریج اولویت دادن به نقش عابر پیاده و فضاهای پیاده‌محور در شهرها و فضاهای شهری کم‌رنگ شده و از کیفیت فضایی عرصه‌های عمومی شهر، فضاهای باز شهری و پیاده‌راه‌ها کاسته شده است؛ عرصه‌هایی که خود به عنوان بستر و خاستگاه، نقش محوری در ارتقاء سطح تماس‌ها، ارتباطات و تعاملات اجتماعی بین شهروندان ایفا می‌کنند (عباس‌زاده و تمری، ۱۳۹۱: ۱).

در پی گسترش استفاده از وسایل نقلیه و افت کیفیت محیطی به‌خصوص در بافت مرکزی شهرها، تلاش برای بهبود شرایط زیست مردم و بازگرداندن فضاهای شهری به آنها از اهمیت بسزایی برخوردار شد. پیاده‌راه‌سازی نیز به عنوان یکی از سیاست‌های حرکت به سمت پیاده‌مدار نمودن شهرها از نیم قرن گذشته مورد توجه بسیاری از شهرهای جهان قرار گرفته است. با این وجود اجرای پیاده‌راه‌ها در شهرهای مختلف با نتایج متنوعی همراه بوده است؛ تا جایی که برخی پیاده‌راه‌ها با شکست مواجه شده و مجدداً به روی سواره‌ها باز شده‌اند (حبیبی، ۱۳۹۷: ۶). خیابان‌ها در طول دوره‌های مختلف تاریخی دارای عملکردهای متفاوتی بوده‌اند و همیشه استفاده از خیابان همراه با رقابت، تضاد و برخورد بوده است، گروه‌های مختلف در کنترل و استفاده از فضاهای خیابان‌ها بر یکدیگر سبقت گرفته‌اند که در غیاب هدفمندی در جهت کنترل این فضاها ضعیف‌ترین گروه‌ها که همان عابران پیاده هستند دچار صدمه می‌شوند (بحرینی، ۱۳۷۵: ۹۱). اگر با دید وسیع‌تری بنگریم خیابان به همه استفاده‌کنندگان و به کاربری‌های متنوع‌تر و بسیار بیشتر از حمل و نقل ماشینی تعلق دارد (معینی، ۱۳۹۲: ۴۷). رشد فزاینده جمعیت در نقاط شهری پیامدهای ناگوار اجتماعی - اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی برای شهرها به وجود آورده است. بنابراین شهرها باید مکان‌های بهتری را برای زندگی فراهم کنند (اکبرزاده مقدم لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱). با رشد شتابان هوشمند شدن شهرها، توجه به انسان که صاحب و مالک فضاهای شهری است کم‌رنگ شده است. شاید این شتاب و پیشرفت برای رفع نیازهای انسان در آینده و کمک به کاهش اتلاف وقت او باشد؛ اما متأسفانه آنچنان که ضرورت دارد به مهم‌ترین نیاز بشر یعنی نشاط و سرزندگی در فضای شهری توجهی نشده است (کریمی، ۱۳۹۶: ۸). خیابان به عنوان یکی از عناصر فضای شهری محسوب می‌شود، جایی که امکان مرآوده بین انسان‌ها، تفریح، گذاران اوقات فراغت، بازی، خرید، تجمع، پیاده‌روی، تردد، تبلیغات و ... را برای همگان فراهم می‌آورد. از

طرفی دیگر با توجه به اینکه نخستین حرکات بالقوه ذاتی هر انسان چند ماه پس از تولد، قدم برداشتن و به دنبال آن راه رفتن است (که شیوه آن از بدو پیدایش انسان تغییر نکرده و از ضرورت و عمومیت آن کاسته نشده)، لازم است مدیریت شهری در راستای تسهیل و راحتی عابر پیاده اقدام نماید. از آنجا که امکان آمد و شد آسان مردم در فضای عمومی، با ایجاد فضای مناسب حرکت به‌خصوص پیاده‌راه‌هایی میسر می‌شود که همراه با لذت، امنیت، راحتی، جذابیت محیطی، دسترسی، ایمنی آسان و ... باشد؛ عدم تحقق یا دسترسی به آن به دلیل موانع بی‌شمار بر سر راه عابر پیاده، شهرنشینی عصر حاضر را دچار چالش نموده است.

بافت مرکزی شهر سنندج به عنوان یکی از عوامل و مظاهر اصلی ارزش‌های تاریخی و فرهنگی و تجسم نمادها، نشانه‌ها و خاطره‌های هویت‌بخش برای تمام شهر و ساکنان آن است که از ویژگی‌های مهم آن تجمیع و تعامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده است که بر محوریت دسترسی پیاده و فضاهای عمومی پیاده محور درون آن شکل گرفته است. گسترش روزافزون شهر و ورود اتومبیل به عرصه فعالیت‌های شهری و دگرگونی ارتباطات اجتماعی، جذابیت خیابان‌ها و فضاهای پیاده را متأثر نمود و موجب تاکید بیش از حد به حرکت سواره و حل مسائل مختلف آن، به عنوان اصلی‌ترین شرط رونق اقتصادی-اجتماعی شهر، توسط برنامه‌ریزان و مدیران شهری شد. از این رو به تدریج دسترسی آسان پیاده و فضاهای برانگیزاننده تعامل اجتماعی در مرکز شهر کاهش یافت و خیابان در بافت مرکزی شهر سنندج به محور خودرو مدار تبدیل گردید و حرکات پیاده مدار در این محور دچار نقصان و ناکارآمدی شدید و تداخل محور سواره و پیاده شد.

پیاده‌راه خیابان فردوسی و انقلاب و امام خمینی و طالقانی در بافت مرکزی شهر سنندج با توجه به جایگاه آن به عنوان مهم‌ترین فضای تجاری - فرهنگی شهر و سهم بالایی استفاده‌کنندگان از این فضا در پژوهش حاضر مورد مطالعه قرار گرفته شده است.

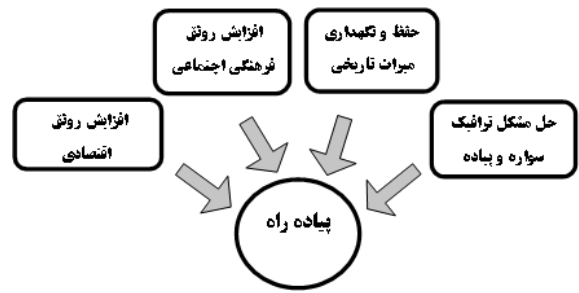
در این مقاله سعی شده است به سوالات زیر پاسخ داده شود:

- چگونه می‌توان به وسیله پیاده‌راه سرزندگی را ابقا نمود؟

- چه شاخص‌هایی را باید برای رسیدن به یک شهر سرزنده در نظر گرفت؟

- ارائه چه مولفه‌ها و الگوهای طراحی در زمینه پیاده‌روی با تاکید بر امکان‌سنجی ارتقاء پیاده‌مداری موثر است؟

- چگونه می‌توان با افزایش قابلیت پیاده‌مداری سطح کیفیت فضاهای شهری و زندگی را بالا برد؟



نمودار شماره ۱: مهم‌ترین اهداف در ایجاد پیاده‌راه؛
ماخذ: صادقی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴

کیفیت محیط در بازآفرینی بافت قدیم شهر ایرانی اسلامی مبتنی است بر ابعاد هفت گانه مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، زیست محیطی، عملکردی فعالیتی، کالبدی فضایی و معنایی ادراکی که هر کدام دارای شاخص‌هایی هستند. البته سطح شاخص‌ها متناسب با ساحات و نیازهای هر ساحت به صورت عینی، ذهنی و معنوی خواهد بود (فلندریان و رفیعیان، ۱۳۹۷: ۵۶).

شکل‌گیری بافت یک شهر ارتباط مستقیم با شبکه معابر آن دارد؛ به طوری که نوع هر یک از این بافت‌ها متأثر از شکل‌گیری خیابان‌ها در داخل شهر است. آنچه از دیدگاه حمل و نقل و ترافیک در بافت‌های گوناگون اهمیت پیدا می‌کند، ویژگی‌های حرکت، دسترسی و کارایی سیستم‌های گوناگون حمل و نقل، ایمنی و هزینه‌های مرتبط با این سیستم‌هاست. نظام حمل و نقل و ترافیک به عنوان بخشی از فعالیت‌های شهری، بیان‌کننده پویایی و حیات یک مجموعه شهری است. بی‌شک بدون جابه‌جایی نمی‌توان شهری را زنده و پویا تصور نمود. در ساختار نظام‌مند یک شهر فعالیت‌های مختلف، نیاز به فضای خاص خود دارند و فعالیتی به بهترین نحو انجام می‌شود که فضای مناسب و مطابق با نوع فعالیت را داشته باشد. در مورد سیستم حمل و نقل این فضا چیزی نیست جز محیط سیستم که شبکه معابر نیز بخشی از آن است. گرچه تصادفات وسایل نقلیه باعث آسیب‌دوچرخه‌سواران و پیاده‌ها می‌گردد؛ ولی آسیب‌های دوچرخه‌سواران نسبتاً کم است. طراحی خوب محیط‌های شهری که جداکننده دوچرخه‌سواران و عابران از تردد ماشین‌هاست، باعث افزایش ایمنی دوچرخه‌سواران و عابران پیاده شده است. در مقایسه با ماشین‌ها که باعث جدایی افراد از یکدیگر می‌شود، دوچرخه‌سواری و پیاده‌روی و حمل و نقل عمومی باعث تعامل اجتماعی در خیابان‌ها می‌گردد. ترافیک جاده‌ای، جامعه را به دو نیم تقسیم می‌کند و دو طرف خیابان را از یکدیگر جدا ساخته و انزوای اجتماعی و کمبود تعامل اجتماعی را به دنبال دارد، امری که قویاً با ضعف سلامت در ارتباط است.

روش پژوهش

روش این تحقیق، تحلیلی-توصیفی است، در بخش نخست، کلیات عنوان شده، سپس به طرح مباحث نظری و ادبیات موضوع

تحقیق پرداخته شده و در آخر نمونه موردی از ابعاد بررسی شده است. پژوهش از نوع کتابخانه‌ای و کیفی است که بخش نظری با مطالعه کتب، اسناد، پایان‌نامه‌ها و مقالات متعدد و بخش کیفی که با استفاده از مشاهده میدانی به وسیله تنظیم پرسش‌نامه برای جمع‌آوری اطلاعات صورت گرفته است.

جامعه آماری پژوهش شامل افرادی است که در محدوده پیاده‌راه امام خمینی در شهر سنندج تردد دارند؛ ساکنان محل و کسبه‌ای که در محدوده پیاده‌راه مشغول فعالیت‌اند. با توجه به اینکه جامعه آماری را نمی‌توان به تعداد محدودی جمعیت یا افرادی نسبت داد که در یک محله، ناحیه و بخش سکونت دارند، جامعه آماری نامحدود است؛ زیرا عابران پیاده از مناطق مختلف شهر سنندج در این تحقیق قرار گرفته‌اند. برای نمونه‌گیری، از روش تصادفی ساده استفاده شده است. از آنجا که جامعه آماری نامحدود است، با توجه به روش نمونه‌گیری پیش‌آزمون تعداد نمونه ۲۷۰ نفر به دست آمده است. برای اطمینان بیشتر ۲۸۹ پرسش‌نامه توزیع شده است.

با توجه به این امر، تحقیق حاضر را می‌توان در زمره تحقیقات توسعه‌ای دانست؛ چراکه در پی ایجاد کیفیت و افزایش ایمنی فضاهای عمومی در بافت‌های تاریخی شهر با رویکرد انسان‌محوری از طریق برنامه‌ریزی و طراحی پیاده‌راه‌ها است.

- تحقیق‌ها بر اساس ماهیت داده‌ها به دو دسته کمی و کیفی تقسیم می‌شوند.

این تحقیق با توجه به ماهیتش نیازمند بهره‌گیری از هر دو روش تحقیق است؛ زیرا در سنجش‌های اجتماعی-اقتصادی و کالبدی، کیفیت محیطی نیازمند استفاده از روش‌های کیفی و در وزن‌دهی به آنها و مدل‌سازی نیازمند روش‌های کمی است.

- مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها

متدولوژی تحقیق مبتنی بر هفت بخش مطالعاتی و برداشت میدانی است که شامل: علل و عوامل موثر بر گسترش «جنبش پیاده‌گستری»، جایگاه‌یابی حرکات انسانی و پیاده‌مداری در روش‌های مداخله در بافت کهن، توفیق همگانی در بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن شهر، سوابق روشن اجرا در شهرهای کهن و حلقه مفقود امروز، امکان‌سنجی ایجاد محورهای پیاده‌شهری در بافت قدیم سنندج، شاخص‌سازی، پتانسیل‌سنجی محورها و پیاده‌سازی مدل در محیط GIS و SPSS، و سرانجام انتخاب محورهای مستعد پیاده‌روی است. روش این تحقیق طی مراحل ذیل انجام شده است: پرسش‌آغازی، تعیین هدف، مطالعات اکتشافی، طرح مسئله تحقیق، ساختن مدل مفهومی، نتیجه‌گیری و نهایتاً ارائه خروجی، که برنامه‌ریزی شامل شناسایی و تحلیل علل و عوامل موثر بر گسترش «جنبش پیاده‌گستری»، جایگاه‌یابی حرکات انسانی و پیاده‌مداری در روش‌های مداخله در بافت کهن، توفیق همگانی در بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن شهر و در

و فرصت‌ها به نقاط ضعف و تهدیدها و فراهم بودن شرایط برای تبدیل خیابان امام به پیاده‌راه است (حقی و همکاران، ۱۳۹۴).

موسوی پژوهشی را با عنوان «بررسی میزان تعامل فضاهای پیاده شهری با شهروندان با نگاهی به محله فهادان یزد: انجام داده است. نتیجه این پژوهش نشان داد که عدم رعایت مقیاس انسانی در طراحی ساختمان‌ها موجب گریز شهروندان از قرار گرفتن در فضاهای پیاده می‌گردد. به اعتقاد نگارنده، معماران و طراحان شهری می‌توانند به کمک یکدیگر با در نظر گرفتن تمهیداتی نظیر رواق و طاقگان، در جهت رعایت مقیاس انسانی در پیاده‌راه‌ها گام بردارند. (موسوی، ۱۳۹۲)

رضایی و دادگر در پژوهشی با عنوان «سطح‌بندی معابر بر اساس حجم جریان حرکت پیاده با استفاده از تحلیل‌های ساختار فضایی انجام داده‌اند. روش این پژوهش ارائه روش تحلیلی برای سطح‌بندی معابر از نظر حجم جریان حرکت پیاده بر اساس ساختار فضایی است. مهم‌ترین عوامل موثر بر حرکت پیاده در حوزه ساختار فضایی، شناسایی شده و هر یک مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نهایتاً سه شاخص پیکره‌بندی فضایی، کاربری و نفوذپذیری معابر در نظر گرفته شد و نتیجه کار انتخاب خیابان فجر به عنوان مناسب‌ترین نمونه حجم جریان حرکت پیاده بود. (رضایی و دادگر، ۱۳۹۶).

نهایت آنالیز سایت انتخابی و طراحی شهری آن در راستای ارتقاء کیفی محور و افزایش ایمنی است.

ادبیات و پیشینه موضوع

نخستین اقدام در جهت تفکیک حرکت سواره از پیاده در دنیا، در سال ۱۸۵۸ توسط شهرساز و معمار آمریکایی به نام فردریک لائو اولمستد صورت گرفت و حضور در طبیعت بکر و دیدن مناظر طبیعی را برای کاهش فشارهای روانی زندگی روزانه شهروندان مطرح کرد.

بررسی رشد شهرها در دهه‌های مختلف نشان می‌دهد که ترکیبی از تکنولوژی‌ها و رفتارهای فرهنگی - اجتماعی نوین از یک سو و شیفتگی برنامه‌ریزان در اتکا به حرکت سواره و پاسخ‌گویی به نیازهای برآمده از آن، از سوی دیگر، موجب فراموشی فضاها به ویژه حرکت پیاده در شهرها شده و سفرهای درون شهری را متعدد و طولانی نموده است (صرافی و محمدیان مصمم، ۱۳۹۱: ۱۱۱).

حقی و همکاران در پژوهشی را با عنوان امکان‌سنجی تبدیل خیابان‌های تجاری به پیاده‌راه‌ها در شهرهای کوچک (نمونه مطالعه: خیابان امام خمینی شهر گلپایگان) انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش که با استفاده از روش SWOT انجام شد، نشان داد شرایط خیابان مذکور در موقعیت تهاجمی قرار دارد که بیانگر برتری نقاط قوت

جدول شماره ۱: جمع‌بندی نظرات اندیشمندان و محققان شهرسازی

افراد	هدف	روش	معیارهای پیشنهادی
کوین لینچ، ۱۳۸۸	ارتقاء خوانایی و وضوح فضای شهری	کاربردی - توصیفی - تبیینی	ارتقاء کیفیت زندگی، سرزندگی، دسترسی، حضور، استفاده و فعالیت، انطباق، حس مکان، امنیت، مقیاس انسانی
J. Jacobs, 1961	افزایش سرزندگی و تنوع در فضای عمومی و کارایی شهر، توجه به جنبه‌های اجتماعی و عملکردی خیابان و پیاده‌روها	تحلیلی - تبیینی - کاربردی	تنوع فعالیتی، نظارت، سرزندگی پیاده‌روها، ترکیب متنوع ساختمان‌ها، اختلاط اجتماعی، انعطاف‌پذیری، فضای سبز، مبلمان شهری، انتظام خدمات حمل و نقل عمومی، نفوذپذیری (کوچکی بلوک‌ها)، حس مکان، امنیت، مقیاس انسانی، فضای عمومی، تعاملات اجتماعی
دانلد اپلبارد، ۱۳۸۲	تعریف محیط شهری مطلوب و ارائه اهداف برای افزایش قابلیت زندگی	تحلیلی - کاربردی	قابل زندگی بودن، ایمنی، سلامتی، دسترسی به تسهیلات و امکانات تفریحی، تنوع اجتماعی، اصالت و معنی، تامین آسایش عابران، اختصاص فضا به پیاده، محدود کردن حرکت سواره
دانلد اپلبارد و مارک لیتل، ۱۹۶۹	ارزیابی تأثیر آمد و شد بر زندگی مردم و واحدهای همسایگی	تطبیقی - کاربردی	افزایش تعاملات اجتماعی، حضور گروه‌های مختلف سنی، کاهش حرکت سواره
یان گل، ۱۳۸۷	تعریف انواع فعالیت‌ها در فضای عمومی و توجه به نقش خیابان در زندگی اجتماعی انسان	توصیفی - تبیینی	کیفیت محیط، تنوع اجتماعی، جذابیت، سرزندگی، آرام‌سازی، فضاهای همگانی، مبلمان شهری، امنیت، راحتی، لذت بردن، مطلوبیت، تعامل اجتماعی

مبانی نظری

اگر بپذیریم که بخش مهمی از برخوردهای اجتماعی و فرهنگی در فضاهای شهری اتفاق می‌افتد، در آن صورت نقش فضاهای پیاده در تقویت بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی شهر غیر قابل انکار می‌نماید. حرکت پیاده طبیعی‌ترین، قدیمی‌ترین و ضروری‌ترین شکل جابه‌جایی انسان در محیط است (قربانی و جام کسری، ۱۳۸۹: ۶۰). پیاده‌روی هنوز هم مهم‌ترین امکان برای

مشاهده مکان‌ها و فعالیت‌ها و احساس شور و تحرک زندگی و کشف ارزش‌ها و جاذبه‌های نهفته در محیط شهری به شمار می‌آید. لذا پیاده‌راه‌ها معابری با بالاترین حد نقش اجتماعی هستند که می‌توانند شور و زندگی را به شهر آورده، مردم را به حضور داوطلبانه در شهر تشویق کنند و در نتیجه، پایداری شهر را تضمین نمایند (اکبرزاده مقدم لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۶). زمانی سامانه حمل و نقل پایدار می‌گردد که به طور همه‌جانبه

می‌شود. نیاز انسان به پیاده‌روی در تمامی جنبه‌های جسمی و روحی تاثیرگذار بوده و جزئی از فعالیت‌های روزانه شهروندان به شمار می‌آید. اگر نیازهای پیاده در اکثر فضاهای شهری مورد توجه قرار گیرد باعث بوجود آمدن اندیشه‌های پیاده‌مداری در راستای سلامت جامعه می‌شود. (عباس‌زاده و تمری، ۱۳۹۱: ۱).

فضای شهری تنها یک مفهوم کالبدی نیست، بلکه کنش تعاملات شهروندی و فعالیت‌های شهری را نیز در برمی‌گیرد و در حقیقت با حضور انسان و فعالیت اوست که معنا می‌یابد. پیاده‌راه به عنوان یکی از فضاهای شهری نقش مهمی در ارتقاء فعالیت‌های اجتماعی-فرهنگی جامعه ایفا می‌کند. حرکت عابر پیاده در پیاده‌راه‌ها، به واسطه طراحی مناسب و شناخت مبتنی بر جنبه‌های منظرین شهر، موجب افزایش ادراک، ارتقاء هویت و احساس تعلق به محیط و زیبایی می‌شود (تشکری، ۱۳۹۷: ۷).

تا قبل از ورود مدرنیته به دنیای بشریت، شهرها به‌نسبت، فضاهای بهتری را برای زندگی فراهم می‌نمودند. یکی از این فضاها، پیاده‌راه‌های موجود در سطح شهر است که توسط خودروها مورد تهاجم قرار گرفتند و زندگی جمعی در آن کمرنگ شده و در مواردی رو به متروکی می‌رود و با وجود آگاهی مسئولان امر و اقدامات مقطعی و گاه مستمر صورت پذیرفته در راستای بهبود و بازآفرینی، هیچ‌یک، منجر به ایجاد رضایت‌مندی و احیای آن نشده است (نجارزاده، ۱۳۹۷: ۷).

کیفیت پیاده‌راه‌ها و تمایل مردم به پیاده‌روی که به عواملی چون حس ایمنی و امنیت، حضور دیگر شهروندان، دسترسی بصری و کالبدی، دید در شب، مقیاس و حس محصوریت، تنوع بصری، راحتی آمد و شد و جذابیت و مصفا بودن پیاده‌راه بستگی دارد. (Park et al., 2014) بر سلامت جسمانی شهروندان تأثیر قابل توجهی دارد. (Duncan et al., 2011). در زمینه دوچرخه‌سواری نیز امنیت (به‌ویژه برای کودکان و افراد مسن) نقش مهمی را ایفا می‌کند. (صادقی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲)

موضوع گسترش مسیرهای پیاده و دوچرخه به‌ویژه در مقیاس محله به طور خاص در بافت‌های تاریخی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در واقع تقویت پیاده‌مداری از اصول اساسی نوشهرگرایی است که در شهرهای ایرانی - اسلامی با ایجاد مسیرهای سرپوشیده با هدف آسایش اقلیمی برای عابر پیاده بر آن تاکید شده است. ویژگی دیگر پیاده‌مدار بودن، قرارگیری بیشتر کاربری‌ها در فاصله قابل دسترس و نزدیک از خانه و محل کار است که با تعریف مراکز محله فعال و مکان‌یابی مناسب کاربری‌های مورد نیاز در آن می‌توان این اصل را جامه عمل پوشاند. پیاده‌روی، مهم‌ترین امکان برای مشاهده مکان‌ها و فعالیت‌ها و احساس شور و تحرک زندگی و کشف ارزش‌ها و جاذبه‌های نهفته در محیط شهر است. این پدیده از نظر ادراک هویت فضایی، احساس تعلق به محیط و دریافت زیبایی از اهمیت اساسی برخوردار است

کلیه جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را مورد توجه قرار دهد. نیاز به سفر، متناسب با نیازهای همه قشرهای جامعه، استفاده از روش‌های حمل و نقل با کمترین اثرات سوء زیست‌محیطی و حداقل استفاده از منابع مالی و انسانی به عنوان جنبه‌های متفاوت یک سامانه حمل و نقل شهری پایدار مطرح گردیده‌اند (فیضی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۱).

در سال‌های اخیر پیاده‌مداری و افزایش قابلیت پیاده‌ها با توجه به مفهوم شهر پایدار، شهر فشرده، رشد هوشمند و ... از طرف بسیاری از برنامه‌ریزان شهری به عنوان یک فرم پایدار از شهر مورد پذیرش قرار گرفته است. بر اساس عقیده یان گل، فعالیت‌های پیاده در فضاهای عمومی را می‌توان در سه گروه جای داد: فعالیت‌های ضروری، فعالیت‌های انتخابی و فعالیت‌های اجتماعی (رمضانی و دادگر، ۱۳۹۶) که در ارائه شاخص‌های پیاده‌مداری همه این فعالیت‌ها در نظر گرفته می‌شود. توجه به پیاده‌مداری در راستای کاهش ازدحام خودرو و معمولا در مرکز شلوغ شهر صورت می‌گیرد و به مسائلی چون: فعالیت‌های تجاری، امنیت، تعادل اکولوژیک، سرزندگی و ... می‌پردازد. در عین حال مسائل محیطی و منطقه‌ای را هم که شامل فرهنگ و تاریخ است، در بر می‌گیرد. کاهش سرعت در مکان‌های مناسب، باعث افزایش کارایی محیط و سلامتی انسان می‌گردد. به طور کلی توجه به بحث پیاده شامل اصولی است که ریشه در تعریف مولفه‌های مربوط به آن دارد تا بتوان شاخص‌های مناسبی را با توجه به مطالعات و تحقیقات میدانی به دست آورد. طبق اطلاعات قبلی مولفه‌های عملکردی، محیطی و اقتصادی برای این پژوهش در نظر گرفته شده است.



نمودار شماره ۲: مؤلفه‌های پیاده‌مداری

پیاده‌مداری

در پی نزول کیفیت زندگی شهری در اروپا که در اواخر دهه پنجاه قرن بیستم شدت گرفت، توجه به مسئله حضور انسان و حرکت پیاده افزایش یافت. تفاهم بر سر اهمیت فضای پیاده در مقابل پیامدهای سرعت و ماشینیزم در فضای مدرن شهری، از ابتدای قرن بیستم و به موازات آن، تحول رویکردهای نظری در زمینه فضاهای مطلوب شهری، افکار عمومی را متوجه اصلاح و تعیبه کندراه‌های امن و قابل کنترل برای پیاده‌ها کرد (کلاتری خلیل آباد، ۱۳۹۵: ۴). تفکر مدرنیسم در ایران، توسعه خیابان‌های عریض و توجه به ماشین به جای انسان و به تبع آن مکان‌های نامناسب پیاده را به همراه داشته است. وجود فضاهای پیاده در عصر حاضر به‌ویژه در مکان‌های دارای هویت و قدمت شهرها باعث افزایش تعاملات اجتماعی شهروندان

(مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۷)؛ اما غفلت از ساماندهی و برنامه‌ریزی برای حرکت پیاده یکی از نقایص شهرسازی معاصر است که موجب از دست دادن کیفیت فضاهای شهری امروز شده است. فضاهای پیاده مدار، ترکیبی از فرم‌ها، فضاها و عملکردهای پر تنوعی هستند که در پیوند بسیار نزدیک با یکدیگر در خدمت تأمین دامنه وسیعی از نیازهای انسانی شهری، کل واحدی را در مرکز شهرها به وجود آورده و به آن هویت بخشیده‌اند. همچنین، یکی از راه‌های تجدید حیات مدنی مراکز شهری، محورهای پیاده هستند که نقش موثری در کشف و ادراک محیط کالبدی و اجتماعی شهر دارند و مظهر تمدن، هویت و مدنیت شهرند (اسداللهی، ۱۳۸۳: ۹).

امروزه بر کارکردهای عمومی و نقش پیاده‌راه به عنوان یک مکان گردهمایی روزانه و عاملی در جهت ایجاد سرزندگی اجتماعی به شدت تأکید می‌شود. فضای باز شهری همواره جایی است که یک فرد رفتار اجتماعی خود را تمرین و تجربه می‌کند. مکانی که برای پیاده در نظر گرفته شده وابستگی‌های اجتماعی را ایجاد می‌کند (کاشانی جو، ۱۳۹۳: ۱۸۰).

ویژگی‌های عابر پیاده (انسان)

اهداف راهبردی برنامه‌ریزی و طراحی پیاده به پنج گروه تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: بهبود مدیریت ترافیک، بهبود سیمای کالبدی شهر، بهسازی محیط زیست شهری، بهبود وضع خرید و خدمات، تقویت زندگی اجتماعی و فرهنگی. همچنین ساماندهی حرکت پیاده به عنوان جزئی از کل نظام حرکت و شبکه ارتباطی در شهر تابع بسیاری از عوامل اقلیمی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی است (کاشانی جو، ۱۳۹۳: ۳۸). وجه غالب در نگرش‌های پیاده محور، توجه به انسان به عنوان استفاده کننده اصلی از شهر است.

دو ویژگی انعطاف پذیری و خود تنظیمی سریع باعث تمایز حرکت پیاده از سایر انواع تردها می‌شود. قابلیت انعطاف پذیری پیاده این امکان را می‌دهد تا به دلخواه، خود را با شرایط مختلف طبیعی وفق دهد (معینسی، ۱۳۹۲: ۲۳). او راه خود را به راحتی در ناهموارترین اراضی پیدا می‌کند و به فضای کمی نیاز دارد و خود را با شرایط جوی مختلف تطبیق می‌دهد. طی هزاران سال، سازگار بودن عابر پیاده از لحاظ زیست محیطی، ثابت شده است. از سوی دیگر، نیازمندی بدن انسان به انرژی، به مقدار زیادی مانع از اتلاف بیهوده آن می‌گردد. به همین جهت با نگاهی کلی، می‌توان ساختارهای مناسب را که بشر برای کشاورزی، سکونتگاه‌ها و دفع زباله در نظام‌های اجتماعی گوناگون و با شرایط فرهنگی متفاوت به وجود آورده، دید. ساختارهایی که تا قرن نوزدهم جزء امتیازات او محسوب می‌شد. حتی امروزه، پیدایش روش‌های بسیار متفاوت تهیه خوراک، اشکال گوناگون زندگی، دستاوردهای فرهنگی و ویژگی‌های متفاوت ارزشمند انسانی، مدیون عابر پیاده و قابلیت انطباق اوست.

سرزندگی در پیاده‌راه

یکی از ابعاد مهم جابه‌جایی عابر پیاده، تعاملات اجتماعی فرهنگی شهروندان در شهر است و تأثیری که بر سرزنده بودن شهر و محیط همسایگی دارد (معینسی، ۱۳۹۲: ۳۶). در پیاده‌راه‌ها همواره باید زندگی اجتماعی در جریان باشد و سرزندگی از ویژگی‌های اساسی و اصلی آن است. دو کیفیت مهم که منجر به سرزندگی پیاده‌راه‌ها می‌شود تنوع و نفوذپذیری این فضاهاست. یکی از سیاست‌های رسیدن به تنوع در طول مسیر با توجه به اینکه مسیر پیاده مختص حرکت عابر پیاده طراحی می‌شود، نماد و نشانه‌های شهری است که یا برگرفته از کالبد موجود بوده یا بر اساس شرایط موجود و ارزش‌های بافت طراحی می‌شود، که به خوانایی مسیر می‌افزاید و آن را به نماد تبدیل می‌کند. از دیگر عواملی که به سرزندگی و تنوع پیاده‌راه‌ها می‌انجامد ایجاد کاربری‌های متنوع و متناسب با هر بخش پیاده‌راه، استقرار کاربری‌های خدماتی (که تداوم حضور شهروند را در پی دارد)، همچنین استقرار کاربری‌های اوقات فراغت، تنوع مبلمان در طول مسیر و هماهنگی روشنایی مسیر بدنه‌ها و تأکید روشنایی بر بناها و عناصر شاخص است (یدی همدانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۹). کارشناسان بر این عقیده‌اند که در فضاهای سرزنده یک شهر تنوع و حق انتخاب برای افراد پیاده فراهم می‌باشد.

ویژگی‌های جریان حرکت پیاده

بر اساس آمار منتشره در ایران، بین ۳۰ تا ۴۵ درصد سفرهای درون شهری به صورت پیاده صورت می‌گیرد (معینسی، ۱۳۹۲: ۸۳). در برابر ویژگی‌هایی که به حرکت پیاده پاسخ می‌دهند، مازلو از سلسله مراتب نیاز اساسی انسان در فضای شهری سخن گفته است که در یک ارتباط دو سویه، این حرکت پیاده است که قادر به پاسخ‌گویی به آنهاست. این نیازها عبارت‌اند از:

- نیازهای فیزیولوژیکی برای تعادل گرما و راحتی؛
- نیازهای امنیت و آسایشی برای احساس ایمنی نسبت به آسیب‌ها؛
- نیازهای وابستگی برای متعلق بودن به یک جمع؛
- نیاز به خودشکوفایی برای ارائه نظر و قدرت تصمیم‌گیری؛

(گل، ۱۳۸۷: ۳۱).

نیازهای اصلی عابران پیاده را به لحاظ روانی (معنوی) می‌توان در پنج عامل زیر خلاصه نمود:

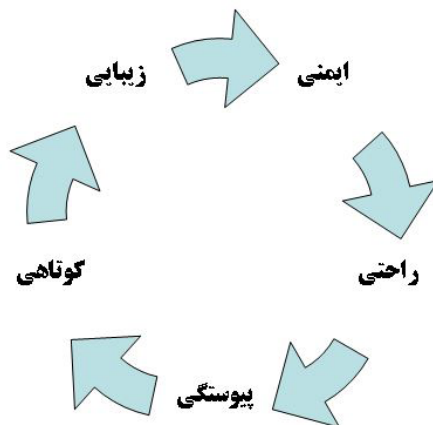
- پیوستگی: عابران پیاده به لحاظ روانی بیشتر به شبکه‌های پیوسته تمایل دارند که همه مبدأها را به مقصدها، بدون وقفه و بریدگی، ارتباط دهد.

- کوتاهی: پیاده‌ها نسبت به فاصله‌ها حساس‌تر بوده و عموماً مسیرهای کوتاه را انتخاب می‌کنند؛ اما اگر مسیرها جذاب باشند، سفرهای پیاده طولانی‌تری صورت می‌گیرد.

- زیبایی و امنیت: پیاده‌ها در جاهای خلوت، خود را کاملاً بدون دفاع حس می‌کنند و به مسیرهایی نیاز دارند که در آنها احساس امنیت کنند.

-ایمنی: به دلیل حساسیت پیاده‌ها لازم است ایمنی در تمامی مسیر فراهم گردد.

-راحتی: مسیر راحت، مشوق پیاده‌روی است (کاشانی جو، ۱۳۸۵: ۳۴)



نمودار شماره ۳: نیازهای پیاده‌مداری
ماخذ: کاشانی جو، ۱۳۸۵: ۳۴

در این راستا با بررسی مفاهیم و مبانی نظری در ارتباط با موضوع مورد مطالعه، پژوهش به سمت تعیین یک چارچوب نظری منسجم هدایت می‌شود. بر اساس مطالعات، مولفه‌های شاخص در سازماندهی فضا که می‌تواند به سرزندگی پیاده‌راه منجر شود، شامل: فعالیت، فرم و معنا هستند که در صورت انطباق این مولفه‌ها می‌توان حس سرزندگی و احترام به فضا را افزایش داد تا الگوهای رفتاری مثبت تقویت شود و سطح کارایی فضا نیز افزایش یابد. با مقایسه‌ای که بین نتایج حاصل از مفاهیم نظری و موارد عملی صورت گرفت، می‌توان چارچوب پژوهش را بر مبنای فرم و فعالیت اجتماعی دسته‌بندی کرد و به بررسی دلایل انجام رفتارهای مناسب و نامناسب در فضا پرداخت.

معرفی شهر

وسعت شهرها و فاصله میان مراکز مختلف آنها در شهرهای قدیمی چنان بود که شهروندان با پای پیاده از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌رفتند و از آنجا که تنها وسیله جابه‌جایی افراد و کالاها چارپایان بودند به دلیل سرعت و نحوه حرکت آنها الزاماً نیازی به متمایز بودن راه‌ها و فضاهای ارتباطی پیاده و سواره از یکدیگر احساس نمی‌شد. این گونه الگوی حرکت در شهر نه تنها پیوندی تعاملی، حسی و ذوقی میان شهر و شهروندان برقرار می‌کرد، بلکه به راه‌ها و معابر شهری، خصلتی اجتماعی و فرهنگی نیز می‌بخشید (کاشانی جو، ۱۳۹۳: ۳۴). امروزه در سرتاسر دنیا مراکز شهری سواره محور، به سیستم پیاده‌راه‌ها تبدیل شده‌اند. در واقع زندگی در فضاهای عمومی چه نزدیک و چه دور از فعالیت‌های تجاری، به طور برجسته‌ای افزایش یافته است و زندگی شهری کاملاً تفریحی و اجتماعی رشد یافته است (نادری و ابراهیم، ۱۳۹۴: ۵۰).

بافت تاریخی سنندج در دوره صفویه، زمان حکومت شاه صفی (۱۰۴۶ه.ق) بنا نهاده شد و در دوران صفویه، زندیه، قاجار و پهلوی پیشرفت کرد. سبک و ساختار شهر به فرهنگ، و آداب و رسوم مردم بستگی داشت که یک قسمت مربوط به جو حاکم بر کشور و قسمتی مربوط به اقلیم، فرهنگ و توانایی مالی منطقه می‌شد. بر همین اساس فضاها درونگرا و در عین حال نمای بناها دارای تزئینات بوده‌اند و هر شخصی بنا بر توانایی مالی، سردرهای باشکوه برای خانه خود اجرا کرده است (بهمنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۸-۵۹). شهر سنندج بافت کوهستانی داشته و شریان‌ها دارای تراکم مناسب برای اقلیم سرد بوده‌اند که در دوران پهلوی اول این بافت دستخوش اصلاحات صنعتی قرار گرفت.

جدول شماره ۲: ویژگی‌های جریان حرکت پیاده

ویژگی‌ها	توضیحات
سطح کمتر مورد نیاز	فضا عنصری است که قابلیت افزایش پیدا کردن ندارد. از این رو مشارکت کنندگان تردد آهسته در بهره‌برداری از فضا، برتری بیشتری نسبت به شرکت کنندگان سریع‌السیر دارند.
سرعت کم	سرعت حرکت پیاده غالباً بین ۲ تا ۷ کیلومتر در ساعت یا بین ۰/۶ تا ۲ متر بر ثانیه است و باید به محدوده سرعت برای عابر پیاده که بین صفر تا ۳۶ کیلومتر در ساعت است، توجه شود.
میزان قابلیت صعود	هیچ وسیله نقلیه شخصی در خشکی دارای چنین قابلیت صعود بالایی به مانند عابر پیاده نیست.
تأمین انرژی از سیستم زیست محیطی	منابع انرژی محدودی که انسان نیاز دارد برای حرکت مصرف کند، خود تنظیمی موثری را پدید می‌آورد. رفت و آمد دائمی و پیوسته برای عابر پیاده فقط به طور محدود امکان‌پذیر است. از این رو محل‌های کار باید تابع محل سکونت آنها باشد و تحقق این امر نیاز به انعطاف‌پذیری زیادی دارد.
میزان ایمنی تردد	ایجاد جریان اطلاع‌رسانی هماهنگ با سرعت عابر پیاده، بیشترین میزان ایمنی تردد را تضمین می‌کند. در این نوع تردد کنترل اجتماعی رفتارها، رشد زیادی کرده است. در رفت و آمد منظم و از پیش تعیین شده عابر پیاده، احساس ناامنی بسیار به‌ندرت به‌وجود می‌آید.
شدت صوتی کمتر (آلودگی صوتی کمتر)	مزاحمت صوتی ایجاد شده توسط عابر پیاده معمولاً قابل صرف نظر است و در مواردی که نتوان آن را نادیده گرفت، شدت سروصدای ایجاد شده، پایین‌تر از حد شدت صوتی اتومبیل قرار دارد.
آلودگی زیست محیطی	عابر پیاده در عمل گازهای سمی تولید نمی‌کند. نابودی جنگل‌ها نیز ناشی از دود و گاز عابر پیاده نیست و نخواهد بود. تهدید بنیادی اکولوژیکی توسط عابر پیاده اتفاق نمی‌افتد.
سازگاری با مناظر	مسیر عابر پیاده را می‌توان به نحوی مطلوب با محیط و مناظر اطراف وفق داد. سطح مورد نیاز برای حرکت عابر پیاده زیاد نیست.



تصویر شماره ۱: ازدحام ترافیک در هسته مرکزی شهر
 ماخذ: URL1

خبرگزاری مهر در تاریخ ۱۶ دی ماه ۱۳۹۲ اذعان کرد: ریشه مشکلات ترافیکی سنندج عابران پیاده هستند. جانشین پلیس راهور شهرستان سنندج اظهار داشت: ریشه مشکلات ترافیکی سطح شهر سنندج عابران پیاده هستند که به دلیل نامناسب بودن وضعیت پیاده‌روها در خیابان‌ها تردد می‌کنند. (URL2)

ازدحام ماشین در ساعات پایانی روز باعث آلودگی صوتی، آلودگی هوا و دیگر مشکلات فرهنگی و اجتماعی است. سد معبر که علاوه بر حضور دست‌فروشان به دلیل تجمع مراکز اداری، تجاری و بهداشتی ایجاد شده، باعث تردد کنترل‌نشده‌ای در این قسمت می‌شود. ریتم نامناسب جداره‌ها و تأسیسات ناموزون و سایر کاربری‌های مزاحم در این منطقه وجود دارند که همگی از جمله مشکلات ترافیکی به حساب می‌آیند.

محور خیابان امام خمینی (ره) از اصلی‌ترین محورهای شهر سنندج به شمار می‌آید که قرارگیری بازار شهر سنندج و کاربری‌های متفاوت در آن اهمیت محور را دوچندان کرده است. میزان تعاملات اجتماعی به‌ویژه در روزهای غیر تعطیل، به دلیل تجاری بودن خیابان امام خمینی، بسیار بالاست. در روزهای تعطیل نیز حضور دست‌فروشان تا حدودی موجب حفظ پویایی و رابطه میان مردم و فضا می‌شود، هرچند که در ساعات شب این ارتباط تقریباً کاملاً قطع می‌شود. غلبه سابقه سکونت بیش از ۳۰ سال بخش عمده‌ای از ساکنان و شاغلان، یکی از نقاط قوت این محدوده به شمار می‌آید (حبیبی، ۱۳۸۵: ۹)؛ اما با توجه به شرایط موجود، این تهدید وجود دارد که ساکنان کنونی محله از محل سکونت خود مهاجرت نمایند. میزان تعاملات اجتماعی به‌ویژه در روزهای غیر تعطیل، به دلیل تجاری بودن خیابان امام خمینی بسیار بالاست. در روزهای تعطیل نیز این تعاملات هر چند تا حدی کاهش می‌یابد، اما همچنان برقرار است. وجود دست‌فروشان و پاتوق‌های گروهی هم باعث افزایش تعاملات شده است. این محور دارای عملکردهای تفریحی، گردشگری، تجاری و فرهنگی است که از لحاظ طراحی شهری و معماری بسیار حائز اهمیت است.



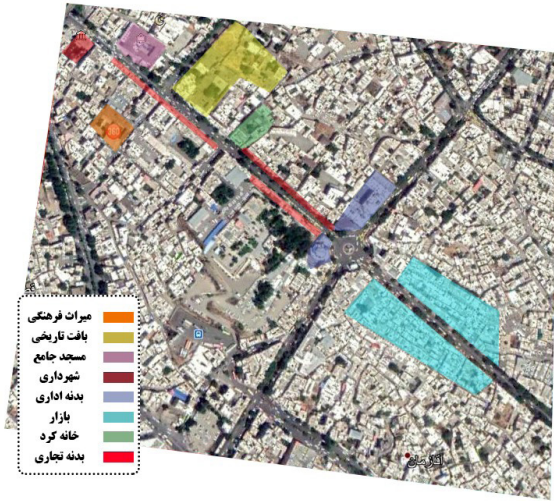
نمودار شماره ۴: تأثیر اقلیم سرد بر میزان فشردگی، تراکم بافت و حد قلمرو
 ماخذ: نقره کار، ۱۳۸۹

سنندج

سنندج به کردی سنه یا کورسان نامیده می‌شود، بعد از کرمانشاه دومین شهر بزرگ کردنشین و بیست و سومین شهر بزرگ ایران، مرکز استان کردستان در غرب ایران است. سنندج به لحاظ موقعیت جغرافیایی و فعالیت‌های شهرسازی عصر صفوی و قاجار، از بافت شهری سنتی با ارزشی برخوردار است. این شهر در هسته مرکزی خود با معضل ترافیک دست و پنجه نرم می‌کند و خیابان‌های سنتی آن توان و کشش خودروهای دهه ۹۰ را ندارند. این خیابان‌های سنتی و با صفا که زمانی در دهه‌های گذشته معبری مناسب برای عبور و مرور کالسکه و تعدادی خودروی محدود بود، اکنون با همان اندازه، پذیرای حجم سنگینی از خودروهای عبوری است که توان و کشش آن را ندارد.

خیابان‌های هسته مرکزی شهر نظیر فردوسی، امام خمینی، انقلاب، طالقانی، صلاح‌الدین ایوبی، شهدا و ... هم اکنون زیر بار ترافیکی بسیار سنگینی در طول روز قرار گرفته‌اند؛ در حالی که همین خیابان‌ها در دهه‌های قبل با چنین نیتی احداث نشده‌اند و اکنون به عنوان گره ترافیکی شهری محسوب می‌شوند. سوق دادن مردم به سمت استفاده از ناوگان حمل‌ونقل عمومی، دوچرخه و پیاده‌روی در شهر می‌تواند از راهکارهای پیشنهادی برای کاهش معضل ترافیک شهری در سنندج باشد. سنندج که اکنون خیابان‌هایی با معماری دهه ۴۰ و ترافیکی به وسعت دهه ۹۰ دارد، نیازمند مدیریت صحیح و هوشمند است تا معضل ترافیک به بزرگ‌ترین دغدغه مردم تبدیل نشود. (URL1)

این معضل ناشی از عرض کم معابر، تمرکز فعالیت‌های تجاری در قلب شهر، ضعف سیستم حمل و نقل عمومی، افزایش جمعیت، عدم تمرکز زدایی، تردد خودروهای تک سرنشین در ساعات اوج ترافیک و استقرار بازار شهر در محدوده اطراف میدان انقلاب است. ترافیک سرسام‌آور شهر با توجه به اینکه شهر بسیار بزرگی هم نیست، بارها و بارها توسط رسانه‌ها و تعدادی از مسئولان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است و هرکدام انتقادی به این موضوع وارد کرده‌اند. هسته اصلی ترافیک در مرکز شهر و قلب شهر سنندج است که با افزایش تعداد وسایل نقلیه شخصی و تاکسی‌های بی‌مسافر در این قسمت مواجه است و عرض کم معابر و تعرض دست‌فروشان و مغازه‌ها و مراکز فروش به حریم پیاده‌روها و در نتیجه عدم رعایت حریم پیاده‌روها و روی آوردن عابران پیاده به خیابان و محل عبور و مرور خودروها یکی دیگر از این مشکلات است.

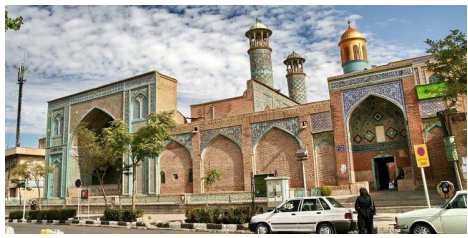

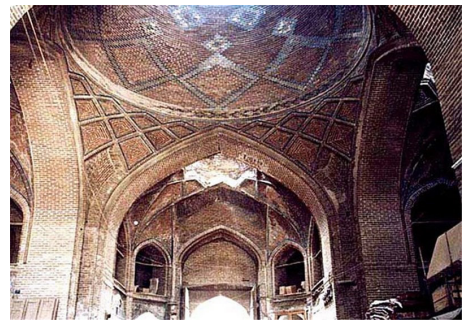



نقشه شماره ۲: بناها و بدنه های مهم در محدوده مورد مطالعه
ماخذ: نگارنده



تصویر شماره ۲: موقعیت قرارگیری استان کردستان
ماخذ: نگارنده

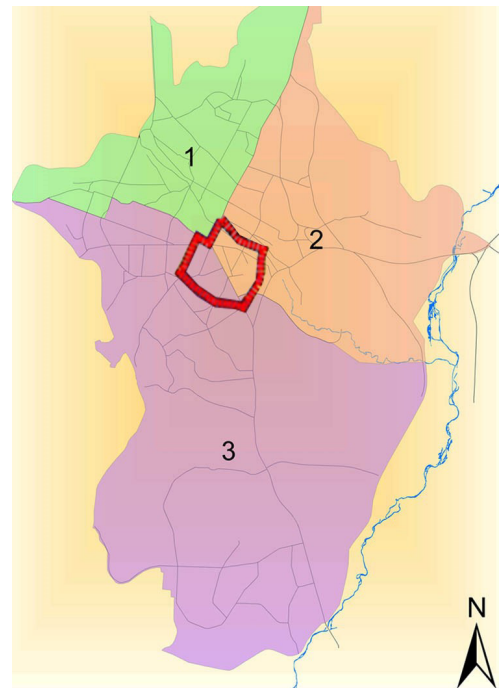
جدول شماره ۳: معرفی تصویری پاره ای از بناها و بدنه های دارای ارزش تاریخی

تصویر	معرفی
	مسجد جامع
	خانه کرد
	بازار
	بناهای قدیمی

ماخذ: نگارنده



تصویر شماره ۳: موقعیت شهرستان سنندج در استان کردستان
ماخذ: نگارنده.



نقشه شماره ۱: جایگاه محدوده مورد مطالعه در شهر سنندج
ماخذ: نگارنده

خیابان امام خمینی

خیابان امام خمینی یکی دیگر از خیابان‌های صلیبی متصل به میدان انقلاب است که در سمت مقابل خیابان انقلاب، بخش مرکزی شهر سنندج را از طریق خیابان استانداری به میدان پادگان و کمربندی غربی شهر متصل می‌کند. این خیابان پذیرای کاربری‌های تجاری از قبیل فروش طلا و جواهر، فروش موبایل، موسسات اعتباری و بانک‌ها، فروش کیف و کفش و اغذیه‌فروشی است. دو بنای تاریخی مسجد جامع و عمارت آصف در مجاورت این خیابان قرار دارند. عرض این خیابان ۲۴ متر بوده و طول آن ۵۶۶ متر است، البته این خیابان توسط تقاطع خیابان شهدا به دو قسمت تقسیم شده و

یک قسمت آن از سه راه شهدا تا میدان انقلاب ۳۶۰ متر و دارای محدودیت ترافیکی در ۵۰ درصد مسیر و خط مخصوص تاکسی و مسیر کلاً یک طرفه است و قسمت دیگر آن دو طرفه است (حبیبی، ۱۳۸۵: ۱۰).

تحلیل ویژگی‌های محدوده هسته مرکزی شهر سنندج با استفاده از تکنیک SWOT

در این بخش از مطالعه، تکنیک SWOT به عنوان ابزار استراتژیک و آنالیز یافته‌های مطالعات معرفی و به کار گرفته شده است. در این تکنیک از فرصت‌ها و نقاط قوت در مقابل تهدیدها و نقاط ضعف، برای تحلیل عوامل بررسی شده و دستیابی به راهکارها، حداکثر بهره گرفته شده است.



تصویر شماره ۴. مسیرهای اصلی و فرعی و محلی سایت مورد پژوهش
ماخذ: نگارنده

جدول شماره ۴: ویژگی‌های کالبدی فضایی خیابان امام خمینی (ره)

زمینه‌ها	عوامل درونی		عوامل بیرونی	
	نقاط قوت	نقاط ضعف	فرصت‌ها	تهدیدها
کالبدی - فضایی	حضور عناصر شاخص کالبدی شهر (مانند مسجد جامع و بازار شهر سنندج) که در هویت-بخشی کالبدی محدوده موثر خواهد بود. وجود ابنیه یادمانی و خاطره‌ای دارای معماری با ارزش و بومی و گذرهای قدیمی در محدوده تاریخی محلات سرپوله و آغازمان که امکان پیوند و تداوم هویت کالبدی بافت مزبور را با الگوبرداری از آنها در طراحی بدنه محور ایجاد می‌کند.	فرسودگی کالبدی بافت مسکونی کیفیت پایین ساخت در محدوده عدم انسجام ساختار فضایی و گسستگی بافت محدوده ریزدانه‌گی بخش‌هایی از محدوده بافت قدیمی وضعیت نامناسب بدنه‌ها و جداره‌های اصلی پر بودن بافت و نبودن اراضی آزاد و بایر در بخش‌های عمده‌ای از بافت عدم کنترل ضوابط و قانونمندی‌ها ضعف قوانین در حفاظت از محیط زیست	امکان تعریف پروژه و تجمیع نوسازی محدوده‌های دارای بافت ریزدانه امکان مرمت ابنیه با ارزش میراثی و ایجاد محدوده گردشگری در بافت تاریخی مرکز شهر سنندج استحکام بخشی به ساختار کلان شهر و تقویت هویت کالبدی آن امکان بهره‌گیری از قطعات میان‌دانه و بزرگ‌دانه به عنوان نطفه‌های محرک توسعه در قسمت‌هایی از محلات بافت مرکزی شهر سنندج	تنزل کیفیت کالبدی به علت عدم سرمایه‌گذاری دولت و عدم ارائه خدمات مناسب شهری در کل محدوده آسیب‌پذیری بالای اغلب قطعات در برابر بلایای طبیعی مانند زلزله به دلیل فرسودگی شدید کالبدی عدم توجه ساخت و سازهای جدید به الگوهای سنتی و ایجاد اغتشاش در سازمان کالبدی در محدوده‌ای مانند ساختمان حسینیه در جوار بنای مسجد جامع شهر سنندج تشدید فرسودگی کالبدی در اکثر بخش‌های محدوده در صورت بی‌توجهی به آن نوسازی محدوده در قالب بازسازی قطعات ریزدانه با تراکم ساختمانی بالا

ماخذ: نگارنده

جداره

جداره خیابان یکی از مسائلی است که مورد بررسی قرار گرفته است؛ لذا عکس‌ها در این بخش از تحلیل از جداره خیابان تهیه شده‌اند. تصویر زیر که توسط نگارنده گرفته شده جداره خیابان را معرفی می‌کند.



تصویر شماره ۵: جداره‌ها و ظرفیت تردد پیاده در خیابان امام خمینی (ره)
ماخذ: نگارنده

جدول شماره ۵: جدول تحلیل ویژگی‌های منظر برای محور امام خمینی (ره)

عناصر خرد منظر	تحلیل ویژگی‌های منظر با تأکید بر کیفیات خاص			
	ارکان افقی	ارکان عمودی		
نما	ارکان افقی	در بخش‌هایی از جداره متعلق به دوران قاجار و پهلوی اول می‌توان به بازخوانی ارکان افقی پرداخت		
		عدم امکان بازخوانی ارکان افقی در طول جداره خیابان - با این وجود در بخش‌هایی از جداره متعلق به دوران قاجار و پهلوی اول می‌توان به بازخوانی ارکان افقی پرداخت		
	ارکان عمودی	نظم روزنه‌ها	اغتشاش بسیار در بازشوها و استفاده از گونه‌های ناهماهنگ - تنها در قسمت‌های قدیمی تر نما می‌توان هماهنگی را بین بازشوها دید	
		سطح همکف	بیشترین مساحت بدنه خیابان را کاربری تجاری و نیز اداری تشکیل می‌دهد	
		الحاقتات به نما	بسیار زیاد اعم از تابلوها - انواع پلاکاردها و بخشی از کالاهای قابل عرضه و نمایش در فضای خیابان	
		عناصر گرافیکی - تابلوها	یکی از مهم‌ترین عوامل اغتشاش وجود تابلوها در اندازه‌های مختلف عملکرد و نمایش بر فراز واحدهای تجاری - موازی با جداره یا عمود بر آن است که بدون هیچ ساماندهی یا هماهنگی در کنار یکدیگر قرار گرفته و درصد بسیار زیادی از مساحت نمای جداره را اشغال نموده‌اند.	
		اجزا	جنس غالب نماها	جداره‌های دارای ارزش قدیمی آجری و جداره‌های نوسازی که از بافت قدیم الگو گرفته‌اند (نزدیک به بنای آصف) نیز آجری و بقیه از مصالح متفاوتی اعم از آلبوئاند، نمای سنگ و سیمان استفاده نموده‌اند.
			کاربرد رنگ	به صورت تصادفی برخی از نماها از رنگ غالب قرمز استفاده نموده‌اند.
		خط آسمان	سبک غالب معماری	التقاطی
			بام - نمای پنجم	-
جداره‌های فرعی	-			
خط آسمان	خط آسمان از پیش طراحی شده‌ای ندارد، لذا با نوسازی‌های صورت گرفته شکست‌های بی‌در پی در نما ایجاد شده که از انسجام و یکپارچگی جداره می‌کاهد.			
ارزش‌های پیاده‌رو	میزان محصوریت	محصوریت مطلوب		
	وضعیت فضاهای باز شهری	فاقد فضای باز شهری و فضای مکث و توقف		
	بناهای مهم / گره‌ها	عمارت آصف، موزه سنندج، پاساژها و واحدهای تجاری، امامزاده پیر عمر		
	بناهای جاذب جمعیت	عمارت آصف، واحدهای تجاری و پاساژها		
	کنج‌ها	تنها کنج طراحی شده این خیابان کنج بازسازی شده اداره ارشاد اسلامی است که با الگو گرفتن از عمارت آصف طراحی شده است و کاربری تجاری دارد.		
	میزان فعالیت‌های شبانه	بسیار اندک		
	فضاهای مکث و توقف	فقدان فضای مکث و توقف		
	عرض معبر	تقریباً ۱۴-۱۵ متر		
	میزان موانع	پایین	تابلوهای عمود جداره - تابلوهایی هستند در کنار خیابان - اجناس مغازه‌ها و پست‌های برق مخبرات	
		هوایی	انواع تابلوهای هوایی و اجناس آویزان مغازه‌ها	
میزان استفاده	شدت بسیار بالای استفاده و ازدحام فوق‌العاده زیاد جمعیت استفاده کننده			
چگونگی اتصال با مسیر سواره	مسیر سواره و پیاده با بلوک‌های سیمانی از یکدیگر تفکیک شده و در مواردی نیز (در نزدیکی میدان انقلاب) برای جداسازی از نرده فلزی استفاده شده است.			

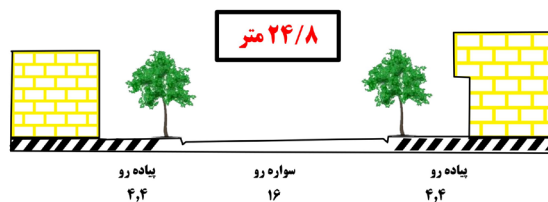
عناصر خرد منظر		تحلیل ویژگی‌های منظر با تأکید بر کیفیات خاص
شیب	شیب طولی	از چهارراه شهدا به سمت میدان انقلاب
	شیب عرضی	-
نورپردازی		فاقد نورپردازی طراحی شده حتی برای بناهای با ارزش تاریخی
تجهیزات زیر ساختی	هوایی	انتقال برق
	زمینی	پست‌های مخابرات
فضای عملکردی حاکم بر خیابان		تقریباً تجاری با عرضه عمده و خرده ارز و طلا
چگونگی دفع آب‌های سطحی		از طریق کانیو و هدایت بر طبق شیب
کف	سواره	میزان همگونی
	پیاده	کیفیت کفسازی
		راحتی حرکت
نظم و یکپارچگی	از نظم و یکپارچگی مطلوبی برخوردار است	
چراغ‌ها		وجود تیرهای چراغ برق
مبلمان شهری	نشیمن‌گاه‌ها	عدم وجود نشیمن‌گاه به جز در طاق‌نمای ورودی عمارت آصف و مجتمع تجاری که در جوار این عمارت از ورودی آن الهام گرفته است که اغلب نیز محل استفاده دست‌فروشان برای عرضه اجناسشان است.
	گلدان‌ها	---
	موانع	---
	زهکشی	هدایت از طریق شیب به کانیو
دست‌فروشی	تراکم	در نقاطی اندک امکان استفاده دست‌فروشان فراهم شده است اعم از طاق‌نمای عمارت آصف و مجتمع تجاری دیاکو

مأخذ: نگارنده

ایمنی ترافیکی (عرض محورها)

عرض مسیرهای مطلوب پیاده باید به گونه‌ای باشد که با توجه به خدماتی که در آن ارائه می‌شود، هم جوابگوی عبور و مرور عابران پیاده باشد و هم پتانسیل ایجاد مبلمان شهری و طراحی معبر در آن وجود داشته باشد. مسیرهای بسیار عریض و کم‌عرض مناسب ایجاد مسیرهای پیاده نیست. در صورتی که عرض معابر بسیار زیاد باشد، باعث ایجاد پراکندگی و عدم انسجام و محصوریت فضای خیابان می‌شود و در صورتی که عرض آن کم باشد برای طراحی مقطع عرضی خیابان با مشکل مواجه خواهیم شد و به طور کلی خیابان‌های با عرض متوسط بین ۲۰ تا ۲۴ متر و در مواردی تا ۳۰ متر می‌توانند مطلوبیت مناسبی داشته باشند. همان‌طور که در تصویر زیر نیز مشاهده می‌گردد، تمامی محورهای مورد مطالعه عرض مناسبی دارند.

خیابان امام خمینی



تصویر شماره ۶: عرض محور مورد مطالعه
مأخذ: نگارنده

ظرفیت تردد پیاده

ظرفیت تردد پیاده در کنار تراکم حرکتی پیاده ارتباط مستقیمی با انتخاب محور مطلوب پیاده دارد. بدین معنی که با افزایش تراکم حرکتی پیاده و در نتیجه ظرفیت تردد پیاده شاهد افزایش سرزندگی محور خواهیم بود. تراکم حرکتی پیاده در چهار بازه زمانی در معابر محدوده مورد مطالعه محاسبه گردیده که همان‌طور که در جدول زیر مشاهده می‌گردد خیابان امام کمترین تراکم پیاده نسبت به خیابان‌های اطراف را به خود اختصاص داده است.

پویایی فضایی

خیابان‌های ۲۴ ساعته، نه فقط جالب تر و سرگرم کننده تر هستند، بلکه به خاطر مزایای «مراقبت شهروندی» و «چشم‌های خیابان‌نسی»، ایمن ترند. در نتیجه حضور هرچه بیشتر شهروندان و پویایی هرچه بیشتر، تأثیر مثبتی بر سرزندگی محور مطلوب پیاده دارد. بر این اساس پویایی فضایی، حاصل نظر شهروندان در محورهای مورد مطالعه است که در آن خیابان فردوسی دارای بیشترین و خیابان طالقانی دارای کمترین پویایی فضایی است.

جدول شماره ۶: ظرفیت تردد پیاده در خیابان امام خمینی (ره)

مجموع	تعداد پیاده ها (نفر)												معیار				
	۲۰:۱۵ - ۲۰				۱۷:۱۵ - ۱۷				۱۲:۳۰ - ۱۲:۴۵					۱۰:۳۰ - ۱۰:۴۵			
	شمالی	جنوبی	غربی	شرقی	شمالی	جنوبی	غربی	شرقی	شمالی	جنوبی	غربی	شرقی		شمالی	جنوبی	غربی	شرقی
۳۸۸۴	-	-	۸۷۵	۷۲۷	-	-	۴۲۰	۲۶۶	-	-	۳۵۲	۳۲۱	-	-	۴۷۷	۴۴۶	امام
۷۹۰۰	۱۶۳۳	۱۱۵۸	-	-	۱۱۲۴	۷۳۹	-	-	۱۱۲۴	۷۵۴	-	-	۸۲۵	۵۴۳	-	-	فردوسی
۴۴۱۴	-	-	۹۶۵	۶۶۹	-	-	۳۰۴	۲۳۴	-	-	۶۹۲	۵۱۴	-	-	۴۹۳	۵۴۳	انقلاب
۴۴۴۶	۴۶۸	۷۹۳	-	-	۴۰۹	۶۹۶	-	-	۳۲۴	۳۶۹	-	-	۸۶۵	۵۲۲	-	-	طالقانی

ماخذ: نگارنده

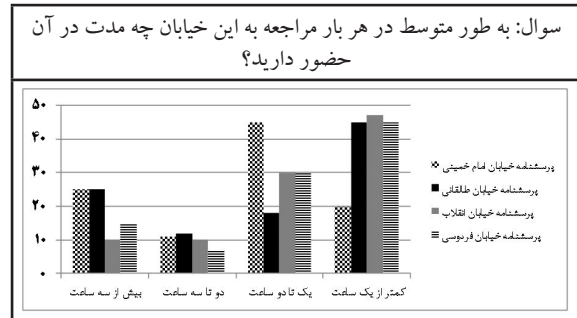
جدول شماره ۸: اغتشاشات بصری

معیار / ریز معیار	نام محور	سنجش وضعیت معیارهای مولفه کالبدی و سازمان فضایی					
		بسیار زیاد	زیاد	نسبتاً زیاد	متوسط	نسبتاً کم	کم
دسترسی به قطعات عظیم تجاری	فردوسی	*					
	امام		*				
	طالقانی			*			
	انقلاب				*		
دسترسی به بازار کهن منطقه	فردوسی		*				
	امام			*			
	طالقانی		*				
	انقلاب		*				
دسترسی به آثار تاریخی با ارزش	فردوسی		*				
	امام		*				
	طالقانی			*			
	انقلاب			*			
دسترسی به مراکز فرهنگی	فردوسی		*				
	امام		*				
	طالقانی			*			
	انقلاب			*			
میلان شهری نسبت به طول محور	فردوسی		*				
	امام		*				
	طالقانی		*				
	انقلاب		*				

ماخذ: نگارنده

اولویت خیابان‌های هسته مرکزی شهری برای پیاده‌روی و تفریح

در حالت کلی خیابان فردوسی انتخاب اول ۵۲ درصد از شهروندان برای پیاده‌روی است و ۳۱ درصد نیز خیابان امام را انتخاب کرده‌اند. خیابان انقلاب با ۸ درصد در رده سوم و خیابان طالقانی نیز با ۷ درصد در رده چهارم قرار گرفته است. در این میان حدود ۲ درصد از شهروندان نیز هیچ کدام از این محورها را برای تفریح مناسب نمی‌دانند.



جدول شماره ۷: سنجش وضعیت معیارهای مولفه کالبدی و سازمان فضایی
ماخذ: نگارنده

اغتشاشات بصری

عوامل مزاحم از لحاظ بصری به لحاظ تاثیرات روانی منفی که بر گردشگران دارند تاثیرات منفی در عملکرد پیاده‌راه‌ها ایجاد می‌کند. از جمله مهم‌ترین اغتشاشات بصری می‌توان به کولر و کانال کولر بیرون زده از نمای ساختمان‌ها، شاخ و برگ درختان در حد ارتفاع قامت عابر پیاده، علمک‌های انشعاب گاز، ناودان‌های برخی از ساختمان‌ها که تا کف پیاده‌رو ادامه پیدا نکرده، جلوآمدگی ساختمان‌ها در حد پایین تر از ارتفاع مجاز، عناصر و وسایل نصب شده و آویزان از بالکن ساختمان‌ها، تابلوهای تبلیغاتی، کابل‌های برق بدون محافظ، و خطر سقوط مصالح ساختمانی در محل‌های در حال عملیات ساختمانی اشاره کرد. در سطح محدوده مورد مطالعه، همان‌طور که در تصاویر زیر ملاحظه می‌گردد در تمامی محورهای مورد مطالعه، اغتشاشات بصری مشاهده می‌شود.

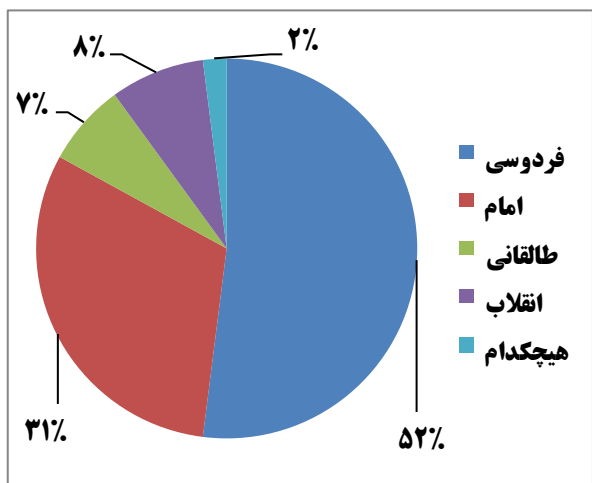
حوزه دید

حوزه دید در خیابان‌های شهری از جمله عوامل موثر بر جذابیت فضاهای شهری است. خطوط دید طولانی ۳۵۰-۳۰۰ متر، قابلیت دید عابران پیاده را افزایش می‌دهد و موجب ارتقای سرزندگی و جذابیت محورهای پیاده می‌گردد. بررسی‌ها حاکی از آن است که محور فردوسی با طولانی‌ترین خط دید دارای بیشترین حوزه دید و محور انقلاب با کوتاه‌ترین خط دید دارای کمترین حوزه دید است.

جدول شماره ۹: ویژگی های جداره محور امام خمینی (ره)

شماره قطعات	مالکیت	کیفیت ابنیه	تعداد طبقات	نوع مصالح	کاربری
۱	خصوصی	نوساز	۱ طبقه	آجرنما	تجاری (پاساز)
۲	خصوصی	قابل نگهداری	۱ طبقه	سیمان	تجاری
۳	دولتی	با ارزش	۲ طبقه	آجر	فرهنگی
۴	خصوصی	مرمتی	۲ طبقه	آجر	تجاری
۵	خصوصی	با ارزش	۲ طبقه	آجر	تجاری
۶	خصوصی	مرمتی	۳ طبقه	آجر	تجاری
۷	خصوصی	نوساز	۲ طبقه	آلکوباند	تجاری
۸	خصوصی	قابل نگهداری	۲ طبقه	آجرنما	تجاری
۹	خصوصی	نوساز	۲ طبقه	آلکوباند	تجاری (بانک)
۱۰	خصوصی	قابل نگهداری	۱ طبقه	شیشه	تجاری
۱۱	خصوصی	قابل نگهداری	۲ طبقه	سیمان	تجاری
۱۲	خصوصی	مرمتی	۱ طبقه	سیمان	تجاری
۱۳	خصوصی	قابل نگهداری	۲ طبقه	آجر و شیشه	تجاری
۱۴	خصوصی	مرمتی	۳ طبقه	شیشه و سیمان	تجاری
۱۵	خصوصی	مرمتی	۲ طبقه	شیشه و سیمان	تجاری
۱۶	خصوصی	قابل نگهداری	۲ طبقه	شیشه و سیمان	تجاری
۱۷	خصوصی	مرمتی	۲ طبقه	شیشه و سیمان	تجاری
۱۸	خصوصی	قابل نگهداری	۲ طبقه	شیشه و سیمان	تجاری
۱۹	خصوصی	قابل نگهداری	۲ طبقه	آجر	تجاری
۲۰	خصوصی	مرمتی	۲ طبقه	آجرنما	تجاری
۲۱	خصوصی	قابل نگهداری	۲ طبقه	سنگ و شیشه	تجاری
۲۲	خصوصی	مرمتی	۲ طبقه	سنگ و شیشه	تجاری
۲۳	خصوصی	مرمتی	۲ طبقه	سنگ و شیشه	تجاری
۲۴	خصوصی	مرمتی	۲ طبقه	سنگ و شیشه	تجاری
۲۵	خصوصی	مرمتی	۲ طبقه	سنگ و شیشه	تجاری
۲۶	دولتی	قابل نگهداری	۴ طبقه	آجرنما	اداری
۲۷	خصوصی	نوساز	۱ طبقه	آجرنما و شیشه	تجاری
۲۸	دولتی	نوساز	۲ طبقه	آجرنما	اداری
۲۹	خصوصی	نوساز	۱ طبقه	آجرنما و شیشه	تجاری

ماخذ: نگارنده



نمودار شماره ۵: اولویت پیاده روی شهروندان
ماخذ: نگارنده

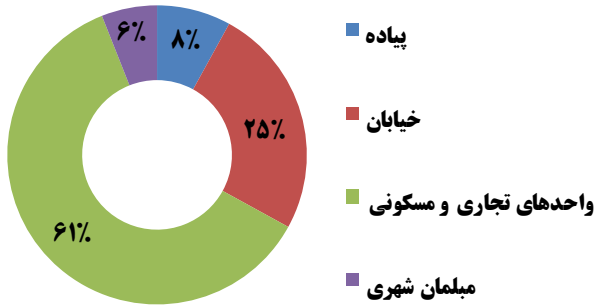


نقشه شماره ۳: جداره محور امام خمینی (ره)
ماخذ: نگارنده

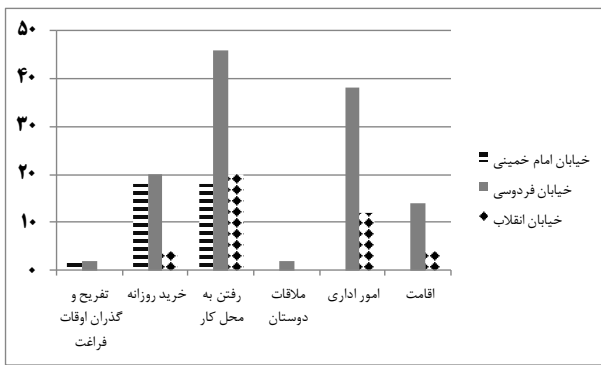
یافته‌های تحقیق

در این قسمت نتایج مطالعات میدانی در زمینه ارزیابی معیارهای پایداری خیابان امام خمینی در چهار شاخص کلی (هویت، سرزندگی، امنیت و مشکلات اصلی محله) ارائه شده است. در محدوده مورد مطالعه با توجه به بررسی سابقه این خیابان می‌توان این محور را به عنوان یکی از متجددترین محورهای قدیمی و تاریخی سنندج معرفی کرد، محوری که با بهره‌گیری از بالاترین سطح کیفیت از منظر کالبدی و عملکردی خاستگاه حضور افراد پیاده و استفاده از این محور به عنوان مسیری تجاری و پویا بسیار متداول بوده است. بر اساس تاریخچه این محور و عناصر نهفته در بافت آن و مورفولوژی منحصر به فرد این محدوده می‌توان پتانسیل فضایی پیاده مدار را در آن مشاهده نمود. متاسفانه با وجود اینکه تمایل به پیاده‌روی در این محدوده در میان شهروندان کاملاً مشهود است؛ با توجه به عمده سفرهای انجام شده با خودرو به ویژه در بافت‌های محلی روزبه‌روز نقش پیاده و پیاده‌روی در این محدوده کم‌رنگ‌تر می‌گردد. در این میان با توجه به مورفولوژی بافت محلی و نیز تراکم بالای خودرو سواری در محور امام خمینی (ره) نقش حمل و نقل همگانی نیز در پایین‌ترین رده نسبت به پیاده و خودرو سواری است. بر اساس نوع حرکت و حضور افراد در فضا می‌توان به نکته‌ای قابل توجه اشاره کرد که بر اساس تحلیل‌های دو دویی نیز میزان معناداری آن اثبات گردیده است. یکی از پیشگامان نهضت منظر ذهنی که نقش بسیار پررنگی در شفاف‌سازی این موضوع داشته، دونالد ایلپارد است. یکی از مباحث

چراکه این مهم یکی از اصلی ترین ریشه های هویتی این محور محسوب می گردد. عدم تجهیز و توجه به پیاده روها و مبلمان شهری مورد استفاده افراد پیاده و نیز عناصر با هویت در محور امام خمینی، سبب گردیده شهروندان کمتر به آنها اشاره کنند. عدم رسیدگی به نقش و جایگاه پیاده و نیز ساختار هویتی این محدوده نه تنها موفقیتی در پی نداشته، بلکه موجبات ایجاد تصاویر ذهنی نامطلوب را در اذهان عموم فراهم آورده است و ادامه روند کنونی در آینده، حضور کوتاه مدت را موجب می گردد که در این گونه فضاها نمی توان شاهد تعاملات و سرزندگی شهری بود.



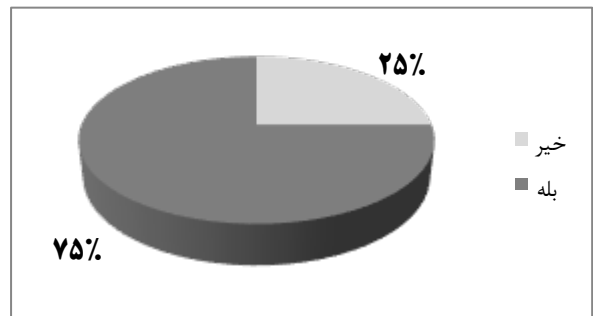
نمودار شماره ۷: میزان روشنایی مطلوب
ماخذ: نگارنده



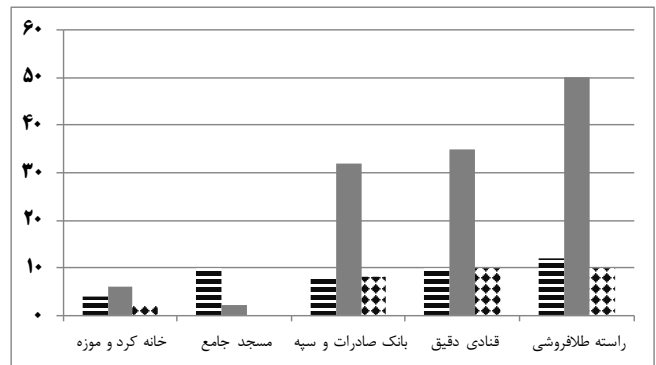
نمودار شماره ۸: حضور پذیری
ماخذ: نگارنده

از سوی دیگر یکی از اساسی ترین موضوعات مرتبط با حضور شهروندان در یک فضا شناسایی قرارگاه های رفتاری آنها و تقویت شان به عنوان لنگرگاه های امن تقویت سرزندگی و حضورپذیری است. از ارتباط نوع دسترسی و قرارگاه های رفتاری شهروندان در این محدوده می توان پی برد که به چه میزان موقعیت قرارگیری و کیفیت یک فضا می تواند در این امر کمک کننده باشد. بازار طلافروشان به عنوان اصلی ترین محل قرار ملاقات میان شهروندان نه تنها مورد توجه افراد پیاده است، بلکه با توجه به موقعیت خود در میان شهروندانی که از وسیله نقلیه شخصی نیز استفاده می کنند مورد استقبال قرار می گیرد. به نوعی محدوده هایی از قبیل خانه کرد و باغ ملی که دسترسی های مطلوب داشته و فعالیت و عملکرد فضا به نوعی القاء کننده حس سرزندگی است، به عنوان مکان های قرار ملاقات معرفی گردیده اند.

اصلی مطرح شده به وسیله این نظریه پرداز موضوع نقش انگیزی یا نمایانی است. او عوامل مختلفی را در نمایانی یک بنا تاثیرگذار می داند. یکی از دلایل مطرح شده توسط وی که در حال حاضر می تواند مبنای این بحث باشد، رویت پذیری یا به عبارت بهتر چگونگی دیده شدن ساختمان هاست. از نظر این اندیشمند نوع حرکت و نحوه برخورد با بنا، به اندازه مشخصات فیزیکی و شکلی ساختمان دارای اهمیت است. بر این اساس در محدوده مورد نظر بر اساس تحلیل انجام شده رابطه معناداری میان نوع دسترسی و حضور در فضا با اینبه شاخص وجود دارد. همان گونه که مشخص شده، به رغم تمایل افراد به پیاده روی در این فضا، و با وجود نقش پررنگ حرکت سواره در محدوده، کماکان بناهای با هویت با نمای شاخص، سطح بالایی را به خود اختصاص داده اند و غلبه آنها بر فضا می تواند از نکاتی باشد که به عنوان زمینه موجود ملاک عمل قرار گرفته و در الگوهای طراحی مدنظر قرار گیرد.



نمودار شماره ۵: میزان تمایل شهروندان به پیاده روی
ماخذ: نگارنده

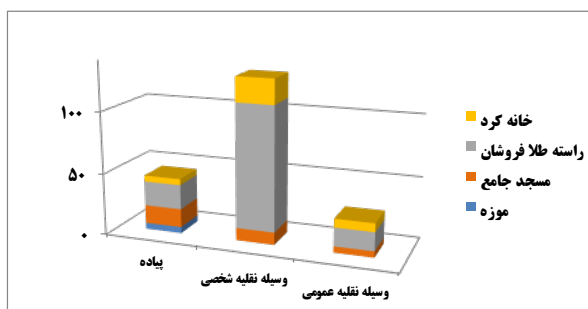


نمودار شماره ۶: اینبه شاخص و با اهمیت - نحوه دسترسی
ماخذ: نگارنده

شهروندان در محدوده مورد نظر روشنایی واحدهای اداری و تجاری را بیش از سایر بخش های محدوده می پسندیدند و در ادامه آن نیز محور انقلاب به عنوان یک پیاده راه تجاری از نظر شهروندان در وضعیت مناسبی قرار دارد. این محور با توجه به محصوریت فضا و نورپردازی منحصر به فردی که در آنها تعبیه شده، توانسته است رضایت شهروندان را جلب نماید. در این میان نکته حائز اهمیت که به عنوان تلنگری جدی می بایست مورد توجه قرار گیرد، عدم رسیدگی به پیاده روها و نقش آن در فضای شهری سرزنده است؛

نتیجه‌گیری

گسترش کالبدی شهرها بدون توجه به نیازهای انسانی موجب بروز بسیاری از مشکلات در شهرهای امروزی شده است. یکی از این موارد دوری انسان از فضاهای شهری و به حاشیه رفتن آن است. به همین دلیل توجه به شهری انسان محور و با درک نیازهای افرادی که در شهر حضور دارند، اهمیت بسزایی دارد. در این پژوهش به سرزندگی فضاهای عمومی به منظور حضور افراد در این فضا توجه شده و به تحلیل نقش پیاده‌راه به عنوان یکی از اساسی‌ترین رکن‌های فضاهای عمومی، در سرزندگی فضاهای شهری پرداخته و سرزندگی پیاده‌راه خیابان امام خمینی تحلیل شده است که یکی اقدامات اخیر شهرداری سنج در زمینه شهرسازی انسان محور نیز هست. تجزیه و تحلیل پژوهش نشان می‌دهد پیاده‌راه خیابان امام خمینی توانسته فضایی عمومی و موجب سرزندگی فضاهای شهری شود. با این تفاسیر از نتایج تحقیق می‌توان این گونه نتیجه گرفت که صرف ایجاد محیطی بدون اتومبیل و مختص عابران پیاده موجب سرزندگی و جذب جمعیت برای استفاده از فضا نمی‌شود، کما اینکه قبل از اجرای طرح پیاده‌راه سازی، تردد اتومبیل موجب تحرک و شلوغی محیط و همچنین رونق اقتصادی محدوده بوده است. بدین ترتیب باید در کنار محدودیت دسترسی خودرو به محدوده، به دیگر جنبه‌های مؤثر در سرزندگی محیط که در تحقیق به آنها پرداخته شد، توجه شود تا بتوان محیطی سرزنده و مناسب برای حضور شهروندان ایجاد کرد. البته، ذکر این نکته هم اهمیت دارد که تبدیل فضای آشفته و آسیب دیده و تحت سلطه اتومبیل، به فضای خالص پیاده‌راهی از مزاحمت‌های سواره، بر پایه اهدافی که به گردشگری شهری راه خواهد برد و مقاصد آیینی و فرهنگی، اجتماعی و تاریخی را محقق خواهد ساخت، گامی مثبت و نقطه عطفی در تحقق شهرسازی انسانگرا محسوب می‌شود. بافت منطقه مربوط به دوران صفوی و بناهای ارزشمند مربوط به دوران قاجار است. از میدان انقلاب هرچه به سمت دیگر خیابان می‌رویم، اصالت بافت و جداره بیشتر می‌شود، به طوری که در طرح پیاده‌راه سازی بهتر است کاربری‌های عمومی مانند ادارات و بناهای عمومی و خصوصی در راستای هماهنگی با محیط مورد توجه قرار گیرند و توجه به ریتم، تعادل، ارتفاع و عناصر غالب مانند مصالح بومی و نمادها در طراحی‌های جدید مد نظر باشد. در ادامه مسیر با وجود بناهای ارزشمندی چون خانه گرد (آصف)، ساختمان‌های مسکونی، ساختمان تاریخی میراث فرهنگی، بنای تاریخی شهرداری، مسجد دارالاحسان (مسجد جامع) و جداره‌های ارزشمند به ترمیم و باززنده سازی محیط خیابان پرداخته شود. در عین حال بافت تاریخی سرتپوله احیا گردد و تغییر کاربری زمین‌ها و بافت فرسوده در راستای تقویت محیط برای پارکینگ، فضای سبز، پارک و فضاهای استراحت در نظر گرفته شود و اگر



نمودار شماره ۹: مکان‌های قرار ملاقات - نوع تردد در محله
ماخذ: نگارنده

بحث و تجزیه و تحلیل

در این پژوهش ابتدا شاخص‌های پیاده‌راه و سرزندگی از مبانی نظری استخراج شد. برای تایید یا رد شاخص‌ها از نظر خبرگان و کارشناسان استفاده و تجزیه و تحلیل آنها با روش دلفی فازی انجام شد. در این بین یازده شاخص (پنج شاخص برای پیاده‌راه و شش شاخص برای سرزندگی) برای ادامه روند کار مشخص شد. برای پیاده‌راه شاخص‌های اختلاط کاربری اراضی، کیفیت کالبدی، منظر و چشم‌انداز محیط، امنیت اجتماعی و دسترسی به محیط و برای سرزندگی شاخص‌های راحتی و آسایش، ایمنی و امنیت، تنوع و جذابیت، فراغت و تفریح، برد و دامنه پیاده‌راه، تعامل و حس مکان انتخاب شد. روایی و پایایی شاخص‌های پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ پایایی ترکیبی و میانگین واریانس ارزیابی شد. در تمام شاخص‌ها با توجه به بیشتر بودن ضریب هر شاخص نسبت به استاندارد در نظر گرفته شده برای هر شاخص پایایی و روایی کار تایید می‌شود. در تجزیه و تحلیل مدل ساختاری پژوهش ارتباط بین هر کدام از ابعاد پیاده‌راه خیابان امام خمینی در سرزندگی محیط تجزیه و تحلیل شد. در این بین، کیفیت کالبدی محیط با ضریب $0/322$ در بین سایر عوامل نقش موثرتری در سرزندگی محیط داشته است؛ البته، سایر عوامل هم در سرزندگی تاثیرگذار بسودند. همچنین، تاثیر مجموع این عوامل در قالب پیاده‌راه بر سرزندگی محیط بررسی شد که ضریب آن $0/306$ است. با این حال، معناداری آن بیش از $0/01$ است که نشان می‌دهد پیاده‌راه خیابان امام خمینی نتوانسته موجب سرزندگی محیط شود. به عبارت دیگر نقشی که هر کدام از ابعاد پیاده‌راه در سرزندگی محیط داشت به اندازه‌ای نبود که در کنار هم فضایی سرزنده و پویا برای شهروندان و عابران پیاده ایجاد کند. برای تحلیل این موضوع باید تک تک ابعاد پیاده‌راه بررسی و مشخص شود چرا این عوامل در کنار هم نتوانسته موجب سرزندگی محیط شود. برای شناخت اهمیت ابعاد پیاده‌راه و سرزندگی در پیاده‌راه خیابان امام خمینی وزن هر کدام از شاخص‌ها محاسبه شده است. در ابعاد پیاده‌راه، دسترسی و در ابعاد سرزندگی، تعامل و حس مکان نسبت به سایر عوامل در محدوده شرایط بهتری قرار دارند.

کوثر، مجتمع حبیبی، بازار طلا فروشی، قنادی قدیمی دقیق، مسجد جامع سنندج، شهرداری، سازمان تبلیغات استان کردستان و موزه، عملکردهای پیشنهادی حاشیه محور امام خمینی (ره) در راستای تقویت نقش عملکردی در محدوده و افزایش حضور شهروندان به واسطه چارچوب عملکردی و خدماتی محدود است. عناصر و بناهای واجد ارزش از نظر میراث فرهنگی که بوجود آورنده بدنه خیابان هستند به عنوان «کالبد هویت بخش» دارای اهمیت هستند و با توجه به ظرفیت تبدیل شدن به موزه، اهمیت حفظ و نگهداری آن‌ها را افزایش می‌دهد. عمومی نمودن فضای خانه کرد به عنوان یک پارک موزه شهری در حاشیه محور امام خمینی (ره) موجب جذابیت محدوده گشته و حضور شهروندان را در این محدوده تقویت می‌نماید. ساماندهی و بهسازی پیاده‌روها و جداره خیابان‌های اصلی محدوده از قبیل محور اصلی امام خمینی و ایجاد رستوران و کافی‌شاپ در پیاده‌راه که باعث ایجاد یک پیاده‌راه سرزنده می‌شود، از پیشنهاداتی است که در تمامی گزینه‌ها مدنظر است. تاکید بر بهره‌مندی از الگوی معماری زمینه که در برخی از ابنیه ارزشمند محدوده هنوز باقی مانده، به عنوان پیشنهاد، از دستورکارهای اصلی می‌باشد. بازگشایی و تکمیل ساختار شبکه دسترسی در راستای تقویت نفوذپذیری محدوده نیز پیشنهاد می‌گردد.

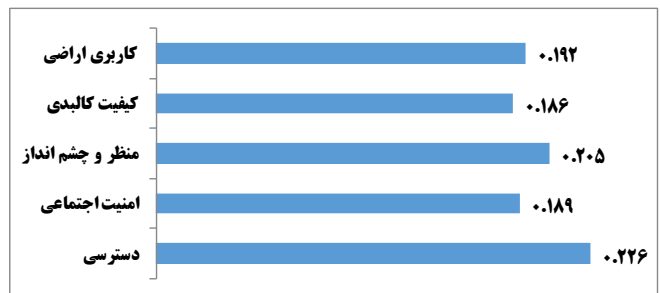
فهرست منابع و مراجع

۱. اپیلارد، دونالد (۱۳۸۲)، «خیابان‌ها می‌توانند باعث مرگ شهرها شوند» (رهنمودهایی برای طراحی خیابان در شهرهای جهان سوم)، ترجمه نوین تولانی، فصلنامه آبادی، شماره ۳۹.
۲. اسداللهی، شیوا (۱۳۸۳)، «ضرورت توجه به حرکت پیاده در مراکز شهری»، ماهنامه شهرداری‌ها، سال ششم، شماره ۶۶.
۳. تشکری، لیلیا (۱۳۹۷)، «تکوین یک پیاده‌راه مولفه‌های کالبدی یا رفتار جمعی»، مجله منظر، سال دهم، آبان ماه.
۴. حبیبی، کیومرث (۱۳۸۵)، «توسعه کالبدی شهر سنندج حاشیه بر علیه متن و یا رشد شهر از برون و فرسودگی از درون»، اولین همایش ملی دانشگاه آزاد اسلامی، پاییز.
۵. حبیبی، کیومرث (۱۳۹۷)، «مقایسه تطبیقی کیفیت پیاده‌راه‌ها در ایران و خارج کشور با مدل (ANP)»، نشریه معماری و شهرسازی ایران، دوره نهم، شماره ۱۵، بهار و تابستان.
۶. اپیلارد، داندل و لینتل، مارک (۱۹۶۹)، فضاهای عمومی مکان‌های شهری، ترجمه فریبا قرایی، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.
۷. کلاتری خلیل‌آباد، حسین (۱۳۹۵)، «طراحی پیاده‌راه و تاثیر آن بر کیفیت زندگی در بافت تاریخی شهرها» (مطالعه موردی: پیاده‌راه تربیت تبریز)، مطالعات معماری، شماره ۹، بهار و تابستان.
۸. کریمی، فروغ (۱۳۹۶)، «ایجاد پیاده‌راه برای ارتقاء نشاط و سرزندگی در فضاهای شهری» (نمونه موردی: خیابان ملت شهرکرد حفاصل میدان ۱۲ محرم تا چهار راه بازار)، برنامه ریزی فضایی، دوره ۷، شماره ۱، بهار.
۹. لینچ، کوین (۱۳۸۸)، تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۰. کاشانی جو، خشایار (۱۳۸۵)، «اهمیت فضاهای پیاده در شهرهای هزاره سوم جستارهای شهرسازی»، فصلنامه علوم اجتماعی، سال پنجم، شماره های ۱۷ و ۱۸.

ترافیک سواره را به خیابان‌های اطراف منتقل کنیم در تمامی مسیر خیابان می‌توان از المان‌ها و الگوهای فرهنگی و تاریخی در جهت سرزندگی محیط دارای اصالت بهره برد. باید با برنامه‌ریزی درست و همه جانبه، مشکلات این فضاهای نوپا برطرف گردد و در شهرها همان‌طور که به اتومبیل و زندگی ماشینی اهمیت داده می‌شود، به انسان و فضاهای انسان محور نیز توجه شود. مرور تجارب جهانی در این زمینه نشان می‌دهد که در اکثر شهرهای دنیا (از جمله کپنهاگ دانمارک، نورنبرگ آلمان، ولورهمپتون انگلستان و جز آن) که تردد سواره محدود و فضا به عابر پیاده اختصاص داده شده، ابتدا با مشکلات متعدد و نارضایتی ساکنان محدوده همراه بوده است؛ اما به تدریج اجرای طرح‌ها و برنامه‌های مشارکتی و افزایش آگاهی شهروندان، موجب جلب رضایت و همکاری آنها در ادامه پروژه در راستای بهبود وضعیت و رسیدن به محیطی امن و آرام با سرزندگی و تحرک شهری شده است.

اهمیت مولفه‌های پیاده‌راه و سرزندگی

برای سرزندگی شش مولفه تعریف و بار عاملی هر کدام از عوامل محاسبه شده است. در پیاده‌راه امام خمینی یکی از مهم‌ترین عواملی که در سرزندگی محیط نقش داشته، تعامل و حس مکان است. این نشان می‌دهد هنوز هم هویت در این محدوده وجود دارد و افراد در مراسم ملی و مذهبی دور هم جمع می‌شوند. بعد از تعامل، ایمنی و امنیت در برابر وسایل نقلیه اهمیت بالایی در سرزندگی محیط داشته است. در محدوده دو مولفه برد و دامنه، و تنوع و جذابیت امتیاز پایین تری نسبت به سایر عوامل دارد. برد و دامنه به نوعی با تنوع و جذابیت محیط در ارتباط است. هرچه محدوده از لحاظ کالبدی، کاربری اراضی و برنامه‌های اجرا شده متنوع‌تر باشد، موجب جذب گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی از سایر نقاط شهر سنندج به محدوده می‌شود؛ اما اگر جذابیت و تنوع محیط پایین باشد، دامنه و برد پیاده‌راه هم پایین می‌آید.



نمودار شماره ۱۰: وزن مولفه‌های پیاده‌راه در محدوده مورد مطالعه
ماخذ: نگارنده

راهکار

در این طراحی، هدف بسط و گسترش عملکردهایی مشابه محور پیاده امام خمینی (ره) و تکمیل ساختاری از پیاده‌راه‌های تجاری بوده است و علاوه بر این فعالیت‌هایی از قبیل: «مکان‌های تاریخی و توریستی، بانک سپه، مسکن، صادرات، مجتمع دیاکو، مجتمع

۲۵. رضانی، حمید و دادگر، مسعود (۱۳۹۶)، «سطح‌بندی معابر بر اساس حجم جریان حرکت پیاده با استفاده از تحلیل‌های ساختار فضایی»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال هفتم، شماره ۲۸.
۲۶. فیضی، محمدجواد؛ رجبی، آریتا و حسینی، یاسمن (۱۳۹۱)، «بازشناخت جنبش پیاده‌مداری در پایداری فضاهای متراکم شهری»، **مدیریت شهری**، شماره ۳۰.
۲۷. صرافعی، مظفر و محمدیان مصمم، حسن (۱۳۹۱)، «امکان‌سنجی پیاده‌راه‌سازی خیابان‌های مرکز شهر همدان»، **فصلنامه آمایش محیط**، شماره ۲۱.
۲۸. کاشانی‌جو، خشایار (۱۳۹۳)، **پیاده‌راه‌ها از مبانی طراحی تا ویژگی‌های کارکردی**، انتشارات آذرخش، چاپ دوم، تهران.
۲۹. بحرینی، سید حسین (۱۳۷۵)، **تحلیل فضاهای شهری**، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، تهران.
۳۰. معینی، سید مهدی (۱۳۹۲)، **شهرهای پیاده‌مدار**، انتشارات آذرخش، چاپ سوم، تهران.
۳۱. قربانی، رسول و جام کسری، محمد (۱۳۸۹)، «جنبش پیاده‌گستری رویکردی نو در احیاء مراکز شهری مورد مطالعه پیاده‌راه تربیت تبریز»، **مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای**، پانزدهم، دوره ۲، شماره ۶.
32. J. Jacobs. (1961), **The Death and Life of Grea American Cities**, Random House, New York.
33. Park, S., Deakin, E., & Lee, J. S. (2014), **Developing perception-based walkability index to test impact of micro-level walkability on sustainable mode choice-decision**, *Transportation Research Record: Journal of the Transportation Research Board*, 2464, 126-134.
34. Duncan, D. T., Aldstadt, J., Whalen, J., Melly, S. J., & Gortmaker, S. L. (2011), "Validation of walk score (R) for estimating neighborhood walkability: ananalysis of four US metropolitan areas", **International Journal of EnvironmentalResearch and Public Health**, 8 (11), 4160 – 4179.
35. URL1: www.dana.ir, 1396/09/07
36. URL2: mehrnews.com, 1392/10/16.
۱۱. مهدی‌زاده، مهدی (۱۳۸۹)، «مفاهیم و مبانی پیاده‌راه‌سازی»، **اولین کنفرانس علمی پژوهشی عمران، معماری و محیط زیست پایدار**، تهران، پاییز.
۱۲. گل، یان (۱۳۸۷)، **زندگی در فضای میان ساختمان‌ها**، ترجمه شیما شصتی، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
۱۳. یدی همدانی، سید مهدی؛ کاکاوند، الهام و آهنی، سمیه (۱۳۹۰)، «سنجش کیفیت پیاده‌راه‌های شهری در راستای نیل به حمل و نقل انسان‌محور»، **یازدهمین کنفرانس بین‌المللی مهندسی حمل و نقل و ترافیک**، تهران، پاییز.
۱۴. قربان پور، مریم (۱۳۹۷)، «ارزیابی مولفه‌های موثر بر تقویت سرزندگی در مسیرهای پیاده شهری (مطالعه موردی: پیاده‌راه علم‌الهدی شهر رشت)»، **مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی**، دوره سیزدهم، شماره ۱.
۱۵. نجار زاده، محسن (۱۳۹۷)، «الگوی ساماندهی پیاده‌راه‌های شهری برای حکمروایی خوب شهری (نمونه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران)»، **فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، دوره ۳۱، شماره ۱.
۱۶. اکبرزاده مقدم لنگرودی، امیر و احمدی، حسن و آزاده، سیدرضا (۱۳۹۵)، «ارزیابی مطلوبیت پیاده‌راه‌های شهری بر اساس مؤلفه‌های کیفی (مطالعه موردی: پیاده‌راه علم‌الهدی شهر رشت)»، **نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری**، سال هفتم، شماره ۲۵.
۱۷. حقعی، محمدرضا؛ مصطفایی، حمیدرضا؛ توسلی، حمیدرضا و اختری، علیرضا (۱۳۹۴)، «امکان‌سنجی تبدیل خیابان‌های تجاری به پیاده‌راه‌ها در شهرهای کوچک (نمونه مطالعه: خیابان امام خمینی شهر گلپایگان)»، **جغرافیا و مطالعات محیطی**، سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان.
۱۸. نادری، امید و ابراهیم، محمد (۱۳۹۴)، «یواسازی پیاده‌روها و معابر شهری با تاکید بر کاربست گرافیک محیطی»، **مدیریت شهری**، شماره ۴۱، زمستان.
۱۹. بهمنی، المیرا؛ گودرزی سروش، محمد مهدی و زارعی، محمد ابراهیم (۱۳۹۵)، «بررسی شناخت عوامل زمینه‌گرا در کالبد خانه‌ها و بافت کهن سنندج با نگاهی به ویژگی‌های عمارت وکیل الملک»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال هفتم، شماره ۲۶، زمستان.
۲۰. نقره کار، عبدالحمید و حمزه نژاد، مهدی (۱۳۸۹)، «بررسی تاثیر محیط طبیعی بر رفتار و اخلاق از دید منفکران اسلامی و نتایج آن در سراحی محیط مصنوع»، **آرمان شهر**، شماره ۵، صفحه ۱۶.
۲۱. عباس‌زاده، شهاب و تمری، سودا (۱۳۹۱)، «بررسی و تحلیل مولفه‌های تاثیرگذار بر بهبود کیفیات فضایی پیاده‌راه‌ها به منظور افزایش سطح تعاملات اجتماعی (مطالعه موردی: محوره‌های تربیت و ولیعصر تبریز)»، **مطالعات شهری**، شماره ۴، پاییز.
۲۲. صادقی، علی‌رضا؛ دادگر، مسعود؛ پورجعفر، علی و عفتیان، نگین نشاط (۱۳۹۶)، «ارائه فرایند طراحی شهری بهینه پیاده‌راه‌ها از طریق تحلیل تطبیقی تجارب داخلی و بین‌المللی (مطالعه موردی: خیابان بروارد آمریکا، خیابان جرج استرالیا، خیابان صف و بلوار درختی ایران)»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال هشتم، شماره ۲۹، پاییز.
۲۳. قلندریان، ایمان و رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۷)، «تبیین مدل کیفیت محیط در بازآفرینی شهر ایرانی اسلامی»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال نهم، شماره ۳۴، زمستان.
۲۴. موسوی، سید محسن (۱۳۹۲)، «بررسی میزان تعامل فضاهای پیاده شهری با شهروندان با نگاهی به محله فهادان یزد به عنوان نمونه مطلوب»، **مطالعات برنامه‌ریزی شهری**، سال اول، شماره دوم.

بررسی و تحلیل مولفه‌های موثر بر ادراک مفهوم محله به مثابه مکان سکونت بر پایه دیدگاه آرمان‌گرایان مدینه فاضله اسلامی*

غلامرضا حقیقت‌نائینی^{۱*} (نویسنده مسئول)، محمد شیخی^۲، مرتضی محمودی مهماندوست^۳

^۱ دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه هنر، تهران، ایران

^۲ دانشیار گروه برنامه‌ریزی شهری و توسعه منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

^۳ دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه هنر، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۱۶

چکیده

با توجه به شواهد و نتایج پژوهش‌ها، زندگی در شهرهای سنتی ایران در قالب ساختار و نظام محله‌بندی انتظام و معنا می‌یافت؛ اما امروزه شهر به مجموعه شبکه‌های مختلف از روابط اجتماعی گسسته شده گفته می‌شود که حدود مرز آن برای هر شهروند متفاوت است. پیامد این تحول معنایی و گسیختگی اجتماعی، تنزل مفاهیم زیست در محلات دهه‌های اخیر است. در نتیجه، بازخوانی و تحلیل مفاهیم زیستی محلات گذشته برای فرایند توسعه و ارتقاء کیفی شهرهای امروز امری ضروری است. حس تعلق به محله، همسایگی، تعاون و مشارکت‌های اجتماعی از جمله مفاهیمی هستند که جریان زندگی محلات سنتی را هدایت می‌نمود که بهره‌گیری از آموزه‌های چنین مدل و نظامی می‌تواند موجب احیاء هویت محلات و گسترش راهکارهای اجتماع‌محور توسعه در جامعه گردد. دستیابی به چنین نتایجی نیازمند پذیرش محله به عنوان مکانی معنادار و هدایت‌گر جریان‌های فردی و اجتماعی سکونت است. از میان آراء و دیدگاه‌های مختلف پیرامون مفهوم محله، متفکران و آرمان‌گرایان مدینه فاضله اسلامی از جمله فارابی، ملاصدرا، سهروردی و ... با وجود برخی تنوع‌ها، رویکردی مشابه و همسو با ویژگی‌های مکان‌محور و اجتماع‌مبنای محلات سنتی اسلامی داشته‌اند. از این‌رو در این پژوهش ضمن تحلیل و اثبات نقش «محله به مثابه مکانی برای سکونت» به تبیین مولفه‌های ادراک مفهوم محله بر پایه دیدگاه اندیشمندان آرمان‌شهر اسلامی پرداخته‌ایم. روش تحقیق در این پژوهش، ترکیبی از روش‌های تاریخی تفسیری و تجزیه و تحلیل محتواست؛ به گونه‌ای که در بررسی دیدگاه حکما و فلاسفه مدینه فاضله اسلامی، متون و مستندات تاریخی مرتبط تفسیر و تحلیل شده‌اند. همچنین در بررسی مبانی نظری مفاهیم و اصطلاحات مکان، محله، سکونت و همین‌طور تحلیل و تفسیر نتایج آراء اندیشمندان متقدم آرمان‌شهر اسلامی از روش تحلیل محتوا بهره گرفته شده است. نتیجه اینکه شش مولفه به عنوان عوامل اصلی ادراک مفهوم محله از دیدگاه آرمان‌گرایان شهر اسلامی استنتاج می‌شود که شامل: تعاون و مشارکت اجتماعی، حس تعلق به محله، سلسله مراتب و حریم، ارزش‌های فردی و اجتماعی، ابنیه و عناصر کالبدی محله و در نهایت تامین رفاه و رضایت‌مندی از محله است.

واژگان کلیدی: مکان، محله، سکونت، ادراک مفهوم محله، مدینه فاضله (آرمان‌شهر اسلامی).

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری شهرسازی مرتضی محمودی مهماندوست با عنوان «بازخوانی سیر تحول مفهوم محله در تهران معاصر» است که در گروه شهرسازی دانشگاه هنر (تهران) به راهنمایی آقای دکتر غلامرضا حقیقت‌نائینی و مشاوره آقای دکتر محمد شیخی در حال انجام است.

* E-Mail: haghghatrez@gmail.com

بدین اعتبار در بررسی مبانی نظری مرتبط با مفاهیم و اصطلاحات مکان، محله، سکونت و همین‌طور تحلیل و تفسیر نتایج آراء اندیشمندان متقدم آرمان‌شهر اسلامی و انطباق آنها با چارچوب نظری از روش تحلیل و تفسیر داده‌ها بهره‌گیری شده است. همچنین در بررسی و تحلیل دیدگاه حکما و فلاسفه مدینه فاضله اسلامی به برخی متون و مستندات تاریخی مراجعه شده و نتایج به دست آمده، تفسیر و تحلیل شده‌اند.

پیشینه پژوهش

مطالعات و پژوهش‌های مرتبط با مفهوم محله و عوامل ادراک آن مشتمل بر زیر‌عنوان‌های گوناگونی صورت گرفته که در آنها از روش‌های متنوع ارزیابی کمی و کیفی و تعاریف مختلف از روابط انسان و مکان بهره گرفته شده است. در موارد مطالعاتی این پژوهش‌ها بر اساس گزینش‌های مختلفی از مفهوم مکان به محدوده‌های مختلفی از جمله فضاهای شهری تا فضاهای عملکردی و بعضاً محلات نیز توجه شده است. در این میان پژوهش‌هایی به مفهوم محله منطبق بر تعاریف اندیشمندان ایرانی و خارجی و با رویکردهای متفاوت پرداخته‌اند که در اکثر آنها در بسط مفهوم محله در قالب دو مولفه عینی و ذهنی تعاریف و ویژگی‌هایی ارائه شده و به عوامل ادراک مفهوم محله به مثابه مکان سکونت اشاره‌ای نشده است. البته تعداد قابل توجهی از پژوهش‌ها به مولفه‌های موثر بر ادراک مکان پرداخته‌اند. از جمله این مطالعات می‌توان به پژوهش تعلق به مکان «آلتمن» و «لو» اشاره کرد (Altman & Low, 1992). دیدگاه این مطالعه بر حس تعلق به مکان عمدتاً فرهنگی و بازگوکننده کیفیت انتساب معانی نمادین (اجتماعی، سیاسی، تاریخی، عاطفی و حتی اقتصادی) به یک محیط فیزیکی است. در مطالعه دیگری یک مدل ارزیابی چهار سطحی برای ادراک مکان ارائه شده است (Shamai, 1991). این پژوهش چهار سطح ادراک مکان از فقدان حس مکان تا حس تعهد نسبت به مکان را برمی‌شمارد. در پژوهشی دیگر، الیزابت بروکاتو در ارائه مدل تحلیل تأثیرات عوامل ادراک مکان به عوامل محیطی، طراحی کالبدی، کیفیت سرویس دهی و رضایت مندی اشاره کرده است (Brocato, 2007). در میان پژوهشگران ایرانی، فلاح به عوامل شکل دهنده مکان با تکیه بر مفهوم حس مکان پرداخته و دو عامل ادراکی و کالبدی را به عنوان عوامل شکل دهنده، معرفی کرده است. (فلاح، ۱۳۸۵) همچنین در بررسی مدل مفهومی ارزیابی حس مکان (مطالعه موردی: خیابان امام خمینی ارومیه) به مولفه عملکردی و اجتماعی، علاوه بر مولفه‌های کالبدی و ادراکی اشاره شده است. (میرغلامی و آیشم، ۱۳۹۵) در پژوهشی دیگر، عوامل موثر بر مکان در قالب مدلی متشکل از سه مولفه فعالیت، ساختار فیزیکی و معنا ارائه شده است. (بنیادی و کاشی، ۱۳۹۲) در محدود

ساختار کالبدی و اجتماعی محلات در شهرهای تاریخی ایران، شاکله و نظام‌بخش ساختار اصلی شهر به شمار می‌رفت؛ به گونه‌ای که محله، امکان تعلق و وابستگی و شرایط پیوند فرد با محیط زندگی را فراهم می‌نمود و به تعبیری تعادل میان ساختار کالبدی و نظام اجتماعی شهری را سبب می‌شد؛ اما در چند دهه اخیر با ورود الگوی زندگی مدرن، ابزارها و تبعاتش و مفاهیم شهرسازی غربی به کشور، انگاره‌ها و اصول و مفاهیم سنتی محله ایرانی مورد بی‌توجهی قرار گرفته و مفاهیم جدیدی در نظام شهرسازی کشور پدیدار گشته است. به همین ترتیب مفهوم و تعریف نوینی از محله نیز در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری تحت عنوان محله قراردادی شکل گرفته؛ مفهومی که زمینه‌های فرسایش عاطفی افراد و کاهش تعلقات مکانی را سبب شده و باعث کاهش روحیه هم‌محله‌ای بودن و مشارکت ساکنان محله در توسعه محلات گشته است. در نتیجه در سال‌های اخیر، تعامل معنایی میان ساکنان و محلات به مثابه مکان سکونت از بین رفته و محله، دیگر نه به عنوان مسکن و مأمونی آرامش‌بخش بلکه فضایی برای بیتوته و اقامتگاه شبانه ساکنانش شده است. بر پایه تحولات پدید آمده در ارتباط و تعامل میان ساکنان و محلات، ادراک آنان از محیط زندگی و به تبع آن مفهوم محله نیز دگرگون شده و مفاهیم جدیدی شکل گرفته که کمتر اثر و نشانه‌ای از اصالت گذشته خود دارد. تامل بر مسائل مطرح شده توسط پژوهشگران می‌تواند نقطه تامل و عاطفی برای بازنگری ایجاد کند. از این رو هدف این مقاله، تحلیل و ارزیابی مولفه‌های ادراک محله از نظر ساکنان آن است. محله‌ای که مکانی معنادار و بستر سکونت به مفهوم متعالی آن محسوب می‌گردد.

روش تحقیق

در این پژوهش، ترکیبی از روش‌های تاریخی و تفسیری و تجزیه و تحلیل محتوای داده‌ها به کار گرفته شده است. بدین ترتیب در نیل به هدف پژوهش ابتدا بسط و شرحی بر چند اصطلاح کلیدی پژوهش آورده شده است. محله، مکان و سکونت اصطلاحاتی است که تعابیر متنوعی از اندیشمندان حوزه‌های مختلف دانش‌های شهری بر آنها جاری و صادق است؛ لذا در گستره آراء و نظریات و رویکردهای متنوع به موضوع، این پژوهش ابتدا به معرفی و تحلیل تعاریف و دیدگاه‌های مورد پذیرش و مطلوب خود از مفاهیم مکان، محله و سکونت خواهد پرداخت و سپس بر پایه آراء و دیدگاه‌های فلاسفه و آرمان‌گرایان شهر اسلامی از جمله فارابی، ابن‌خلدون، خواجه نصیرالدین طوسی، ملاصدرا و سهروردی پیرامون مفاهیم معنایی سکونت و ادراک مکان در شهر و محله ایرانی - اسلامی به بررسی و تحلیل مولفه‌های موثر بر ادراک مفهوم محله به مثابه مکان سکونت پرداخته خواهد شد.

عناصر و کیفیت‌هایی است که کاراکتر مکان را می‌سازد و به عنوان ماهیت مکان محسوب می‌شود (پیشین: ۷۸ و ۷۳). به عبارتی مکان را می‌توان با طبقه‌بندی بسه «فضا» و «کاراکتر»، تجزیه و تحلیل کرد. در حالی که فضا نشان‌دهنده سازماندهی سه بعدی عناصری است که مکان را می‌سازد و کاراکتر، به وجود اتمسفر عمومی مکان اشاره می‌کند که در واقع جامع‌ترین خاصیت هر مکانی است (پیشین: ۲۱۸). از نظر ادوارد رلف، مکان‌ها ذاتاً کانون گرد آمدن معناها هستند؛ معنایی که در تجربه‌های ما شکل گرفته‌اند. انسان‌ها چه به صورت فردی و چه گروهی با الصاق معانی به فضاها، آنها را به «مکان» تبدیل می‌کنند (Tiesdell & Carmona, 2007: 101).

ادراک مکان

ادراک انسان در مرکز هرگونه رفتار محیطی قرار دارد؛ زیرا منبع تمام اطلاعات محیطی است (مک اندرو و تی، ۱۳۸۷: ۳۶). شرایط ادراک، ظرفیت ادراک، ارزش‌ها و نگرش‌ها از عوامل تاثیرگذار بر ادراک انسان از محیط اطراف خود هستند (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۳۱). ادراک، بیش از ترکیب اطلاعات حاصل از اندام‌های حسی است و آموخته‌ها و باورهای فرد در شکل دادن به ادراک مؤثرند. از سوی دیگر، پیش‌فرض‌ها یا توقع فضایی یا به عبارت ساده‌تر، انتظارات ناظر از محیط و فضا که حاصل تجربیات محیطی مکرر در گذشته و برگرفته از حافظه شناختی اوست، در فرایند ادراک تأثیر بسیار دارد (براتی و سلیمان‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲۲).

اصطلاح مهم و کاربردی دیگر در این رابطه «تصویر ذهنی»^۱ است. تصویر ذهنی، مجموعه‌ای از اطلاعات و برداشت‌ها، دانسته‌ها، باورها، تجربه‌ها، حدس‌ها و انتظاراتی است که فرد از محیط پیرامون خود دارد. به عبارت دیگر تصویر ذهنی زمینه‌ای عاطفی است که انسان آن را در چارچوب ساختار شخصیتی‌اش (آگاهانه یا ناآگاهانه) از جنبه‌های ویژه‌ای از واقعیت تجربه می‌کند. در ارتباط با یک پدیده، مجموع طرح‌واره‌های^۲ ذهنی بر روی یکدیگر، تصویر ذهنی از پدیده را می‌سازند. میسائیل ترب^۳ معتقد است در طراحی شهری، تصویر ذهنی، ترکیبی نمادین و البته سازمان یافته از محیطی مألوف است که اجزای آن در ضمیر شهروند نقش می‌بندد. نکته مهم و کلیدی در این است که این تصویر ذهنی نه تنها محیط کالبدی و اجزاء آن را بلکه تظاهر ساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از مکان را نیز دربرمی‌گیرد (لینچ، ۱۳۷۴ و ثقة‌الاسلامی، ۱۳۹۱: ۱۰۶-۱۰۸). در فرایند تولید تصویر ذهنی انسان، داده‌های دریافت شده از محیط در ذهن پردازش شده و پس از آن معنا می‌یابد. جالب این است که بر اساس یافته‌های ترب، برداشت ناظران یا به عبارت بهتر مخاطبان متفاوت از یک واقعیت در شرایط ادراکی همانند و یکسان، تا اندازه زیادی با هم همپوشانی داشته و حتی یکدیگر را تکمیل می‌کنند و انگاره‌های به اصطلاح گروهی می‌سازند (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۱۳۳).

پژوهش‌هایی نیز به عوامل ادراک مفهوم محله پرداخته شده که از آن جمله در مطالعه رحیمی و کرمی به چهار عامل فضایی، انسانی، عملکردی و زمینه‌ای به عنوان عوامل ادراک مفهوم محله اشاره شده است. (رحیمی و کرمی، ۱۳۹۸)

همان‌طور که مشهود است در این پژوهش‌ها مولفه‌های ارائه شده برای ادراک محله عموماً همان مولفه‌های کلی و عام کالبدی، کارکرد و معنا هستند که بر اساس مبانی نظری ادراک مکان و بیشتر متکی بر آراء اندیشمندان آکادمیک عموماً غیر ایرانی و بعضاً ایرانی ارائه شده و به ندرت به بسط معیارها و عوامل هر یک از مولفه‌های کلی مذکور پرداخته شده است؛ خصوصاً اینکه رویکرد پژوهش حاضر علاوه بر بسط مولفه‌های کلی ادراک مکان و تعیین معیارهای هر یک، تبیین عوامل ادراک محله به مثابه مکان سکونت، آراء و نظریات اندیشمندان متقدم اسلامی (آرمان‌گرایان مدینه فاضله اسلامی) است که در پژوهش‌های پیشین به آن اشاره‌ای نشده؛ حتی در پژوهش‌هایی که در حوزه مطالعات شهر اسلامی به نظریات این اندیشمندان رجوع شده نیز صرفاً مقولات و مفاهیم کلی در باب مفاهیم اجتماعی یا دینی در مقیاس کلان شهر مورد توجه بوده است.

ادبیات و چارچوب نظری تحقیق

بررسی آراء و نظریات اندیشمندان پیرامون مفهوم محله، ضمن ارائه چند رویکرد، بیانگر ارتباط چند اصطلاح کلیدی و موثر بر این مفهوم است. با توجه به هدف و رویکرد پژوهش، «مکان» و ادراک آن و «سکونت» از جمله مهم‌ترین این مفاهیم و تعابیر محسوب می‌شوند.

مفهوم مکان

در فرهنگ لغت جغرافیایی آکسفورد، واژه «مکان»، محلی قابل شناسایی برای موقعیتی است که ارزش‌های انسانی در آن بستر شکل گرفته و رشد یافته است. در تعریفی، مکان بخشی از فضا و دارای بار ارزشی و معنایی معرفی شده است (مدنی‌پور، ۱۳۷۹: ۳۲). همچنین آن را نتیجه برهم‌کنش سه مؤلفه رفتار انسانی، مفاهیم و ویژگی‌های فیزیکی تصور کرده‌اند. از این رو مکان را می‌توان تجربه عرصه درونی در برابر عرصه بیرونی دانست (افشارنادری، ۱۳۷۸: ۴).

پدیده مکان از دیدگاه نوربرگ شولتز بر مبنای چارچوب نظری پدیدارشناسی، جلوه‌گاه عینی «دنیای زندگی» است (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۱۹۸) و فضای احساس و درک شده‌ای است که با خاطره عجین می‌گردد. از این رو، بخشی از معنای مکان را در تجربه‌ها و حالات روحی انسان جست‌وجو می‌کند. او همچنین هدف از ساختن را تبدیل محل به مکان می‌داند، یعنی آشکارکردن معانی بالقوه‌ای که در محیط داده شده است (پرتوی، ۱۳۸۷: ۱۲۱). بنابراین مکان، چیزی بیش از یک محل انتزاعی است و دربردارنده مجموعه

عوامل فیزیکی، فعالیت‌ها و معانی، سه عامل اصلی موثر بر ادراک مکان‌ها هستند (Relph, 1976; Steele, 1981; Montgomery, 1998: 97). دو عنصر اول از این عوامل را شاید بتوان به آسانی درک کرد؛ اما درک معنا بسیار دشوارتر است. مکان از طریق معانی که مهم‌ترین مولفه به شمار می‌رود قابل درک است (Relph, 1976). به باور معمار هلندی آلدوفان ایک،^۴ فضا در تصور انسان تبدیل به مکان می‌شود و زمان در تصور انسان مناسبت را می‌آفریند. (Carmona & et al, 2003: 98)

محلّه به مثابه مکان

به همین اعتبار محلّه نیز از طریق ساکنان و جریان زندگی آنها که خود جزئی از مولفه‌های مکان‌اند معنا یافته و در تصور آنها ادراک می‌شود و البته مناسبات مختلف زمانی بر ادراکات ساکنان محلّه تاثیر خواهد گذاشت. به بیانی عام‌تر، محلّه به مثابه مکانی حاوی معناست. مکانی که معنای خود را از عوامل مختلفی چون نگرش‌ها، خاطرات، تعلق افراد با محلّه، نام محلّه، روایات پیرامون محلّه، تجارب و سایر پیوندهای معنوی با محلّه بازمی‌یابد.

مفهوم و چیستی محلّه

با پذیرش ماهیت مکان برای محلّه، در ادامه به تبیین و تحلیل تعاریف و مفاهیم محلّه با تاکید بر مولفه‌های معنایی آن خواهیم پرداخت. با توجه به هدف پژوهش یعنی تبیین مولفه‌های ادراک مفهوم محلّه از دیدگاه آرمان‌گرایان شهر اسلامی، بیشتر آراء نظریه‌پردازان متعددی که محلّه ایرانی - اسلامی را در مدینه فاضله تجسم کرده‌اند مطلوب پژوهش بوده است؛^۵ گرچه مجموعه آراء اندیشمندان دیگر که با رویکرد تاریخی و یا کمی - عملکردی به محلّه پرداخته‌اند نیز به اختصار معرفی و تحلیل شده است.

به طور کلی دو دیدگاه در خصوص ماهیت محلّه‌ها قابل طرح‌اند: اول محلّه به عنوان موجودیت فیزیکی و دوم محلّه به عنوان یک ساختار اجتماعی (قرایی، ۱۳۸۷: ۸۷). به تعبیر دیگر این کلمه هم بر وضعیت فیزیکی مکان و هم بر گروه افرادی که در آن مکان زندگی می‌کنند، اشاره دارد و اکثر اندیشمندان در تعریف خود بر عوامل کالبدی و فیزیکی محلّه و یا بر عوامل اجتماعی و فرهنگی و یا بر هر دو تأکید کرده‌اند (کلانتری خلیل آباد و ملاحسینی اردکانی، ۱۳۹۱: ۴۰ و ۴۱).

در مجموع با بررسی آراء و نوشته‌های اندیشمندان ایرانی می‌توان نگرش آنها در تعریف محلّه را به سه گروه اصلی تقسیم نمود: گروه اول تاکید بر هویت تاریخی و فرهنگی را سرلوحه قرار داده و به مفهوم محلّه بیشتر با رویکرد تاریخی توجه کرده‌اند و تعریف آنها از مفهوم محلّه برگرفته از همان مفهومی است که در گذشته جاری بوده است. گروه دوم سعی کرده‌اند تا محلّه را در دوره معاصر و با نوعی نگرش قیاسی و تکمیلی بر تعاریف غربی و با غلبه رویکرد کمی و عملکردی تعریف نمایند. گروه سوم که با توجه به هدف این پژوهش بیشتر مدنظر خواهد بود، دسته‌ای از

اندیشمندان متقدم اسلامی هستند که با تاکید بر اجتماع و زیست اجتماعی و اسلامی شهرنشینان، نگاهی آرمان‌شهری به محلّه داشته‌اند. این دسته در تعریف مدینه فاضله خود نقش و جایگاهی ویژه برای محلات و ساکنان آن در اداره و سازماندهی شهر در نظر پرورانده‌اند. در ادامه به اختصار به این دسته‌بندی و با تشریح بیشتر به آراء و نظرات اندیشمندان دسته سوم در خصوص مفاهیم شهر و محلّه آرمانی اسلامی خواهیم پرداخت.

۱. رویکرد تاریخ مینا و نقدگرا بر محلات

با بررسی آراء اندیشمندان این رویکرد، می‌توان به چند نگرش همسو و مشابه برگرفته از نگاه تاریخی به محلّه اشاره کرد که البته تقریباً همه آنها در پذیرش بی‌کم و کاست اعتبار و کمال محلات تاریخی مشترک‌اند.

به تعبیر اشرف، محلات شهر سکونتگاه گروه‌های قومی، نژادی، مذهبی و صاحبان پیشه‌ها بود. در شهرهای بزرگ گاهی هر محلّه برای خود شهری بود نیمه‌مستقل با بازارها، مساجد، گرمابه‌ها و روابط اجتماعی و سازمان اداری مشخص که وابسته به حکومت شهر بود (اشرف، ۱۳۵۳: ۳۵۰).

در تعریف پاپلی یزدی، محلات مسکونی در شهرهای ایرانی، حوزه‌هایی اجتماعی بوده‌اند که تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، آنها را از همدیگر جدا می‌کرده است (پاپلی یزدی، ۱۳۶۶: ۲۵). شکویی معتقد است محلّه از تجمع، پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط محکم همسایگی و اتحاد غیررسمی میان گروهی از مردم به وجود می‌آید (شکویی، ۱۳۶۹).

پیرنیا محلّه ایرانی را چنین توضیح می‌دهد: «محلّه یا کوی، یک شهر کوچک در دل شهر بوده که برای خودش بازارچه، مسجد، مدرسه و ... داشته است». وی معتقد است پس از ورود اسلام به ایران، محلات بنا بر اشتراکات موجود (مثلاً بر اساس همشهری بودن، فعالیت‌های مشترک و ...) شکل می‌گرفتند (پیرنیا، ۱۳۷۱).

فلامکی برخی ویژگی‌های زندگی محلّه‌ای شهرهای ایران را در خودکفایی و استقلال نسبی، زندگی و تحرک اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حجاب سکونتی، همزیستی محلی و ... دانسته است (فلامکی، ۱۳۷۴: ۱۳۲). همچنین وی در اشاره به یکپارچگی اجتماعی شهر ایرانی در گذشته معتقد است نمی‌توان خطوط مرزی کاملاً مشخص و پایداری بین محلات ترسیم نمود (پیشین: ۱۳۶).

علاوه بر اندیشمندان متقدم که بدان‌ها اشاره شد سایر پژوهشگران نیز در خصوص محلّه و ویژگی‌های آن مواردی را آورده‌اند که عموماً برگرفته از تعاریفی است که ذکر شد. از نگاه ایشان، محلّه تحت شرایط اقتصادی، اجتماعی زمان خود کارکردی مناسب به عنوان سکونتگاه در قالب سلول‌های شهری ارائه می‌داد و عاملی در جهت تجلی بخشیدن به اصل سلسله‌مراتب و حریم در شهرها بود (باستانی‌راد، ۱۳۹۱: ۶؛ عبداللهی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۶ و نقی‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۳۱).

ابونصر فارابی (متولد ۲۵۷ ه. ق / ۸۷ م) انسان را موجودی می‌داند که به صورت طبیعی حیات مدنی دارد و نیازمند اموری است که جز با جمع و در جمع و به کمک جمع برطرف نمی‌شود (نفسی، ۱۳۶۸: ۲۵). اجتماعات از نظر فارابی در یک تقسیم کلی به دو بخش کامله و غیر کامله تقسیم می‌شوند. اجتماع غیرکامل به تجمعی اطلاق می‌شود که به مرحله مدنیت و شهرنشینی نرسیده باشد و به تعبیر جامعه‌شناختی یک جامعه کامل و فرهنگ تامی به وجود نیامده باشد. در این جامعه ساخت اقتصادی، سیاسی، مذهبی، معرفتی، تربیتی و اخلاقی مستقلی تشکیل نشده بلکه تابعی از یک امت و یا به تعبیر دیگر تابعی از نظام و سیستم کلی مدینه و جامعه است. اجتماع ده، اجتماع محله، کوی و منزل که کوچک‌ترین نوع اجتماع است، چنین اند. اجتماع و زندگی جمعی در سیر صعودی هنگامی به اولین مرتبه کمال قدم می‌نهد که مدینه تشکیل شود (خوش‌رو، ۱۳۸۳: ۵۱ و ۵۲). پس مدنیت و مدینه‌نشینی اولین مرتبه سیر تکاملی زندگی اجتماعی انسان به شمار می‌رود که به نظر فارابی دائماً در حال گسترش و تعالی است. هرچه مدنیت گسترده‌تر و پیچیده‌تر شود انسان به کمال مطلق خود نزدیک‌تر می‌شود.

فارابی جامعه را همچون موجود زنده و یا بدن سالم و هدف نهایی مدینه فاضله را دستیابی به فضیلت، خیر، سعادت و کمال انسانی می‌داند. در نگاه وی شایستگی‌ها و قابلیت‌های افراد از دو منشأ «سرشت ذاتی» و «آموزش» سرچشمه می‌گیرد (فارابی، ۱۳۷۶: ۲۱۸-۱۹۶). از دید فارابی، عدالت در مدینه معیاری است که سایر موضوعات و مسائل مدینه بر اساس آن تعیین می‌شوند. تا زمانی که این معیار برپاست، مدینه بقا می‌یابد و هرگاه عدالت از محوریت خارج یا فراموش شود، مدینه دچار اضمحلال می‌شود (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۲۷۰). وی در خصوص دستیابی به سعادت، به لزوم تعاون و همکاری اشاره می‌کند؛ چرا که فضیلت عدالت با خودنگری و توجه به منافع فردی تحقق نمی‌یابد و باید با تعاون و همکاری، محبت و دگردوستی به اجرای عدالت پرداخت (ساروخانی و طالبی، ۱۳۸۸: ۶۲).

نتایج به دست آمده از آرای این دانشمند، حکایت از حس کمال‌خواهی، انسان‌دوستی، جمع‌گرایی و توجه به اصولی همچون عدالت، تعاون و همکاری، محبت و دگردوستی، مشارکت و آموزش در کنار سعادت جمعی که امری معنایی و اخروی است، دارد. در نظر فارابی روابط اجتماعی، شالوده زندگی اجتماعی است و اجتماع وسیله‌ای برای رسیدن به هدف یعنی کمال است که سعادت دنیا و آخرت را تأمین می‌کند. فارابی سعادت و فضیلت را تابع زمان و مکان نمی‌داند؛ به بیان دیگر مدینه فاضله به نقطه ویژه‌ای محدود نمی‌گردد و می‌تواند در همه جای عالم منتشر و مستقر شود. از این رو گرچه محله به عنوان یک اجتماع غیر کامله تلقی می‌گردد که به مرحله مدنیت و شهرنشینی نرسیده؛ لکن

همان‌طور که آمد اندیشمندان این گروه مفهوم محله را در گذشته تعریف کرده و محله را یکی از اجزای اصلی ساختار شهرهای ایرانی اسلامی به شمار آورده‌اند.

۲. رویکرد عملکردمبنا و کمی‌گرا بر محلات

پژوهشگران این دسته به دنبال ارائه تعاریف و ویژگی برای محلات امروزی، در عین حال که نگاهی ناقد بر مسائل و محدودیت‌های محلات امروز در آنها دیده می‌شود. بر این اساس شیعه در تقسیم‌بندی کالبدی شهر به اجزای مختلف، به محله اشاره کرده و محله‌بندی را یکی از مراحل اصلی در برنامه‌ریزی یک شهر می‌داند. وی به تقسیم‌بندی محلات بر اساس جمعیت، مقیاس و ابعاد کمی می‌پردازد (شیعه، ۱۳۷۳: ۴۳۵). حبیبی و مسائلی با نگاهی مشابه بر اساس مشخصاتی چون فضاهای آموزشی، فضاهای تجاری و فضای سبز در هر محله، سرانه مورد نیاز، نوع ارتباطات، موقعیت، ضوابط طراحی و اولویت‌سازی کاربری‌ها به تعاریف مبتنی بر کمیّت و مقیاس از محله پرداخته‌اند (حبیبی و مسائلی، ۱۳۷۸: ۳۵). سعیدنیا نیز با تکیه بر معیارهایی مشابه واحدهای همسایگی غربی^۵ به تعریف «زیرواحد همسایگی»، «واحد همسایگی» و «محله» می‌پردازد که هر کدام مبنایی بر اساس مساحت و جمعیت دارند (سعیدنیا و ابوالمعالی، ۱۳۹۳).

همان‌طور که مشهود است در این دسته‌بندی محله در عصر حاضر تعریف و برای آن الگوهای متفاوت و مشابهی ارائه شده است. این اندیشمندان در راستای تهیه الگوی واحد محله‌ای در ایران، سعی در مشخص کردن اندازه، مساحت، جمعیت و کاربری‌های مورد نیاز و یا ویژگی عناصر و اجزای محله مشابه آنچه که در شهرسازی غرب با عنوان واحد همسایگی تعریف می‌شود، داشته‌اند.

۳. رویکرد مبتنی بر آرمان‌شهر اجتماع محور اسلامی بر محلات

به لحاظ مفهومی، آرمان‌شهر یا یوتوپیا تجسم شهری آرمانی مطابق با آرزویی کاملاً طبیعی برای انسان است. در واقع با تحقق این آرزو، پندار و رفتار و برگرفته از آن مکانی پیدا می‌شود که جمیع خیرها و فضیلت‌ها را در خود جای داده است و در آن از شرّ و شیطان خبری نیست. از نظرگاه حکمت اسلامی، انسان جاننشین خدا بر زمین بوده و خداوند از روح خویش در کالبد وی دمیده است. پس انسان باطن‌خدایی دارد. از این رو محیط زندگی و ظرفی که خلیفه‌الله در آن زندگی خاکی خود را می‌گذراند، باید متناسب با ماهیت الهی ذات انسان باشد. در واقع همان‌طور که انسان، کالبدی با روح الهی است، شهر، محله، خانه و در مجموع محیط زندگی او نیز باید روح الهی در کالبد خویش داشته باشد و در نتیجه ذهن کمال‌گرای انسان همواره به دنبال تشکیل یک آرمان‌شهر یا مدینه فاضله بوده است. در این قسمت به رویکرد متفکران و آرمان‌شهرگرایان اسلامی بر چیستی و ماهیت محله خواهیم پرداخت.

در نظر او این جامعه غیرکامل تابعی از نظام کلی جامعه و مدینه کامله یعنی تجلی گاه صفات عالیة فوق خواهد بود. در نتیجه اصولی که امروزه در جهت ارتقای جوامع انسانی و پایداری جوامع شهری و یا محلی باید مد نظر قرار گیرد، در حقیقت بخشی از همان اصول مدینه فاضله‌ای است که انسان در هر اجتماعی باید در جست‌وجوی آن باشد.

ابن خلدون، فیلسوف مسلمان عرب و جامعه‌شناس شهیر سده‌های هشتم و نهم هجری قمری است. وی نحوه زندگی بادیه‌نشینان را بررسی می‌کند و آنها را گروهی می‌داند که به کشاورزی و دامپروری مشغول‌اند و از آنجا که برای پرورش حیوانات و گیاهان محتاج به چراگاه و زمین‌های حاصلخیزند، مجبورند که در دشت‌ها و صحراها زندگی کنند؛ ولی با بهتر شدن وضع اقتصادی این طوایف، خواست‌های تجملی و غیرضروری مورد توجه قرار می‌گیرد و درصدد توسعه خانه‌ها و بنیان‌گذاری شهرهای کوچک و بزرگ برمی‌آیند. از آنجایی که خواست‌های ضروری، مقدم بر نیازهای تجملی بشر است، بادیه‌نشینان به منزله اصل و منشأ شهرها و مقدم بر شهرنشینی است (لاکوست، ۱۳۸۶: ۲۵۰-۲۴۱). به نظر می‌رسد ابن خلدون منشأ پیدایش شهرها را با نحوه زندگی اقتصادی بشر مرتبط می‌داند.

وی در کتاب «المقدمه» به ویژگی‌ها و خصوصیات شهر، شهرنشینی، اخلاق شهروندی و رابطه انسان با شهر و تأثیر مردم در روند رشد و توسعه شهر اشاره می‌کند. با مطالعه آراء ابن خلدون این نتیجه به دست می‌آید که از مهم‌ترین صفات شهر مطلوب، توجه به مشارکت‌های مردم و تعلقات اجتماعی افراد نسبت به محل زیست خود و دیگر شهروندان است که وی از آن به عنوان «عصبیت»^۷ یاد می‌کند. وی متذکر می‌شود ظهور شهری که رو به سمت توسعه و رشد پایدار دارد، نتیجه تلاش همگانی و همکاری آحاد مردم با یکدیگر و با طبقه حکمران و یا همان حضور عصبیت است (نقی‌زاده و محتشم امیری، ۱۳۹۴: ۷۳-۷۲). در واقع ابن خلدون جامعه‌ای که پیشرفت و تمدن شهرنشینی و پاکی اخلاق و عصبیت بادیه‌نشینان داشته باشد را جامعه مطلوب می‌داند. تجلی مصادیق عصبیت در جامعه شهری، احساس تعلق به شهر و محله را افزایش می‌دهد. این مفهوم موجب ایجاد غرور و یکپارچگی قومی و محلی شده و احساس مسئولیت هر فرد نسبت به جامعه خود از جمله محله را سبب می‌گردد و روحیه تعاون، یاری و احسان در میان ساکنان را تقویت می‌کند. همچنین این اصل موجب پویایی، سرزندگی و تحرک اجتماعی شهروندان و به خصوص ساکنان محله می‌گردد و مشارکت، روابط اجتماعی و اجتماع‌پذیری در هر سطحی از اجتماعات به‌ویژه جامعه محلی را ارتقاء می‌بخشد.

خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۸ ه. ق) در کتاب اخلاق ناصری خود به کلمه تمدن اشاره می‌کند و می‌نویسد: «سعادت سه جنس

است ... سیم سعادت مدنی که به اجتماع و تمدن متعلق بود» (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۵۶: ۱۵۴). وی طبیعت انسان را مدنی (مدنی الطبع) می‌داند و باور دارد که کمال انسانی تنها در جامعه تحقق می‌یابد و نوشته است: «و چون وجود نوع بی‌معاونت صورت نمی‌بندد و معاونت بی‌اجتماع محال است پس نوع انسان بالطبع محتاج بود به اجتماع و این نوع اجتماع را تمدن خوانند و تمدن مشتق از مدینه بود و مدینه موضع اجتماع اشخاصی بود که با انواع حرفت‌ها و صناعت‌ها تعاون می‌کنند... اینجا نیز غرض از مدینه نه مسکن اهل مدینه است، بل جمعیتی مخصوص است میان اهل مدینه» (پیشین: ۱۴۰). بنابراین واژه تمدن و مدینه هم‌ردیف اجتماع قرار می‌گیرد و زندگی اجتماعی زمینه شکل‌گیری تمدن است. به بیان دیگر مفهوم شهر در جنبه اجتماعی آن و نه در کالبد و ساختار شهر است؛ همچنین آورده است: «چون نوع انسان در بقای شخصی و نوع به یکدیگر محتاجند و وصول ایشان به کمال بی‌بقا ممتنع، پس در وصول به کمال محتاج یکدیگر باشند و چون چنین بود کمال و تمام هر شخصی به دیگر اشخاص نوع او منوط بود. ... مدار کار انسان بر معاونت یکدیگر است و معاونت با تساوی صورت می‌بندد» (پیشین: ۲۵۵). در نتیجه از دیدگاه خواجه نصیرالدین نیاز انسان‌ها به خاطر همکاری کردن باعث پدیدآمدن جامعه شده و از آن مهم‌تر آنکه نیل به کمال را مطلقاً در زیست جمعی و در تعاون و همکاری با یکدیگر دانسته، چرا که هیچ‌کس در حالت فردی، توان برآوردن همه احتیاجات خود چه جسمی و چه روحی را ندارد.

خواجه نصیرالدین اجتماعات انسانی را به دو قسمت تقسیم می‌کند: یکی آنچه سبب آن از خیرات باشد و دیگر آنچه سبب آن از شرور باشد. اولی را مدینه فاضله و دومی را مدینه غیرفاضله نامیده است. وی نهایت کوشش شهروندان در مدینه فاضله را فراهم آوردن نیکی و از بین بردن بدی‌ها می‌داند (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۵۶: ۲۸۳-۲۸۲).

بنا بر آنچه آمد مدینه فاضله در آراء خواجه نصیرالدین با مفاهیم اجتماعی تعریف گردیده، همچنین مشارکت شهروندان در راه رسیدن به خیر را امر اصلی این اجتماع و کمال‌گرایی را صرفاً در زیست جمعی و با استمرار همکاری، معاونت، عدالت، تساوی و نیکی میسر دانسته است.

ملاصدرا (متولد ۹۸۰ ه. ق)، انسان را موجودی اجتماعی می‌داند. وی این اصل را این‌گونه بیان می‌کند: «شکی نیست که انسان نمی‌تواند به کمال مطلوب برسد مگر با تشکیل اجتماعی که در رفع نیاز با هم تعاون داشته باشند. از این روست که اجتماعات انسانی زیادی تشکیل یافته است که برخی از آنها جامعه کامل و برخی دیگر ناقص‌اند» (وحیدی برجی، ۱۳۹۴: ۷) به نقل از ملاصدرا، (۱۳۸۰). وی اجتماع جامعه انسانی و امت و یک شهر را جزو اجتماعات کامله و اجتماعات اهل قریه و محله و کوچه

و اصلی‌ترین رکن اندیشه سیاسی شیخ اشراق را تشکیل می‌دهد و از این رهگذر وی ضرورت وجود حاکم را برای زندگی جمعی بشر تبیین می‌کند و به این ترتیب تمامی امور دنیوی انسان را در رسیدن به کمال و سعادت مورد توجه قرار می‌دهد. اندیشه سهروردی در مباحث اجتماعی توجه به مباحث انسان‌شناسی و ضرورت بررسی انسان در ظرف معرفت انسان اجتماعی است. در امور سیاسی، به ضرورت دولت و حکومت در سایه حکومت متاله اشاره می‌کند. در بخش اقتصادی، سهروردی با اشاره به بحث فقیر-غنی به رفاه شهروندان و دسترسی همگان به خدمات در خانه‌های کنار هم اشاره دارد (سهروردی، ۱۳۸۰). به تعبیری به اجتماعات محله‌ای و پرهیز از تبعیض‌های طبقاتی و اشرافی توجه دارد (فقیر و غنی در الگوی خانه‌های کنار هم، زندگی اجتماعی دارند؛ یعنی شهر و اجتماعات زیستی سهروردی اشرافی و طبقاتی نیست، پس چنین خانه‌هایی از نظر کالبد و سیما نیز نباید در تضاد با هم باشند). وی در رابطه با مسائل زیست محیطی شهر، به استفاده بهینه از بستر محیط و ارتباط با ظرفیت‌های آن توجه دارد و در ساخت کالبدی شهر به وحدت و یکپارچگی، سلسله‌مراتب و زیبایی‌شناسی اشاره می‌کند (سهروردی، ۱۳۸۰).

در مجموع، سهروردی ضمن توجه به زندگی جمعی در جوامع زیستی انسان‌ها و تأکید بر اهمیت وجود حاکم متاله، عدالت، تساوی و وحدت را جزء ضروری اجتماعات انسانی از جمله مدینه و محله می‌داند. همزیستی و همسانی اجزاء زیستگاه‌های انسانی در کالبد و سیما از دیگر نشانه‌های شهر، محله و جامعه زیستی فلسفه اشراقی است.

جمع‌بندی رویکرد اندیشمندان اجتماع‌منا و آرمان‌شهر‌گرا بر محلات

اندیشمندان این دسته که رویکردی آرمان‌گرایانه بر شهر و اجتماعات زیستی دارند به دنبال ترسیم رابطه انسان با خدا، اجتماع و محیط‌اند. به طور عام در شهر آرمانی متفکران اسلامی بیشتر روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد توجه قرار گرفته و اهمیت حیات معنوی هماهنگ با خلقت به تصویر کشیده شده و به روح و معنای جامعه و رای ظاهر اجتماعات توجه شده است. اندیشمندان این دسته عموماً محله را به عنوان یک اجتماع زیستی کامل نشده از مدینه فاضله تکامل یافته برمی‌شمرند. ایشان، تعاون و مشارکت و ارتباط همه جانبه شهروندان را اصل اساسی جامعه محلی برای نیل به اهداف تعیین شده زندگی بشری یعنی سعادت می‌دانند. افزون بر این، عدالت و توزیع مناسب خدمات برای همگان، سلسله‌مراتب دسترسی و زیبایی‌شناسی وحدت‌گرا از دیگر موارد اشاره شده در آثار این اندیشمندان بوده است. در مجموع تعلقات اجتماعی، مشارکت، تعاون و احساس مسئولیت اجتماعی در عین محبت از ویژگی‌های عام جوامع زیستی مطلوب این اندیشمندان

و خانه را ناقص می‌داند. از نظر او اجتماع کامله و مدینه فاضله آن است که در آن همه افراد مدینه برای رسیدن به غایت حقیقی و خیر حقیقی تلاش کنند (ملاصدرا، ۱۳۸۰). «انسان تنها قدرت ساختن آنچه که برای یک زندگی خوب احتیاج دارد را ندارد. پس مردمان ناچارند که با هم مشارکت و کمک کنند، از این رو خداوند برای هر گروه و قومی پیشه و حرفه‌ای که با صنعت و حرفه دیگری فرق دارد مقرر کرده است» (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۲۵۷). همچنین در خصوص تبعیت از قانون در زندگی اجتماعی آورده است: «زندگی اجتماعی بدون قانون ممکن نیست. در تخصیصات و تقسیمات قانون لازم است تا انسان‌ها در منازعه و مقابله نیفتند و طبق آن قانون به عدل حکم نمایند، و الا جمع فاسد و نظام مختل می‌گردد» (وحیدی برجی، ۱۳۹۴: ۸ به نقل از ملاصدرا، ۱۳۸۰). ملاصدرا متأثر از تفکرات فارابی، جامعه را مانند بدن انسان می‌داند. همان‌گونه که هر عضو برای کار خاصی است و اعضای بدن در یک درجه از اهمیت قرار ندارند، اعضای جامعه نیز هر یک برای کاری ساخته شده‌اند و اهمیتشان یک سطح نیست. در نتیجه، جامعه سالم جامعه‌ای است که در آن هر کسی مانند اعضای بدن، کار خود را انجام دهد در حالی که رهبری شایسته بر آن حکومت دارد (محمودی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸ و ۹).

با آنچه آمد مدینه فاضله ملاصدرا جایی است که همه افراد مدینه برای رسیدن به غایت و خیر حقیقی تلاش می‌کنند. او کمال انسان را در زندگی اجتماعی و تعاون با یکدیگر میسر و زیبایی و هنر را حاصل تعاون اجتماع می‌داند. گر چه ملاصدرا به علت عدم کفایت اجتماعات شکل گرفته در محله، آن را دارای نقصان می‌داند اما مشارکت، تعاون و قانون را لازمه تمامی جوامع زیستی و کمال را هدف غایی اجتماعات دانسته است.

سهروردی (۵۴۹-۵۸۷ ه.ق) و فلسفه اشراق اجتماع انسان‌ها را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌داند و از این رهگذر داناترین فرد اجتماع را برای رهبری آن در نظر می‌گیرد. پدیده مدنی در نظر سهروردی عبارت از زندگی جمعی و حیات مدنی انسان‌هاست. وی به ضرورت نیاز بشر به حکمت مدنی اشاره می‌کند. دولت یا به تعبیر خود او حکومت حکیم متاله (کسی که الهیات می‌داند، زاهد)، مطلوب نهایی است. وی از دولت با عنوان مهم‌ترین پدیده سیاسی در جامعه انسانی یاد می‌کند و ضرورت و ماهیت و جایگاه آن را مشخص می‌سازد (سهروردی، ۱۳۷۷: ۲۰-۱۸). در اندیشه سهروردی، امور ارادی و اختیاری همچون تهذیب نفس و تدبیر منزل و تدبیر مدن بر محور حد وسط استوار است و در نتیجه حکیم متاله در اندیشه سهروردی عهده‌دار برقراری عدالت، تساوی و وحدت در امور نامتناسب و نامساوی است (اسفندیار، ۱۳۹۲: ۱۲۹). با آنچه آمد حکمت مدنی‌ای که سهروردی از آن سخن می‌گوید علم به تمامی حقایق و پدیده‌های سیاسی ضمنی در جامعه انسانی است. زندگی جمعی انسان، نخستین

است که با رویکردهای مشابه یا متفاوت به تبیین آنها پرداخته‌اند. همچنین فارابی به عدالت و آموزش جمعی (آموزش شهروندی) به عنوان ویژگی اساسی اجتماعات اشاره کرده؛ ابن خلدون، روابط و تعلقات اجتماعی و احساس مسئولیت جمعی را جزء لاینفک اجتماعاتی چون محله برشمرد؛ خواجه‌نصیرالدین طوسی ضمن تأکید بر عدالت و تساوی، شاخصه‌های نیکویی و معاونت را برای اجتماعات از جمله محله ضروری دانسته و ملاصدرا علاوه بر موارد فوق بر نقش عدالت و قانون در زندگی اجتماعی تأکید کرده است. در نهایت شیخ اشراق، سهروردی در تبیین اندیشه‌های خود، بر زندگی جمعی در میان انسان‌ها و اهمیت حاکمیت متاله، عدالت، تساوی و وحدت در شهر و محله اشاره کرده و از این رو همسانی کالبد و سیمای زیستگاه‌های انسانی از جمله فقرا و اغنیاء را از نشانه‌های شهر، محله و جامعه مطلوب خود دانسته است.

انديشمند	صفات و ویژگی‌های جاری در محله از دیدگاه متفکران و آرمان‌شهرگرایان شهر اسلامی
فارابی	روابط اجتماعی، عدالت، تعاون و همکاری، محبت و دگردوستی، مشارکت، آموزش، سعادت جمعی، ارزش‌های فردی و اجتماعی
ابن خلدون	مشارکت، تعلقات اجتماعی، روابط و همبستگی اجتماعی، حس مسئولیت، حس تعلق، اجتماع‌پذیری، تعاون، یاری، احسان
خواجه‌نصیرالدین	زندگی اجتماعی، تعاون و همکاری، نیکویی، عدالت، امر خیر
ملاصدرا	زندگی و روابط اجتماعی، مشارکت، تعاون، قانون، امور خیر، سلسله‌مراتب
سهروردی	زندگی جمعی، همزیستی، عدالت، تساوی، وحدت، سلسله‌مراتب، معرفت انسانی

بازنمایی مفهوم سکونت در محله

پس از پذیرش مفهوم محله به مثابه مکان حاوی معنا و ارائه دسته‌بندی از تعاریف محله و ضمن بررسی و تحلیل مفهوم محله در مدینه فاضله اندیشمندان و متفکران اسلامی که مورد نظر این پژوهش است، در این قسمت برای تکمیل چارچوب نظری و دستیابی به گزاره کلیدی و نهایی پژوهش یعنی «محله به مثابه مکانی برای سکونت» مختصری به مفهوم «سکونت» پرداخته خواهد شد و در نتیجه تدقیق و تطبیق این سه مفهوم یعنی محله، سکونت و مکان و برگرفته از آراء اندیشمندان و آرمان‌شهرگرایان اسلامی، محله را به مثابه مکانی برای سکونت دانسته‌ایم و در انتها عوامل موثر بر ادراک مفهوم محله به مثابه مکان برگرفته از دیدگاه متفکران فوق ارائه خواهد شد.

مفهوم عام سکونت

«سکونت» از ریشه «سکن» به معنی «آرام و قرار» است. این واژه در لغت‌نامه دهخدا به معنای «اقامت»، «آرامش» و «سکون» و در فرهنگ معین به معنای «اقامت کردن»، «ماندن» و «آرامش» است.

سکونت در حوزه‌های مختلفی از دانش، مفهوم پردازی شده است و اندیشمندان مختلف ایرانی و غیرایرانی با رویکردهای متفاوت به این مفهوم پرداخته‌اند. در حوزه فلسفه در میان اندیشمندان غیرایرانی، هایدگر و سایر اندیشمندان متأثر از وی از جمله شولتز، متیس استوک، کریستوفر الکساندر و ... از جمله نظریه‌پردازانی هستند که با رویکرد پدیدارشناسی مکان به معنای سکونت پرداخته‌اند. پدیدارشناسی، رویکردی برای تدقیق در احوال مردم و دنیای آنهاست و برای اشیاء، موضوع و ماهیتی بیش از سطح ظاهری‌شان قائل است. از این منظر، مکان نیز چیزی بیشتر از یک مجموعه مفرد از عناصر است. این اندیشمندان بحث «فضائیت وجود انسان» و «سکونت» را مطرح کرده و معتقدند که ما نمی‌توانیم به انسان‌ها فکر کنیم بدون اینکه آنها را به عنوان موضوعاتی که در جهان جای گرفته‌اند در نظر بگیریم (کرننگ، ۱۳۸۳: ۱۵۴). هایدگر مفهوم سکونت و مسکن را با ساختن و تفکر و با مجموعه فعالیت‌های انسان و در آرامش قرار یافتن او در کنار هم قرار داده است (Heidegger, 1971: 348-349 و هایدگر، ۱۳۸۹: ۹) از منظر شولتز سکونت بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض است که این پیوند از تلاش برای هویت یافتن یعنی به مکانی حس تعلق داشتن، ناشی گردیده است (شولتز، ۱۳۸۱: ۲۶). متیس استوک پیشنهاد می‌دهد که به جای نگرش «در فضا بودن» از مفهوم «ارتباط و تعامل با فضا» استفاده شود (دودانگه، ۱۳۹۶). کریستوفر الکساندر هویت هر مکان را حاصل تکرار پی‌درپی الگوهایی ویژه از رویدادها در آن مکان می‌داند. در نظر او الگوی رویدادها لزوماً انسانی نیستند؛ هر آمیزه‌ای از رویدادها که پیوندی با سکونت ما داشته باشد، بر سکونت ما تأثیر می‌گذارد. وی الگوهای مذکور را وابسته به فرهنگ و خصوصیات شخصیتی افراد می‌داند (الکساندر، ۱۳۸۱: ۴۷).

پژوهشگران ایرانی نیز در خصوص مفهوم سکونت نظراتی را ارائه داده‌اند، در حالی که عموماً برگرفته از آراء و اندیشه پدیدارشناسی چون هایدگر است. بر این اساس همه انسان‌ها با هر نوع تلقی و با وجود اختلاف مراتب و روش، در پی سکونت و آرامش راستین‌اند. از آنجا که خاستگاه سکونت، اساساً مقوله‌ای درونی و متعلق به نفس یا ذهن انسانی است، تنها محیطی از جنس و متناسب با آن می‌تواند زمینه بیرونی سکونت را فراهم کند (طاهری، ۱۳۹۲: ۱۸). از منظر عرفان اسلامی مکان سکونت انسان، مکانی است که جسم انسان را در خود جای می‌دهد؛ یعنی ظرفی که درون آن گوهری به نام انسان جای می‌گیرد. این فضا با عالم کیهان پیوند می‌خورد و دو عالم کبیر و صغیر در آنجا به یکدیگر متصل می‌شوند (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۵۱). به تعبیر شریعتی، انسان دینی و سنتی یک شدن است و نه یک بودن. این انسان فناشونده نیست، بلکه در حال شدن و تکامل است و تنها در روز رستاخیز است که به بودن می‌رسد و قابل تعریف می‌گردد (شریعتی، ۱۳۵۹: ۹۳).

را با معنا و جذاب می‌سازد؛ حال آنکه بسیاری از خاطرات ما در فضایی مابین خانه و شهر شکل گرفته است (فولادی دهقی، ۱۳۹۱). سکنی‌گزینی به منزله «خصلت اصلی بودن» بیانگر اشتیاق انسان به تعلق به محیط است؛ اینکه در یک مکان، راحتی و الفت را حس کنیم (کشفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۳). با آنچه آمد مفهوم سکونت در محله به عنوان یک عرصه اجتماعی معنادار اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. به تعبیر دیگر، محله، مکانی به مثابه مسکون انسان و مامن آرامش او و نه فضای صرف اسکان اوست. مکانی که از پیوند معنادار بین محیط و انسان و رفتارهای فردی و اجتماعی او پدید آمده و در گذر زمان، اصالت و حس تعلق را برای ساکنانش به همراه دارد.

مفهوم‌شناسی محله به مثابه «مکانی برای سکونت»

همان‌طور که پیش‌تر آمد محله به مثابه مکانی حاوی معنا تعریف و تبیین می‌گردد. از طرف دیگر سکونت، پیوند معنادار بین انسان و مکان و به مفهوم قرار و آرامش یافتن انسان و تجلی‌بخش هویت اوست. پس از تدقیق و تطبیق سه مفهوم محله، سکونت و مکان با بسط و ترکیب و تکمیل گزاره‌هایی که در بندهای پیشین بدان‌ها اشاره شد، شایسته است که محله را مکانی برای سکونت بدانیم.

محله پس از خانه مهم‌ترین قرارگاه سکونتی و اجتماعی انسان و طرفی است که بخشی از سکونت مطروف خود یعنی انسان را در خود جای داده است. از طرفی محله مفهومی است واجد ویژگی‌های عینی و ذهنی که به عنوان یک نهاد اجتماعی و پدیده ادراکی علاوه بر ظهور کالبدی و فضایی، مکانی معنادار است. به تعبیر شولتز پرداختن به مفهوم محله لزوماً توجه هم‌زمان به وجوه عینی و ذهنی و حسی مفهوم محله به مثابه مکان را می‌طلبد (وحدت سوژه و ابژه در زندگی) (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۸: ۷). در نظر او غایت سکنی‌گزیدن انسان روی زمین در مفهوم خانه شکل می‌گیرد. او همچنین برای خانه یک مضمون اجتماعی قائل است: خانه‌ها همانند اعضای خانواده به یکدیگر تعلق می‌یابند و شهر را شکل می‌دهند (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۷: ۱۹)؛ یعنی به واسطه این ارتباط و تعلق، خانواده‌ها نسبت به محله مسکونی همان احساس خانه مسکونی را دارند و با ورود به محله، خود را در یک محیط آشنا و خودی مثل خانه احساس می‌کنند (شکویی، ۱۳۶۹: ۴۹). بدین اعتبار، محله مکانی است برای سکونت؛ به عبارت دیگر پرداختن به محله، توجه هم‌زمان به وجوه عینی و ذهنی و حسی را می‌طلبد و از طرف دیگر محله در قلمروی شناخته شده ساکنان همراه با احساس تعلق به گروه معین تعریف می‌گردد و در نتیجه هویتی اجتماعی مکانی دارد که متأثر از ساکنان و مؤثر بر آنهاست.

لذا مکان سکونت نه به معنای جایی برای ماندن و بودن، بلکه مکانی برای شدن است. در نتیجه مکان سکونت به شدن انسان و هویت یافتن او کمک می‌کند. آرامش هم به مفهوم رسیدن به آرامش قلبی و قلب مطمئن است (لتطمئن قلوبهم؛ آل عمران، آیه ۱۲۶)؛ یعنی انسانی که قلب مطمئن دارد می‌تواند به آرامش برسد و هدف نهایی انسان، رسیدن به کمال الهی است. از این رو مکان سکونت در تفکر اسلامی یک حقیقت وجودی همسو با نیل به کمال مطلق الهی است. به تعبیری مکان سکونت انسان باید مظهر صفات و اسماء الهی باشد (عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا؛ بقره، آیه ۳۱). در نتیجه مفاهیم برگرفته از مظاهر الهی از جمله عدالت، زیبایی، وحدت و ... باید در مکان سکونت انسان متجلی گردد. بدین سبب مکان سکونت انسان، تبلور زمینی روح الهی و پاسخگوی نیازهای معنوی اوست. البته چنین مکانی برای سکونت انسان به تبع زمینی و خاکی بودنش و در حالی که هدف دستیابی به نیازهای معنوی وی است، برآورده‌کننده توأمان نیازهای مادی و نفسانی انسان است. از این رو مکان سکونت در تفکر اسلامی، تجلی‌گاه زیبایی ظاهر و باطن در کنار یکدیگر است. به عبارت دیگر مکان سکونت در اندیشه اسلامی، مکانی است که در زندگی انسان مسلمان نهادینه شده و رسیدن به کمال الهی را سبب می‌شود. یعنی سکونت در تفکر اسلامی مکانی مبتنی بر معانی والای زندگی اسلامی است و ماوراء کالبد و شکل تعریف می‌گردد. مکانی که در جریان تکوینی جهان، سیر تکامل انسان به کمال مطلوب را رهنمون می‌سازد.

بدین اعتبار در اسلام و قرآن تأکید ویژه‌ای بر اهمیت و جایگاه مفهوم سکونت و اهداف مادی و معنوی آن شده است و کالبد مادی مسکن همچون ظرفی برای زندگی اسلامی و مفاهیم والای خلقت برشمرده می‌شود. مسکن اسلامی جایی است که آرامش معنوی را در خود می‌پروراند و به واسطه آن موجبات تطیف و معنویت فضای زندگی و بستر پاسخگویی به نیازهای روحی انسان چون تفکر، عبادت و آرامش را فراهم می‌سازد. در شهر اسلامی، هدف تأمین آرامش و تعالی روح و وجود آدمی است. البته این آزادی شأن و تعریفی خاص دارد. این بدان معناست که مسکن اسلامی ویژگی‌هایی دارد که پاسخگوی جمیع نیازهای روحی روانی و جسمی و مادی انسان‌هاست (محمودی مهمان‌دوست، ۱۳۹۴: ۱۰۲). با توجه به تعاریف، سکونت به مفهوم به آرامش رسیدن انسان است. در واقع مکانی که در آن احساس آرامش برای انسان پدید آید را باید مکان سکونت نامید.

مفهوم سکونت در محله

ما برای نیل به مفهوم سکونت نه تنها نیازمند مسکنیم، بلکه به فضاهای پیرامونی و خارج از آن برای برطرف کردن نیازهای خود وابسته‌ایم. سکونت خارج از مسکن دربرگیرنده طیف گسترده‌ای از فعالیت‌هاست که فضاهای همگانی محلات و مناطق مسکونی

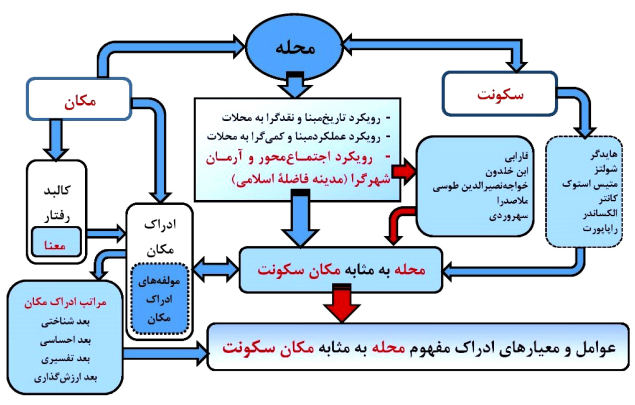


تعاملات اجتماعی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های جمعی در کنار تصور ذهنی از تعاملات اجتماعی ساکنان محله می‌تواند در ادراک از محله نقش ویژه‌ای داشته باشد. این مشخصه از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که آرمان‌شهرگرایان اسلامی بارها بدان اشاره کرده‌اند. تعاون، مشارکت و رفتارهای اجتماعی از اصول اولیه شکل‌گیری اجتماعات در مدینه فاضله است که جمله متفکران این دسته چون فارابی، ملاصدرا و ابن‌خلدون بر این اصل نظر داشته‌اند.

۲- کیفیت حس تعلق به محله: آلتمن و لو^۹ «تعلقات مکانی» را به عنوان بخشی از عوامل ادراک مکان مطرح نمودند. تعلق مکانی زمانی شکل می‌گیرد که ما احساساتمان^{۱۰} را به سوی مکان‌هایی که به لحاظ ادراکی برای ما آشنا هستند گسترش دهیم (Altman & Low, 1992). حس تعلق محله‌ای عبارت است از نوعی حس یکپارچگی با سایر اعضای اجتماع که مفهوم ذهنی محله بر آن بنا شده است (نادری و همکاران، ۱۳۹۳: ۸)؛ بر پایه نظریات متفکران آرمان‌شهر اسلامی به خصوص فارابی و ابن‌خلدون، تعلق خاطر به مکان سکونت از ویژگی‌های مهم ادراک مفهوم محله است. بررسی تاریخی محلات ایرانی نیز مبین نمود چنین ویژگی مشهودی با مظاهر مختلفی است تا جایی که حتی ساکنان با نام آن محله شناسایی می‌شده‌اند.^{۱۱}

۳- قلمرو، سلسله‌مراتب و حریم: قلمرو و سلسله‌مراتب از جمله معیارهایی است که به واسطه عناصر کالبدی و یا ادراکات ذهنی ساکنان از محدوده سکونت نمود یافته و تعریف می‌گردد و در نتیجه در ادراک ساکنان از مفهوم محله تاثیرگذار است. در اندیشه اسلامی حریم در مسکن به عنوان محل آرامش افراد، جایگاه ویژه‌ای دارد. حجب و پوشیدگی خانه مسلمانان، از ویژگی‌های شهر اسلامی است که در نقاط مختلف دنیا بر اساس فرهنگ، رسوم محلی، مصالح و ابزار موجود به شیوه‌های گوناگون رخ می‌نماید (Dudley, 1988: 83). به تعبیری حریم در محلات، سلسله‌مراتب در دسترسی از مراکز محلی، مرز محلات تا کوی و خانه‌هاست. این اصل به طور آشکار و یا ضمنی در توصیف مدینه فاضله متفکران اسلامی به چشم می‌خورد. همان‌طور که سهروردی نیز سلسله‌مراتب را امری مهم برای مدینه فاضله معرفی کرده است. در خوانشی دیگر، بزرگان مکتب اصفهان در تبیین آرمان‌شهر محقق خود یعنی اصفهان عصر صفوی متکی بر آراء اندیشمندان متقدم اسلامی از این ویژگی به دفعات یاد کرده‌اند.

۴- ارزش‌های فردی و اجتماعی در محله: به عقیده ادوارد رلف، ارزش‌های فردی و جمعی یکی از مولفه‌های موثر بر ادراک مکان محسوب می‌گردند. (رلف، ۱۳۸۹) برگرفته از پژوهش‌ها، ارزش‌های بیان شده توسط ساکنان در بعد اجتماعی اهمیت بیشتری دارد. نتایج مطالعات بیانگر این مطلب‌اند که در نظر ساکنان محله، ارزش‌های موجود در یک محله عبارت‌اند از: قدمت، منحصر به



مدل مفهومی پژوهش

نتایج و یافته‌ها

پس از پرداختن به تعاریف مکان و مفاهیم ادراک مکان از منظر مکان‌شناسان معناگرا، همین‌طور تبیین مفهوم سکونت و جایگاه آن در زیست محله در نگرش پدیدارشناسان و با عنایت به بسط مفهوم مکانیت محله و سکونت در آن، به عوامل و مولفه‌های ادراک مفهوم محله به مثابه مکان سکونت خواهیم پرداخت. در نیل به این هدف ملاک و تعریف این پژوهش از محله وابسته به رویکرد اندیشمندان و متفکران آرمان‌شهر اسلامی است؛ چرا که با توجه به تحلیل‌های پیشین، در این نگرش علاوه بر پذیرش کالبدی شهر و محله، به مولفه رفتار اجتماعی و معنا به عنوان عامل تعالی‌بخش فضا به مکان توجه ویژه‌ای شده؛ همین‌طور مفاهیم معنایی سکونت و تبلور ارزش‌ها و عقاید انسان و در مجموع فرهنگ در آراء این دسته از فلاسفه و عرفا بسیار مشهود و پررنگ‌تر است.

عوامل و مولفه‌های موثر بر ادراک محله به مثابه مکان سکونت

همان‌طور که آمد عوامل و فاکتورهای متنوعی در ادراک مخاطب از مکان نقش دارد که عموم آنها زیرمجموعه سه مولفه ساختار کالبدی و فیزیکی، رفتارها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و در نهایت معانی مستتر در مکان است. این عوامل ضمن تاثیر و تاثیر بر یکدیگر بر ادراک ساکنان از محله موثرند. در این بند به تدقیق و استخراج عوامل موثر بر ادراک مفهوم محله به مثابه مکان سکونت با توجه به مبانی نظری مکان‌شناسان معناگرا و پدیدارشناسان مفهوم سکونت و بر پایه آراء آرمان‌شهرگرایان اسلامی خواهیم پرداخت.

۱- تعاون، مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی: سطح ادراک فرد از مکان با مشارکت وی در فعالیت‌های مرتبط با مکان مرتبط است (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲: ۴۵ به نقل از shamai, 1991). مکان‌ها ظرف و بستری ارتباطات اجتماعی و فرهنگی قلمداد شده‌اند، تا آنجا که برخی مطالعات، ادراک مکان را بیشتر به آن ارتباط‌ها متناسب کرده‌اند تا به ماهیت فیزیکی مکان (مظلومی، ۱۳۸۹: ۱۴۵ به نقل از Altman & Low, 1992). در نتیجه تمایل به



فرد بودن، زیبایی، هماهنگی و وحدت که به عنوان مؤلفه‌های ارزش تاریخی مطرح شده‌اند و شخصیت و هویت، سرمایه اجتماعی و خاطرات جمعی که به عنوان مؤلفه‌های ارزش فرهنگی مورد نظر بوده‌اند (پورسراجیان، ۱۳۹۴: ۵۰-۴۸). بررسی نظامات پیشنهادی عرفا از مدینه فاضله بیانگر این است که با تعابیر مختلفی از اهمیت ارزش‌های فردی و اجتماعی در جامعه آرمانی یاد شده است. از نظر این متفکران هر آنچه که در نیل به سعادت و یا کمال و یا در تعابیری امور خیر به کار آید، تحت عنوان ارزش‌های جامعه برشمرده شده که از آن به «فضیلت» یاد کرده‌اند که البته با توجه با ماهیت اجتماعی آراء متفکران مدینه فاضله، طبیعی است که بسیاری از این فضایل، ماهیتی اجتماعی دارند؛ عدالت، سخاوت، احسان، دوستی، تعاون و... همه از فضایی است که اساساً در زندگی و مناسبات اجتماعی فرصت بروز و ظهور می‌یابند.

۵- عناصر کالبدی شاخص و نمادین محله: محققان بسیاری بر نقش عناصر کالبدی به عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری ادراک از مکان تأکید داشته‌اند. تعلق کالبدی به مکان برگرفته از عناصر و اجزاء کالبدی مکان به عنوان بخشی از فرایند شناخت و ادراک مکان محسوب می‌گردد. رایجر و لاوراکس در مطالعات خود به نقش مهم و اساسی کالبد اشاره کرده که بر این اساس، فرد محیط را به همراه عناصر کالبدی آن در شکل دهی معنا، به خاطر می‌سپارد. (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۸ به نقل از Lavrakas & Riger, 1981). پروشانسکی ۱۲ با تأکید بر نقش حس تعلق کالبدی در محیط از آن به عنوان بخشی از هویت مکانی یاد می‌کند. محیط‌های با خوانایی و تمایز کالبدی برای استفاده‌کنندگان جزء محیط‌های مطلوب بوده و شناخت و ادراک بهتری از سوی افراد در آن صورت می‌گیرد (مطلبی و جوان فروزنده، ۱۳۹۰: ۳۲). در آراء اندیشمندان آرمان‌شهر، انسان جانشین خدا بر زمین و دارای باطن خدایی است؛ لذا ظرف و محیط زندگی خاکی او نیز باید کالبدی متناسب با ماهیت الهی اش داشته باشد. از این رو فارابی، ابن‌خلدون و سهروردی به توصیف شهر آرمانی و ویژگی‌های کالبدی و جغرافیایی و ابنیه شاخص آن اشاراتی کرده‌اند.

۶- تأمین رفاه و خدمات محلی و رضایت‌مندی از محله: در مطالعه‌ای که لنسینگ و مارانز ۱۹۶۹ صورت دادند، رفاه و رضایت‌مندی به عنوان یکی از معیارهای اصلی سنجش کیفیت ادراک مکان مطرح گردید؛ بر این اساس «مکان با کیفیت بالا، احساس رفاه و رضایت‌مندی را به واسطه ویژگی‌هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی و یا سمبلیک باشد، به جمعیتش منتقل می‌کند» (رفعیان و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۵ به نقل از Lansing & Marans, 1969: 195-199). پس از پذیرش نقش رفاه و خدمات و پیامد آن رضایت‌مندی در ادراک مطلوب‌تر مکان، باید به نقش این مولفه در تبیین شهر آرمانی متفکران اسلامی اشاره نمود. بسیاری از صفات و شاخصه‌های مدینه فاضله

از جمله عدالت، آموزش، رفاه اجتماعی و... در مقابل عناصر شناخته شده‌ای چون مسجد، مکتب، مدرسه و بازارچه در محلات نشان از اهمیت وجود خدمات در محلات دارد، حتی آنجا که از تعاون و همیاری سخن گفته‌اند بخشی از نگرش آنها در همیاری و مشارکت با هدف تأمین بهتر نیازها و ارضاء خواست‌های فردی و اجتماعی مورد نظر بوده است؛ به خصوص در جایی که ابن‌خلدون سخن از تحول بادیه‌نشینی به شهرنشینی و یا استحاله ده به شهر را مطرح می‌کند، آنجا که فارابی از عدالت، آموزش و منافع اجتماعی سخن گفته، در کمال گرایسی و رفاه اجتماعی مطلوب خواجه‌نصیرالدین یا آنجا که ملاصدرا به تنوع صنعت و حرفه اشاره می‌کند و زمانی که سهروردی در بحث فقیر و غنی به خدمات و رفاه همگانی تذکر می‌دهد، همگی اهمیت تأمین رفاه و خدمات و رضایت‌مندی ساکنان از جامعه زیستی مطلوب و آرمانی را در نظر داشته‌اند.

بدین ترتیب شش عامل ذکر شده به عنوان مؤلفه‌های اصلی موثر بر ادراک مفهوم محله به مثابه مکانی برای سکونت انسان از پیامد بررسی و تحلیل مفاهیم مکان و سکونت و رویکرد معناگرایانه متفکران اسلامی بر سکونت انسان در مدینه فاضله استخراج و تبیین گردیده است که البته این عوامل خود در ارتباط با یکدیگر و مکمل هم‌اند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تبیین و تحلیل مؤلفه‌های ادراک مفهوم محله از دیدگاه متفکران آرمان‌شهر اسلامی نگاشته شده است. مراد از محله، نهادی اجتماعی است که علاوه بر کالبد و رفتار، دارای معناست و در نتیجه نه فقط مسکون ساکنان بلکه مکانی برای سکونت آنهاست. مکانی برای نمود مفاهیم متعالی و معانی والای سکونت و تجلی‌گاه ارزش‌های فردی و اجتماعی زندگی اسلامی. از این رو در این پژوهش ابتدا مفهوم مکان و نحوه ادراک آن بررسی و محله به منزله مکانی معنادار معرفی شده؛ سپس ضمن دسته‌بندی مفاهیم مختلف از محله، رویکرد متفکران مدینه فاضله اسلامی به عنوان دیدگاه مطلوب پژوهش معرفی شده است. پس از آن مفهوم عام سکونت و سکونت در محله بررسی و ارائه گردیده است. از نتیجه هم‌افزایی مطالعات نظری صورت گرفته، حقیقتی تحت عنوان «محله به مثابه مکانی برای سکونت» حاصل شده و در نهایت، به ارائه مؤلفه‌های ادراک مفهوم محله برگرفته از نگرش اندیشمندانی چون فارابی، ابن‌خلدون، خواجه‌نصیرالدین، ملاصدرا و سهروردی پرداخته شده است. نتیجه اینکه بر اساس رویکرد اجتماع‌محور آرمان‌شهرگرایان اسلامی، ادراک ساکنان از مفهوم سکونت و به تبع آن شکل‌گیری مفهوم محله را می‌توان تابع این معیارها دانست: ارتباط و مشارکت اجتماعی میان ساکنان؛ کیفیت حس تعلق به محله؛ قلمرو، سلسله‌مراتب و حریم در محله؛

ارزش‌های فردی و اجتماعی میان ساکنان؛ عناصر کالبدی شاخص و نمادین محله؛ و تامین رفاه و خدمات و کیفیت رضایت‌مندی از محله. به عبارت دیگر محله آرمانی در چنین تفکری، محله‌ای است که تعامل و تعاون جزء اصلی رفتارهای اجتماعی ساکنان باشد در حالی که ارزش‌های اجتماعی و فردی به صورت پیوسته در سکونت آنان جاری است و ساکنان از رفاه و رضایت-مندی مادی و روانی مطلوب برخوردارند. چنین محله‌ای با ادراک ساکنانش از محله پیوندی معنادار یافته و مظهر تعلقات مکانی آنهاست. مکانی که در تار و پود بافت و نحوه ساخت خود و در ادراکات ذهنی ساکنان، قلمرو و سلسله‌مراتبی از دسترسی‌ها و حرایم دارد و ظرف و محیط زندگی در آن متناسب با ماهیت الهی ساکنان و به تبع خلیفه‌اللهی انسان شکل گرفته است. در چنین مکانی ابنیه و عناصر کالبدی حاوی مفاهیم و نمادهای زندگی آرمانی اسلامی و تصویرساز مفهوم محله در ذهن ساکنان محله‌اند.

پی‌نوشت‌ها

1. Image (Subjective Image)
2. طرح‌واره (Schema) بر اساس میزان برخورد با پدیده و اطلاعات کسب شده از آن و تکمیل این اطلاعات توسط آنچه در ذهن ما موجود است، تشکیل می‌شود. در نتیجه طرح‌واره‌ها بخشی از اطلاعات دریافت شده و ادراک شده هستند که در مغز انسان جای گرفته و ماندگار می‌شوند (نقه‌الاسلامی، ۱۳۹۱: ۱۰۶).
3. Michael Trieb
4. Aldo van Eyck
5. پس از انقلاب صنعتی در غرب و در اوایل قرن ۲۰ میلادی، کلارنس آرتور پری، محله را به مثابه یک مفهوم برنامه‌ریزی شده در عرصه شهرسازی وارد نمود. بر این اساس، واحد همسایگی محدوده‌ای است که ساکنانش خدمات اجتماعی معینی مانند دبستان را به صورت مشترک استفاده می‌کنند. Utopia
6. ۷. عصبیت یا همان روح جماعت یا همبستگی اجتماعی، از مهم‌ترین مفاهیم مطرح شده توسط اِبسن خلدون در کتاب مقدمه به شمار می‌رود. این کلمه از ریشه «ع-ص-ب» به معنای پیوند دادن فرد به گروه مشتق شده است (نقی‌زاده و محتشم امیری، ۱۳۹۴: ۶۹).
8. Altman & Low
9. Place Attachment
10. در این خصوص اصطلاح حس مکان (Sense of Place) مطرح می‌گردد. حس مکان یک پیوند پویاست که فرد در نتیجه دل‌بستگی به مکان، هوشیاری نسبت به مکان، تعلق به مکان، رضایت از مکان و تعهد به مکان، آن را توسعه می‌دهد (Kaltenborn, 1998: 347). حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم و احساسات کم و بیش آگاهانه آنها از محیط خود است. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه می‌گردد (فلاح، ۱۳۸۵: ۵۷).
11. مانند پسوند شهر یا محله سکونت در نامگذاری افراد همچون، حیدری‌ها، نعمتی‌ها، پشت مسجدی‌ها، عودلاجانی‌ها، نظام‌آبادی‌ها و ...

فهرست منابع و مراجع

1. قرآن کریم، (۱۳۸۵)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، نشر جمهوری، تهران.
2. اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۸۰)، **حس وحدت؛ سنت عرفانی در معماری ایران**. ترجمه حمید شاهرخ، نشر خاک، تهران.
3. اسفندیار، رجب‌علی (۱۳۹۲)، «اندیشه سیاسی شیخ شهاب‌الدین سهروردی (۵۴۹-۵۸۷)»، **فصلنامه علمی پژوهشی سیاست متعالیه**، شماره ۳، صفحه ۱۲۸-۱۲۱، بهار.
4. اشرف، احمد (۱۳۵۳)، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، **نامه علوم اجتماعی**، دوره ۱، شماره ۴، صفحه ۴۹-۷.
5. افشارنژادی، کامران (۱۳۷۸)، «از کاربری تا مکان». **نشریه معماری**، شماره ۶، صفحه ۱۰-۴، پاییز.
6. باستانی‌راد، حسن (۱۳۹۱)، «کوی (محله) در شهرهای ایرانی سده‌های نخستین اسلامی». **نشریه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام**، شماره ۱۰، صفحه ۳۰-۱، بهار و تابستان.
7. براتی، ناصر و سلیمان‌نژاد، محمدعلی (۱۳۹۰)، «ادراک محرک‌ها در محیط کنترل شده و تأثیر جنسیت بر آن»، **فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر**، شماره ۱۷، صفحه ۳۰-۱۹، تابستان.
8. پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۶۶)، «محله». **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، دوره ۲، شماره ۴، زمستان.
9. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵)، مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری، تهران.
10. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۸)، سیر اندیشه‌ها در شهرسازی، جلد سوم (از فضا تا مکان)، انتشارات شهیدی، تهران.
11. پرتوی، پروین (۱۳۸۷)، **پدیدارشناسی مکان**، فرهنگستان هنر، تهران.
12. پورسراجیان، محمود (۱۳۹۴)، «ارزش‌های محله تاریخی و معیارهای تغییر در آن از نظر ساکنان»، **فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر**، شماره ۳۵، صفحه ۵۲-۳۹، مهر و آبان.
13. پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۱)، **آشنایی با معماری اسلامی ایران**، تدوین غلامحسین معماریان، چاپ اول، دانشگاه علم و صنعت، تهران.
14. نقه‌الاسلامی، عمیدالاسلام (۱۳۹۱)، **مفهوم محله در شهرهای معاصر ایران (با تحلیل نقشه‌های شناختی ساکنین)**، چاپ اول، سخن گستر و معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد.
15. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰)، **نظریه عدالت از دیدگاه فارابی**، امام‌خیمینی و شهیدصدر، پژوهشکده امام‌خیمینی و انقلاب اسلامی، تهران.
16. حبیبی، سید محسن و مسائلی، صدیقه (۱۳۷۸)، **سرانه کاربری‌های شهری**، انتشارات سازمان ملی زمین و مسکن، تهران.
17. حیدری، علی‌اکبر و مطلبی، قاسم و نگین تاجی، فروغ (۱۳۹۳)، «تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی»، **نشریه هنرهای زیبا**، دوره ۱۹، شماره ۳، صفحه ۸۶-۷۵، پاییز.
18. خوش‌رو، غلام‌علی (۱۳۸۳)، **شناخت انواع اجتماعات از دیدگاه فارابی و ابن‌خلدون**. نشر اطلاعات، تهران.
19. دودانگه، زهره (۱۳۹۶). انسان‌شناسی و فرهنگ. ۲۹ مهر: <https://anthropologyandculture.com>
20. رحیمی، لیلا و کرمی، اسلام (۱۳۹۸)، «ارزیابی عوامل مؤثر بر ادراک ساکنان از کیفیت‌های محیطی محله (مطالعه موردی: کوی گلشهر و پرواز تبریز)»، **فصلنامه مطالعات شهری**، دوره ۸، شماره ۳۰، صفحه ۴۰-۲۹، بهار.

۳۹. کرنگ، مارک (۱۳۸۳)، **جغرافیای فرهنگی**، ترجمه مهدی قرخلو، انتشارات سمت، تهران.
۴۰. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱)، **معماری و راز جاودانگی: راه بی‌زمان ساختن**، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۴۱. کلاتسری خلیل آباد، حسین و ملاحسینی اردکانی، رضا (۱۳۹۱). «تفاوت الگوی شهرسازی در میزان محله‌گرایی نواحی فرهنگی و جغرافیایی مشابه (مطالعه تطبیقی شهرهای اردکان و میبد)»، **نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۷، صفحه ۵۲-۳۹، بهار.
۴۲. لاکوست، آیو (۱۳۸۶)، **جهان‌بینی ابن‌خلدون**، ترجمه مهدی مظفری، دانشگاه تهران، تهران.
۴۳. لینچ، کوین (۱۳۷۴)، **سیمای شهر**، ترجمه منوچهر مزینی، دانشگاه تهران، تهران.
۴۴. محمودی مهماندوست، مرتضی (۱۳۹۴)، «معنا در مسکن؛ بازخوانی روایت مسکن دیروز برای زندگی امروز»، **نشریه علمی پژوهشی اندیشه معماری**، شماره ۲، صفحه ۱۱۲-۹۸، پاییز و زمستان.
۴۵. محمودی، سمیرا، احمدی، بهمن، محمدی، نازنین، رحمانی، مهرداد و برنافر، مهدی (۱۳۹۷)، «چستی آرمان‌شهر شیعی در آرای ملاحظه‌ها و آیت‌الله جوادی آملی»، **نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۳۲، صفحه ۱۶-۵، تابستان.
۴۶. مدنی پور، علی (۱۳۷۹)، **طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی**، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری تهران، تهران.
۴۷. مطلبی، قاسم و جوان فروزنده، علی (۱۳۹۰)، «مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن»، **مجله هویت شهر**، دوره ۵، شماره ۸، صفحه ۳۷-۲۷، بهار و تابستان.
۴۸. مظلومی، مازیار (۱۳۸۹)، «تأثیرپذیری ابعاد حس مکان از ادراکات ذهنی در محله‌های مسکونی شهری»، **مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری**، شماره ۳، صفحه ۱۵۰-۱۳۱، زمستان.
۴۹. مک‌اندرو، فرانسیس تی (۱۳۸۷)، **روان‌شناسی محیطی**، ترجمه غلام‌رضا محمودی، زریاف اصل، تهران.
۵۰. ملاصدرا (۱۳۶۳)، **اسرارالایات و انوارالبینات**، ترجمه محمد خواجه‌جو، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
۵۱. ملاصدرا (۱۳۸۰)، **المبدأ و المعاد**، ترجمه و تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی، بوستان کتاب، قم.
۵۲. میرغلامی، مرتضی و آیشم، معصومه (۱۳۹۵)، «مدل مفهومی ارزیابی حس مکان بر اساس مؤلفه‌های کالبدی، ادراکی، عملکردی و اجتماعی (مطالعه موردی: خیابان امام ارومیه)»، **فصلنامه مطالعات شهری**، دوره ۵، شماره ۱۹، صفحه ۸۰-۶۹، تابستان.
۵۳. نادری، احمد، شیرعلی، ابراهیم و قاسمی کفروزی، سجاد (۱۳۹۳)، «بررسی حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی» (نمونه موردی: محله نعمت‌آباد)، **نشریه مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، شماره ۳: ۲۰-۷، تابستان.
۵۴. نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد (۱۳۵۶)، **اخلاق ناصری**، به کوشش مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، نشر همراه، تهران.
۵۵. نفیسی، محمود (۱۳۶۸)، **سیری در اندیشه‌های اجتماعی مسلمین**، فارابی، ابن‌سینا، اخوان‌الصفاء، مسعودی، بیرونی، ابن‌خلدون. نشر امیری، تهران.
۵۶. نقی‌زاده، محمد (۱۳۷۶)، «مسجد، کالبد مسلط بر مجتمع اسلامی»، **مجموعه مقالات همایش معماری مسجد**، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان.
۵۷. نقی‌زاده، محمد و محتشم امیری، سعیده (۱۳۹۴)، «عصیت؛ مؤلفه‌ای اصلی در ایجاد حس تعلق و مطلوبیت فضای زیستی از دیدگاه
۲۱. رفیعیان، مجتبی؛ عسگری، علی و عسگری‌زاده، زهرا (۱۳۸۸)، «سنجش میزان رضایت‌مندی سکونت ساکنان محله نواب»، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، شماره ۶۷، صفحه ۶۸-۵۳، بهار.
۲۲. زلف، ادوارد (۱۳۸۹)، **مکان و بی‌مکانی**، ترجمه محمدرضا نقصان محمدی و کاظم ماندگاری و زهیر متکی، آرمان شهر تهران.
۲۳. ساروخانی، باقر و طالبی، رضا (۱۳۸۸)، «مدینه فاضله در اندیشه ابونصر فارابی»، **جامعه‌شناسی معاصر**، سال اول، شماره ۲، صفحه ۸۶-۴۹، بهار.
۲۴. سعیدنیا، احمد و ابوالمعالی، المیرا (۱۳۹۳)، «ارتقاء هویت محلات شهری با استفاده از روش چیدمان فضا»، **اولین همایش ملی افق‌های نوین در توانمندسازی و توسعه پایدار معماری**، عمران، گردشگری، انرژی و محیط زیست شهری و روستایی، انجمن ارزیابان محیط زیست هگمتانه، همدان.
۲۵. سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۷۷)، **حکمة الاشراق**، ترجمه سیدجعفر سجادی، دانشگاه تهران، تهران.
۲۶. سهروردی، یحیی‌بن حبش (شیخ اشراق) (۱۳۸۰)، **بخش طبیعیات از کتاب تلویحات**، ترجمه سیدحسین سیدموسوی، جابر، تهران.
۲۷. شریعتی، علی (۱۳۵۹)، **تاریخ تمدن**، جلد اول، دفتر تنظیم مجموعه آثار دکتر علی شریعتی، تهران.
۲۸. شکویی، حسین (۱۳۶۹)، **جغرافیای اجتماعی شهرها (اکولوژی اجتماعی شهر)**، چاپ دوم، جهاد دانشگاهی، تهران.
۲۹. شیعه، اسماعیل (۱۳۷۳)، «در جست‌وجوی سنت‌های فرهنگی در محلات مسکونی جدید»، **مجموعه مقالات سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران**، انتشارات سازمان ملی زمین و مسکن، تهران.
۳۰. طاهری، جعفر (۱۳۹۲)، «بازاندیشی مفهوم سکونت در معماری»، **دوفصلنامه مطالعات معماری ایران**، شماره ۴، صفحه ۲۲-۵، پاییز و زمستان.
۳۱. عبداللهی، مجید، صرافی، مظفر و توکلی‌نیا، جمیله (۱۳۸۹)، «بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران»، **نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، شماره ۷۲، صفحه ۱۰۲-۸۳، تابستان.
۳۲. فارابی، محمد ابن محمد (۱۳۷۶)، **ابونصر فارابی**، ترجمه و شرح حسن ملکشاهی، سروش، تهران.
۳۳. فلاحت، محمداصداق (۱۳۸۵)، «مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن»، **نشریه هنرهای زیبا**، شماره ۲۶، صفحه ۶۶-۵۷، تابستان.
۳۴. فلامکی، محمدمنصور (۱۳۷۴)، **باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی**، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
۳۵. فولادی دهقی، سیاوش (۱۳۹۱)، «الگوی سکونت خارج از مسکن (طراحی نمونه موردی: محله جلفا)»، **پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد**، به راهنمایی دکتر مهدی معینی و مشاوره دکتر عیسی حجت، پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران، تهران.
۳۶. قرایی، فریبا (۱۳۸۷)، «نقش خصوصیات کالبدی در افزایش تعاملات اجتماعی و ایجاد حس جامعه محلی (با توجه به مطالعه میدانی در دو محله شهر تهران)»، **مجموعه مقالات اولین همایش توسعه محلات تهران**، ۷۷-۶۷، دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، تهران.
۳۷. کشفی، محمدحسین؛ جواهرپور، حسام و کشفی، محمدعلی (۱۳۹۳)، «بررسی مبانی فلسفی «سکنی‌گزینی» از دیدگاه پدیدارشناسی با تکیه بر ارزش‌های اسلامی-ایرانی»، **فصلنامه اندیشه دینی**، دانشگاه شیراز، دوره ۱۴، شماره ۲، صفحه ۸۰-۵۵، تابستان.
۳۸. کاشی، حسین و بنیادی، ناصر (۱۳۹۲)، «تبیین مدل هویت مکان-حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن (نمونه موردی: پیاده‌راه شهری)»، **نشریه هنرهای زیبا**، دوره ۱۸، شماره ۳، صفحه ۵۲-۴۳، پاییز.

- ابن خلدون»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی- اسلامی، شماره ۱۹، صفحه ۷۵-۶۵، بهار.
۵۸. نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۱)، **معماری، حضور، زبان و مکان**، ترجمه علیرضا سید احمدیان، موسسه معمار نشر، تهران.
۵۹. نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۷)، **مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی**، ترجمه محمود امیرناراحمدی، نشر آگه، تهران.
۶۰. نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۸)، **روح مکان، به سوی پدیدارشناسی معماری**، ترجمه محمدرضا شیرازی، انتشارات رخداد نو، تهران.
۶۱. هایدگر، مارتین، (۱۳۸۹)، **هستی و زمان**، ترجمه سیاوش جمادی، انتشارات ققنوس، تهران.
۶۲. وحیدی برجی، گلдіس (۱۳۹۴)، «بررسی دیدگاه‌های ملاصدرا با تأکید بر ابعاد اجتماعی و مدینه فاضله»، **مجموعه مقالات همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی**، دانشگاه پیام نور استان گیلان، رشت.

63. Altman, Irwin. & low. Setha. M (1992). Place Attachment, A Conceptual Inquiry. Plenum Press, New York
64. Brocato, Elisabeth Deanne (2007). Place Attachment: An Investigation of Environments and Outcomes in a Service Context, Phd Dissertation in University of Texas at Arlington. Retrieved from <http://hdl.handle.net/10106/244>.
65. Carmona, Matthew and Heath, Tim and Oc, Tamer and Tiesdell, Steve (2003). Public Places- Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design, Architectural Press, Oxford.
66. Dudley, Woodberry (1988). "Guest Edition Lim Cities", Volum (15), No (3).
67. Heidegger, Martin (1971). Building dwelling thinking. Poetry, language, thought, Harper & Row, NewYork.
68. Kaltenborn, B.P (1998). "Effects of Sense of Place on Responses to Environmental Impact: A Case Study among Residents in an Arctic Community", Applied Geography, Vol (18), No (2): 169-189.
69. Lansing, J. B, and Marans, R. W (1969). "Evaluation of Neighborhood Quality", JAIP Journal (Journal of the American Institute of Planners, volume (35), No (3): 195-199.
70. Montgomery, J (1998). "Making a city: Urbanity, vitality and urban design", Urban Design, No (1): 93-115.
71. Relph, Edwards (1976). Place and Placelessness, Poin press, London.
72. Riger, Stephanie & Lavrakas, Paul J (1981). "Community ties: Pat-Terns of attachment and social interaction in urban neighborhoods". American Journal of Community Psychology, No (9): 55- 66.
73. Shamaj, Shmuel (1991). "Sense of place: an empirical measurement". Geoforum, Volume (22), No (3): 347- 358.
74. Steele, Fritz (1981). The Sense of Place, CBI Publishing Company, Boston.
75. Tiesdell, Steve & Carmona, Matthew (2007). Urban Design Reader: The Dimention of Urban Design, Architectural press, London

نقش عوامل موثر گردشگری فرهنگی در توسعه کار آفرینی شهر میراث جهانی یزد

مهدی باصولی^۱، سید سعید هاشمی^{۲*} (نویسنده مسئول)، محمدحسین ایمانی خوشخو^۳، سید حبیب الله میرغفوری^۴

^۱ دانشجوی دکترای مدیریت گردشگری، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران

^۲ دانشیار، عضو هیات علمی جهاد دانشگاهی

^۳ دانشیار، عضو هیات علمی جهاد دانشگاهی

^۴ دانشیار، عضو هیات علمی دانشگاه یزد

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۰

چکیده

پدیده گردشگری به دلیل ویژگی‌های منحصر به فردی که دارد، زمینه بسیار مناسبی برای ورود کارآفرینان است؛ با این وجود، به موضوع کارآفرینی گردشگری کمتر پرداخته شده و مدل‌های توسعه کارآفرینی در گردشگری به صورت محدودی مورد بررسی قرار گرفته است. این امر در مورد گونه‌های مختلف گردشگری، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند؛ به خصوص گردشگری فرهنگی که یکی از دیرپاترین و گسترده‌ترین گونه‌های گردشگری است. برای تدوین مدل توسعه گردشگری فرهنگی، ابتدا باید عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی گردشگری را شناخته و روابط آنها را با هم بررسی نمود. جامعه آماری این مطالعه که با هدف بررسی عوامل مؤثر بر کارآفرینی گردشگری فرهنگی و شدت روابط بین این عوامل، انجام شده، مالکان و ساکنان کسب و کار گردشگری، نخبگان دانشگاهی و فعالان بخش دولتی و خصوصی گردشگری در شهر میراث جهانی یزد بوده‌اند. در مرحله اول با استفاده از بررسی ادبیات نظری و مطالعه عمیق منابع، مصاحبه نیمه ساختار یافته با خبرگان و انجام روند نظریه داده‌بنیاد، عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه کارآفرینی شناسایی شده و در مرحله دوم به منظور بررسی روابط علی و شدت روابط آنها، از روش نگاشت شناختی فازی (FCM) استفاده شده است. بر اساس بررسی انجام پذیرفته سه عامل رفتاری، ساختاری و بسترها و شرایط محیطی بر توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی مؤثر بوده و عامل رفتاری بیشترین شدت رابطه را با متغیر توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی دارد. علاوه بر این مشخص گردید هر یک از عوامل مذکور با یکدیگر نیز رابطه داشته و برهم تأثیر می‌گذارند و از این طریق نیز می‌توانند بر متغیر توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی اثرگذار باشند.

واژگان کلیدی: توسعه کارآفرینی، گردشگری فرهنگی، عوامل مؤثر، نگاشت شناختی فازی.

مقدمه

گسترش بیکاری و نگرانی در زمینه اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی یکی از مسائلی است موجب شده محققان به مباحث مربوط به کارآفرینی دامن بزنند و به آن توجه کنند (بادسار و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۰۸). در واقع کارآفرینی به عنوان راهکاری موثر برای کاهش بیکاری و افزایش اشتغال پایدار مورد توجه قرار گرفته است و دولت‌های مختلف با استفاده از سازوکارهای مختلف تلاش نموده‌اند فرایندهایی را به کار گیرند تا کارآفرینی را توسعه دهند. فرایند توسعه کارآفرینی عبارت است از: افزایش احتمال و نرخ وقوع رفتار کارآفرینانه در کلیه ابعاد کارآفرینی؛ به عبارت دیگر افزایش فرصت‌های کارآفرینی، افزایش علاقه و انگیزه شهروندان برای انجام فعالیت‌های کارآفرینانه، توانمندی آنها برای موفقیت در اجرای فرایند کارآفرینی و ایجاد مکانیزم‌های حمایت و هدایت کارآفرینانه (الوانی و رودگرزاد، ۱۳۸۹: ۷۵).

از طرفی گردشگری با ویژگی‌هایی مانند تقاضای متغیر و خواهان نوآوری، قابلیت تولید ثروت در جوامع و توسعه اقتصادی و اجتماعی، بستری مناسب برای فعالیت‌های کارآفرینانه به شمار می‌رود (رکن‌الدین افتخاری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰۳) و یک عامل اصلی در رقابت بین کشورهاست؛ به خصوص کشورهایی که دارای ویژگی‌های فرهنگی، انسانی و یا طبیعی هستند که جاذبه‌هایی برای ورود گردشگر محسوب می‌شوند. گردشگری رویکرد جدیدی است که می‌تواند در توانمندسازی مردم محلی و توسعه منابع انسانی، تنوع‌بخشی اقتصادی و رشد آن، خلق فرصت‌های شغلی و ارتقاء استانداردهای زندگی از طریق تأمین خدمات اجتماعی نقش عمده‌ای را ایفا نماید (رضایی و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۸).

در عین حال که می‌توان گردشگری را یک صنعت و فعالیت اقتصادی دانست، می‌توان گفت گردشگری مجموعه‌ای است پیچیده و متشکل از پدیده‌های اجتماعی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم فرهنگ و اجتماع را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بسیاری از محققان بر این باورند گردشگری بیش از آنکه مفهومی اقتصادی باشد، مقوله‌ای فرهنگی هست. به همین سبب در دوران معاصر گردشگری به واقعیت مهم اجتماعی و فرهنگی تبدیل شده و فعالیتی است که با انسان و انگیزه‌ها، خواسته‌ها و نیازها و آرزوهای او که منبعث از فرهنگ جامعه است، ارتباط دارد. (ورهرامی و حامدی‌نسب، ۱۳۹۶: ۱۴۰) از این رو گردشگری فرهنگی که یکی از قدیمی‌ترین اشکال سفر است، هنوز هم یکی از اصلی‌ترین انواع گردشگری در بسیاری از نقاط جهان به شمار می‌رود (احمدی، ۱۳۹۷: ۸۰). قاعده بر آن است که با تقویت و توسعه کارآفرینی در زیربخش‌های مختلف صنعت گردشگری فرهنگی، علاوه بر ایجاد بستر مناسب برای رشد اقتصادی و کاهش نرخ بیکاری، زمینه مناسبی برای توسعه گردشگری در یک مقصد فرهنگی به وجود آورد.

برای توسعه کارآفرینی گردشگری باید عواملی را که می‌توانند بر گسترش آن تأثیرگذار باشند، شناسایی شوند و با تمرکز روی این عوامل راهکارهای توسعه را بررسی و عملیاتی نمود. توسعه کارآفرینی در گردشگری فرهنگی، با توجه به ویژگی‌های خاص این گونه از گردشگری و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل مقاصد این گردشگری، مستلزم توجه به بسترها و عوامل زمینه‌ساز متعددی است که هم در توسعه کارآفرینی و هم در توسعه گردشگری فرهنگی نقشی اساسی ایفا می‌کنند. در مدل‌های توسعه کارآفرینی دسته‌بندی‌های مختلفی برای این عوامل بسترساز در نظر گرفته شده و هر مدل به عوامل مشخصی توجه نموده است و اتفاق نظری در خصوص این عوامل وجود ندارد. از طرفی در بررسی مطالعات انجام شده، مشخص شده است که مطالعات جداگانه‌ای در زمینه توسعه کارآفرینی و توسعه گردشگری به خصوص توسعه گردشگری فرهنگی انجام پذیرفته، ولی مطالعات محدودی درباره توسعه کارآفرینی در این گونه از گردشگری صورت پذیرفته است.

برای طراحی مدل مناسب توسعه کارآفرینی در گردشگری فرهنگی، مدل‌های توسعه کارآفرینی و توسعه گردشگری به طور مجزا مورد بررسی قرار گرفته و بر اساس عوامل مؤثر بر آنها مدل جامعی طراحی شده است. شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی و بررسی ارتباط این عوامل با یکدیگر می‌تواند زمینه‌ساز طراحی این مدل‌ها باشد تا با استفاده از مدل‌های مذکور، و بررسی متغیرهای موجود در مدل، بتوان تغییرات توسعه کارآفرینی را تبیین نمود. این تحقیق می‌تواند به عنوان مقدمه‌ای برای طراحی مدل مذکور در نظر گرفته شود.

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های تحقیق حاضر محدود بودن تعداد متخصصانی است که در هر دو حوزه کارآفرینی و گردشگری، تجربه باشند. برای رفع این محدودیت، ابتدا مطالعات موجود پیشین به خصوص در حوزه مدل‌های توسعه کارآفرینی مورد بررسی قرار گرفته و سپس نظرات خبرگان در این زمینه جمع‌آوری شده است. به بیان دیگر با مطالعه مدل‌های توسعه کارآفرینی و مطالعات انجام شده در خصوص توسعه گونه‌های مختلف گردشگری، از یک سو و بررسی نظرات خبرگان با استفاده از نظریه داده‌بنیاد، از سوی دیگر، عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی شناسایی و دسته‌بندی شده‌اند و با استفاده از روش نگاشت شناختی فازی، تأثیر این عوامل بر یکدیگر و بر متغیر توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است.

شهر یزد به عنوان یکی از مهم‌ترین مقاصد گردشگری فرهنگی در ایران محسوب می‌شود. این شهر در سال ۱۳۹۶ به عنوان نخستین شهر ایرانی در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده است و از این حیث در بین مقاصد گردشگری فرهنگی ایران منحصر به فرد است. ویژگی‌های تاریخی و معماری این شهر آن را به مقصدی متمایز تبدیل نموده است. با توجه به اهمیت این

روابط علیّ بین مفاهیمی بر می‌گردد. در این نقشه‌ها به جای یک علامت صرف، به هر یال، یک عدد نسبت داده می‌شود که قدرت رابطه علیّ مورد نظر را بیان می‌کند. به طور معمول قدرت رابطه بین دو گره (مقدار وزن) در بازه [۱، -۱] نرمال‌سازی می‌شود. مقدار ۱- حداکثر تأثیر منفی و ۱ حداکثر تأثیر مثبت را نشان می‌دهد و صفر بیان‌گر عدم وجود اثر علی است (آذر و مصطفایی، ۱۳۹۱: ۸۸). به طور کلی نگاشت شناختی فازی شامل سه مرحله است:

- شناسایی عناصر، پارامترها و دامنه‌های کلیدی
- شناسایی روابط علیّ و معلولی میان این عناصر
- برآورد و تخمین قدرت این روابط علت و معلولی (احسانی‌فر و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۳۱).

مبانی نظری

گردشگری یک بخش اقتصادی مهم است که به دلیل فعالیت‌های گسترده جهانی، ملی، منطقه‌ای و رشد بازار بین‌المللی، نیاز به کارآفرینی دارد (Crnogaj & et al, 2014: 378). کارآفرینان گردشگری برقرارکننده تعادل هستند، یعنی از یک طرف تماس مستقیم و نزدیک با جوامع محلی و آداب و سنن در منطقه گردشگری برقرار می‌کنند و از طرف دیگر ممکن است منابع محلی با کیفیت بالا را به کالا و خدمات گردشگری تبدیل کنند (میرواحدی و اسفندیاری، ۱۳۹۵: ۷۹). با توجه به آنکه در گونه‌های مختلف گردشگری، منابع مختلفی برای ارائه در نظر گرفته می‌شود، تنوع بسیار زیادی در فعالیت‌های کارآفرینانه گردشگری و در نتیجه کسب و کارهای این حوزه وجود دارد که از این حیث در بین سایر اقتصادها، متمایز است. حوزه گردشگری در جوامع محلی عموماً با کسب و کارهای کوچک مقیاس سر و کار دارد، هرچند صنایع بزرگ نیز در این حوزه حضور دارند. برخی از این فعالیت‌ها عبارت‌اند از: حمل و نقل، ساختمان، مراکز اقامتی، مراکز مالی و تجاری (کریم‌زاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۷۳).

فعالیت کارآفرینانه می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار گیرد که آن را تسریع نماید یا مانع از بروز آن گردد. از دیدگاه آلیسون^۲ یک فعالیت کارآفرینی تحت تأثیر عوامل گوناگونی مانند ویژگی‌ها و انگیزه‌های فردی، آموزش، فرهنگ و آداب و رسوم، قوانین، سیاست‌ها و دانش فنی است که می‌تواند آثار و نتایج مختلفی را به لحاظ الگوهای رفتاری، اقتصادی، اجتماعی و جز اینها در بر داشته باشد (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۹).

برای توسعه گردشگری، توسعه کارآفرینی ضروری بوده و از طرف دیگر یکی از زمینه‌های پراستعداد برای کارآفرینی، گردشگری است. توسعه کارآفرینی و گردشگری، لازم و ملزوم یکدیگرند؛ به گونه‌ای که زمانی که برخی موانع توسعه گردشگری، مانند سیاست‌ها و قوانین مرتبط، نقص توسعه زیرساخت‌ها، موانع بین‌المللی، موانع مالی، عدم توازن و دخالت سازمان‌ها، موانع فرهنگی مرور می‌شوند،

شهر در صنعت گردشگری فرهنگی ایران و فرصت ایجاد شده به واسطه ثبت آن در فهرست میراث جهانی، این مطالعه در شهر یزد انجام پذیرفته است. با توجه به اهمیت توسعه کارآفرینی در این مقصد گردشگری، این مقاله به منظور بررسی عوامل مؤثر بر توسعه ارائه شده است، هر چند می‌توان این بررسی را برای سایر مقاصد گردشگری فرهنگی انجام داد.

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش بر اساس چگونگی جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، توصیفی و از نوع هدف، در دسته پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. هدف کلی این تحقیق شناسایی روابط بین متغیرهای تأثیرگذار بر توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی بوده و در دو مرحله انجام پذیرفته است. در مرحله اول با استفاده از بررسی ادبیات نظری و مطالعه عمیق منابع، مصاحبه با خبرگان و انجام روند نظریه داده‌بنیاد، عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه کارآفرینی شناسایی و در مرحله دوم به منظور بررسی روابط علیّ و شدت روابط آنها، از روش نگاشت شناختی فازی استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق، خبرگان دانشگاهی، مالکان کسب‌وکارهای گردشگری، و فعالان گردشگری در بخش‌های خصوصی و دولتی در شهر یزد بوده‌اند. مصاحبه با ۱۵ نفر از افراد این جامعه صورت پذیرفته است. پرسش‌نامه‌ای به منظور تعیین میزان تأثیر یا عدم تأثیر عوامل بر یکدیگر و همچنین بر متغیر توسعه کارآفرینی با استفاده از طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای استفاده شد که در پایان هر مصاحبه توسط مصاحبه‌شونده تکمیل گردید. روایی صوری و محتوای این پرسش‌نامه مورد بررسی قرار گرفته و تایید شدند.

عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی گردشگری، با بهره‌گیری از نظریه سه‌شاخگی در سه دسته عوامل ساختاری، عوامل رفتاری و بسترها و شرایط محیطی تقسیم‌بندی شده‌اند و با استفاده از نظر خبرگان که پس از انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته و انجام روش نظریه داده‌بنیاد انجام پذیرفت، شش مؤلفه مربوط به متغیر عوامل ساختاری، دو مؤلفه مربوط به عوامل رفتاری و دو مؤلفه مربوط به بسترها و شرایط محیطی شناسایی شدند. روابط این عوامل با یکدیگر و ارتباط آنها با متغیر توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی توسط روش نگاشت شناختی فازی مورد بررسی قرار گرفت.

مفهوم نقشه شناختی برای نخستین بار توسط آکسلرود، دانشمند علوم سیاسی، در سال ۱۹۷۶ معرفی و به کارگرفته شد. نقشه شناختی فازی، روشی برای مدل‌سازی سیستم‌های پیچیده با بهره‌گیری از دانش موجود و تجربه خبرگان است. ده سال بعد از آکسلرود، در سال ۱۹۸۶، کاسکو نقشه‌های شناخت فازی را معرفی کرد. اصول این روش از نظر نمایش مدل به صورت مجموعه‌ای از مفاهیم که به وسیله روابط به هم وصل شده‌اند، شبیه به رویکرد آکسلرود است. برجسته‌ترین خصوصیت نقشه‌های شناخت فازی به شیوه نمایش

ایجاد سازوکار و بستر مناسب برای بروز کارآفرینان گردشگری، می‌تواند بسیاری از این موانع را از بین ببرد.

به دلیل جدید بودن موضوع کارآفرینی گردشگری، مطالعات دقیقی که مشخص‌کننده مفهوم دقیق این عبارت باشد، در ادبیات جهانی کمتر پیدا می‌شود و آنچه هست بیشتر مبنای تجربی دارد و تحقیقات نظری اندکی صورت پذیرفته است (Li, 2008: 1). یکی از دلایل عدم شکل‌گیری پایه نظریه‌ای متجانس و واحد در رابطه با کارآفرینی گردشگری و همچنین وجود تنوع مطالعاتی در این زمینه، میان‌رشته‌ای بودن مباحث کارآفرینی گردشگری است که توسط محققان رشته‌های متعددی مانند اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، جغرافیا و مدیریت مطالعه می‌شود (سجاسی قیداری و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۷). صوفی به این موضوع اشاره دارد که با وجود مطالعات زیاد در رابطه به دو موضوع گردشگری و کارآفرینی، به صورت دو مفهوم جداگانه، توجه کمی به موضوع کارآفرینی در گردشگری شده است (Saufi, 2013: 11).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد عوامل و شرایط محیطی مثل عوامل فرهنگی، اجتماعی، قانونی، سیاسی و فناوری بر توسعه کارآفرینی تأثیر دارند (داوری، ۱۳۹۱: ۳۴). به بیان دیگر علاوه بر مساعد بودن عوامل محیطی و ساختاری، تقویت ویژگی‌های روان‌شناختی افراد

برای گرایش به کارآفرینی ضروری است (یعقوبی فرانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰). از طرفی کارآفرینی به میزان زیادی تحت تأثیر محیط و زمینه قرار دارد. محیط بر فرد اثر گذاشته و باعث بروز رفتار کارآفرینانه در افراد می‌شود. محیط کارآفرینی ترکیبی از عواملی است که در توسعه کارآفرینی نقش دارند (پیشین: ۱۲).

دیده‌بان جهانی کارآفرینی^۳، عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی را که به ایجاد کسب‌وکارهای جدید کمک می‌کند، پشتیبانی ملی، سیاست‌های دولت، آموزش و تربیت، انتقال تحقیق و توسعه، زیرساخت‌های تجاری و حرفه‌ای، باز بودن یا موانع ورود به بازار، دسترسی به زیرساخت‌های فیزیکی، و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی معرفی می‌کند (احمدامینی و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۷).

با وجود مشترکات بسیار زیاد در شاخص‌های مؤثر در توسعه کارآفرینی از دیدگاه محققان، نکته اساسی در نحوه ترکیب و جایگاه قرارگیری شاخص‌ها در فرایند کارآفرینی است که توافقی بین محققان در این زمینه وجود ندارد و این مسئله در همه مدل‌های کارآفرینی که ارائه شده‌اند، محسوس است (سجاسی قیداری و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۷۷). خلاصه نظرات محققان در خصوص عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱: خلاصه نظرات درباره شاخص‌های مؤثر بر توسعه کارآفرینی

صاحب نظر	شاخص‌های مؤثر بر توسعه کارآفرینی
Hyden, 2001	مهارت‌های فنی و علمی، مهارت‌های مدیریتی (مالی، بازاریابی و اداری)، مهارت‌های کارآفرینی (توانایی تشخیص و استفاده از فرصت، ارائه راه‌حل نوآورانه)، مهارت‌های کارکنان (خودتکایی، اعتمادبه‌نفس، خلاقیت، مسئولیت‌پذیری)
Schoof, 2006	حمایت و پشتیبانی از کسب‌وکار، مقررات اداری، آموزش کارآفرینی، دست‌یابی به منابع مالی، مشروعیت و پذیرش فرهنگی اجتماعی
جعفرزاده و بازرگان (۱۳۸۳)	ویژگی‌های مدیریتی، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، ویژگی‌های تحصیلی، ویژگی‌های محیطی، ویژگی‌های روان‌شناختی
گلرد (۱۳۸۴)	عوامل فردی (ویژگی‌های شخصیتی، سرمایه انسانی، انگیزه‌ها اهداف)، عوامل شبکه‌ای (اولیه و ثانویه)، عوامل سازمانی (حمایت مدیریت از کارآفرینی، تشویق مدیریت، تفویض اختیار، فرصت زمانی، توسعه گروه‌های کارآفرینی، توسعه بینش مشترک، محدودیت‌های سازمانی)، عوامل محیطی (عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی، عوامل بین‌المللی، عوامل سیاسی، عوامل تکنولوژیکی)
رضوانی و نجارزاده (۱۳۸۷)	زمینه‌های فردی، زمینه‌های زیرساختی، میزان آشنایی با مهارت‌های کارآفرینی، میزان آشنایی با مهارت‌های تدوین طرح کسب‌وکار، میزان آشنایی با مهارت‌های ایجاد کسب‌وکار کوچک، میزان آشنایی با منابع کسب‌ایده
Nawaz, 2009	عوامل قانونی (سیاست‌ها و قوانین سازمانی و دولتی و سیاست‌های بانکی)، عامل هنجاری (رسم و عادات اجتماعی)، دسترسی به سرمایه و پول، میزان ارتباط با بازار، عامل شناختی (توانایی کنترل ریسک، آموزش و دسترسی به داده‌ها، دوره‌های آموزش و کارآفرینی و دانش کسب‌وکار)
Dabson, 2009	آموزش، دسترسی به وام و سرمایه، شبکه‌های کارآفرینی، تحقیق و توسعه، شکل‌گیری محیط حمایتی
Acs & Szerb, 2010	درک فرصت، کسب مهارت، نرسیدن از شکست، شبکه‌های ارتباطی، حمایت فرهنگی، فرصت‌یابی، زیرساخت‌های تکنولوژی، کیفیت منابع انسانی، رقابت‌پذیری، تولید جدید، رشد بالا، تیپولوژی فعالیت، سرمایه‌گذاری ریسکی
Isenberg, 2011	سیاست‌گذاری، سرمایه‌گذاری، فرهنگ، حمایت‌ها، سرمایه انسانی و بازار
الوانی و رودگرزاد (۱۳۸۹)	دانش و مهارت‌های کارآفرینی، پرورش ویژگی‌ها، تحریک انگیزه‌ها
Oganisjana, 2011	محیط، ویژگی‌های شخصیتی، امکانات، مهارت، الگوی رفتاری، آموزش
آرامون و دیگران (۱۳۹۰)	ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی‌های شناختی، الگوی نقش، مؤلفه‌های سازمانی، فرهنگ اجتماعی، مؤلفه‌های محیطی
مطیعی لنگرودی و دیگران (۱۳۹۱)	عوامل فردی (مهارت، دانش و آگاهی، عزت نفس، انگیزش و پشتکار، استقلال فکری، استعداد فردی، مرکز کنترل درونی، ارتباطات فردی، تجربه‌های قبلی)، عوامل محیطی (زیرساختی، منابع مالی، شرایط خانوادگی، سازمانی، آموزش)

صاحب نظر	شاخص های مؤثر بر توسعه کارآفرینی
رکن الدین افشاری و دیگران (۱۳۹۳)	اقتصادی (دسترسی به اعتبارات، خدمات حمایتی، بسترهای قانونی)، اجتماعی (فرهنگ کارآفرینی، دانش تخصصی، ویژگی های فردی)، نهادی (زیرساخت های فیزیکی، سیاست گذاری، توانایی مدیریت) و محیطی (تنوع زیستی، نزدیکی به بازار، تنوع جغرافیایی)
یعقوبی فرانی و دیگران (۱۳۹۳)	عوامل فردی، عوامل خانوادگی، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی فرهنگی
سجاسی قیداری و دیگران (۱۳۹۳، الف)	بسترها و شرایط محیطی، سیاست ها و رویه های قانونی، ویژگی های کارآفرینانه
شمس الدینی و موسوی (۱۳۹۵)	عامل فرهنگی، عامل اجتماعی، عامل خانواده، عامل مشاهده ای، عامل دولت، عامل قانونی، عامل اقتصادی
دستوم و واحدی (۱۳۹۶)	اثر پیشابندی (ساختار و منابع)، اثر فرایندی (نوآوری و مدیریت)، اثر دستاوردی (اشتغال، رشد، ..)

در بررسی مطالعات قبلی، مشاهده می شود عوامل مختلفی می توانند بر توسعه کارآفرینی تأثیرگذار باشند. عواملی مانند: عوامل فردی و شخصیتی، عوامل محیطی، زیرساخت ها و بسترهای لازم، ویژگی های جمعیت شناختی، عوامل حمایتی، توانمندی های کارآفرینانه و ... که می توانند بر میزان توسعه، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم داشته باشند. هر یک از مطالعات پیشین به نحوی از این عوامل در بررسی استفاده نموده و از زاویه متفاوتی به آن پرداخته است. آنچه مشخص است اینکه سه بعد محیطی، فردی و ساختاری، ابعاد انکارناپذیر مؤثر بر توسعه کارآفرینی هستند که می توانند بر اساس مؤلفه های مختلفی معرفی شوند. علاوه بر این زمانی که موضوع توسعه کارآفرینی در یک حوزه خاص مد نظر باشد، لازم است عوامل زیرساختی آن حوزه نیز مد نظر قرار گیرد. با توجه به خلأ موجود در ادبیات و نبود چارچوبی برای بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی گردشگری، از یک سو و توجه به هدف تحقیق و بررسی و مرور ادبیات تحقیق، الگوهای مشابه و نتایج پژوهش های قبلی، مبنای مدل مفهومی، مدل سه شاخگی در نظر گرفته شده است. به بیان دیگر در مدل مفهومی مورد بررسی در این تحقیق ارتباط بین متغیرهای عوامل ساختاری، رفتاری و بسترها و شرایط محیطی با متغیر توسعه کارآفرینی گردشگری مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین با توجه به احتمال تأثیرگذاری هر یک از متغیرهای مذکور با یکدیگر، ارتباط آنها با یکدیگر نیز بررسی شده است.

بر اساس مدل سه شاخگی، پدیده های سازمانی و مدیریتی را می توان در سه دسته عوامل رفتاری، ساختاری و زمینه ای بررسی و تجزیه و تحلیل نمود. علت نام گذاری این مدل به سه شاخگی آن است که ارتباط بین عوامل ساختاری، رفتاری و زمینه ای به گونه ای است که هیچ پدیده یا رویدادی نمی تواند خارج از تعامل این سه شاخه قرار گیرد. به عبارت دیگر، رابطه ای بین این سه شاخه یک رابطه تنگاتنگ بوده و در عمل از هم جدایی ناپذیرند (نجفی زاده و زاهدی، ۱۳۹۵: ۶۰). منظور از شاخه ساختار، همه عناصر، عوامل و شرایط فیزیکی و غیرانسانی است که با نظم و قاعده، قالب، پوسته و بدنه یا هیكل فیزیکی و مادی پدیده را می سازند. منظور از شاخه رفتار، انسان و روابط انسانی است که در فرم های رفتاری، ارتباطات

(غیررسمی) و الگوهای خاصی به هم پیوسته و محتوای اصلی پدیده را تشکیل می دهند (صفرزاده و جعفری، ۱۳۹۰). هرگونه عوامل و متغیرهایی که به طور مستقیم مربوط به نیروی انسانی باشند در این شاخه قرار می گیرند (مبینی دهکردی و کشتکار هرانکی، ۱۳۹۳: ۶۵). منظور از شاخه زمینه تمام شرایط و عوامل محیطی و بیرونی ای هستند که بر پدیده محیط بوده و سیستم های اصلی را تشکیل می دهند (صفرزاده و جعفری، ۱۳۹۰: ۵۳).

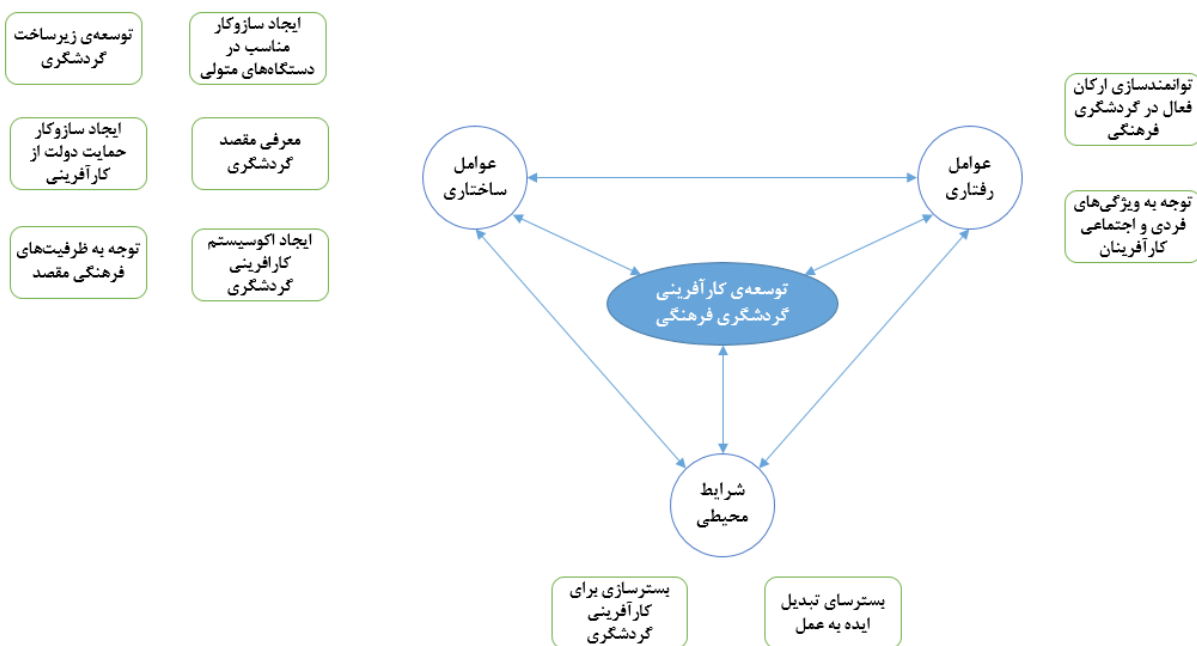
با توجه به بررسی مطالعات انجام شده و با بهره گیری از مدل سه شاخگی، می توان عوامل مؤثر بر کارآفرینی گردشگری فرهنگی را به سه دسته تقسیم بندی نمود:

الف) عوامل ساختاری: همه عناصر، عوامل و شرایط فیزیکی و غیرانسانی بر توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی مؤثرند. عواملی که مرتبط با زیرساخت های فیزیکی، مالی، تبلیغاتی و ... هستند.

ب) بسترهای محیطی: عوامل محیطی ای هستند که در بیرون پدیده قرار دارند و تأثیر بسزایی بر آن می گذارند. توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی با نظام های محیطی پیرامون خود در کنش و واکنش بوده و از آنها تأثیر می پذیرد؛ به گونه ای که این نظام ها می توانند به نحو چشمگیری بر روند توسعه تأثیر بگذارند.

ج) عوامل رفتاری: انسان در هر پدیده اجتماعی، اقتصادی نقش مهمی را ایفا می کند. در موضوع کارآفرینی در گردشگری، دو دسته کارآفرینان و گردشگران بازیگران اصلی اند. در کارآفرینی ویژگی های فردی موضوع مهمی است که می تواند تأثیر زیادی بر روند شکل گیری کارآفرینی داشته باشد. توانمندی تمامی منابع انسانی فعال در حیطه کارآفرینی گردشگری فرهنگی نیز در این راستا اهمیت پیدا می کند.

عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی گردشگری، با بهره گیری از نظریه سه شاخگی در سه دسته عوامل ساختاری، عوامل رفتاری و بسترها و شرایط محیطی تقسیم بندی شده اند و با استفاده از نظر خبرگان که پس از انجام مصاحبه های نیمه ساختار یافته و انجام روش نظریه داده بنیاد انجام پذیرفت، شش مؤلفه مربوط به متغیر عوامل ساختاری، دو مؤلفه مربوط به عوامل رفتاری و دو مؤلفه مربوط به بسترها و شرایط محیطی شناسایی شدند که در شکل شماره ۱ نشان داده شده است.



شکل شماره ۱: متغیرهای مؤثر بر توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی

بر این اساس شش فرضیه زیر در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است:

– بین متغیر عوامل رفتاری و متغیر توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی ارتباط برقرار است.

– بین متغیر عوامل ساختاری و متغیر توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی ارتباط برقرار است.

– بین متغیر بسترها و شرایط محیطی و متغیر توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی ارتباط برقرار است.

– بین متغیر عوامل رفتاری و عوامل ساختاری ارتباط برقرار است.

– بین متغیر عوامل رفتاری و متغیر بسترها و شرایط محیطی ارتباط برقرار است.

– بین متغیر عوامل ساختاری و متغیر بسترها و شرایط محیطی ارتباط برقرار است.

با توجه به آنکه هر یک از متغیرهای مذکور باید توسط سازه‌هایی تبیین گردد، با استفاده از بررسی ادبیات نظری و مطالعه عمیق منابع، مصاحبه با خبرگان و انجام روند نظریه داده‌بنیاد، عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه کارآفرینی شناسایی شده است. این مولفه عبارت‌اند از:

الف) توسعه زیرساخت گردشگری: گردشگری برای توسعه، نیازمند وجود زیرساخت‌های لازم در ابعاد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است. زیرساخت‌هایی مانند: امنیت، بهداشت، جاده‌های بین شهری، فرودگاه و ... در صورت وجود زیرساخت‌های مناسب، انگیزه گردشگر برای سفر به مقصد گردشگری، بیشتر شده و زمینه مناسبی برای سرمایه‌گذاری توسط کارآفرینان به وجود خواهد آمد.

ب) توانمندسازی ارکان فعال در کارآفرینی گردشگری: نیروی انسانی یکی از مهم‌ترین منابع موجود برای توسعه و کارکرد فرایند

است. توانمندسازی نیروی انسانی کمک می‌کند این منبع مهم که نقش مهمی در توسعه ایفا می‌کند، عملکرد مؤثری داشته باشد. در توسعه کارآفرینی گردشگری، برنامه توانمندسازی نیروی انسانی موجود در چهار بخش عوامل گردشگری، جامعه محلی، کارآفرینان و دستگاه‌های اجرایی متولی باید مدنظر قرار گیرد. هر یک از بخش‌های بیان شده، دارای زیربخش‌های متنوعی هستند. راهنمایان تور، مهمانداران هتل، عوامل رستوران، رانندگان تاکسی، کارشناسان سازمان میراث، سرمایه‌گذاران و ... برخی از این زیربخش‌ها هستند که باید به طور جامع مورد بررسی قرار گرفته و برنامه توانمندسازی آنها تدوین و اجرا شود.

ج) بستر سازی برای کارآفرینی گردشگری: کارآفرینی زمانی در یک منطقه رواج پیدا می‌کند که بستر لازم برای آن تدارک دیده شود. حمایت‌های مالی و برقراری حداقل ثبات لازم برای فعالیت اقتصادی مواردی است که می‌تواند زمینه فعالیت کارآفرینان را مهیا سازد. این امر در خصوص گردشگری از اهمیت مضاعفی برخوردار است. فعالیت در حوزه گردشگری، وابسته به حضور گردشگر است. حضور گردشگر در یک مقصد متأثر از مؤلفه‌های مختلفی بوده و دارای ابعاد مختلفی است. جذابیت مقصد برای گردشگران، امنیت مقصد، سیاست‌های بین کشورهای مختلف و ... مواردی است که می‌تواند بر ورود گردشگر تأثیر داشته باشد. از طرفی برای فعالیت کارآفرینان نیاز به حمایت‌های اولیه‌ای است که بتواند امنیت شغلی کارآفرینان را بهبود بخشد.

د) ایجاد سازوکار حمایت دولت از کارآفرینی: توسعه کارآفرینی مستلزم حمایت دولت و نهادهای عمومی مرتبط از کارآفرینان است. این حمایت در حوزه‌های مالی، قانونی و فرایندی از اهمیت بیشتر برخوردار است. اعطای تسهیلات مناسب به کارآفرینان،

برخورداری از معافیت‌های ویژه، کم کردن مراحل تأسیس و راه‌اندازی بنگاه‌های کسب‌وکار، و تدوین قوانین حمایتی برای کارآفرینان از جمله مواردی است که دولت می‌تواند در راستای حمایت از فعالیت کارآفرینانه گام بردارد.

ه) ایجاد اکوسیستم کارآفرینی گردشگری: در هر اکوسیستم عناصر مختلفی نقش دارند که با یکدیگر در تعامل اند. برای توسعه کارآفرینی ابتدا باید اکوسیستم آن را فعال نمود. فضای زیستی‌ای که بتواند کارآفرینی را توسعه و رونق دهد و عناصر درونی آن شناسایی و فعال شده و از ارتباط سازنده‌ای برخوردار باشند. در اکوسیستم کارآفرینی، عناصر فعالی مانند: جوانان، بخش خصوصی، کارآفرینان و زنان وجود دارند که هر یک در توسعه کارآفرینی گردشگری دارای مؤلفه‌های خاصی هستند. علاوه بر آنکه فرهنگ کارآفرینی بر فضای اکوسیستم تأثیرگذار است، توسعه فرهنگ کارآفرینی می‌تواند بر پذیرش کارآفرینی در جامعه و توسعه آن، مؤثر باشد.

و) ایجاد سازوکار مناسب در دستگاه‌های متولی گردشگری: سازمان‌های دولتی نقش مهمی در ایجاد بستر مناسب برای توسعه فعالیت کارآفرینانه در حوزه گردشگری دارند. چنانچه این سازمان‌ها برنامه‌مدون و هماهنگ برای توسعه گردشگری داشته باشند و حمایت‌های مشخصی را برای توسعه کارآفرینی ارائه نمایند، بستر مناسبی برای توسعه به وجود خواهد آمد. تدوین برنامه‌های بلندمدت و ایجاد سازوکارهای هماهنگ می‌تواند در بهبود این بستر تأثیر بسزایی داشته باشد. فرایندهای بهبود یافته و چشم‌انداز مشترک در نتیجه این هماهنگی پدید خواهند آمد.

ز) بسترسازی تبدیل ایده به عمل: افراد خلاق زیادی در جامعه حضور دارند که در صورت وجود زمینه مناسب برای بروز خلاقیت خود، می‌توانند ایده‌های خود را عملی نمایند. وجود بازارهای ایده، شتاب‌دهنده‌ها، مراکز رشد، پارک‌های علم و فناوری، برگزاری استارت‌آپ‌ها و رویدادهای مختلف می‌تواند در ایجاد چنین فضایی مؤثر واقع شود؛ به خصوص آنکه به طور تخصصی در حوزه گردشگری برگزار شود.

ح) توجه به ویژگی‌های فردی اجتماعی کارآفرینان: ویژگی‌های فردی نقش زیادی در کارآفرین شدن یا نشدن افراد دارند. ویژگی‌هایی مانند ریسک‌پذیری، خلاقیت، رهبری، انعطاف‌پذیری و ... که به صورت ذاتی یا اکتسابی در کارآفرینان نهادینه می‌شود. توجه به این ویژگی‌ها و ایجاد زمینه‌ای برای شکوفایی و پرورش یافتن ویژگی‌های کارآفرینانه برای توسعه کارآفرینی مورد نیاز است.

ط) توجه به ظرفیت‌های فرهنگی مقصد: زمانی که توسعه کارآفرینی در یک زمینه خاص گردشگری مد نظر باشد باید ظرفیت‌های فرهنگی مقصد گردشگری مورد توجه قرار گیرد. آئین‌ها و سنت‌ها، سایت‌های تاریخی، رسم و رسوم و ... برخی از

این مواردند. مقاصدی که از این مزیت برخوردارند، امکان بیشتری برای تبدیل شدن به یک مقصد عمده دارند.

ی) معرفی مقصد گردشگری: توسعه کارآفرینی در حوزه گردشگری، مستلزم توسعه گردشگری در آن مقصد است. برای گسترش ورود گردشگر نیاز به تدوین و اجرای برنامه جامع بازاریابی، به منظور شناساندن مقصد به کسانی است که قصد سفر دارند. در این راه باید از شیوه‌های جدید بازاریابی و تبلیغات بهره گرفت. از طرفی توسعه صنایع دستی و سوغات می‌تواند سازوکاری برای ماندگاری خاطر و گسترش بازار باشد.

شهر میراث جهانی یزد

یزد در مرکز ایران قرار گرفته است و یکی از مهم‌ترین شهرهای ایران برای سفر گردشگران داخلی و خارجی محسوب می‌شود. یزد با توجه به جاذبه‌هایی که دارد، مکان مناسبی برای کارآفرینان است تا از فرصت‌های موجود استفاده کنند و دست به فعالیت‌های اقتصادی بزنند (صفری و محمد میرزایی بافقی، ۱۳۹۳: ۱۳۰). جاذبه‌های فرهنگی یزد مجموعه‌ای از اماکن تاریخی میراثی است که به همراه ساختارهای موجود گردشگری شامل: امکانات، عناصر خدماتی حمل‌ونقل، و شرکت‌های گردشگری، نیازهای گردشگران فرهنگی را فراهم می‌سازد (زارع اشکذری و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۹۶). این در حالی است که منابع در دسترس برای تسهیلات گردشگران در زیربخش‌های مختلف، با ظرفیت فرهنگی موجود در یزد متناسب نیستند. هنوز این شهر با وجود همه ظرفیت‌های بی‌بدیل خود برای بسیاری از گردشگران ناآشناست و این شهر با همه جاذبه‌های خود نتوانسته است از مزیت‌های صنعت گردشگری به نحو مناسبی بهره‌برد (ملکی و مودت، ۱۳۹۳: ۴۹)؛ به خصوص آنکه از سال ۱۳۹۶ این شهر به عنوان شهر جهانی میراث فرهنگی از سوی یونسکو ثبت گردید و این امر موجب جذابیت مضاعف آن گردیده است. کسب و کارهای موجود در شهر متناسب با گردشگران تعریف و طراحی نشده و زیرساخت‌های لازم برای ورود گردشگران با کمبود مواجه است. این امر به ویژه در فصل‌هایی که تعداد گردشگران بیشتر است، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. این در حالی است که چهار دانشگاه و موسسه آموزش عالی در شهر یزد، در رشته‌های مرتبط با گردشگری، در مقاطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا به پذیرش دانشجو مشغول‌اند؛ ولی بنا به دلایلی از جمله غیربومی بودن بخش عمده‌ای از دانشجویان، نتوانسته‌اند ظرفیت‌هایی را برای ایجاد کسب و کارهای مرتبط با گردشگری ایجاد نمایند. برخی از آمار کسب و کارهای مرتبط با گردشگری فرهنگی در شهر یزد در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۲: زیرساخت‌های مرتبط با گردشگری در شهر یزد

تعداد	زیرساخت / کسب و کار
۵۵	هتل و مهمانسرا
۶۲	آژانس مسافرتی
۲۶	رستوران سنتی
۳۹۶	راهنمای تور
۹	موزه
۵۷۹	آثار ثبت شده فرهنگی
۳۰	اقامتگاه بومگردی
۴	موسسه آموزشی

مأخذ: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد

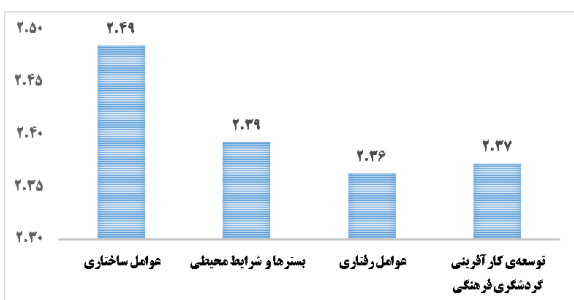
بررسی شاخص‌ها

با استفاده از ماتریس فازی شده، مقادیر مربوط به روش نگاشت‌شناختی فازی محاسبه گردیده است. این نتایج در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

جدول شماره ۴: شاخص‌های روش نگاشت‌شناخت فازی

تعداد متغیر معمولی ^۸	تعداد دریافت‌کننده ^۷	تعداد فرستنده ^۶	تعداد اتصالات	تعداد عوامل	دانسیته
۴	۰	۰	۱۲	۴	۰,۷۵

دانسیته یا تراکم سیستم نشان می‌دهد که فاکتورها با چه شدتی در یک شبکه به هم متصل شده‌اند. با توجه به عدد ۰,۷۵ که در جدول شماره ۲ آمده است، دانسیته مدل نسبتاً مطلوب است. **درجه ورودی**^۹: این شاخص که با id نشان داده می‌شود با جمع کردن مقادیر مطلق تمام فلش‌هایی که در شکل به یک مفهوم وارد شده‌اند، به دست می‌آید. این شاخص میزان تأثیرپذیری عوامل را نشان می‌دهد. هرچه درجه ورودی بیشتر باشد، آن عامل، تأثیرپذیری بیشتری دارد؛ به عبارت دیگر بیشترین تأثیرپذیری را از سایر عوامل دارد. نمودار شماره ۱، درجه ورودی عوامل را نشان می‌دهد. بر اساس این نمودار عوامل ساختاری بیشترین تأثیرپذیری را از سایر عوامل دارند.



نمودار شماره ۱: شاخص درجه ورودی برای هر یک از متغیرها

درجه خروجی^{۱۰}: این شاخص که با od نشان داده می‌شود با جمع کردن مقادیر مطلق تمام فلش‌هایی که از یک مفهوم خارج شده‌اند، به دست می‌آید. درجه خروجی نشان‌دهنده تأثیرات اعمال شده توسط یک مفهوم است و به عبارت دیگر تأثیرگذاری عوامل را نشان می‌دهد. هرچه درجه خروجی بیشتر باشد، نشان‌دهنده تأثیرگذاری بیشتر آن عامل بر کل سیستم خواهد بود. نمودار شماره ۲، نشان‌دهنده درجه خروجی مربوط به توسعه کارآفرینی گردشگری است. همان‌گونه که در این نمودار مشاهده می‌شود عوامل ساختاری، بیشترین تأثیر را بر مدل می‌گذارند.

مرور یافته‌ها

همان‌گونه که بیان شد، سه دسته عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی و مؤلفه‌های هر یک، با استفاده از نظر خبرگان و بهره‌گیری از روش نظریه داده‌بنیاد، شناسایی شد و با استفاده از پرسش‌نامه، رابطه میان این عوامل مورد بررسی و محاسبه قرار گرفت. سپس گام‌های روش نگاشت‌شناختی فازی، به شرح زیر طی شدند:

محاسبه ماتریس اولیه^۴ (IM):

ماتریس اولیه یک ماتریس $n \times m$ است که در این ماتریس n تعداد متغیرها و m تعداد خبرگانی است که در تحقیق مشارکت داشته‌اند. هر یک از آرایه‌های A_{ij} این ماتریس گویای میزان اهمیتی است که هر فرد ز برای هر متغیر i در نظر می‌گیرد. سپس مقادیر این جدول به مقادیر یک مجموعه فازی با مقادیر ۰ و ۱ تغییر می‌یابد. عناصر $A_{i1}, A_{i2}, \dots, A_{im}$ عناصر بردار v_i هستند.

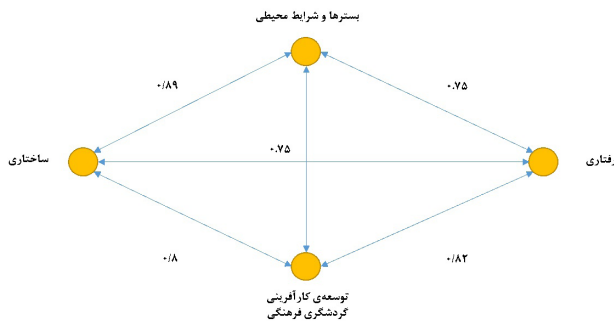
محاسبه ماتریس فازی شده^۵ (FZM)

بردارهای عددی v_i به مجموعه‌های فازی تغییر می‌یابد که هر مجموعه فازی نشان‌دهنده درجه عضویت عنصر A_{ij} از بردار v_i به خود بردار v_i است.

ماتریس فازی شده مربوط به عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

جدول شماره ۳: ماتریس فازی شده عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی

عوامل ساختاری	بسترها و شرایط محیطی	عوامل رفتاری	توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی
۱,۰۰	۰,۸۹	۰,۸۰	۰,۸۰
۰,۸۹	۱,۰۰	۰,۷۵	۰,۷۵
۰,۸۰	۰,۷۵	۱,۰۰	۰,۸۲
۰,۸۰	۰,۷۵	۰,۸۲	۱,۰۰



شکل شماره ۲: نگاشت شناختی فازی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی

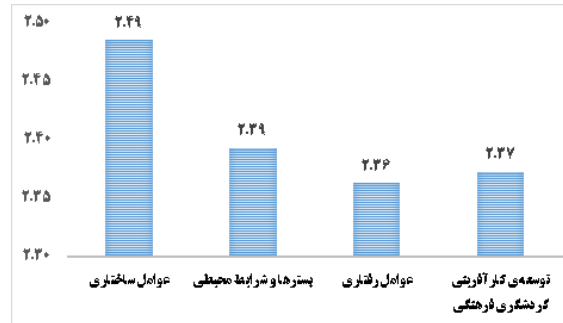
نتیجه گیری

مطالعات محدودی در رابطه با توسعه کارآفرینی گردشگری صورت پذیرفته است. مطالعات انجام شده بیشتر به مباحث نظری پرداخته‌اند و از تکنیک‌های کمی، کمتر در این حوزه استفاده شده است. هدف از انجام این تحقیق، بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی در شهر میراث جهانی یزد بوده است؛ به گونه‌ای که با بررسی این عوامل و بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آنها بتوان راهکارهایی را اتخاذ نمود که منجر به توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی در یک مقصد گردشگری شود. برای این بررسی از روش نگاشت شناختی فازی استفاده شده است. پس از انجام بررسی، سه عامل رفتاری، ساختاری و محیطی در مطالعات نظری و بر اساس نظریه سه شاخگی شناسایی شدند و در روش نگاشت شناخت فازی شدت روابط بین این عوامل با یکدیگر و با متغیر توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت.

در بررسی نتایج این تحقیق مشخص شده است که سه عامل ساختاری، رفتاری و بسترها و شرایط محیطی با توسعه کارآفرینی گردشگری و با یکدیگر ارتباط دارند و این امر می‌تواند مبنای ایجاد یک مدل مفهومی برای تدوین مدل توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی در یک مقصد گردشگری فرهنگی قرار گیرد.

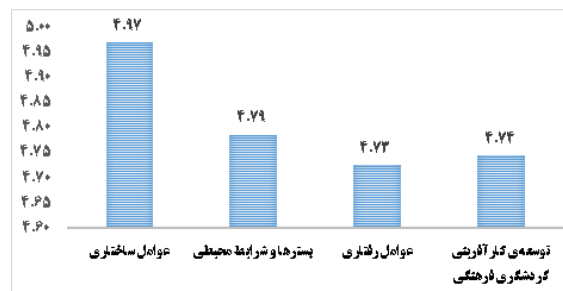
در بررسی یافته‌های تحقیق، مشخص شده است که تمامی عناصر مورد بررسی از نوع متغیر معمولی هستند که هم تأثیرگذار و هم تأثیرپذیرند. بدین معنی که علاوه بر اینکه بر سایر متغیرها تأثیر وارد می‌کنند، از سایر متغیرها تأثیر می‌پذیرند و این امر طراحی مدل مفهومی برای توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی را پیچیده‌تر می‌کند.

وجود ارتباط بین سه عامل رفتاری، ساختاری و بسترها و شرایط محیطی، بدان معنی است که این سه عامل علاوه بر آنکه بر متغیر توسعه کارآفرینی تأثیر می‌گذارند، از طریق تأثیرگذاری بر یکدیگر نیز بر توسعه کارآفرینی گردشگری مؤثرند. بر اساس یافته‌ها، این امر در خصوص رابطه دو عامل بسترها و شرایط محیطی و عوامل ساختاری از شدت بیشتری برخوردار است که نشان‌دهنده این است



نمودار شماره ۲: شاخص درجه خروجی برای هر یک از متغیرها

مركزیت^{۱۱}: این فاکتور نشان‌دهنده مركزیت یا درجه کل یک فاکتور است که از جمع دو شاخص قبلی مربوط به هر فاکتور به دست می‌آید. هر عامل با درجه مركزیت بیشتر، به عنوان یک عامل مهم در سیستم تلقی می‌شود و باید مورد توجه قرار گیرد. نمودار شماره ۳ نشان‌دهنده درجه مركزیت عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، عوامل ساختاری، بسترها و شرایط محیطی و عوامل رفتاری، به ترتیب دارای بیشترین درجه مركزیت‌اند.



نمودار شماره ۳: شاخص مركزیت برای هر یک از متغیرها

فرستنده: عواملی را نشان می‌دهد که دارای درجه خروجی مثبت و درجه ورودی صفر هستند. این عوامل روی سیستم تأثیرگذارند، ولی سیستم به طور مستقیم روی آنها تأثیری ندارد. این عوامل به عنوان محرک سیستم عمل می‌کنند. بر اساس جدول شماره ۲، تعداد این گونه عوامل در سیستم صفر است.

دریافت‌کننده: عواملی را نشان می‌دهد که دارای درجه ورودی مثبت و درجه خروجی صفر باشند. این عوامل در انتهای نقشه شناختی قرار می‌گیرند.

متغیرهای معمولی: این نوع از عوامل دارای درجه خروجی و ورودی مثبت‌اند. به بیان دیگر این عوامل هم تأثیرگذار بوده و هم تأثیر می‌پذیرند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، همه عوامل مدل، از این نوع هستند.

نمایش تصویری نقشه شناختی فازی

آخرین مرحله در نگاشت شناختی فازی، رسم نقشه تصویری آن به همراه وزن روابط است. به بیان دیگر این عدد نشان‌دهنده شدت یا قدرت رابطه علی بین دو عامل است. شکل شماره ۲ نگاشت شناختی فازی حاصل شده را نمایش می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

1. Fuzzy Cognitive Mapping
2. Alison
3. Global Entrepreneurship Monitoring (GEM)
4. Initial Matrix
5. Fuzzified Matrix
6. Transmitter
7. Receiver
8. Ordinary
9. Indegree
10. Outdegree
11. Centrality

فهرست منابع و مراجع

۱. آذر، عادل و مصطفایی، خدیجه (۱۳۹۱)، «نگاشت‌شناختی فازی رویکردی نوین در مدل‌سازی نرم: مدل‌سازی بودجه‌ریزی در مرکز آمار ایران»، **پژوهش‌های مدیریت در ایران**، دوره ۱۶، شماره ۳، ص ۸۳-۱۰۳.
۲. آرامون، هاجر؛ میرغفوری، حبیب‌الله و زارع احمدآبادی، حبیب (۱۳۹۰)، «تأثیر عوامل درونی و بیرونی بر بروز رفتارهای کارآفرینانه زنان». **فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ**، سال دوم، شماره هفتم، ص ۹-۲۲.
۳. احسانی‌فر، محمد؛ نظام‌آبادی، علی‌رضا و علی‌پور، محمد (۱۳۹۶)، «آینده‌های محتمل تولید انرژی در کشور با استفاده از طرح نقشه شناخت فازی»، **نشریه بین‌المللی مهندسی صنایع و مدیریت تولید**، شماره ۲، جلد ۲۸، ص ۲۲۸-۲۴۲.
۴. احمد امینی، زهرا؛ امانی تهران، محمد و سقزچی، محمدابراهیم (۱۳۸۹)، «شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی با رویکرد زنجیره ارزش»، **فصلنامه توسعه تکنولوژی صنعتی**، شماره ۱۴، ص ۳۵-۴۷.
۵. احمدی، منیژه (۱۳۹۷)، «تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه‌ی گردشگری فرهنگی و اثرات آن در پایداری اقتصادی نواحی روستایی استان زنجان»، **فصلنامه‌ی برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، سال ۸، شماره‌ی پیاپی ۲۹، ص ۷۹-۹۲.
۶. الوانی، سیدمهدی و رودگرزاد، فروغ (۱۳۸۹)، «مدل توسعه کارآفرینی در سازمان‌های کوچک و متوسط»، **چشم‌انداز مدیریت بازرگانی**، شماره ۴، پیاپی ۳۷، ص ۷۳-۸۷.
۷. بادسار، محمد؛ رضایی، روح‌الله و صلاحی‌مقدم، نفیسه (۱۳۹۳)، «بررسی تأثیر هوش عاطفی بر شایستگی‌های کارآفرینانه دانشجویان رشته‌های کشاورزی (مورد مطالعه: دانشگاه زنجان)»، **توسعه کارآفرینی**، دوره ۷، شماره ۳، ص ۴۰۷-۴۲۵.
۸. جعفرزاده، مرتضی و بازرگان، عباس (۱۳۸۳)، «تحلیل عامل مؤثر در کارآفرینی دانش‌آموختگان دانشگاه تهران»، **فرهنگ مدیریت**، سال دوم، شماره هفتم، ص ۲۰۵-۲۵۴.
۹. داوری، علی (۱۳۹۱)، «ارائه مدل نظام خط‌مشی‌گذاری توسعه کارآفرینی»، **چشم‌انداز مدیریت دولتی**، شماره ۱۱، ص ۳۳-۵۰.
۱۰. دستوم، صلاح و سوادی، مهدی (۱۳۹۶)، «طراحی چارچوب توسعه کارآفرینی در صنعت گردشگری ورزشی»، **فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)**، سال هفتم، شماره ۲، ص ۲۵۸-۲۶۹.
۱۱. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ پورطاهری، مهدی و فضلی، نفیسه (۱۳۹۳)، «تحلیل عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی در گردشگری روستایی»، **مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری**، سال سوم، شماره ۸، ص ۸۷-۱۰۷.
۱۲. رضایی، آذرمیدخت؛ زرافشانی، کیومرث؛ شیری، نعمت‌اله و خوش‌مرام، مرگان (۱۳۹۵)، «شناسایی موانع توسعه کارآفرینی گردشگری (مطالعه موردی: شهرستان مرودشت)»، **نشریه کارآفرینی در کشاورزی**، جلد سوم، شماره سوم، ص ۵۷-۷۰.

که هرچه بسترها و شرایط محیطی تقویت شوند، عوامل ساختاری نیز توسعه پیدا می‌کنند و هرچه عوامل ساختاری گسترش یابند، باعث می‌شوند، شرایط محیطی بهتری حاکم شود.

همچنین در بررسی انجام شده مشخص گردید، شدت رابطه بین عوامل رفتاری و متغیر توسعه کارآفرینی و عوامل ساختاری بیش از شدت رابطه بین این متغیر و دو عامل رفتاری و بسترها و شرایط محیطی است. در واقع عوامل رفتاری بیشترین تأثیر را بر متغیر توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی دارد. بعد از آن عوامل ساختاری قرار داشته و در نهایت بسترها و شرایط محیطی کمترین تأثیر را بر توسعه کارآفرینی از بین سه عامل یاد شده دارد. با توجه به سازه‌های تشکیل دهنده هر متغیر می‌توان راهکارهایی را برای توسعه کارآفرینی در نظر گرفت.

در خصوص راهکارهایی برای ایجاد تأثیر از طریق عوامل رفتاری، می‌توان به توانمندسازی عناصر فعال در حوزه گردشگری در مقصد و توجه به ویژگی‌های فردی اجتماعی کارآفرینان اشاره نمود.

همچنین اگر بتوان راهکارهایی را برای توسعه زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مقصد، ایجاد تسهیلاتی برای کارآفرینان، ایجاد سازوکارهای مناسبی برای کارآفرینان مانند حمایت‌های قانونی و مالی، توجه به ظرفیت‌های فرهنگی مقصد، ایجاد برند گردشگری، تدوین اسناد توسعه گردشگری برای سازمان‌های مقصد و ایجاد هماهنگی در بین این سازمان‌ها، معرفی مقصد گردشگری و ایجاد اکوسیستم مناسبی برای رشد گردشگری و کارآفرینی، اتخاذ نمود می‌توان امیدوار بود که کارآفرینی گردشگری فرهنگی در آن مقصد توسعه پیدا کند.

در نهایت در بین راهکارهایی که می‌تواند بستر مناسبی برای توسعه کارآفرینی ایجاد نماید می‌توان به ایجاد بستر مناسبی برای تبدیل ایده به عمل مانند برگزاری رویدادها، استارت‌آپ‌ها و ایجاد مراکز رشد یا پارک‌های تخصصی گردشگری فرهنگی اشاره نمود.

با توجه به آنکه فرضیات مورد بررسی در این تحقیق، بررسی تأثیر متغیرهای سه‌گانه بر توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی، و بررسی ارتباط هر یک از این متغیرها با یکدیگر بود، در این تحقیق، سهم هر یک از سازه‌های تشکیل دهنده متغیرها تبیین نگردید که این امر می‌تواند مقدمه‌ای برای تحقیق بعدی باشد.

ضمن آنکه با توجه به اینکه این مطالعه در شهر تاریخی یزد انجام پذیرفت و جامعه آماری مورد بررسی، صرفاً فعالان حوزه گردشگری در شهر یزد بوده‌اند، می‌توان با بررسی جامع‌تر، این مطالعه را به شهرهای مقاصد فرهنگی تعمیم داد.

از طرفی در این تحقیق مشخص گردید، سه عامل مذکور با یکدیگر ارتباط داشته و برهم تأثیرگذارند؛ ولی از این تحقیق نمی‌توان مشخص کرد که تأثیر هر یک از عوامل ساختاری، رفتاری و بسترها و شرایط محیطی بر توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بوده است. در روش نگاشت‌شناختی فازی صرفاً روابط و شدت آنها مشخص می‌شود و برای انجام این بررسی می‌توان از روش‌های معادلات ساختاری استفاده نمود.

۱۳. رضوانی، محمدرضا و نجارزاده، محمد (۱۳۸۷)، «بررسی و تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرآیند توسعه نواحی روستایی، مطالعه‌ی موردی دهستان برآآن جنوبی شهرستان اصفهان»، **توسعه‌ی کارآفرینی**، سال اول، شماره‌ی دوم، ص ۱۶۱-۱۸۲.
۱۴. زارع اشکذری، سید محمد؛ سقایی، محسن؛ موسوی، میرنجف و مختاری ملک آبادی، رضا (۱۳۹۴)، «عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری فرهنگی با رویکرد جذب گردشگران خارجی در ایران مرکزی (مورد شناسی: شهر یزد)». **جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای**، شماره ۱۷، ص ۱۸۹-۲۰۸.
۱۵. سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان یزد (۱۳۹۷)، **مجموعه‌ی گزارش‌های آماری استان یزد**.
۱۶. سجاسی قیداری، حمدالله؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ پورطاهری، مهدی و آذر، عادل (۱۳۹۳)، «الگوی توسعه کارآفرینی اکوتوریسم در مناطق روستایی (مطالعه موردی: رود دره‌های گردشگری استان تهران)». **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، دوره ۴۶، شماره ۲، ص ۲۷۳-۲۹۲.
۱۷. سجاسی قیداری، حمدالله؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و پورطاهری، مهدی (۱۳۹۳)، «ب، «تدوین و اعتبارسنجی شاخص‌های توسعه کارآفرینی اکوتوریسمی در مناطق روستایی»، **چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی**، شماره ۲۶، ص ۴۵-۷۰.
۱۸. شمس‌الدینی، علی و موسوی، سید روح‌الله (۱۳۹۵)، «عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در استان فارس با تأکید بر بخش تعاون»، **فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، سال ۶، شماره پیاپی ۲۲، ص ۴۳-۶۰.
۱۹. صفرزاده، حسین و جعفری، محمدسعید (۱۳۹۰)، «بررسی نقش عوامل مدل سه‌شاخگی مدیریت (ساختار، زمینه و رفتار) در استقرار حراج الکترونیک (e-auction)». **فصلنامه مدیریت**، سال هشتم، شماره ۲۳، ص ۵۱-۷۰.
۲۰. صفری، سعید و محمد میرزایی بافقسی، ملیحه (۱۳۹۳)، «شناسایی و اولویت‌بندی فرصت‌های کارآفرینانه در صنعت گردشگری شهرستان یزد»، **فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت گردشگری**، سال هشتم، شماره ۲۶، ص ۱۲۷-۱۴۹.
۲۱. کریم‌زاده، حسین؛ نیکجو، محمدرضا؛ صدر موسوی، میرستار و کوهستانی، حسین (۱۳۹۳)، «شناسایی عوامل مؤثر در ایجاد فرصت‌های کارآفرینی در بخش گردشگری نواحی روستایی با استفاده از مدل معادلات ساختاری»، **جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی**، سال ۲۵، پیاپی ۵۴، شماره ۲، ص ۲۶۹-۲۹۰.
۲۲. گلرود، پروانه (۱۳۸۴)، «عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان ایرانی»، **پژوهش زنان**، دوره ۳، شماره ۱، ص ۱۰۱-۱۲۳.
۲۳. مبینی دهکردی، علی و کشتکار هرانکی، مهران (۱۳۹۳)، «بررسی تأثیر مدل سه‌شاخگی بر نوآوری اجتماعی (مطالعه موردی: یک شرکت وابسته به صنایع خودروسازی)»، **نشریه علمی پژوهشی مدیریت نوآوری**، سال سوم، شماره ۴، ص ۵۷-۷۵.
۲۴. مطیعی لنگرودی، سید حسن؛ قیدری معصوم، مجتبی؛ دادورخانی، فضیله، یداللهی فارسی، جهانگیر و ترکاشوند، زهرا (۱۳۹۱)، «تبیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی روستاییان در توسعه کارآفرینی (مطالعه موردی: بخش‌های زند و سامن شهرستان ملایر)»، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، شماره ۸۰، ص ۱۱۹-۱۳۸.
۲۵. ملکی، سعید و مودت، الیاس (۱۳۹۳)، «تحلیلی بر توزیع و اولویت‌بندی زیرساخت گردشگری استان یزد با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی»، **نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، سال چهاردهم، شماره ۳۴، ص ۴۷-۶۸.
۲۶. میرواحدی، سید سعید و اسفندیاری، الهام (۱۳۹۵)، «بررسی پتانسیل کارآفرینی گردشگری در جامعه عشایر قشقایی ایران»، **میراث و گردشگری**، شماره ۳، ص ۷۳-۹۴.
۲۷. نجفی‌زاده، محمدحسن و زاهدی، سید محمد (۱۳۹۵)، «آسیب‌شناسی نظام مدیریت عملکرد کارکنان در دانشگاه علوم پزشکی قزوین با استفاده از مدل سه‌شاخگی»، **مجله مدیریت توسعه و تحول**، شماره ۲۵، ص ۵۹-۶۹.
۲۸. ورهرامی، ویدا و حامدی‌نسب، مریم (۱۳۹۶)، «تأثیر فرهنگ بر رشد اقتصادی و گردشگری»، **میراث و گردشگری**، دوره ۲، شماره ۵، ص ۱۳۹-۱۶۶.
۲۹. هاشمی، سید سعید؛ مطیعی لنگرودی، سید حسن؛ قیدری معصومی، مجتبی؛ رضوانی، محمدرضا و مقیمی، سید محمد (۱۳۹۰)، «تبیین نقش دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی در توسعه کارآفرینی روستایی (مطالعه موردی: بهاباد استان یزد)»، **پژوهش‌های روستایی**، سال دوم، شماره یکم، ص ۹۳-۱۱۴.
۳۰. یعقوبی فرانسوی، احمد؛ سلیمانی، عطیه و موحدی، رضا (۱۳۹۳)، «تحلیل عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی»، **مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان**، سال ۱۲، شماره ۴، ص ۷-۴۲.
31. Acs, Zoltán J. and Szerb, László, (2010), "The Global Entrepreneurship and Development Index (GEDI)". Paper to be presented at the Summer Conference, on **Opening up Innovation: Strategy, Organization and Technology at Imperial College London Business School**, June 16-18.
32. Crnogaj, Katja; Rebernik, Miroslav and Hojnik, Barbara Bradac. (2014), "Building a model of researching the sustainable entrepreneurship in the tourism sector", **Entrepreneurship in tourism sector**, Vol. 43 No. 3/4, 377-393.
33. Dabson, B, (2009), "Entrepreneurship as an Economic Development Strategy", **Governor's Conference on Economic and Community Development September 14**, Nashville, Tennessee.
34. Hyden, G. (2001), **Rural poverty, risk and development**. Elgar Publication.
35. Isenberg, Daniel. (2011), **The Entrepreneurship Ecosystem Strategy as a New Paradigm for Economic Policy: Principles for Cultivating Entrepreneurship**, The Babson Entrepreneurship Ecosystem Project, May 11, 2011, Dublin, Ireland.
36. Li, L. (2008), "A Review of Entrepreneurship Research Published in the Hospitality and Tourism Management Journals", **Tourism Management**, (29) 5, 1013-1022.
37. Nawaz, F. (2009), **Critical Factors of Women Entrepreneurship Development in Rural Bangladesh U.S.A**, Bangladesh Development Research Center (BDRC).
38. Oganisjana, Karine, (2011), **Entrepreneurship as a Dynamic system and the Holistic Approach to Its Development**, University of Latvia, Faculty of Education, Psychology and Art, 21 October.
39. Saufi, A. (2013), **Understanding host community's experiences in establishing and developing small tourism enterprises in Lombok, Indonesia**, Ph.D. thesis, Griffith University.
40. Schoof, Ulrich. (2006). Stimulating youth Entrepreneurship Barriers and incentives to enterprise startups by young people". **International Labour office**, Geneva, SEEO working paper, No. 76.

The role of cultural tourism in entrepreneurship development of Yazd world heritage city

Mehdi basouli

Ph.D. student of tourism management, Science & Culture University, Tehran, Iran.

Seyed Saeed Hashemi ^{*}(Corresponding Author)

Associate Professor, Faculty member of ACECR, Tehran, Iran

^{*} Hashemi@usc.ac.ir

Mohammad Hosein Imani Khoshkho

Associate Professor, Faculty member of ACECR, Tehran, Iran

Seyed Habib o Allah Mirghafouri

Associate Professor, Faculty member of Yazd university, Yazd, Iran

Abstract:

The phenomenon of tourism, due to its unique characteristics, is a very good starting point for entrepreneurs; however, the topic of tourism entrepreneurship has been less addressed and models of entrepreneurship development in tourism have been scarcely studied. This is of particular importance for different types of tourism, especially cultural tourism, which is one of the longest and most extensive forms of tourism. In order to develop a cultural tourism development model, one must first identify the factors that influence tourism entrepreneurship development and examine their relationships. The statistical population of this study, which aimed to investigate the factors affecting cultural tourism entrepreneurship and the severity of the relationship between these factors, was the owners and practitioners of tourism business, academic elite and public and private tourism activists in Yazd World Heritage. In the first stage, through the study of theoretical literature and in-depth study of sources, semi-structured interviews with experts and the process of data base theory, the factors and factors affecting entrepreneurship development are identified and in the second stage, to investigate the causal relationships and the severity of their relationships, Fuzzy Cognitive Mapping (FCM) method is used. According to the research done, three behavioral, structural and environmental factors and conditions have influenced the development of cultural tourism entrepreneurship. and the behavioral factor has the highest intensity with the variable of cultural tourism entrepreneurship development. In addition, it was found that each of these factors is related to each other and can influence each other and thus affect the variable of cultural tourism entrepreneurship development.

Keywords: Entrepreneurship Development, Cultural Tourism, Effective Factors, Fuzzy Cognitive Mapping.



Surveying and Analyzing of Effective Factors on the Concept of Neighborhood as a Place of Dwelling Based on the Views of the Prominent Philosophers of Islamic Utopia

Gholam Reza Haghghat Naeini *(Corresponding Author)

Associate Professor of Urban Planning, Art University, Tehran, Iran

* *haghghatreza@gmail.com*

Mohammad Shaikhi

Associate Professor, Department of Urban Planning and Regional Development, Allameh Tabatabaee University.

Morteza Mahmoudi Mehmandoost

PhD student of urban planning, Art University, Tehran, Iran

Abstract:

Researches and evidences about living in traditional Iranian neighborhoods reveals a coherent, self-made physical and social structure that expresses the great concepts of human habitations. But today, the City has been separated to different networks of social relationships, which its borders and limits are different for each citizen. The consequences of this semantic change and the social separation is declining the life concepts at neighborhoods in recent decades. As a result, it is necessary to review and analyze the concepts of living in traditional neighborhoods for analyzing the ways to improve the quality of today's cities. Neighborhood, the sense of belonging to it, collaboration and social participation are the concepts that lead the living in traditional neighborhoods and using the lessons of such a model can revitalize the identity of the neighborhoods and enhances the community-led approaches to society development. Achieving such results requires the acceptance of the neighborhood as a spiritual place and a guidance to the individual and social flows of dwelling. Among the different opinions and perspectives about the concept of the neighborhood, the Islamic Utopia Philosophers and idealists including Farabi, Mulla Sadra, Suhrawardi and etc., despite of some variations, have a similar approach to the place-led and community-led characteristics of traditional Islamic neighborhoods. Therefore, in this research, while analyzing and proving the role of "neighborhood as a place of dwelling", we find and analyze the factors of neighborhood concept perception based on the viewpoints of Philosophers of the Islamic Utopia. This research's method is a combination of historical interpretation and content analysis. For studying the viewpoints of the Islamic Utopia idealists and philosophers, the texts and historical documents have been interpreted and analyzed. Also, for studying the theoretical foundations of concepts and terms such as place, neighborhood, dwelling, and the analysis of the early Islamic Utopia philosopher's opinions, content analysis method has been used. The result shows that the six factors is inferred from the viewpoint of the Islamic Utopia idealists which are the main factors of perceiving the concept of the neighborhood: 1. Collaboration and social participation, 2. Sense of belonging to the neighborhood, 3. Hierarchy and privacy, 4. Individual and social values, 5. Buildings and physical elements of the neighborhood, and 6. Providing of welfare and satisfaction of the neighborhood.

Keywords: Place, Neighborhood, Dwelling, Perception of the Neighborhood Concept, Utopia.

Feasibility of walkability promotion with a vitality approach in urban public spaces; Case study: The design of Imam Khomeini's street in Sanandaj

Saba Jahangir

Department of Architecture, Yasooj Branch, Islamic Azad university, Yasooj, Iran

Hamid Reza Saremi *(Corresponding Author)

Assistant Prof, Department of Urban Planning & Design, Faculty of Art and Architecture, Tehran University, Tehran, Iran

* saremi@modares.ac.ir

Hossein kalantari khalilabad

Prof, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Tehran University, Tehran, Iran

Abstract:

The increasing development of the city and the cars of cars into areas of urban activities and transformation of social communication, has affected the streets attractiveness and pedestrian areas, and as the main condition of socio-economic prosperity of the city leads to overwhelming emphasis on the riding movement, and solving various issues by urban planners and managers. The formation of urban texture is directly related to its network of passages, so that, the type of each of these textures is influenced by the formation of streets within the city. The stream of social life on the sidewalk is a vitality features. As pedestrian movement increases the level of social interaction, increasing the quality of vitality indicators in this targeting of walkability promotion. Imam Khomeini's axis in Sanandaj has a pedestrian potential in the old urban texture, so, in this research is investigated with the aim of increasing pedestrian capability.

This is a descriptive-analytical and applied research. Library and field studies have been carried out and the resulting evaluation was completed using a questionnaire. The results of the research show that Imam Khomeini's axis has the highest perspectival and functional level, and the pedestrian capability in this street with principles such as structural completion of social activities, attention to physical elements, publicizing the Kurdish home space as a city park, organizing and rational improvement of street walls, creating community spaces such as café and restaurant, so causes the hypotheses of increasing vitality on this street. So far, according to the analysis, has failed to play the role of quality and vitality.

Keywords: walkability- urban public spaces- Sanandaj- identity - Imam Khomeini Street.

Determining the Adequate Housing Indicators from Islamic School Viewpoint

Moslem Zarghamfard

PhD candidate in Geography and Urban Planning, Tarbiat Modares University, Iran

Abolfazl Meshkini *(Corresponding Author)

Associate Professor, Faculty of Humanities, Department of Geography and Urban Planning, Tarbiat Modares University, Iran

* Rafiei_m@modares.ac.ir

Ahmad Pourahmad

Professor, Faculty of Geography, Department of Geography and Urban Planning, University of Tehran, Iran

Benyamio Murgante

Professor, Faculty of Engineering, Department of Urban and Regional Planning, University of Basilicata, Italy

Abstract:

One of the oldest concepts in the study of Islamic history and culture is the “Islamic city”. The Islamic city has many elements that housing is one of them. The Islam religion addresses the culmination of human-related phenomena; hence in the construction of housing, its suitability and adequacy has been emphasized. In this study, the concept of “Islamic adequate housing” was used for the first time in research texts. Adequate housing is an issue that has been considered in scientific fields outside of Iran, but in Iran, no principles have been defined yet. However, in the Islamic school, there were general principles for building an adequate housing but in the modern era, this principles has been neglected. From this perspective, the present study seeks to extract and categorize adequate housing indicators through the analytical-descriptive method and using the qualitative content analysis of Islamic texts. As result, we achieve of 28 indicators that are extracted from the texts and documented, which can be considered for future constructions.

Keywords: Adequate Housing Indicators, Islamic adequate housing, Islamic School.



Analysis of the evaluation of religious paths of the holy shrine of Masoumeh

Mohammad Komeili ^{*}(Corresponding Author)

Assistant Professor of Urban Landscape Research Institute of Culture, Art and Architecture

^{*} komeili@acecr.ac.ir

Abstract:

Religious walkways are one of the most important linear elements of pilgrimage cities in the world. Pilgrims and tourists, on their way from the city entrance to the shrine, are immersed in a variety of religious, cultural, and commercial services, as well as other activities that are part of such walkways. These sidewalks gradually prepare pilgrims to enter the shrine. Therefore, in situations that there are multiple routes for accessing the shrine, there might be some qualitative and quantitative methods to assess and categorize these walkways. The aim of this article is to identify the best route, based on visual attraction indices and religious physical elements of each path. It explains how to evaluate and rank the shrine routes based on these criterion, such that pilgrims who enter this route, on their way towards the shrine, appreciate the perspectives and activities befitting an Iranian-Islamic city. The selected method of this descriptive research is using quantitative information, based on documents and field studies, to identify and analyze the routes to the shrine of her holiness Masumah. To accomplish this, first, the route evaluation variables were identified based on the theoretical frameworks. Feeding these information to the GIS descriptive tables software, different layers of data were extracted. Superimposing sets of these layers on each other, the score of each route was determined according to the type of activity and the zone uses. The data required for these tables were collected from baseline and status maps. The field data were collected, using analytic hierarchy process (AHP), from the pilgrims, the stakeholders and the officials. This was done through questionnaires, interviews, and visual expression of what pilgrims see and depict (for example, taking photos) on their pilgrimage route. The outcome of this research is the descriptions and categorization of characteristics related to the walkways of the shrine of her holiness Masumah, as well as scoring and ranking of each route based on evaluation indicators. The results show that, based on such criterion, Eram Street is the preferred way for pilgrims to reach this shrine.

Keywords: Religious Pavement, Masoumeh Shrine, Islamic city, Iranian city, Qom, Eram street.



Interviewing the Principles of Contemporary Housing Architecture Based on the Recognition of Iranian-Islamic Values

Mehrnaz ramzanpour

Ph.D Student, Faculty of Architecture and Urban planning, Shahid Rajaei Teacher Training University

Ali Sharghi ^{**}(Corresponding Author)

Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban planning, Shahid Rajaei Teacher Training University

^{**}E-Mail: sharghi@sru.ac.ir

Jamaledin Mahdinejad

Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban planning, Shahid Rajaei Teacher Training University

Abstract:

Each society has a special culture and worldview that explains its ideals. In construction of Iranian's historical buildings, Islamic worldview has played a crucial role as a valuable source. With the emergence of modern architecture and the disappearance of identity in new constructions, the principles cognition is one of the important issues that trying to understand the practical methods to achieving the historical principles and use them in a new way in today's architecture. The present study, with considering the importance of housing issue and the qualitative degradation of contemporary housing, pay attention in this regard, based on the authentic values in life. In this way, we apply the principles of the Iranian-Islamic housing architecture. This practical research is done by descriptive-analytic method using documentary and library studies. Initially, these principles were extracted and prioritized by qualitative and quantitative content-analyzing the researches that they had a relationship with this study's issue. as regards, the Iranian house should be valued for the Muslim (as a resident), at a later stage, the housing criteria were obtained from the point of Islamic view through verses and hadiths, and these criteria compared and complied with the principles of the first phase and final prioritization was performed. In the final stage, the principles of housing architecture based on Iranian-Islamic values were formulated and contemporized by using logical reasoning, in order to cite and use for current house in planning stage. As a result of this research, the principles of contemporary Iranian-Islamic housing architecture are as follows: 1) Environmental dimension: naturalism, coordination with the context, regulation of environmental conditions with respect to the climate and region, moderation. 2) Human dimension: psychological comfort, biological comfort. 3) Physical and functional dimension: using geometry and modulus, utilizing familiar elements and apparent desirability, visual comfort, Social interactions.

Keywords: Iranian Housing, Islamic Housing, Principles of Iranian-Islamic Architecture, Modernization.

Contents

Interviewing the Principles of Contemporary Housing Architecture Based on the Recognition of Iranian-Islamic Values	5
Mehrnaz ramzanpour, Ali Sharghi, Jamaledin Mahdinejad	
Analysis of the evaluation of religious paths of the holy shrine of Masoumeh	19
Mohammad Komeili	
Determining the Adequate Housing Indicators from Islamic School Viewpoint	33
Moslem Zarghamfard, Abolfazl Meshkini, Benyamio Murgante, Moslem Zarghamfard	
Feasibility of walkability promotion with a vitality approach in urban public spaces; Case study: The design of Imam Khomeini's street in Sanandaj	47
Saba Jahangir, Hamid Reza Saremi, Hossein kalantari khalilabad	
Surveying and Analyzing of Effective Factors on the Concept of Neighborhood as a Place of Dwelling; Based on the Views of the Prominent Philosophers of Islamic Utopia	65
Gholam Reza Haghighat Naeini, Mohammad Shaikhi, Morteza Mahmoudi Mehmandoost	
Investigating the Factors Affecting the Development of Cultural Tourism Entrepreneurship Using Fuzzy Cognitive Mapping; Case Study: Yazd city	79
Mehdi basouli, Seyed Saeed Hashemi, Mohammad Hosein Imani Khoshkho, Seyed Habib o Allah Mirghafouri	



- The scientific and research ranking of the Journal of Studies on the Islamic-Iranian City has announced by the secretariat of the Commission for the Scientific Journals (Iran Ministry of Science, Research and Technology) according to the letter No. 89/11/51667 dated 1389/8/30.
- The certification for publishing this quarterly journal is issued by the Iran Ministry of Culture and Islamic Guidance by the letter 12629/89 dated 1389/6/13.
- Indexed and abstracts in:
• The Regional Information Center for Science & Technology (RICeST) (<http://www.srlst.com>)
• The Scientific Information Database of ACECR (<http://www.sid.ir>).



Iranian-Islamic City

Vol. 9, No. 35, Spring 2019

Publisher: Institute of Culture, Art & Architecture, Iranian Academic Center for Education, Culture & Research (ACECR)

Editorial Committee:

Managing Director: Dr. Iraj Feyzi

Editors -in- Chief: Dr. Ahmad Pourahmad

SBU Editor-in-Chief: Dr. Hossein Kalantari khalilabad

Farsi-Editor: Sepideh Seyyed faraji

Administrative Director: Eng. Masoud Dadgar

Executive Affairs: Eng. Mansour Nadiri

Editorial Board, in alphabetical order:

- | | |
|-----------------------------------|---|
| ● Dr. Mojtaba Ansari | Associate Prof. of Architecture, University of Tarbiat Modares |
| ● Dr. Mostafa Behzadfar | Prof. of Urban Planning, University of Science and Industry |
| ● Dr. Jahanshah Pakzad | Prof. of Urban Planning, University of Shahid Beheshti |
| ● Dr. Behnam Jalali | Assistant Prof. of Architecture, University of Science and Culture |
| ● Dr. Karamat alah Ziyari | Prof. of Human geography, University of Tehran |
| ● Dr. Mohsen Sartipi Pour | Prof. of Architecture, University of Shahid Beheshti |
| ● Dr. Hosein Kalantari khalilabad | Prof. of ACECR |
| ● Dr. Yaghub Mohammadifar | Prof. of Archaeology, University of Bu-Ali Sina |
| ● Dr. Mohammad Masoud | Associate Prof. of Urban Development and Preparation, University of Art Isfahan |
| ● Dr. Ahmad Nouhegar | Prof. of physical Geography, University of Hormozgan |



Editorial correspondence should be addressed to The Editors

Iranian - Islamic city studies

Institute of Culture, Art & Architecture of the ACECR,

Saba-ye-jonoubi Street, between Vali-Asr Crossroad and palestine Street, Inqelab-e-Eslami Ave, Tehran, Iran.

Tel: +98 (21) 66970901,2

Fax: +98 (21) 66970903

<http://iic.icas.ir>

E-mail: iic@icas.ir

